



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



رسالت
علیهما الصلوات
والتسلیمات

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

تاریخچه قم و مساجد تاریخی آن



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تاریخچه قم و مساجد تاریخی آن

نویسنده:

محمد رضا کوچک زاده

ناشر چاپی:

انشریح

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۱	تاریخچه قم و مساجد تاریخی آن
۱۱	مشخصات کتاب
۱۱	پیش‌گفتار
۱۲	بخش اول: برگزیده‌ای از تاریخچه شهر مقدس قم
۱۲	اشاره
۱۲	شهر مقدس قم
۱۲	مقدمه
۱۳	شواهد و اسناد تاریخی مربوط به قدمت قم
۱۴	نگین قم (۲۸)
۱۴	القاب قم (۲۹)
۱۴	مؤلف اصلی تاریخ قم
۱۵	علت نام گذاری نام قم
۱۶	نتیجه
۱۶	اشعریان چه کسانی بوده‌اند و چه دینی داشته‌اند؟
۱۸	برخی از دلایل توجه سادات و امامزادگان به قم
۱۹	اسامی برخی از امامزادگان قم
۲۰	برخی از آثار تاریخی قم (۴۹)
۲۰	نگرشی بر وضعیت قم از اوایل هجرت تا زمان قاجاریه
۲۱	برخی از شورش‌ها و قیام‌های مردم قم در دوره‌هایی از تاریخ
۲۲	انقلاب اسلامی و قیام مردم قم
۲۳	قیام ۱۹ دی ماه مردم قم
۲۴	رجال برجسته علمی و سیاسی قم

- ۲۶ مقابر برخی از علما، محدثین ، شهدا و بزرگان مدفون در شهر مقدس قم
- ۲۷ برگزیده ای از جغرافیای استان قم (۷۰)
- ۲۸ حوزه علمیه قم و نقش علما در رشد آن
- ۲۸ فصل اول : حوزه علمیه قم
- ۲۸ مقدمه
- ۲۹ قسمت اول : تاسیس حوزه علمیه قم :
- ۳۰ قسمت دوم : شرح بعضی از مدارس حوزه علمیه قم :
- ۳۱ قسمت سوم : مدیریت حوزه علمیه قم :
- ۳۲ قسمت چهارم : برنامه تحصیلی طلاب
- ۳۳ قسمت پنجم : مرکز جهانی علوم اسلامی
- ۳۳ قسمت ششم : علل عمده پیشرفت تحصیلی طلاب
- ۳۴ فصل دوم : نقش عده ای از علمای اسلام در احیای حوزه علمیه قم
- ۳۴ مقدمه
- ۳۴ توضیح
- ۳۵ الف - حضرت آیه الله محمد فیض
- ۳۵ ب - آیه الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی
- ۳۶ ج - حضرت آیه الله العظمی سید حسین بروجردی (۸۲)
- ۳۷ د - حضرت آیه الله العظمی روح الله الموسوی الخمینی قدس سره (۸۵)
- ۳۸ فصل سوم : مبارزات سیاسی و نقش ایشان - امام خمینی - در حوزه علمیه
- ۳۸ اشاره
- ۴۱ ۱ - حاج شیخ فضل الله نوری
- ۴۱ ۲ - آخوند خراسانی
- ۴۱ ۳ - شیخ محمد تقی باقری
- ۴۱ ۴ - سید حسن مدرس

- ۴۱ ۵ - حاج آقا نورالله اصفهانی
- ۴۲ معرفی کتابخانه بزرگ حضرت آیه الله العظمی مرعشی نجفی
- ۴۲ تاریخچه فعالیت
- ۴۳ اهداف
- ۴۳ واحدهای کتابخانه
- ۴۶ بخش دوم : حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها
- ۴۶ اشاره
- ۴۶ شخصیت و فضایل حضرت فاطمه معصومه علیها السلام
- ۴۷ چگونگی عزیمت حضرت فاطمه معصومه علیها السلام از مدینه به قم
- ۴۷ محل فرود آمدن حضرت فاطمه معصومه علیها السلام یا ستی (۹۷) فاطمه در قم
- ۴۸ مخدرات مدفون در داخل حرم
- ۴۹ اطلاعات کوتاه از تاریخچه حرم مطهر حضرت فاطمه معصومه علیها السلام (۱۰۱)
- ۴۹ حضرت فاطمه معصومه علیها السلام قبل از حضرت رضا علیه السلام از دنیا رفته است
- ۵۰ القاب حضرت فاطمه معصومه علیها السلام
- ۵۰ جریان مسافرت و ورود حضرت فاطمه معصومه علیها السلام به قم
- ۵۱ حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام در قم
- ۵۱ تاءثیر دفن حضرت فاطمه معصومه علیها السلام در وضع قم
- ۵۲ کرامات (۱۰۹) حضرت فاطمه معصومه علیها السلام
- ۵۴ بخش سوم : مساجد تاریخی قم
- ۵۴ توضیح
- ۵۴ مساجد
- ۵۴ مقدمه
- ۵۵ ویژگی های مسجد نمونه
- ۵۵ نمونه‌های مسجد در فرهنگ اسلامی

- ۵۷ آداب مسجد
- ۵۷ بهداشت مساجد
- ۵۸ خادمین مساجد چگونه باید باشند؟
- ۵۹ معماری مساجد
- ۶۰ اهمیت نماز (جمعه و جماعات)
- ۶۱ آداب و احکام نماز
- ۶۲ ویژگی های امام جماعت
- ۶۳ مسجد امام حسن عسکری علیه السلام
- ۶۳ مقدمه
- ۶۳ برگزاری نمازهای جماعت در این مسجد
- ۶۴ نام برخی از ائمه جماعات پیشین مسجد امام حسن عسکری علیه السلام
- ۶۴ نام برخی از ائمه جماعات فعلی مسجد امام حسن عسکری علیه السلام
- ۶۴ برنامه های مذهبی و ملی این مسجد
- ۶۵ موقعیت و تاریخچه مسجد امام حسن عسکری (ع) با توجه به نظریات محققان و نویسندگان
- ۶۷ در توصیف از بقعه شاهزاده ناصر
- ۶۷ بررسی و نتیجه گیری از نظرات نویسندگان در مورد مسجد امام حسن عسکری (ع)
- ۶۸ توصیف فیزیکی مسجد امام حسن عسکری علیه السلام
- ۷۰ مسجد جامع قم
- ۷۰ مقدمه
- ۷۱ ابیاتی راجع به عظمت بنا و فضیلت مسجد جامع قم
- ۷۲ توصیف فیزیکی مسجد جامع قم
- ۷۲ اشاره
- ۷۲ الف - ایوان مجلل و باشکوه
- ۷۳ ب - مقصوره

۷۴	ج - گوشوارها
۷۴	د - شبستان ها
۷۴	ه - ایوان شمالی
۷۵	و - سر در ورودی
۷۵	ز - محراب ها
۷۵	ح - صحن مسجد
۷۶	ط - زیرزمین مسجد
۷۶	ی - نمونه های دیگر
۷۷	تاریخچه بنای مسجد جامع قم
۷۷	نظر عده ای از نویسندگان در مورد مسجد جامع قم
۸۰	بررسی و نتیجه گیری از نظرات نویسندگان درباره مسجد جامع
۸۲	نتیجه گیری کلی
۸۳	مطالبی دیگر در ارتباط با مسجد جامع
۸۳	داستان دعبل و ارتباط آن با قم و مسجد جامع
۸۳	مدرسه غیاثیه
۸۵	مسجد مقدس جمکران
۸۵	توصیف مسجد مقدس جمکران
۸۶	تاریخچه مسجد مقدس جمکران
۸۸	حکایت بنای مسجد جمکران قم (۲۵۶)
۸۸	قسمت اول
۸۹	قسمت دوم
۹۰	کرامتی از حضرت بقیه الله الاعظم (عج) در مسجد مقدس جمکران
۹۱	نقش حاج شیخ محمدتقی بافقی در احیای مسجد مقدس جمکران
۹۳	اعتکاف

- ۹۴ حسن ختام این مبحث
- ۹۵ برخی مساجد مهم دیگر قم
- ۹۶ مسجد امام حسن مجتبی علیه السلام
- ۹۸ پی نوشتها
- ۹۸ ۱ تا ۹۹
- ۹۹ ۱۸۷ تا ۱۰۰
- ۱۰۱ ۲۷۹ تا ۱۸۸
- ۱۰۲ درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

گیرد و ما را با ارائه نظرات و پیشنهادات و انتقادات سازنده یاری نمایید. در پایان لازم است از باب تذکر، لطف و عنایت باری تعالی را سپاس گویم که این حقیر را توفیقی چنین عطا فرمود و نیز بر خود فرض می دانم به مصداق لم یشکر المخلوق لم یشکر الخالق از همه عزیزان و سرورانی که در راستای این تحقیق، یاور و راهنما بودند تقدیر و تشکر نمایم. اسامی عده ای از این عزیزان و نیز ارگان ها و سازمان ها عبارتند از: ۱- استاد گرانقدر، نویسنده و دانشمند محترم، جناب آقای علی اصغر فقیهی که قسمت عمده این تحقیق را مرهون راهنمایی های بسیار عالی و متواضعانه ایشان می باشم. ۲- امام جماعت محترم مسجد جامع قم، حضرت حجه الاسلام و المسلمین جناب حاج آقا سید مهدی صحفی که مرا از راهنمایی های ارزشمند بهره مند ساختند. ۳- حضرت حجه الاسلام و المسلمین حاج آقا علی احتشام، یکی از روحانیون برجسته محله مسجد جامع. ۴- حضرت آیه الله حاج مهدی فیض یکی از ائمه جماعت مسجد امام حسن عسکری (علیه السلام). ۵- آقای محمد حاج علی اکبری، تلاش در جهت چاپ و نشر این کتاب. ۶- آقای محمد جواد حاج علی اکبری تلاش در جهت امور اداری و اجرایی مربوط به این کتاب. ۷- عوامل اداری و اجرایی کتابخانه پر فیض مرحوم حضرت آیه الله العظمی مرعشی نجفی به ویژه تولیت محترم آن حضرت حجه الاسلام و المسلمین دکتر سید محمود مرعشی نجفی. ۸- مسئولین و عوامل کتابخانه ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران. ۹- مسئولین اداره کل اوقاف و امور خیریه استان قم. ۱۰- مرکز جهانی علوم اسلامی. ۱۱- مدیریت محترم حوزه علمیه قم. و... دیگر دوستان و دانش پژوهان و مراکز علمی و مذهبی که یاری و الطاف آنان محل تقدیر و سپاس است. اجرکم عندالله محمدرضا کوچک زاده - دهه مبارکه فجر ۱۳۷۷

بخش اول: برگزیده ای از تاریخچه شهر مقدس قم

اشاره

در این بخش، مطالبی درباره سابقه تاریخی قم و اهمیت آن، علت نام گذاری نام قم، علل مهاجرت عرب ها و نیز سادات و امامزادگان به این شهر، قیام های مردم قم بر علیه ستمگران و همچنین کلیاتی در مورد جغرافیای استان قم، ارائه خواهد شد. همچنین از آن جا که حوزه علمیه قم، در زمره بهترین و باشکوه ترین حوزه های علمیه دنیا به شمار می رود، ارائه مطالبی درباره آن - هر چند مختصر - ضروری است. بنابراین، مطالب این بخش برای کسانی مفید خواهد بود که علاقه مند هستند تا با نحوه شکل گیری این حوزه مقدسه و نیز با علمایی که با تلاش و کوشش خود، آن را پابرجا و احیا نموده اند، آشنا شوند. در پایان بخش اول نیز مطالب کوتاهی در مورد کتابخانه بزرگ مرحوم حضرت ایه العظمی مرعشی نجفی - که یکی از بزرگترین کتابخانه های ایران می باشد - ارائه گردیده است تا علاقه مندان و دانش پژوهان محترم، با این نمونه بارز باقیات الصالحات بیشتر آشنا شوند.

شهر مقدس قم

مقدمه

شهر قم مدت ها پیش از ظهور اسلام وجود داشته و از شهرهای آباد ایران بوده است. (۱) قدیمی ترین منبعی که قم را از شهرهای مستحدثت اسلامی معرفی کرده، سفرنامه منسوب به ابی دلف است. این سرزمین را در دوران باستان براوستان می گفتند و حوزه رستاقی (۲) آن کمیدان و مرکز رستاق را به نام کم می خواندند. در قرن اول اسلامی، این شهر به نام کم معروف بود، و از رستاقی اصفهان به شمار می آمد. در سال ۱۸۹ ه. ق از اصفهان جدا گردید و به صورت شهر مستقلی درآمد و جایگاه پرورش فقها و دانشمندان شد. در طی قرون و اعصار، شهر مقدس و مذهبی قم صدمات جبران ناپذیری از طرف ستمگران بر آن وارد شد که

فهرست قسمتی از آن‌ها به شرح ذیل است: ۱- قتل عام و تخریب شهر در عهد مأمون به جهت امتناع از خراج؛ ۲- قتل عام و تخریب کامل شهر در حمله مغول؛ ۳- قتل عام و تخریب شهر در حمله امیر تیمور گرگانی؛ ۴- قتل عام و تخریب در زمان معتز (خلیفه عباسی - پسر متوکل)؛ ۵- کشتار مردم در حمله افغان‌ها؛ ۶- کشتار مردم توسط نادرشاه؛ ۷- کشتار گروهی از مردم توسط آقا محمد خان قاجار. (۳) تعداد امامزادگان و بندگان صالحی را که در این شهر مدفون هستند و گنبد و بارگاه دارند، بالغ بر ۴۴۴ قبه نوشته اند. (۴) بعد از ظهور اسلام و توجه شیعه به این شهر، عده‌ای از امامزادگان، علما و محدثان در قبرستان قم - که خارج از شهر و در سمت مغرب بود - مدفون گردیدند. در اواخر قرن دوم هجری، حضرت فاطمه معصومه علیهاالسلام خواهر حضرت امام رضا (علیه السلام) که به قصد دیدار برادر خود به خراسان می‌رفت، در شهر قم بیمار شد و در همین شهر رحلت فرمود و در قبرستان قم به خاک سپرده شد. از آن زمان به بعد مردم به تدریج مساکن خود را به قبرستان نزدیک کردند تا به مدفن حضرت فاطمه معصومه علیهاالسلام نزدیک باشند و از زیارت قبر وی بهره مند شوند. از این رو به مرور زمان، ساختمان‌های شهر در قسمت‌های مشرق متروک ماند و مردم به سمت غرب شهر روی آوردند. شهر قم در سال ۲۳ ه. ق. به دست ابو موسی اشعری فتح شد و اسلام در آن جا به حدی نفوذ پیدا کرد که به سرعت مردم به مذهب تشیع گرویدند. (۵)

شواهد و اسناد تاریخی مربوط به قدمت قم

برخی از شواهد و اسناد تاریخی مربوط به وجود شهر قم، پیش از اسلام و بلکه قرن‌ها پیش از آن با توجه به کتاب تاریخ مذهبی قم - که آن خود نیز برگرفته از کتاب‌های معتبر است - عبارتند از: ۱- به تصریح بلاذری، (۶) اعثم کوفی و (۷) نویسنده تاریخ قم (۸) شهر قم در سال ۲۳ هجری به دست مسلمانان به سرداری ابو موسی اشعری فتح شد؛ بنابراین مقارن با ظهور اسلام و در دوره ساسانیان، شهری به نام قم وجود داشته که مسلمانان آن را فتح کرده اند. ۲- یعقوبی - مورخ معروف قرن سوم هجری - قم را جزء شهرهای عصر ساسانی نام برده است. (۹) ۳- در دو بیت زیر (۱۰) نام قم جزء شهرهای عصر پیشدادیان و کیانیان آمده است: بفرمود عهد قم و اصفهان نهاد بزرگان و جای نهان نوشتن زمشک و زعنبر دبیر یکی نامه از پادشاه بر حریر ۴- در دهی از ده‌های قم به نام مزدکان، آتش آتشکده آذرگشسب قرار داشته است. (۱۱) ۵- در جنگ قادسیه، سپاهی از شهرهای قم و کاشان به سرداری شیرزاد - والی این دو شهر - به کمک سپاه ایران آمده بود تعداد این سپاه بیست و پنج هزار سواره و پیاده بود و نیز در جنگ نهاوند سپاهی به تعداد بیست هزار سوار از قم و کاشان شرکت داشته و پس از شکست سپاه ایران، امیر قم در اصفهان نزد یزدگرد رفت. (۱۲) ۶- قم در زمان ساسانیان جزء بلاد پهلویان به حساب آمده است. (۱۳) ۷- شهرستان قم مقارن حمله مسلمانان به اندازه‌ای وسعت داشت و پرجمعیت بود که تنها از یک قریه چهار هزار مرد بیرون آمدند، که هر یک خدمتکار و نان‌پز و آشپزی به همراه داشت. (۱۴) ۸- دینوری می‌گوید: انوشیروان کشور را به چهار قسمت کرد و در هر قسمت مردی مورد اعتماد از طرف خود قرار داد؛ شهر قم جزء شهرهای قسمت دوم بود. (۱۵) ۹- دینوری می‌گوید که یزدگرد پس از شکست در مقابل مسلمانان به قم و کاشان فرود آمد. فخرج یزدگرد هاربا حتی نزل قم و قاشان. (۱۶) ۱۰- در منظومه ویس و رامین - که اصل داستان آن مربوط به پیش از اسلام است - در چند مورد نام قم آمده است؛ از جمله: ز گرگان و ری و قم و صفاهان ز خوزستان و کوهستان و آزان (۱۷) ز گرگان و ری و قم و صفاهان که رامین رابدندی، نیک، خواهان (۱۸) شهر مقدس قم، نه فقط در این عصر و زمان، الگو و سرمشق دیگر شهرها و کشورهای جهان است، بلکه از زمان‌های دور، چنین بوده است. شاهد این ادعا، احادیث و روایاتی است که به چند نمونه آن‌ها در بخش آتی اشاره شده است. شرافت قم و اهل آن با توجه به احادیث و روایات از جمله اماکن مقدسه، شهر مذهبی قم است که از دیر زمان دارای مزایا و امتیازات خاصی بوده است و هم‌اکنون این شهر مقدس از دو جهت به دو نور، منور و روشن است ۱- نور ولایت که از حرم مطهر حضرت فاطمه معصومه علیهاالسلام ساطع و لامع است.

۲- نور علم و دانش که از دانشگاه حضرت امام جعفر صادق (علیه السلام) (حوزه علمیه مقدسه قم) نورافشانی کرده و از این شهر (معدن علم) به سایر نقاط دوردست ایران اسلامی و جهان اسلام تابش می‌کند و دل‌ها را منور و روشن می‌نماید. (۱۹) ۱- قال الصادق علیه السلام: ان الله حرما و هو مکه و ان للرسول حرما و هو المدینه و ان لامیر المؤمنین حرما و هو الکوفه و لنا حرما و هو قم و ستدفن فیها امراه من ولدی تسمى فاطمه، من زارها و جبت له الجنة (قال علیه السلام ذلك و لم تحمل بموسی امه) (۲۰) امام صادق (علیه السلام) فرمودند: خدا دارای حرمی است که آن مکه است و پیامبرش هم حرمی دارد که مدینه است و امیرالمؤمنین هم حرمی دارد که کوفه است و ما هم دارای حرمی هستیم که قم؛ و به زودی بانویی از فرزند من آن جا دفن می‌شود که نامش فاطمه است؛ هر کس او را زیارت کند بهشت بر او واجب می‌شود. (امام صادق (علیه السلام) هنگامی این جمله را فرمودند که هنوز مادر امام موسی بن جعفر به او حامله نشده بود). ۲- عن ابی الحسن الرضا علیه السلام قال: ان للجنة ثمانیه ابواب، و لاهل قم واحد منها فطوبی لهم، ثم طوبی لهم ثم طوبی لهم: (۲۱) امام رضا (علیه السلام) فرمودند: بهشت دارای هشت در است، یکی از آن‌ها برای قمی‌هاست، پس خوشا به حالشان و آفرین بر آنان و آفرین بر آنان. ۳- روی عن الائمة: لولا القیمون لضاع الدین (۲۲) از ائمه (علیهم السلام) نقل شده که فرمودند: اگر مردم قم نبودند، دین تباہ می‌شد. ۴- قال الصادق علیه السلام: اذا اصابتکم بلیه و عناء فعلیکم بقم، فانه ماءوی الفاطمین. (۲۳) امام صادق (علیه السلام) فرمودند: زمانی که رنج و گرفتاری به شما رو آورد، به قم روی آورید؛ زیرا قم پناهگاه فاطمیان و محل آسایش مؤمنان است. ۵- عن ابی عبدالله علیه السلام قال: ان الله اختار من جمیع البلاد کوفه و قم و تفلیس. (۲۴) امام صادق (علیه السلام) فرمودند: خداوند از میان همه شهرها کوفه، قم و تفلیس (۲۵) را برگزیده است. ۶- قال الصادق علیه السلام: فی قم شیعتنا و موالینا و تكثر فیها العماره، و یقصدہ الناس و یجتمعون فیہ حتی یکون الجمر بین بلدتهم. (۲۶) امام صادق (علیه السلام) فرمودند: در شهر قم شیعیان و دوستان ما هستند، در آینده ساختمان در آن شهر زیاد می‌شود و مردم راهی آن جا شده و در آن شهر اجتماع می‌کنند تا جایی که نهر جمر (۲۷) وسط شهر قرار می‌گیرد. البته احادیث فراوانی در مورد عظمت شهر قم نقل شده که جهت اختصار فقط به نمونه‌هایی از آن اشاره گردید و بعضی از احادیث نیز در مابین مطالب بیان خواهد شد.

نگین قم (۲۸)

شهرها انگشترند و قم نگین قم همواره حجت روی زمین تربت قم قبله عشق و وفاست شهر علم و شهر ایمان و صفاست مرقد معصومه علیها السلام چشم شهرها مهر او جانهای ما را کهربا در حریمش مرغ دل پر می‌زند هر گرفتار آمده در می‌زند این حرم باشد ملانک را مطاف زائران را ارمغان عشق و عفاف حوزه قم هاله ای برگرد آن فقه و احکام خدا را مرزبان قم همیشه رفته راه مستقیم بوده در مهر هدایتها مقیم شهر خون شهر شرف شهر جهاد شهر فقه و حوزه، علم و اجتهاد هر کجا را هرچه سیرت داده اند اهل قم را هم بصیرت داده اند نقطه قاف قیامند اهل قم برق تیغ بی نیامند اهل قم اهل قم از یاوران قائم اند در قیام و پیشتازی دائمند

القاب قم (۲۹)

قم از جمله شهرهایی است که القاب متعدد به آن داده شده است؛ و این القاب مانند القابی که به دیگر شهرهای اسلامی داده اند، مفهوم دینی و مذهبی دارد. آنچه از القاب قم در آثار نویسندگان از دوره مغول به بعد بوده عبارت است از: دارالمؤمنین، دارالعباده، دارالمؤحدین، دارالعلم، دارمدینه المؤمنین، بلده المؤمنین، مدینه المؤمنین، خاک فرج (۳۰)

مؤلف اصلی تاریخ قم، حسن بن محمد بن حسن قمی است که آن را در سال ۳۷۸ هجری به نام صاحب بن عباد - وزیر معروف و دانشمند آل بویه - تالیف کرده است. قدیمی ترین نویسنده ای که از تاریخ قم و مؤلف آن نام برده است، ابن طباطبا - از علمای قرن پنجم - می باشد که در کتاب منتلقه الطالبیه در چند مورد از کتاب تاریخ قم به عنوان کتاب قم نقل کرده است. در دوره صفویه تنها نویسنده ای که گویا متن تاریخ قم را در دست داشته، بنا بر نوشته مرحوم حاجی نوری، امیر سید احمد حسینی، مؤلف کتاب فضایل السادات مسمی به منهاج الصفوی است؛ و از علمای متأخر، عالم جلیل آقای محمدعلی، پسر استاد علی اکبر بهبهانی است که در حواشی نقد الرجال از اصل کتاب تاریخ قم نقل کرده است. متأسفانه اصل عربی این کتاب موجود نیست، اما فقط ترجمه یک چهارم کتاب پنج باب از بیست باب موجود است. ترجمه مزبور در سالهای ۸۰۵ و ۸۰۶ هجری انجام یافته و مترجم که معلوم است مردی مطلع بوده، به نام حسن بن علی بن عبدالملک قمی است که آن را به نام ابراهیم بن محمود علی صفی ترجمه کرده است. لازم به ذکر است که خاندان صفی در قرون هشتم و نهم در شهر قم شهرتی داشته اند و افرادی از این خاندان در این شهر دارای نفوذ و قدرت و مقامی بوده اند. (۳۱) قبل از تالیف کتاب تاریخ قم، کتاب دیگری، مشتمل بر مجموع اخبار قم، تالیف شده بود که آن را مردی عرب مقیم قم به نام علی بن حسین بن محمد بن عامر در سال ۳۲۸ نوشته بود. کتاب مزبور به دست نویسنده تاریخ قم نرسید، زیرا مؤلف، آن را در اتاقی گذاشت و به علت فرود آمدن سقف آن اتاق کتاب از بین رفت.

علت نام گذاری نام قم

در کتاب تاریخ قم، تالیف حسن بن محمد بن حسن قمی در بیان علت نام گذاری قم چنین آمده است: شهر قم را بدین علت قم نامیدند که محل جمع شدن آب ها و آب تیمره و انار بوده است (تیمره را دیمره هم می گفته اند که ظاهراً از رودهای آن زمان بوده است) که چون آب در آن جا جمع می شده و آن را هیچ منفذ و رهگذری نبوده، در اطراف آن جا علف و گیاهان و نباتات فراوان می رویده است و در عرب، جمع شدن آب را قم گویند؛ که بعضی قمقمه را معرب کمکم دانسته اند و گلاب پاش را نیز نوعی از قمقمه وصف کرده اند و جمع آن را قماقم نامیده اند؛ با این تفاوت که وقتی در آن نواحی علف زار و سبزه زار زیاد می شد، چوپانان برای چرانیدن گوسفندان خود، برگرد علف زارها خیمه می زدند و خانه هایی را بنا می کردند و خانه های ایشان را در فارسی، کومه نامیدند و به مرور زمان کومه تبدیل به کم شد؛ پس آن را معرب گردانیده و قم نامیدند. در این مورد مناسب است به حدیثی اشاره نماییم: از حضرت صادق (علیه السلام) از پدران بزرگوارش از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) روایت شده است که فرمود در شب معراج که به سوی آسمان می رفتم، جبرئیل مرا بر کتف راستش نشانده بود، در زمین جبل بقرعه ای دیدم از مشک خوشبو تر و از زعفران خوش رنگ تر، ناگاه دیدم پیرمردی کلاه درازی بر سر دارد؛ به جبرئیل گفتم این بقرعه چیست؟ گفت: جایگاه شیعیان تو و شیعیان وصی تو علی (علیه السلام) است. گفتم: این پیرمرد کیست؟ گفت: شیطان است. گفتم: از ایشان چه می خواهد؟ گفت: می خواهد آنان را از دوستی و ولایت امیر المؤمنین (علیه السلام) بازدارد و به نافرمانی خدا و گناه دعوتشان کند، گفتم: ای جبرئیل ما را به آن مکان ببر. با حرکتی سریع تر از برق ما را به آنجا رسانید. گفتم: یا ملعون، قم! یعنی ای ملعون برخیز و برو، در اموال و اولاد و زنان دشمنان ایشان شرکت کن؛ زیرا به راستی تو را بر شیعیان من و شیعیان علی سلطنتی نیست، از این رو آن مکان قم نامیده شد. (۳۲) سئل ابو عبدالله (علیه السلام) این بلاد الجبل؟ فانا قد روینا انه اذا رد الیکم الامر یخسف ببعضها، فقال: ان فها موضعا یقال له بحر و یسمی بقم و هو معدن شیعتنا. از امام صادق (علیه السلام) سؤال شد: شهرهای جبل کجاست؟ برای ما نقل کردند: زمانی که حکومت به شما برگردد قسمتی از آن از بین می رود. امام فرمودند: در آن جبل مکانی است که به آن بحر گفته می شود و آن قسمت قم نامیده می شود و آنجا مرکز شیعیان ماست. (۳۳) همچنین در مورد این مطلب که چه کسانی نخستین بار قم را بنا کردند و به چه علت آن را بدین نام گذاشتند، مطالبی را عیناً از کتاب تاریخ قم تالیف

حسن بن محمد بن حسن قمی بیان می‌داریم: چنین گویند که قم را در قدیم الایام، صفرا نام نهادند و صفرا خواندند و در روزگار عجم تا آن گاه که آل سعد بن ملک به قم نزول کردند، آب عزیز الوجود (۳۴) و کم بوده است؛ و در کتاب سیر الملوک عجم چنین آمده است که: چون بهرام گور به جانب بلاد ارمنیه می‌رفت، اتفاقاً رهگذر او بر دیه‌ی (۳۵) بود از تخوم (۳۶) ساوه که آن را طغروء می‌گویند؛ بدین دیه آتشکده بنا نهاد و آتش در آن برافروخت و بازاری در آن پدید کرد و قم و روستاق‌های روستا آن را بنا نهاد و آن را ممجان نام نهاد و به مزدجان بارو کشید و ابو عبدالله احمد بن اسحق همدانی الفقیه چنین روایت کند در کتابی که آن را کتاب بلدان نام کرده است قم را قمساره بن لهراسب بنا کرده است. ابو عبدالله حمزه بن حسن اصفهانی در کتاب اصفهان یاد کرده است که چون عرب اشعریان به قم آمدند. در جوانب قم در خیمه‌هایی از مو بزول کردند. چون در این ناحیه متمکن شدند. در صحاری (۳۷) هفت ده و خطه و منزل ساختند و سراها و بناها و قصرها و عمارت‌ها بنا نهادند و فرود آمدند و آن هفت ده ممجان، قزدان، مالون، جمر، سکن، جلنبدان و کمیدان بودند. چون این روستاها به هم نزدیک شد، از مجموع آن نام‌ها کمیدان را اختیار کردند و مجموع این ده‌ها را کمیدان نامیدند. پس از مدتی برای اختصار، چهار حرف آن را حذف کردند و آن را کم نامیدند که پس از معرب ساختن، قم نامیدند.

نتیجه

شاید در بین علل مختلفی که برای وجه تسمیه قم ذکر کرده‌اند از همه صحیح‌تر این باشد که کلمه قم معرب کومه است؛ بدین شرح که چون سرزمین قم پیش از آن که به صورت شهر در آید دارای گودال‌های پر آبی بوده و چوپانان گوسفندان خود را برای آشامیدن آب و چرانیدن در سبزه زارهای اطراف آن گودال‌ها می‌برده‌اند، به تدریج عده‌ای از چوپان‌ها به دلیل توقف طولانی در آن سرزمین، برای خود مساکن موقتی - که در فارسی به آن کومه گویند - ساخته‌اند. این کومه‌ها کم کم زیاد شده و توسعه پیدا کرد پس از مدتی به صورت ده درآمد و چون آب سرزمین از لحاظ طبیعی برای شهر مناسب بود، به مرور زمان و زیاد شدن سکنه آن، مبدل به شهر شد؛ ولی به مناسبت مساکن اولیه چوپانان، نام کومه برای آن باقی ماند. بعد از ظهور اسلام و نفوذ زبان و ادبیات عرب و ایران در یکدیگر، بسیاری از کلمات فارسی تغییر شکل داد و از جمله کوم مبدل به قم گردید. در این قسمت با مطالبی درباره اشعریان و علت مهاجرت آنان به قم و مطالبی دیگر، آشنا خواهید شد. مطالعه این قسمت، بسیار لازم و ضروری است؛ چرا که نام قم بدون وجود اشعریان، و وجود اشعریان بدون قم، امکان‌پذیر نیست.

اشعریان چه کسانی بوده‌اند و چه دینی داشته‌اند؟

اشعریان از عرب‌های قحطانی و در اصل مقیم یمن بودند و چون جد ایشان - ادر - هنگامی که از مادر زائیده شد سر او پر مو بود، وی را اشعر (۳۸) نامیدند. نخستین فرد از آل اشعر که به قصد مسلمان شدن از یمن بیرون آمد و در مدینه به حضور پیغمبر (صلی الله علیه و آله) رسید، ملک بن عامر اشعری بود که در اسلام مقام بلندی یافت. نویسنده تاریخ قم گوید: همچنین از مفاخر ایشان (آل اشعر) آن که فرزندان ملک بن عامر اشعری؛ مخصوص شدند به اعتقاد مذهب شیعت به خلاف دیگر مردمان و این مذهب را اظهار کردند و خود را بدان شهرت دادند. آن طور که معلوم است از قبیله اشعر، کسانی که به کوفه آمدند و متوطن شدند، شیعه یا متمایل به مذهب شیعه بودند و از میان اینان، فرزندان ملک بن عامر؛ در مذهب شیعه قدمی ثابت داشتند و اشعریانی که به قم آمدند از ایشان بودند. (۳۹) همچنین در آثاری از قبیل: تاریخ طبری و کامل این اثیر، در ضمن شرح خروج عبدالرحمن بن محمد بن الاشعث بر حجاج، ذکری از بنی الاشعر و آمدن ایشان به قم نشده است؛ اما این مطلب را متعرض شده‌اند که در سپاه عبدالرحمان، جمعی از علمای تابعین و قاریان قرآن از جمله: کمیل بن زیاد و سعید بن جبیر - که از شیعیان معروف هستند - قرار

داشتند. همچنین نویسنده تاریخ قم گوید: از دیگر مفاخر اشعریان این است که موسی بن عبدالله بن سعد اشعری نخستین کسی بود که در قم، اظهار مذهب شیعه کرد تا دیگر مردم قم به او اقتدا کردند. (۴۰) مردم قبل از آمدن اشعریان چه دینی داشته اند؟ بر خلاف گفته نویسنده تاریخ قم و یاقوت حموی، مردم قم از اوایل فتح شهر به دست مسلمانان، جزء دوستداران خاندان پیغمبر (صلی الله علیه و آله) در آمده اند و همواره با عمال اموی مبارزه می کرده اند. قم یکی از اماکن امن برای قیام کنندگان در مقابل بنی امیه بوده است؛ از این رو، کسانی که در مقابل امویان علم مخالفت برافراشتند، به قم و کاشان روی آوردند از جمله در سال ۷۷ هجری مطرف بن مغیره بن شیعه چون در مقابل حجاج بن یوسف - والی عراق - از طرف عبدالملک مروان قیام کرد، به قم و کاشان آمد و از اطراف استمداد کرد و مردم او را یاری رساندند. در تاریخ بلعمی ضمن شرح آمدن مطرف به قم، به شیعه بودن مردم قم هنگام آمدن مطرف تصریح شده است؛ در حالی که آمدن اشعری ها به قم در حدود پانزده سال بعد از واقعه مطرف می باشد؛ البته عرب های غیر اشعری هم در قم بوده اند؛ مانند: عده ای از بنی اسد، قومی از آل مذحج، قبیله قیس و نیز قبیله عنزه در روستاهای چاپلق و برقه رود متوطن بودند. (۴۱) علت مهاجرت عرب اشعری از کوفه به نقل از ترجمه تاریخ قم، عرب اشعری در کوفه دارای حشمت و جلال و جمعیت بودند و در این قبیله، شجاعان نامداری وجود داشتند؛ به این دلیل والیان کوفه همیشه جانب ایشان را رعایت می کردند. این قبیله از نژاد اشعرین سباء بن یشجب بن یعرب بن قحطان بن هود پیغمبر بودند. سباء دارای ده فرزند بود که هر کدام از آن ها سرسلسله قوم بزرگی شدند. این قبایل عبارتند از: ازد، کنده، مذحج، اشعر، انمار، حمیر، عامله، جزام، لحم و غسان. قبیله اشعری در آغاز بعثت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) از یمن به مکه معظمه هجرت کردند و به آن حضرت ایمان آوردند و شیخ قبیله به نام مالک بن عامر هانی بود که در جنگ قادسیه پس از برداشتن جسر (۴۲) توسط سپاه ایران اسب خود را به دجله افکند و از سوی دیگر بیرون آمد و به دنبال وی سایر سواران نیز از دجله گذشتند. مالک، دارای دو فرزند به نام های سائب و سعد بود. سائب بن مالک، همان فرد نامداری است که مختار ابن ابی عبیده ثقفی را برای نهضتی که برای خونخواهی حضرت سید الشهداء (علیه السلام) به پاداشته بود، حمایت نمود و با همکاری وی و ابراهیم بن مالک اشتر بر مشکلات فائق آمد؛ ابن مطیع، والی کوفه را مجبور به فرار کرد و بر عراق و ایران و ارمنستان حکومت یافت و از حدود ۸۰۳۳ قتل امام حسین (علیه السلام) آن چنانکه شایسته بود انتقام گرفت. وفای سائب تا حدی بود که تا لحظه آخر از مختار دست بردار نبود و سرانجام نیز به اتفاق او دستگیر و در دارالعماره کوفه به فرمان مصعب بن زبیر پس از آنکه از صبح تا ظهر با زبان روزه جنگ کردند، سرانجام به قتل رسیدند. سائب فرزندی به نام محمد بن سائب داشت که پس از قتل پدر محبوس گشته و پس از مدتی آزاد گردید که قدرت او را برابر با هزار نفر ارزیابی می کردند. بازان از طریق آذربایجان یا قزوین به نزد حجاج در کوفه رفت و از او تقاضای هزار نفر نیرو (جنگجو) کرد تا بر منطقه خود و دیلمان و طبرستان نفوذ یابد و حجاج، محمد را با وی اعزام کرد. محمد بن سائب منطقه او را پاکسازی و امن نمود و نیز دشمنانش را سرکوب کرد و خود را به مردم آن سامان نشان داد و چون بازان از شر دشمنان آسوده شد، او (محمد) با موافقت بازان اما بدون کسب اجازه از حجاج، محرمانه به کوفه مراجعت نمود تا پس از چند روز بازگردد. به حجاج خبر دادند که شب ها اسبی را لب آب می آورند که از ابن سائب است. حجاج عده ای را برای یافتن او تعیین نمود، و شبانه او را در خانه نزد مادرش - که دختر ابوموسی اشعری بود - یافته، هنگام خواب او را در بستر دستگیر نمودند. در آن حال مادرش او را از مقاومت بازداشت و سوگند خورد که اگر تسلیم نشود سربرهنه بیرون آید ناچار، محمد شمشیرش را به زمین انداخت و تسلیم شد و حجاج هم همان شب او را به قتل رسانید. به دنبال آن به منادی دستور داد که اعلام نماید هر گاه، پس از سه روز از آل سائب یا مالک بن عامر، کسی را در کوفه بیابد، خونش هدر باشد. بنابراین، اشعریون مجبور به ترک کوفه شدند و به طرف ایوان مهاجرت نمودند تا به نهاوند و دینور رسیدند. از جمله بزرگان آن ها، پنج پسر سعد، به نام های عبدالله، احوص، عبدالرحمن، بکر و نعیم بودند که از میان آن ها، احوص به شجاعت و پیروی از مذهب تشیع معروف بود. او از هر فرصتی استفاده

کرده، علیه خلفای اموی قیام می‌کرد. به این علت، حجاج نسبت به او بدبین بود و منتظر فرصتی بود تا او را از پای در آورد؛ بنابراین آن‌ها، به دنبال آنان تا نهایند آمدند و چون آل سائب به طرف اصفهان کوچ کردند، ایشان هم به راه افتادند تا به سرزمین قم رسیدند. همچنین در بیان علت مهاجرت پسران سعد، نقل کرده اند که چون عبدالرحمن بن محمد بن اشعث کندی از طرف حجاج، امیر سیستان بود، علیه وی خروج کرد و کرمان را تسخیر کرده، بر فارس و اهواز نیز استیلا یافت و وارد بصره شد. احوص هم با برادران و یاران و غلامان خود، به او پیوست و فرمانده پیاده نظام لشکر او شد. حجاج با سپاه بسیاری به طرف بصره حرکت نمود و بدون اطلاع از پیوستن احوص به ابن اشعث، برادر او عبدالله بن سعد را جانشین خویش قرار داده و در کوفه خلیفه خود گردانید و در دیر الجماجم، طرفین با یکدیگر برخورد کردند که به دنبال آن جنگ سختی در گرفت. این جنگ، سه روز به طول انجامید و گروه زیادی از دو طرف کشته شدند و سرانجام عبدالرحمن شکست خورد و به طرف سیستان گریخت و یاران او هم پراکنده شدند. در بین آنان، هفده نفر از مردم عراق و علمای تابعین (۴۳) بودند که به طرف ایران فرار کردند و از یاران او، چهار قبیله به نام‌های قیس، عنزه یا عدی و اشعری به ایران هجرت کردند که تیم، در طیره اصفهان، قیس در رستاق انار، کمره و عدی در رستاق چاپلق و برقه رود و اشعری در کمیدان - که در آخرین رستاق اصفهان بود - منزل کرده و اقامت نمودند. عرب اشعری به نهایند آمده و چند روز در آن جا اقامت نمودند؛ اما به علت ابتلا به مرض وبا بسیاری از آن‌ها از بین رفتند؛ به طوری که از چهل پسر عبدالرحمن، فقط دو نفر باقی ماندند. به ناچار آن‌ها به طرف این سرزمین (قم) حرکت نمودند و تعداد کسانی که وارد قم شدند، جمعا حدود هفتاد نفر بوده و این هجرت در سال ۹۴ ه. ق اتفاق افتاده است. در پایان این قسمت جا دارد به حدیثی در مورد خالی شدن کوفه از مؤمنین و مرکزیت علمی قم اشاره نماییم. عن الصادق (علیه السلام) انه ذکر کوفه و قال: ستخلوا کوفه من المؤمنین و یارز عنها العلم کما تاءرز الحیه فی حجرها، ثم ینظر العلم بلده یقال لها قم، و یصیر معدنا للعلم و الفضل حتی لا یبقی فی الارض مستضعف فی الدین حتی المخدرات فی الحجال، و ذلک عند قرب ظهور قائمنا. (۴۴) امام صادق (علیه السلام) یادی از کوفه کردند و فرمودند: کوفه به زودی از مؤمنان خالی می‌شود و علم از آن جمع می‌شود؛ همان طور که مار در لانه اش جمع می‌شود، سپس علم و دانش در شهری که به آن قم می‌گویند، ظاهر می‌شود و آن جا مرکز علم و فضیلت می‌گردد تا جایی که هیچ کس حتی خانم‌های خانه دار در دین مستضعف باقی نمی‌مانند و این نزدیک ظهور قائم ما، حضرت مهدی - عجل الله تعالی - خواهد بود. علل عزیمت اقوام عرب به ایران در فتوح اسلامی، به ویژه هنگام فتح ایران، مسلمانان عرب با دنیای تازه‌های روبه رو شدند. دیدن شهرهای آباد و سرزمین‌های سبز و باغ‌های خرم و آب فراوان و ثروت سرشار، ایجاب کرد که عده‌ای از آنان به این نواحی کوچ کنند و مقیم شوند و به مرور زمان، جزء ساکنان بومی به حساب آیند؛ البته این کار فقط به ایران اختصاص نداشت. پس از فتح مصر و شمال آفریقا و اسپانیا عده زیادی از قبایل عرب به آن جا کوچ کردند. لازم به ذکر است که آمدن عرب‌ها به ایران و رفتن ایرانیان به سرزمین عرب، پیش از اسلام نیز سابقه داشته است. علل آمدن عرب‌ها به قم ۱- قم شهر دور افتاده‌ای بود و مانند امروز سر راه نبود و کسی که در آن سکونت اختیار می‌کرد معمولاً از آسیب خلفا و تعقیب آنان در امان بود. ۲- رسم مردم قم در میهمان نوازی و حمایت از میهمانان کم نظیر بود. ۳- آب و هوای قم، از نظر خشکی هوا و دلایل دیگر، با زندگی عرب‌ها مناسب داشت. ۴- در مورد بنی‌الاشعر، باید بدانیم که بنا بر نوشته تاریخ قم، هنگام ورودشان به قم، از مردم این شهر در برابر حمله دیلم حمایت کردند و از این جهت مردم قم مقدمشان را گرامی داشتند و از آنان خواستند که در قم بمانند. ۵- بنی‌اسد، پس از قیام مختار به قم آمدند و در قریه جمکران اقامت کردند. آمدن بنی‌اسد به قم ۲۵ سال قبل از اشعری‌ها بوده است. زیرا قیام مختار در سال ۶۶ و ۶۷، و آمدن اشعری‌ها به قم در حدود سال ۹۳ بوده است. (۴۵)

برای بسیاری از مردم این سؤال مطرح است که چرا سادات و امامزادگانی که هم اکنون در قم مدفون هستند، از بین تمام شهرهای ایران، شهر مقدس قم را انتخاب کرده و در آن سکنی گزیده اند؟ برای رفع این سؤال و ابهام، به برخی از دلایل و شواهد با استفاده از کتاب های مختلف تاریخی، (۴۶) اشاره می نماییم: ۱- بسیاری از سادات، داستان هجرت عرب اشعری از کوفه و توطن آن ها را در ناحیه قم، و نیز وضع زندگانی، استقلال، جاه و جلال و عظمتشان را در این شهر شنیده بودند و این یکی از عواملی بود که آنان را مصمم ساخت در این شهر اقامت گزینند. ۲- توجه و عنایت زیاد و زیر آن زمان، - اسماعیل ابن عباد - نسبت به مردم شهر قم و برآوردن حوائج و خواسته های آنان مانند: احداث نهرهای زیاد در داخل و خارج شهر و وقف کتاب های بسیاری برای طلاب و صاحبان علم، یکی دیگر از دلایل سکونت سادات در این شهر بوده است. ۳- ارادت و توجه زیاد مردم قم - که عموماً خود شیعه اثنی عشری و از صحابه ائمه اطهار (علیهم السلام) بودند - نسبت به سادات مهاجر و تعظیم و تکریم و فراهم آوردن وسایل رفاه و آسایش آن ها، از دیگر دلایل توجه سادات به این شهر بوده است. ۴- از آن جا که ائمه اطهار (علیهم السلام) از شهر قم به عنوان آشیانه آل محمد و ماء‌وای فاطمیان و جایگاه شیعه ایشان یاد کرده اند و نیز در روایتی اهل قم از انصار و یاوران اهل بیت خوانده شده اند، طبیعی است که در زمان آل عباس - که اولاد حضرت علی (علیه السلام) در شکنجه و فشار قرار می گرفتند - این شهر یکی از پناهگاه های اصلی علویان واقع شود. از این رو، عده زیادی از آل علی (علیه السلام) این شهر روی آورده و سکونت گزیدند. بعد از دفن حضرت فاطمه معصومه علیها السلام توجه علویان و سادات، نسبت به قم افزایش یافت و در فاصله کوتاهی عده بسیاری از فرزندان امام حسن و امام حسین و امام موسی بن جعفر و امام علی بن موسی الرضا (علیهم السلام) و از فرزندان محمد حنیفه و زید بن علی بن الحسین و اسماعیل (فرزند امام صادق (علیه السلام)) از اطراف به قم روی آوردند. امروز کثرت سادات در قم محسوس و مشهود است، به طوری که چند محله به نام علویان و سادات وجود دارد که بیشتر ساکنان آن ها سید هستند؛ مانند محله سیدان، محله موسویان و محله موسی بن مبرقع؛ و نیز خاندان های سادات زیادی همانند: خاندان چاووشی، حسینی، علوی، طباطبایی، موسوی، لاجوردی و... در قم وجود دارند که مورد احترام مردم هستند. ۵- همچنین سادات، به ویژه سادات علوی در قرون دوم و سوم، از طرف خلفایی همچون منصور دوانیقی و متوکل، در دشمنی با آل عباس (علیه السلام) افراط می کردند. آل علی هم از فرصتی برای مبارزه با آل عباس استفاده می کردند و با مخالفان و دشمنان آل عباس همدست می شدند و چون شکست می خوردند به دنبال پناهگاهی می گشتند و این پناهگاه در درجه اول، دیلم (۴۷) و قم بود. همچنین قم برای آل علی، محل امنی بود و هیچ خطری در این جا آنان را تهدید نمی کرد؛ در صورتی که در نواحی دیگر، گاهی خطرانی برای ایشان به وجود می آمد تا آن جا که خونشان ریخته می شد. البته گذشته از قم، علویان به مازندران و دیلم و نواحی دیگر می رفتند؛ چرا که امروزه در هر گوشه ای از کشور ایران، قبوری از آل علی با بقعه و گنبد و موقوفات فراوان وجود دارد؛ ولی عنایت علویان به قم، با توجه به دلایل فوق بیشتر بوده است. در استان و شهر مقدس قم، تعداد زیادی از امامزادگان وجود دارند که به علل مختلف به این شهر مهاجرت نموده اند. عده ای از آنان به دست مخالفین و دشمنان اسلام به شهادت رسیده اند و عده ای هم به مرگ طبیعی از دنیا رفته اند. در صفحه بعد به تعدادی از اسامی امامزادگان قم اشاره می شود. لازم به ذکر است که پرداختن به زندگینامه این امامزادگان از حوصله این کتاب خارج است؛ اما مطالعه کنندگان محترم می توانند جهت اطلاع بیشتر در این زمینه، به کتبی که اسامی آن ها در پایان این کتاب آورده شده است مراجعه نمایند.

اسامی برخی از امامزادگان قم

۱- موسی مبرقع (در محله چهل اختران) ۲- شاهزاده احمد قاسم (در محله دروازه قلعه) ۳- شاهزاده جمال الدین (واقع در یک فرسنگی شهر در جاده اراک) ۴- امامزاده هادی و مهدی (واقع در قریه جمکران) ۵- شاهزاده احمد (معروف به امامزاده خاکفرج

۶- امامزاده علی بن جعفر (محلّه دربّهشت ، بیرون دروازه کاشان) ۷- شاهزاده ابراهیم و گنبد سبز (محلّه دربّهشت ، بیرون دروازه کاشان) ۸- امامزاده ابراهیم و شاه محمد (واقع در بخش ۲ قم ، پشت راه آهن خط تهران) ۹- امامزاده شاه جعفر (در نزدیکی شاه ابراهیم) ۱۰- شاهزاده سید علی (در خارج از دروازه ری) ۱۱- شاهزاده احمد (در نزدیکی شاهزاده سید علی) ۱۲- چهار امامزاده ، شامل : شاهزادگان حسن ، حسین ، ابراهیم ، جعفر ، از فرزندان امام زین العابدین (علیه السلام) . (در نزدیکی شاهزاده احمد) ۱۳- شاهزاده طیب و طاهر (واقع در شش کیلومتری جاده سراج) ۱۴- امامزاده شاه جعفر غریب (در نزدیکی مسجد جمکران) ۱۵- امامزاده شاه جمال (نزدیک شاه جعفر غریب) ۱۶- شاهزاده زید (در نزدیک شاهزاده حمزه ، واقع در خیابان آذر) ۱۷- شاهزاده حمزه (در خیابان آذر، محلّه ای به همین نام) ۱۸- امامزاده شاه اسماعیل (در روستای شاه اسماعیل) ۱۹- امامزاده اسحاق (بالای قریه میم) ۲۰- امامزاده فاضل (در روستای بیدهند) ۲۱- امامزاده محسن (در روستای قبادبزن) ۲۲- امامزاده سکینه خاتون (در روستای قاسم آباد) ۲۳- شاهزاده هادی (در روستای وشنوه) ۲۴- امامزاده نور (در روستای کرمجگان) (۴۸)

برخی از آثار تاریخی قم (۴۹)

همان گونه که بیان شد شهر مقدس قم یکی از شهرهای تاریخی و دارای قدمت بسیار است . اینک برای نمونه به چند اثر تاریخی ، به صورت فهرست وار اشاره می شود: ۱- بنای گنبد مطهر حضرت فاطمه معصومه علیهاالسلام که در سال ۵۲۹ ه . ق ساخته شده و به تدریج بر بنای آن افزوده گردیده است . ۲- گنبد علی بن جعفر در سال ۷۱۰ ه . ق . ۳- گنبد احمد بن قاسم در ۲۰ محرم سال ۷۰۸ ه . ق . ۴- گنبد حارث بن احمد بن زین العابدین که به خاکفرج معروف است در اوایل قرن هشتم هجری . ۵- بنای امامزاده جعفر در سال ۶۷۷ ه . ق . ۶- بنای امامزاده ابراهیم که بیش از ۴۰۰ سال از تاریخ بنای آن می گذرد. ۷- گنبد موسی مبرقع که تاریخ بنای آن پیش از قرن هفتم است . ۸- بناهای باغ سبز، مدفن سه برادران در تاریخ ۷۹۲ ه . ق بنا شده است . ۹- بنای آستانه زید بن علی در تاریخ ۸۴۸ ه . ق . ۱۰- بنای گنبد چهل اختران در سال ۹۳۵ ه . ق . ۱۱- بنای مسجد جامع از بناهای اواسط قرن هفتم هجری (البته در تاریخ بنا اختلاف است که در مبحث مسجد جامع اشاره خواهد شد).

نگرشی بر وضعیت قم از اوایل هجرت تا زمان قاجاریه

در زمان هارون الرشید، حمزه بن یسع که یکی از بزرگان قم بود به حضور خلیفه رسید و از او درخواست کرد که قم را از اصفهان جدا کند و اجازه داده شود نماز جمعه و عیدین در آن انجام یابد. خلیفه تقاضای او را پذیرفت و بدین گونه قم محل امنی شد برای کسانی که از خلیفه یا حاکم وحشت داشتند. اولین دسته از عرب ها که به قم پناهنده شدند، جمعی از بنی الاشعر بودند که در زمان حکومت حجاج بن یوسف ثقفی در عراق به این شهر روی آوردند. شرح قضیه به طور اجمال این است که در زمان خلافت عبدالملک مروان ، چون عراق (۵۰) زیاد آشفته بود، عبدالملک ، حجاج را که مردی بی باک و ستمگر و در عین حال کاردان بود به حکومت آن جا منصوب کرد اعمال ظالمانه حجاج ، معروف است و لازم به توضیح نیست . با این که او سرکشان و مخالفان را به سخت ترین وجهی مجازات می کرد باز هم همواره اوقات او صرف زدوخورد با خوارج و کسانی که از ظلم او به ستوه آمده بودند، می شد. از حمله کسانی که بر حجاج خروج کرد و قصد داشت با سپاهی انبوه او را از بین ببرد، عبدالرحمن بن محمد بن اشعث بن قیس بود. وی یکی از سرداران معروف و کارآزموده حجاج بود و مدتی در مشرق ایران از طرف وی فرماندهی سپاه را به عهده داشت ؛ ولی مظالم و خونخواری های حجاج و ناراضیتی مردم عبدالرحمن را وادار به نافرمانی و قیام نمود. خروج عبدالرحمن نزدیک بود حجاج را به کلی مستاءصل (۵۱) کند. عاقبت ، نفاق عده ای از همراهان ، باعث شکست او در محلی به نام دیرالجمام (۵۲) و متواری شدن یارانش گردید. اشعریان از جمله همراهان عبدالرحمن بودند که پس از شکست او به قم پناهنده شدند. قبل از

آمدن اشعریان به قم، ساکنان اصلی شهر در قلعه ای زندگی می کردند که در وسط شهر قرار داشته است. مدت ها بین اشعریان و ساکنان قلعه، زدو خورد بوده است. نهایتا اشعریان در این مقابله چیره شده و قم را زیر نفوذ خود قرار دادند و به قولی، اهالی قم با آغوش باز اشعریان را پذیرفتند. در زمان خلافت عباسی - که بیشتر اوقات، آل علی (علیه السلام) را تعقیب و شکنجه می کردند - بسیاری از سادات و فرزندان حضرت علی (علیه السلام) به قم پناه آوردند و از همین موقع عقاید شیعه در اذهان ساکنان قم رسوخ پیدا کرد و به تدریج، یک شهر شیعه نشین شناخته شد و به همین علت خلفا به این شهر نه توجهی داشته اند و نه نظر مساعدی. (۵۳)

برخی از شورش ها و قیام های مردم قم در دوره هایی از تاریخ

از آن جا که مردم قم همواره به عنوان مردمی خونگرم و متعصب نسبت به دین و اعتقادات مذهبی، مشهور و معروف اند و این روند از نسلی به نسل دیگر در جریان بوده است، لذا در طول تاریخ، مبارزات و شورش های آنان علیه بی دینی و بی قانونی ادامه داشته و برخی از آنها ثبت و ضبط گردیده است که در این جا به طور خلاصه به بعضی از آن ها اشاره می نمایم: ۱- در سال ۲۱۰ هجری مردم قم علیه مأمون خلیفه عباسی شورش کردند و از پرداختن خراج به او خودداری نمودند. علت واقعه را چنین می نویسند: مأمون در مسیر خود از خراسان به عراق، چند روزی در ری توقف کرد و مقداری از خراج سالانه آنان را تخفیف داد. مردم قم که خراج آنان در سال به دو میلیون درهم می رسید، به وی نامه نوشتند و درخواست کردند مالیات سالانه آنان نیز کاهش یابد اما مأمون نپذیرفت و قمی ها از پرداخت خراج سرباز زدند. مأمون لشگری را به سرداری علی بن هشام و عریف بن عنیسه به این ناحیه روانه نمود که با اهالی قم جنگیدند و بر آنان پیروز شده و باروی (۵۴) قم را ویران ساختند. همچنین یحیی بن عمران اشعری، رئیس قم را کشتند و خراج دو میلیونی را که مردم از سنگینی آن می نالیدند، به هفت میلیون درهم افزایش دادند. پس از این تا مدتی طولانی، خراج قم، رقم هنگفتی بود و حتی در اواخر قرن سوم نیز به چهار و نیم میلیون درهم بالغ می گردید. ۲- در سال ۲۱۷ هجری در زمان خلافت معتصم، بار دیگر مردم قم دست به شورش زدند. معتصم، علی بن عیسی را با لشگری انبوه روانه کرد. آن ها بسیاری از باغ ها و بستان ها را سوزاندند و خسارات زیادی را وارد آوردند. ۳- در سال ۲۵۴ و در زمان خلافت معتز، مردم قم علیه او شورش کردند و او موسی بن بغا را که برای جنگ با علویان مازندران با لشگری انبوه گسیل داشته بود به قم فرستاد. موسی شهر را با زور تصرف کرد و عده زیادی از مردم را قتل عام کرد و باروی شهر را مجددا ویران ساخت. در این واقعه، عده ای از رؤسا و بزرگان قم را نیز دستگیر کرده و به بغداد فرستادند. ۴- در سال ۲۶۸ همزمان با خلافت معتصم، تا چندین سال نگذاشتند حاکمی که طرف خلیفه فرستاده شده بود وارد قم شود، تا آن که از کوتکین بن ساتکین ترک با کاتب خود ابوالحسن احمد بن ماردانی به قم فرود آمد و باروی آن را به کلی خراب کرد، به طوری که اثری از آن به جای نماند. ۵- در زمان خلافت معتصم (۲۸۹-۲۷۹)، قمی ها حکمرانان و عاملانی را که از طرف او فرستاده شده بودند از شهر بیرون راندند. معتصم، ابراهیم کیلیغ را فرستاد تا عده ای از آنان را کشته و عده دیگر را به بردگی بگیرد و گروه زیادی را از خانه و زندگی آواره کند. ۶- در اواخر قرن سوم، مردم قم هر کس را که از طرف خلفا فرستاده می شد به شهر راه نداده و با او به جنگ برمی خاستند تا آن که خلفا مجبور شدند به همراه حکام و والیانی که برای حکومت به این شهر می فرستادند، لشگر عظیمی نیز گسیل دارند. ۷- در سال ۴۲۶ علیه سلطان مسعود غزنوی شوریدند و مدتی از وی فرمانبرداری نمی کردند. ابوسهل حمدونی که مقیم ری بود، از طرف حاکم این نقاط مأموریت داشت، ولی جرات حمله به قم را نداشت، تا آن که سلطان مسعود با لشگر عظیمی به طرف جرجان و طبرستان به راه افتاد و از این رو عاملان او در عراق نیرو یافته، ابوسهل سپاهی به قم فرستاد تا مردم را مجددا به قم فرستاد تا مردم را مجددا به اطاعت از سلطان غزنوی وادار سازد. (۵۵) البته نتیجه این قیام ها در کوتاه مدت و یا دراز مدت به نفع مردم بود؛ زیرا

والیان و حکمرانان، حداقل به این نتیجه رسیده بودند که مردم قم، مردمی خونگرم و انقلابی هستند و نمی‌توان آنان را به سازش واداشت؛ بنابراین این گونه قیام‌ها در واقع سد مقاومی در مقابل حاکمان ظلم و ستم و بی‌عدالتی بود همچنین الگویی برای دیگر شهرهای کشور ایران و سایر کشورها بود. لازم به ذکر است که در این جا به قیام‌های قرن سوم تا پنجم مردم قم اشاره شد و دیگر قیام‌ها و شورش‌های آنان جهت مختصر بودن و پرهیز از اطاله مطالب نقل نشده است، و گرنه مردم قم همواره علیه زورگویان و مستکبران دست به قیام و مبارزه زده‌اند. شاهد این ادعا، قیام عظیم مردم قم و سپس سایر شهرهای کشور بود که منجر به شکل‌گیری انقلاب اسلامی ایران شد. که در واقع، بزرگترین و باشکوهترین و اسلامی‌ترین قیام‌ها بوده است. بنابراین لازم است به طور مختصر درباره این قیام عظیم، مطالبی را بیان داریم.

انقلاب اسلامی و قیام مردم قم

نهضت اسلامی، به رهبری امام خمینی قدس سره در سال ۱۳۴۱ ه. ش از درون حوزه علمیه قم آغاز شد. با این توضیح مختصر که پس از فوت مرحوم حضرت آیه الله العظمی بروجردی، رژیم شاه تصور می‌کرد که نیروی مرجعیت از نظر سیاسی ضعیف شده است. به این دلیل لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی را در هیئت دولت مطرح ساخت و آن را در ۱۶ مهرماه ۱۳۴۱ به تصویب رساند. به موجب این لایحه به زنان حق رأی داده می‌شد (البته منظور آنان عوام فریبی بوده است) و از شرایط انتخاب شونده‌گان و انتخاب کنندگان قید سوگند به قرآن حذف شده و افراد می‌توانستند با هر کتاب آسمانی مراسم تحلیف (۵۶) به جای آورند. امام خمینی قدس سره که در این زمان در قم اقامت داشتند به توطئه رژیم شاه پی برده و می‌دانستند که رژیم شاه با این کار می‌خواهند، در واقع، روحانیت را امتحان کرده و عکس‌العمل آن‌ها را ارزیابی کند؛ بنابراین امام خمینی قدس سره به سرعت واکنش نشان داده و برای اتخاذ تصمیمات لازم، علمای طراز اول قم را به تبادل نظر دعوت کردند. علما در این تبادل نظر به نتایج مطلوبی دست یافتند که از جمله آن، درخواست لغو این لایحه بود که در نهایت با هوشیاری حضرت امام خمینی قدس سره این لایحه، پس از کارشکنی‌های متعدد از جانب رژیم شاه، در تاریخ دهم آذرماه همان سال، به طور رسمی لغو گردید که این خود یکی از نقاط آغاز مبارزه علیه رژیم شاه بود. حادثه مهم دیگر در سال ۴۱، پس از شکست لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی، فراندوم لویح شش‌گانه بود که شاه آن را انقلاب سفید نام نهاده بود. شاه یک روز قبل از فراندوم و همه‌پرسی یعنی روز چهارم بهمن ۱۳۴۱ جهت جلب نظر علما وارد قم شد، اما امام با آگاهی تمام، طی اعلامیه‌ای خروج مردم از خانه‌ها را تحریم کردند. شاه پس از ورود به قم، هیچ استقبال‌کننده‌ای را ندید مگر همان مزدورانی که روز قبل برای استقبال به قم آورده شده بودند، که این کار خشم رژیم را چندین برابر کرد. به هر حال فراندوم تقلبی انجام شد و رسانه‌ها اعلام کردند که این لویح شش‌گانه با پنج میلیون و ششصد هزار رأی موافق در مقابل چهارهزار و صد و پنجاه رأی مخالف به تصویب رسید. اما امام خمینی قدس سره این بار نیز هوشیارانه در جلسه‌ای که با علمای قم داشتند پیشنهاد کردند که مراسم نماز جماعت و وعظ و خطابه در این ماه (ماه مبارک رمضان) تعطیل شود؛ بدین دلیل، مساجد بسیاری از شهرها، از جمله: تهران، قم، اصفهان، شیراز، مشهد و بعضی شهرهای دیگر تعطیل شد که این کار خشم و نفرت مردم را نسبت به رژیم شاه افزایش داد. همچنین در عید فطر همان سال، مردم قم و بعضی شهرهای دیگر که عازم قم شده بودند به منزل امام رفته و امام خمینی قدس سره طی سخنانی به افشای رژیم شاه و این فراندوم ساختگی پرداختند. ادامه این نهضت در پانزدهم خرداد ۱۳۴۲ بود که اگر چه بی‌رحمانه توسط رژیم شاه سرکوب شد، اما این سرکوبی باعث نابودی آن نگردید، بلکه همچون بذری بود که در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ سر از خاک برآورد و شکوفه و میوه داد. نهضت پانزدهم خرداد دارای ویژگی‌هایی بود که آن را از سایر نهضت‌های مادی، متمایز می‌ساخت. برخی از ویژگی‌های این نهضت الهی عبارت بودند از: اسلامی و مردمی بودن، بیگانه‌ستیزی، مخالفت با اصل سلطنت، حضور روحانیت در صحنه مبارزات؛ که

همه این‌ها حول محور رهبری که دارای اخلاص و قاطعیت بود، می‌چرخید. قیام پانزدهم خرداد چنان تاءثیری در جامعه به جای گذاشت که در واقع سرنوشت سیاسی و اجتماعی آینده ایران را رقم زد. افزایش رشد و بینش سیاسی در میان مردم و گروه‌های سیاسی و روحانیون، رواج و توسعه مذهب در میان دانشجویان و تحصیل کرده‌ها و برملاشدن چهره منافقانه شاه از جمله تاءثیرات این قیام بود. رژیم شاه، جهت حفظ حکومت و سلطنت خود و سرکوب نمودن رشد سیاسی و مذهبی مردم، به اقداماتی دست زد که یکی از آن‌ها، دستگیری امام خمینی قدس سره - رهبر این نهضت عظیم - بود، اما این کار رژیم، نه فقط نتوانست ندای مردم را خاموش کند، بلکه عکس‌العمل و مقاومت آنان را نسبت به رژیم شاه بیشتر کرد. از جمله این عکس‌العمل‌ها اقداماتی نظیر اعتصابات طولانی توسط بازاریان و بیانیه‌ها و اعلامیه‌های شجاعانه توسط علما و حضور گسترده و اعتراض شدید از جانب مردم بود. رژیم شاه مجبور شد ابتدا امام خمینی را در تاریخ ۱۱ مرداد ۱۳۴۲ از زندان آزاد کند و ایشان را به منزلی در شمال شهر تهران منتقل سازد و سپس در پی اعتراضات دوباره مردم، بازهم مجبور گردید امام خمینی را پس از ده ماه یعنی در هجدهم فروردین سال ۱۳۴۳ به قم منتقل نماید. شاه تصور می‌کرد امام خمینی از این پس سکوت خواهد نمود؛ اما برخلاف تصور شاه مبارزات امام خمینی در برابر بی‌دینی و بی‌عدالتی همچون گذشته ادامه یافت و لحظه‌ای متوقف نشد. یکی از عکس‌العمل‌های ایشان، علیه قانون ننگین کاپیتولاسیون بود که در ۲۱ مهرماه ۱۳۴۳ در مجلس شورای ملی به تصویب رسیده بود. این عکس‌العمل شدید امام، مردم را بیش از پیش آگاه و بیدار کرد. از آن‌جا که حضرت امام خمینی هیچگاه حاضر نبود دست از مبارزه بردارد، رژیم شاه برای مقابله با ایشان و برای مقابله با نهضت دست به اقداماتی تازه زد و ایشان را شبانه از منزل دستگیر و صبح روز ۱۳ آبان ۱۳۴۳ از فرودگاه مهرآباد به ترکیه فرستاد و پس از یازده ماه ایشان را از ترکیه به عراق منتقل ساخت تا به گمان پلید خود، رهبر این نهضت را همچنان از مردم دور نگه دارد، اما امام خمینی قدس سره همچون خورشید در پشت ابر، مردم را همچون گذشته با ارسال اعلامیه‌ها و بیانیه‌ها آگاه و هوشیار می‌نمودند. نخستین مراکزی که با این کار امام آگاه‌تر و بیدارتر می‌شدند، حوزه علمیه قم و بازار و دانشگاه‌ها بود که رژیم شاه آن‌ها را به عنوان مراکز طغیان می‌دانست. بنابراین این گونه مراکز را از طریق ساواک شدیداً کنترل می‌نمود تا مردم را به سکوت وادارد. اشاعه فرهنگ بی‌بند و باری، فکر بسیاری از جوانان را تخدیر (۵۷) کرده بود و با این کار می‌خواست آنان را از آرمان‌های متعالی بازدارد؛ اما از طرفی، مردم آگاه و هوشیار، از راه‌های مختلف به مقابله با رژیم برخاستند که در این میان نقش روحانیت بسیار حایز اهمیت بوده است. اگر بخواهیم از انواع مبارزات اقشار و توده‌های مردم علیه رژیم نام ببریم می‌توانیم آن‌ها را به سه دسته تقسیم کنیم: مبارزه سیاسی، مبارزه مسلحانه و مبارزه فرهنگی، که هر کدام به نوبه خود حائز اهمیت بوده است. برای مقابله با مبارزات مردم، رژیم شاه به انواع حیل‌ها متوسل می‌شد که یکی از آن‌ها، شهادت حاج آقا مصطفی خمینی بود که در تاریخ آبان ماه ۱۳۵۶ در نجف که به طور مرموز اتفاق افتاد و شاید آن‌ها می‌خواستند با این کار خللی در روحیه امام ایجاد نمایند، اما امام خمینی قدس سره در تاریخ ۱۰/۱۰/۱۳۵۶ خطاب به روحانیون و دانشگاهیان سخنانی ایراد فرمودند و شهادت آقا مصطفی را از الطاف خفیه الهی دانستند، که البته به حق چنین بود؛ زیرا شهادت حاج آقا مصطفی در واقع شروع تازه مبارزات مردم علیه رژیم شاه بود.

قیام ۱۹ دی ماه مردم قم

رژیم شاه پس از شهادت حاج آقا مصطفی، احساس کرد که محبوبیت امام در دل مردم بیشتر شده است؛ از این رو تصمیم گرفت که به شخصیت ایشان لطمه وارد نماید. این بود که در تاریخ ۱۶/۱۱/۱۳۵۶، در روزنامه اطلاعات مقاله‌ای را با امضای مستعار احمد رشیدی مطلق منتشر کرد که آکنده از توهین و بی‌احترامی نسبت به امام خمینی قدس سره بود. این اعلامیه، مردم مسلمان ایران، به ویژه مردم و حوزه علمیه را سخت متاءثر و خشمگین نمود؛ تا آن‌جا که روحانیون به دنبال این ماجرا، فردای آن روز درس‌های

حوزه را تعطیل و به سوی منزل مراجع قم حرکت کردند. آنان در خیابان‌ها با تظاهرات، خشم خود را نشان دادند و این تظاهرات تا روز ۱۹ دی ماه ادامه یافت. رژیم شاه به خیال خود برای سرکوبی این قیام، عصر روز ۱۹ دی ماه ۱۳۵۶، طلاب و عده‌ای از مردم قم را به رگبار گلوله بست و بسیاری از آن‌ها را شهید و مجروح ساخت، اما این اقدام شاه نیز به سرنگونی زودتر او کمک کرد؛ زیرا در پی این اقدام عمال شاه، مردم تبریز به مناسبت چهلم شهدای قم و پس از آن مردم یزد، مراسم عزاداری گرفته و تظاهرات نمودند. سپس شهرهای جهرم، کازرون، اصفهان، تهران، شیراز، مشهد، رفسنجان، همدان و نجف آباد و سایر شهرهای ایران به قیام و مبارزه برخاستند و امام خمینی قدس سره نیز با ارسال اعلامیه‌ها بیانیه‌ها، مردم را آگاه‌تر و بیدارتر می‌کرد. به دنبال این راهپیمایی‌ها و قیام‌ها، راهپیمایی روز عید فطر ۱۶ شهریور ماه و سپس تجمع در ۱۷ شهریور ماه (که روز قبل اعلام شده بود) در میدان شهدای (ژاله سابق) تهران در مخالفت با سیاست‌های مرموزانه رژیم شاه بود که در این تجمع و تظاهرات بسیاری از مردم شهید و مجروح گردیدند و خون‌های گرمشان روی آسفالت‌های داغ میدان شهدا جاری شد. البته در صبح هفدهم شهریور ماه رژیم شاه، به خیال خود جهت حفظ امنیت شهرها، تهران و یازده شهر (اصفهان، مشهد، شیراز، تبریز، اهواز، آبادان، جهرم، کازرون، قم، قزوین و کرج) را، حکومت نظامی اعلام کرده بود؛ اما همه این‌ها در واقع شمارش معکوسی بود علیه رژیم شاه، و دلیل آن قیام‌هایی شد که یکی پس از دیگری رخ می‌داد؛ همچون حادثه ۱۳ آبان سال ۱۳۵۷ که عده‌ای از دانشجویان و دانش‌آموزان به مناسبت سالروز تبعید امام از ایران به ترکیه در سال ۱۳۴۳ علیه رژیم شاه تظاهرات و تجمع کرده بودند و در حدود ظهر، ناگهان نیروهای مسلح به سوی آن‌ها آتش گشوده و عده‌ای از آنان را به خاک و خون کشیده و شهید و مجروح نمودند. به این مناسبت و به یاد ایثارگری‌های این دانش‌آموزان، روز سیزدهم آبان‌را، روز دانش‌آموز نام نهادند. حادثه دیگر، راهپیمایی تاسوعا و عاشورای سال ۵۷ بود که طول این راهپیمایی بیش از ۱۲ کیلومتر بود. در این راهپیمایی، مردم تهران با شعارهای الله اکبر، خمینی رهبر استقلال، آزادی، حکومت اسلامی مرگ بر شاه و نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی به راه افتادند و اعلام کردند که ما دیگر شاه را نمی‌خواهیم و در واقع این یک فراندوم عمومی جهت عزل شاه خائن بود. همچنین انجام اعتصابات گسترده - که بیشتر از طرف بازاریان و کسبه و دانش‌آموزان و فرهنگیان بود - کمر شاه خائن را شکست و او را بیشتر درمانده کرد؛ بنابراین شاه به این نتیجه رسید که دیگر نمی‌تواند در این کشور بماند و به تساوی حقوقی افراد تظاهر کند؛ از این رو در تاریخ ۲۶ دی ماه ۱۳۵۷ از ایران فرار کرد. پس از فرار شاه معدوم از ایران، امام خمینی قدس سره در تاریخ ۱۲ بهمن ۱۳۵۷ پس از سال‌ها تبعید، قلوب مردم ایران را شادمان نموده و به وطن بازگشتند و در میان استقبال بی‌سابقه و گرم مردم با برنامه ریزی قبلی که خود انجام داده بودند، یکسره به بهشت زهرا، در کنار تربت پاک شهیدان رفتند و در آن جا سخنرانی مهمی ایراد فرمودند. قسمتی از سخنرانی ایشان چنین بود: من دولت تعیین می‌کنم، من توی دهن این دولت (دولت بختیار) می‌زنم، من به پشتیبانی این ملت، دولت تعیین می‌کنم. سرانجام انقلاب اسلامی ایران، پس از سال‌ها و مبارزه علیه طاغوتیان در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ به پیروزی رسید و پرچم پرافتخار جمهوری اسلامی در آن به اهتزاز درآمد. لازم به ذکر است که از زمان ورود امام تا پیروزی انقلاب که ۱۰ روز فاصله داشت، حوادثی مهمی اتفاق افتاد که بعضی از آن‌ها عبارتند از: تشکیل دولت موقت، پیوستن نیروی هوایی به مردم، در اختیار گرفتن رادیو و تلویزیون توسط مردم و اعلام پیروزی انقلاب از طریق صدا و سیما و شکست حکومت نظامی ۲۱ بهمن که به فرمان امام خمینی انجام شد. (۵۸) (البته حوادثی نیز پس از پیروزی انقلاب رخ داد که در این مختصر نمی‌گنجد).

رجال برجسته علمی و سیاسی قم

از آن جا که شهر قم از ابتدا مرکز تشیع بوده است، عده‌ای از بزرگترین علما و محدثین شیعه از این شهر برخاسته‌اند. برخی از معروف‌ترین علما و دانشمندان شیعی عبارتند از: ۱- زکریا بن آدم عبدالله اشعری: او از صحابه خاص امام علی بن موسی الرضا

علیه السلام به شمار می رود و از فضایل ایشان آن است که در سفر مکه هم کجاوه حضرت رضا علیه السلام بوده و هم مسائلی را که از آن امام استماع نموده عینا روایت کرده است. مقبره او در شیخان است. ۲- ابو جریر زکریان ادریس بن عبدالله اشعری: او نیز از اجله اصحاب (۵۹) ثامن الحجج علی بن موسی الرضا علیه السلام است که از ناحیه آن امام مورد ستایش قرار گرفته است. سال رحلتش پس از رحلت حضرت فاطمه معصومه علیها السلام به سال ۲۰۱ و مدفنش در قبرستان شیخان می باشد. ۳- علی بن بابویه: محدث و جیهه (۶۰) و عالم معتمد و فقیه ابوالحسن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی از اجلاء فقها اصحاب و اعظم (۶۱) مشایخ روات، (۶۲) دارای مقامات عالیه و کرامات و صاحب تصنیفات و تالیفات، غیور در امر دین و ساعی (۶۳) در مبارزه با کفر و الحاد خوانده شده است. مقبره او در قم (ابتدای خیابان چهارمردان) می باشد. پسرش محمد بن علی، رئیس المحدثین ملقب به صدوق که با دعای حضرت بقیه الله الاعظم - عجل الله تعالی فرجه الشریف - متولد گردید، او در شهر ری مدفون می باشد. احمد برقی: عالم جامع و کامل ابو جعفر احمد بن عبدالله محمد بن خالد بن عبدالرحمن محمد بن علی البرقی، از اجلاء مشاهیر اصحاب طایفه و از صحابه امام جواد و امام هادی علیهم السلام به شمار می رود. پدرش ابو عبدالله محمد نیز از اکابر روات و محدثین و اعظم اهل فضل و دین و از ثقات (۶۴) اصحاب امام کاظم و امام رضا علیهم السلام خوانده شده است. ۵- ابن قولویه: شیخ جلیل، فقیه محدث ابوالقاسم جعفر بن محمد بن قولویه قمی از اعظم روات و فقهای طایفه و از کبار (۶۵) مشایخ و از ثقات اصحابی است که از شیخ کلینی و از پدر خود، محمد بن قولویه مدفون به قم روایت کرده است. ۶- خواجه نصیر الدین (محمد بن محمد بن حسن طوسی جهرودی قمی): از حکمای مشهور الهی و فقهای بزرگ اسلامی، تولدش در قریه طوس نو از قراء جهرود قم و تاریخ ولادتش پانزدهم جمادی الثانی سال ۵۹۱ و تحصیلاتش در طوس خراسان و رحلتش در هیجدهم ذی حجه سال ۶۷۲ ه ق و مدفنش در رواق غربی مشهد کاظمین، میان دو در ورودی حرم امامین در جایگاه مستقلی است. ۷- فیاض لاهیجی: فیاض لاهیجی قمی، ملا عبدالرزاق بن علی بن الحسین، فاضلی متکلم و حکیمی متشرع و ادیبی لیب (۶۶) و محقق مدقق بوده است. او دارای تصنیفاتی در حکمت و کلام می باشد. ۸- صدرالمتألهین شیرازی: استاد فیض و فیاض صدرالدین محمد ابراهیم شیرازی معروف به ملاصدرا، نویسنده، کتاب اسفار است او نزد میرداماد و شیخ بهایی در قم شاگردی کرده و تالیفات دیگری هم دارد؛ از جمله: شرح بر اصول کافی شیخ کلینی و شرح بر هدایه میبدی و حاشیه ای بر الهیات شفای بو علی سینا و شرح بر حکمه الاشراف و تفسیری بر قرآن و کتاب شواهد الربوبیه. رحلتش در سال ۱۰۵۰ در راه مکه معظمه در بصره اتفاق افتاد که همان جا هم مدفون گردیده است. ۹- شیخ مفید قمی: شیخ المشایخ محمد بن محمد بن نعمان بن عبدالسلام بن جابر بن بن سعید عکبری قمی از اجله مشایخ طایفه و اعظم و اساتید علمای فرقه امامیه بود. در فقه و کلام، درایت داشته و اعلم (۶۷) اوثق (۶۸) عصر خود شناخته شده است. در سال یازدهم ذی قعدة ۳۳۶ در عکبر متولد و در ۲۷ رمضان سال ۴۱۳ رحلت نمود. ۱۰- عبدالله بن سعد بن مالک اشعری: شیخ جلیل عبدالله بن سعد اشعری از صحابه امام محمد باقر علیه السلام بود که زمان امام جعفر صادق علیه السلام را هم درک کرد. عبدالله دارای پانزده فرزند بود که پس از تسخیر حصارهای قم، هر یک از آنان در حصار به تعلیم الفبای قرآن پرداختند و ظرف مدت کوتاهی جمع کثیری از زرتشتیان این بخش را به قبول دین مقدس اسلام و پذیرش آیین تابناک تشیع مفتخر ساختند. ۱۱- ملا محمد فیض کاشانی: صاحب کتاب وافی در سال ۱۰۰۷ در قم متولد و در سال ۱۰۹۱ در کاشان رحلت نمود. ۱۲- ابوالمحراب، حنین بن محارب (از اطباء بوده است). ۱۳- قاضی سعید (از فلاسفه بوده است). مردم قم در شعر و ادبیات هم دارای جایگاه خاصی بوده اند و شاعران بسیاری را در خود دیده اند، همانند: ۱۴- ابوالاشعث قمی، قدیمی ترین شاعر عراقی. ۱۵- جعفر بن محمد بن علی العطار قمی که او را در شعر، از رودکی بالاتر می دانسته اند. ۱۶- رکن الدین قمی (شاعر قرن هفتم). ۱۷- شهیدی قمی: معاصر سلطان حسین صفوی و بسیاری دیگر. از رجال ادب و سیاست می توان افراد زیر را نام برد: ۱۸- ابوالفضل ابن عمید و پسرش ابوالفتح. ۱۹- تاج الملک وزیر ملک شاه سلجوقی. ۲۰- مؤید الدین محمد بن عبدالکریم قمی. از

وزرای خلفای عباسی : ۲۱ - مجد الملک براوستانی وزیر برکیارق و ابن علقمی را می توان نام برد. ۲۲ - از علمای صرف و نحو می توان از نظام الاعرج قمی مؤلف کتاب شرح شافیه ابن حاجب نام برد. ۲۳ - شیخ طبرسی : شیخ جلیل امین الاسلام ابو علی فضل بن حسن بن فضل تفرشی مشهدی از مفسرین بنام و محدثین اسلام است که صاحب سه تفسیر کبیر و وسیط و وجیز (۶۹) بود که به اسامی مجمع البیان و جامع الجوامع و وجیز موسومند. ۲۴ - قطب راوندی : شیخ اجل سعید بن هبه الله بن حسن راوندی از اعظم فقها و مفسرین بن و اکابر علما و محدثین امامیه در قرن ششم و شیخ علمای قم بوده است . وی نخستین کسی است که خطب حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام را شرح داد و سپس ابن ابی الحدید از شرح او اقتباس و استفاده کرد. البته علما و دانشمندان دیگری که پس از آن زمان ها برخاسته اند بسیار بوده و هستند و نیاز به بحث جداگانه ای دارد، علمایی همچون حضرت آیه الله العظمی بروجردی و حضرت آیه الله العظمی امام خمینی از آن جمله اند.

مقابر برخی از علما، محدثین، شهدا و بزرگان مدفون در شهر مقدس قم

الف - در حرم مطهر حضرت معصومه علیه السلام ۱ - آیه الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی ۲ - آیه الله العظمی سید محمد تقی خوانساری ۳ - آیه الله العظمی سید صدرالدین صدر ۴ - آیه الله العظمی سید محمدرضا گلپایگانی ۵ - آیه الله علامه سید محمد حسین طباطبایی ۶ - آیه الله سید احمد خوانساری ۷ - آیه الله حاج میرزا محمد فیض قمی ۸ - آیه الله شیخ مرتضی حائری (فرزند شیخ عبدالکریم) ۹ - آیه الله میرزا هاشم آملی ۱۰ - آیه الله میرزا مهدی بروجردی ۱۱ - آیه الله شیخ ابوالقاسم قمی معروف به آیه الله کبیر قمی ۱۲ - آیه الله شهاب الدین اشراقی ۱۳ - علامه شهید مرتضی مطهری ۱۴ - شهید محراب آیه الله سید اسدالله مدنی ۱۵ - شهید آیه الله علی قدوسی ۱۶ - شهید آیه الله حاج شیخ محمد مهدی ربانی املشی ۱۷ - شهید آیه الله سید محمد مهدی حکیم ۱۸ - شهید حجه الاسلام شیخ فضل الله محلاتی ۱۹ - شهید حجه الاسلام عباس شیرازی ۲۰ - شهید حجه الاسلام محمد منتظری ۲۱ - آیه الله حاج سید حسن انگجی ۲۲ - آیه الله حاج سید محمدعلی انگجی ۲۳ - آیه الله سید عباس مهری ۲۴ - آیه الله شیخ عبدالکریم ربانی شیرازی ۲۵ - آیه الله سید محمد صادق لواسانی ۲۶ - آیه الله سید ابوالحسن حسینی ، مشهور به رفیعی قزوینی ۲۷ - سید محمد قمی برقی ۲۸ - حاج سید اسماعیل قمی ۲۹ - حاج سید حسین کوچه حرمی ۳۰ - آیه الله العظمی حاج محمد علی اراکی ۳۱ - آیه الله العظمی سید رضا بهاءالدینی ۳۲ - آیه الله احمدی میانجی ۳۳ - آیه الله سید مهدی روحانی ۳۴ - آیه الله سید جمال الدین خوئی ب - در صحن مطهر حضرت معصومه علیها السلام ۱ - سعید بن هبه الله راوندی معروف به قطب راوندی ۲ - عبدالرزاق لاهیجی (داماد ملاصدرای شیرازی) ۳ - شهید آیه الله شیخ فضل الله نوری ۴ - شهید حجه الاسلام دکتر محمد مفتاح ۵ - شهید مهدی عراقی ۶ - شهید حسام عراقی (فرزند مهدی عراقی) ۷ - شهید عبدالحمید دیالمه ۸ - پروین اعتصامی ج - در مقبره و گلزار شهدای شیخان : ۱ - زکریابن آدم ۲ - زکریا بن ادریس (معروف به ابو جریر قمی) ۳ - آدم بن اسحاق ۴ - میرزا ابوطالب قمی ۵ - حاج آقا احمد طباطبایی ۶ - حاج ملامحمد صادق قمی ۷ - حاج سید صادق قمی ۸ - حاج سید جواد قمی ۹ - میرزا ابوالقاسم قمی (صاحب کتاب قوانین الاصول) ۱۰ - آیه الله میرزا جواد ملکی تبریزی ۱۱ - حجه الاسلام شیخ مرتضی انصاری ، فرزند شیخ محمد حسین قمی ۱۲ - شهید حجه الاسلام غلامحسین حقانی ۱۳ - شهید حجه الاسلام عبدالوهاب قاسمی ۱۴ - شهید حجه الاسلام نورالله طباطبایی نژاد ۱۵ - شهید حجه الاسلام عمادالدین کریمی یثربی نژاد ۱۶ - شهید علی اکبر هاشمی سنجانی ۱۷ - شهید حجه الاسلام محمد حسین صادقی ۱۸ - حاج ملا حسین مولوی (مداح اهل بیت) د - در اماکن دیگر قم : ۱ - آیه الله العظمی سید حسین بروجردی (در مسجد اعظم) ۲ - علی بن ابراهیم فرزند هاشم قمی (باغ ملی) ۳ - علی بن الحسین بن موسی ابن بابویه (ابتدای خیابان چهار مردان ، پشت پاساژ ملت) ۴ - آیه الله العظمی سید محمد حجت کوه کمری مدرسه حجتیه) ۵ - آیه الله العظمی سید شهاب الدین مرعشی نجفی (مقابل در ورودی کتابخانه ایشان) ۶ - میرزا حسین کاشفی لاهیجی (خیابان

ارم ، ابتدای خیابان چهارمردان (۷ - شهید آیه الله سید محمدرضا سعیدی (مدفون در قبرستان وادی السلام خاکفرج) ۸ - مجاهد شهید سید مجتبی نواب صفوی (قبرستان وادی السلام) ۹ - شهید آیه الله شیخ حسین غفاری (قبرستان باغ رضوان) ه - در گلزار شهدا، چهار مردان : ۱۰ - شهید سرلشگر مهدی زین الدین ، فرمانده لشکر ۱۷ علی بن ابیطالب علیه السلام ۱۱ - شهید حاج اسماعیل صادقی ، رئیس ستاد لشکر ۱۷ علی بن ابیطالب علیه السلام ۱۲ - شهید جواد عابدی ، فرمانده عملیات لشکر ۱۷ علی بن ابیطالب علیه السلام ۱۳ - شهید جواد دل آذر، فرمانده لشکر ۱۷ علی بن ابیطالب علیه السلام ۱۴ - شهید حسین صبوری ، فرمانده عملیات لشکر ۱۷ علی بن ابیطالب علیه السلام ۱۵ - حجه الاسلام والمسلمین شهید سید حسین سعیدی ، فرزند شهید آیه الله سعیدی ۱۶ - سرهنگ شهید علی طاهایی معاونت اطلاعات سپاه ۱۷ - شهید مجید زین الدین ، برادر شهید مهدی زین الدین ۱۸ - شهید علی عابدی ، برادر شهید جواد عابدی ، و... بسیاری از شهدای دیگر با توجه به این که شناخت دقیق تاریخ یک منطقه ، ارتباط مستقیم با شناخت جغرافیایی آن منطقه دارد و بیان نمودن مطالبی درباره جغرافیای یک شهر یا استان یا کشور، در واقع بیان نمودن تاریخ آن منطقه است ، در پایان این بخش ، ضروری به نظر می رسد تا اطلاعاتی هر چند کوتاه از جغرافیای جدید استان قم ارائه گردد تا با مطالعه دقیق آن ها اهمیت شهر قم و موقعیت کنونی آن - که بسیار مهم و حساس است - برهمگان واضح و روشن شود. لازم به ذکر است که در این جا اطلاعات جغرافیایی خاصی مورد مطالعه قرار گرفته و بقیه اطلاعات ، همچون انواع آب و هوا و نوع محصولات که چندان تاءثیری در شناخت تاریخ قم ندارد، بیان نگردیده است . مطالعه کنندگان محترم جهت کسب اطلاع بیشتر از جغرافیای استان قم می توانند به کتاب هایی در این مورد مراجعه نمایند.

برگزیده ای از جغرافیای استان قم (۷۰)

الف - موقعیت جغرافیایی : استان قم ، تقریباً در مرکز ایران قرار دارد. مساحت آن در حدود ۱۴۶۳۱ کیلومتر مربع می باشد. این استان از شمال به استان تهران ، از شرق به استان سمنان ، از جنوب به استان اصفهان و از غرب به استان مرکزی ، محدود است . بنابراین استانی است که در مسیر استان های مهم ایران قرار دارد که از نظر بازرگانی و اقتصادی ، سیاحتی و زیارتی اهمیت استان را دوچندان می کند. همچنین این استان در غرب دریاچه نمک (مسيله) و دشت کویر واقع شده است . ب - تقسیمات سیاسی و اداری : تا سال ۱۳۱۶ هجری شمسی ، ایران از نظر تقسیمات کشوری ، به ترتیب به ایالت ، ولایت و بلوک تقسیم می شد. در این میان نخستین قانون تقسیمات کشوری به صورت جدید تصویب شد. در این قانون ، ایران به ۱۰ (ده) استان و ۴۰ (شهرستان) تقسیم شده بود که استان ها با شماره مشخص شده بودند. استان فعلی قم جزئی از استان دوم به شمار می آمد. شهرستان های استان دوم عبارت بودند از ساری ، گرگان ، سمنان ، تهران ، قم و کاشان . در سال ۱۳۳۹ طبق قانونی که از مجلس گذشت مقرر شد که استان ها به جای شماره ، به اسامی اصلی و تاریخی خود نامیده شوند. در این میان تقسیم بندی محدوده استان قم جزء استان مرکزی ، و تهران ، مرکز این استان به شمار آمد. به دنبال تشکیل استان جدیدی به نام استان تهران ، با تصویب هیئت دولت در سال ۱۳۶۵ ، شهرستان قم از استان مرکزی جدا گردید و جزء استان تهران شد. سرانجام در سال ۱۳۷۴ در پی سفر پر خیر و برکت رهبر معظم انقلاب اسلامی ، حضرت آیه الله خامنه ای به قم - که مصادف با ایام ولادت با سعادت حضرت علی علیه السلام بود - شهرستان قم به امر ایشان و نیز با تصویب مجلس شورای اسلامی ، به استان جداگانه ای به نام استان قم تبدیل شد تا به مشکلات دیرینه آن رسیدگی بیشتری گردد. بنابراین شهرستان قم با ترکیب چهار بخش ، شامل بخش مرکزی ، بخش نوفل لوشاتو (کهنک) ، بخش خلیجستان ، بخش جعفرآباد و شهرستان های قم ، کهنک و گازران ، به استان مستقلی تبدیل گردید. ج - تراکم جمعیت : استان قم در سال ۱۳۷۰ شمسی ، ۷۵۷۱۴۷ نفر جمعیت داشته است که از این تعداد ۱۰ درصد در روستا و بقیه در نقاط شهری زندگی می کنند؛ بنابراین بیشتر جمعیت این استان ، شهرنشین هستند که قسمت اعظم آنان در شهر قم اسکان یافته اند. تراکم متوسط جمعیت

در استان قم ، ۶۱ نفر در کیلومتر مربع می باشد. به دلیل تفاوت های جغرافیایی ، جمعیت در سطح استان یکسان توزیع نشده است و بیشترین جمعیت ، در بخش مرکزی و کمترین تراکم جمعیت را بخش جعفرآباد دارند. به طور کلی تراکم رد سطح استان بسیار کم می باشد که علت اساسی آن ، کمبود آب و خاک حاصل خیز است . د - سطح سواد و امکانات آموزشی : ۷۲ درصد مردم قم استان قم با سواد هستند. این در حالی است که جمعیت با سواد کشور، ۵/۷۴ درصد است . ترکیب سنی در استان قم بسیار جوان است و بیش از ۴۵ درصد جمعیت استان کمتر از ۱۵ سال سن دارند. به علت گسترش شهرنشینی در سطح استان ، بیشترین امکانات آموزشی در سطح شهر قم وجود دارد که این امکانات نیز با توجه به رشد جمعیت شهری کافی به نظر نمی رسد و با میزان مطلوب فاصله دارد. از نظر امکانات آموزش عالی نیز استان قم در سال های اخیر، با رشد این مراکز روبرو بوده است . این مراکز که در شهر قم متمرکز شده اند، توجه دولت به بخش آموزش عالی را در این شهر، نشان می دهد. مراکزی مانند دانشگاه آزاد اسلامی ، دانشگاه پیام نور، دانشگاه فاطمیه ، دانشگاه قم ، دانشگاه مفید، مجتمع آموزش عالی از آن جمله است . اهمیت شهر قم از نظر امکانات آموزش حوزوی زیاد می باشد. حوزه علمیه قم در سال ۱۳۷۰ دارای بیش از ۲۳ هزار طلبه بوده است . کتابخانه های مهم قم عبارتند از: کتابخانه حضرت آیه الله العظمی مرعشی نجفی ، کتابخانه آستانه مقدسه قم ، کتابخانه حضرت آیه الله العظمی گلپایگانی و کتابخانه مسجد اعظم و چند کتابخانه مهم دیگر. اهمیت استان از نظر منطقه ای و معادن : شهر قم به علت آن که در مرکز کشور قرار داشته ، از گذشته تاکنون محل تلاقی و عبور جاده های سراسری کشور بوده است . در قرون نخستین اسلامی این جاده ها اهمیت بیشتری یافتند و شهر جدید در محل تلاقی این راه ها شکل گرفت . با گذشت زمان و ایجاد امنیت و ثبات در منطقه ، شهر قم دارای ۱۳ راه و دروازه اصلی و فرعی گردید که نشان دهنده اهمیت ارتباطی شهر قم می باشد. امروزه نیز شهر قم با نزدیکی به مرکز ثقل سیاسی جغرافیایی کشور دارای اهمیت بسیار است . قم یکی از استان های مهاجرپذیر می باشد. به طور کلی علل رشد جمعیت قم عبارتند از: ۱ - دارابودن موقعیت مذهبی - سیاسی شهر قم ۲ - گسترش مراکز تحصیلات علوم دینی ۳ - نزدیکی به پایتخت ۴ - افزایش زاد و ولد در سال های اخیر. مهاجرت های خارجی افغانی ها، معاودین عراقی و محصلین علوم دینی که از کشورهای مختلف به قم آمده اند نیز بر رشد جمعیت دامن می زند. در این استان حدود ۶ درصد به کار کشاورزی و ۴۴ درصد در بخش خدمات و صنعت مشغول کار هستند. این استان به علت نزدیکی به شهر تهران و راه های ارتباطی کشور و نزدیک بودن به دو استان صنعتی یعنی اراک و اصفهان بسیار مهم و باارزش تلقی می گردد. در این استان ، هم اکنون ۳۲ معدن فعال کوچک و بزرگ مورد بهره برداری قرار گرفته است که مهم ترین این معادن عبارتند از: معادن سنگ ساختمانی ، سنگ گچ و منگنز که مهم ترین آن منگنز می باشد. همچنین معادن نفت و گاز در استان وجود دارد، ولی تاکنون مورد بهره برداری قرار نگرفته است . سد مخزنی ۱۵ خرداد نیز که بر روی رودخانه قمرود در عباس آباد واقع در محور قم - دلیجان ساخته شده است بر اهمیت این استان افزوده است .

حوزه علمیه قم و نقش علما در رشد آن

فصل اول : حوزه علمیه قم

مقدمه

شهر قم از ابتدای پیدایش ، پیوسته مهد دانش و فضیلت و سرچشمه فیضان حکمت و معرفت بوده ، از همان ابتدا تربتش به شرافت ، و مردمش به فضیلت ستوده شده اند. خدمات برجسته و مساعی ارزنده دانشمندان قم ؛ راه احیای آیین تشیع و نشر معالم دین و فرهنگ اسلام به حدی بود که تاج کرامت ابدی و دینی بر تارک شریف آنان نهاده شد. اجرای آیین این تاج گذاری ، هفتاد و

چند سال قبل از نزول حضرت فاطمه معصومه علیها السلام به قم و در زمانی بود که هنوز پدر بزرگوارش امام کاظم علیه السلام دیده به جهان نگشوده بود؛ یعنی زمانی بود که جد امجد فاطمه معصومه علیها السلام (امام به حق ناطق، حضرت امام جعفر صادق علیه السلام) از رحلت و از دفن وی در قم خبر داد و طی روایت مفصلی قم را حرم خود و اهل بیت خویش و کوفه صغیر و آشیانه طالبین آل محمد علیهم السلام خوانده، بر توجیه دری از درهای بهشت به سوی مردم قم تصریح فرموده است. چرا که اساس و پایه آن را گروهی از صحابه و دوستان ائمه از عرب اشعری با مصالح ایمان و ملات تولی به کار گذاشتند و شالوده این بلده طیبه را به سال ۹۴ هجری در دوران امام محمد باقر علیه السلام طرح ریزی کردند. برای نخستین بار مکتب امامیه توسط عرب اشعری در قم افتتاح گردید که فقه شیعه به طور علنی و رسمی در آن تدریس می گشت و مشعل هدایت و ارشاد شیعه در اولین بار در این شهر فروزان گردید و تربیت یافتگان مکتب قم بر سایر بلاد اسلامی نورافشانی کردند. از این مکتب، اساتید و بزرگان برخاستند که نامی و لقب گرامیشان برای همیشه زینت بخش صفحات کتاب های رجال و تراجم می باشد. امروزه شهر قم در واقع مرکز معارف و فرهنگ اسلامی در سراسر جهان است. (۷۱) اکنون با توجه به موقعیت فرهنگی و تاریخی و مقام رفیع این قطعه مبارکه، در جغرافیای سیاسی و مذهبی معارف نورانی اهل بیت علیهم السلام بر خود لازم دیدم که با استمداد از الطاف الهی و توسل به عنایات معصومین علیهم السلام قطره ای از دریای بی کران خدمات متقابل قم و بینش ناب اسلامی شیعی را طی چند قسمت تقدیم دارم:

قسمت اول: تاسیس حوزه علمیه قم:

قم از زمانی که اشعریان آمدند و وضع آن را تغییر دادند، مرکز علما و محدثان و راویان و فقها بوده است. عده ای از اشعری هایی که به قم کوچ کردند، جزء علمای تابعین بودند که در سپاه عبدالرحمن بن محمد بن الاشعث با حجاج جنگ می کردند. عبدالله بن سعد و پسرش موسی که همراه دیگر اشعریان به قم آمدند. در شمار علمای آن روز محسوب می شوند. در قرن دوم هجری دوازده پسر از سعد بن عبدالله بن ملک بن عامر اشعری در شمار راویان و اهل حدیث بوده و از ابن عبدالله جعفر بن محمد الصادق علیه السلام روایت می کرده اند و بیش از صد نفر از فرزندان عبدالله و احوص، پسران سعد - که جزء نخستین کسانی از آل اشعر بودند - که به قم آمدند و از فرزندان سائب بن مالک و از فرزندان نعیم بن سعد از دیگر امامان روایت کرده اند. در اواخر قرن دوم و قرون سوم و چهارم، قم مهم ترین مرکز علما و محدثان شیعه بوده است و در این عصر، علمایی مانند محمد بن حسن صفار و ابو عبدالله محمد بن خالد برقی و ابو جریر زکریا بن ادریس از راویان امام صادق و امام کاظم و امام رضا علیهم السلام، همچنین آدم بن اسحاق و زکریا بن آدم از اصحاب امام رضا علیه السلام و علی بن بابویه و پسرش محمد، معروف به صدوق و ابن قولویه و علی بن ابراهیم و ده ها تن دیگر از شهر قم برخاستند. در قرون پنجم و ششم (دوره سلجوقیان) نیز قم، مرکزی بزرگ برای فقها و علمای شیعه بود و عده ای برای تحصیل به این شهر می آمدند و مدارس دائری داشتند. شیخ عبدالجلیل رازی وضع علمی قم را در قرن ششم شرح داده و می گوید: مدارس دینی قم دارای وسایل کافی و علما و مدرسان و مفسران بزرگ می باشد و کتابخانه هایی از کتاب های فرقه های مختلف در آن وجود دارد. شیخ عبدالجلیل، اسامی این مدارس را که در قم و در زمان او دایر بود و فقها و پیشوایان دینی با شکوه تمام در آن می زیسته اند، ذکر کرده است که عبارتند از: ۱- مدرسه سعد صلت ۲- مدرسه اثیرالملک ۳- مدرسه سید سعید عزالدین مرتضی ۴- مدرسه سید زین الدین ۵- مدرسه ظهرالدین عبدالعزیز ۶- مدرسه ابوالحسن کمبج ۷- مدرسه شمس الدین مرتضی ۸- مدرسه مرتضی کبیر ۹- و مدرسه ای جنب مشهد مطهر ستی فاطمه بنت موسی بن جعفر. (۷۲) در فاصله میان سلجوقیان و صفویه در شهر قم، حوادث گوناگونی رخ داد، و چند بار مردم آن قتل عام شدند و خود شهر ویران گردید. در زمان تیموریان، شهر قم مدتی پایتخت بود و در زمان سلطان محمد تیموری، وی شرف الدین علی یزدی عالم و مورخ و ریاضی دان معروف آن روز را به قم دعوت کرد و شرف الدین مدتی در این شهر اقامت داشت. او ظاهراً از علمای اهل تسنن

بوده است. در دوره صفویه، وضع روحانیت قم تا حدی مشخص می‌باشد. گویا پس از پیدایش صفویه از مدارس قم که شیخ عبدالجلیل بعضی از آن‌ها را نام برده، زیاد نبوده و بیشتر آن‌ها به دنبال تخریب‌ها و قتل عام‌های متعدد از میان رفته بوده است و در این عصر مدارس جدیدی بنا شد که آثار بعضی از آن‌ها امروزه باقی می‌باشد. در این مدارس، جمعی از بزرگترین علمای شیعه از قبیل ملا محسن فیض و ملا عبدالرزاق لاهیجی و ملا صدرای شیرازی، (حکیم معروف) و قاضی سعید و ملا طاهر قمی به تحصیل با تدریس و تصنیف اشتغال داشته‌اند. در دوره قاجاریه، قم دارای مدارس متعدد بود که اغلب آن‌ها هنوز هم باقی و دایر است در این عصر، علمای بزرگی در قم اقامت داشته یا از قم برخاسته‌اند که از همه آنان معروف‌تر، میرزا ابوالقاسم قمی معاصر فتحعلی شاه است و آثار علمی وی، همواره مورد توجه علما بوده است. قم پس از آمدن مرحوم آیه الله العظمی حائری و تاسیس حوزه جدید روحانیت، به تدریج مرکز دوم روحانیت شیعه به حساب آمد و شهرت جهانی پیدا کرد (مرکز اول در آن زمان نجف بوده است) و هزاران تن از دور و نزدیک و از کشورهای خارج برای تحصیل به این شهر رو آوردند و در این مدت همواره محل اقامت جمعی از مراجع تقلید بزرگ شیعه بوده است. (۷۳) لازم به ذکر است که حوزه علمیه نجف در نیمه دوم قرن پنجم هجری به وسیله عالم بزرگ شیعه محمد بن حسن طوسی معروف به شیخ الطائفه و شیخ طوسی تاسیس شد و هنوز هم برپاست.

قسمت دوم: شرح بعضی از مدارس حوزه علمیه قم:

همان گونه که بیان گردید در دوره صفویه مدارس جدیدی در قم بنا شد که آثار و بقایای بعضی از آن‌ها هنوز هم باقی است (البته به برخی از علمای آن دوره در مطلب قبلی اشاره شده است). امروزه قم در پرتو بارگاه مقدس حضرت معصومه علیهم السلام و موقعیت ممتاز علمی و وجهه روحانی و معنوی که دارا است، یکی از آبادترین، و پرجمعیت‌ترین و پررفت و آمدترین شهرهای ایران محسوب می‌شود. جا دارد که اینک به دو مدرسه مشهور و مهم حوزه علمیه قم نگاهی اجمالی داشته باشیم: مدرسه فیضیه مدرسه فیضیه در زمان صفویه (سال ۹۳۹ ه. ق) بنا نهاده شده و محلی که اکنون، حوض واقع است، انتهای مدرسه قبلی و به جای حوض کنونی، بالاخانه مروحی (۷۴) بوده است که آن را مشرق‌الشمسین می‌نامیده‌اند. وجه تسمیه آن به مشرق‌الشمسین به این علت بوده است که در هر بامداد چون خورشید از مشرق بالاخانه طلوع می‌کرده است، گنبد مطهر هم در جنوب بالاخانه مانند خورشیدی می‌درخشید و آن جا مشرق دو خورشید بوده است و این بالاخانه محل ریاضت مرتاضین بزرگ و جایگاهی بس شریف بوده است؛ و از جمله میرداماد را در آن جا مکاشفاتی دست داده، شیخ بهایی در آن جا به ریاضت اشتغال داشته، میرفندرسکی در همان جا به تحصیل و ریاضت می‌پرداخته، صدرالمتألهین، ملاصدرای شیرازی در همان نقطه به تالیف و تدریس کتاب اسفار اربعه پرداخته و حکیم ربانی، مولانا محسن فیض کاشانی و مولانا عبدالرزاق لاهیجی به تحصیل علوم مشغول بوده و این دو حکیم هم روزگارانی را در آن مدرسه گذرانده‌اند. از این رو هنگامی که ساختمان مدرسه را تغییر دادند در جایگاه مشرق‌الشمسین حوض موسعی بنا می‌نهد تا مکان بالاخانه راهرو نشود. به هر حال در زمان فتحعلی شاه در سال ۱۲۱۳ ه. ق مدرسه سابق را با دو بنای دیگر که در شمال آن واقع بودند، از جای برداشتند و به جای آن‌ها مدارس فیضیه و دارالشفاء را بنیان نهادند. در سال ۱۲۲۳ به امر سلطان زمان، آن را توسعه داده به شکل مربع مستطیل درآوردند و چهل و هشت حجره در آن بنا کردند. در زمان مرحوم آیه الله العظمی حائری، به علت کثرت طلاب محترم، بناهای فوقانی بر آن افزوده شد. اکنون این مدرسه، مرکز سایر مدارس قم و مجمع اهل دانش و بینش است مدرسه فیضیه، همان مدرسه ای است که در دوران قبل از انقلاب، شاهد سخنرانی‌ها و مبارزات حضرت امام خمینی قدس سره علیه طاغوت و طاغوتیان بوده است. مدرسه فیضیه همان مکانی است که تاریخ هیچ‌گاه آن را فراموش نخواهد کرد و خون شهیدانی که در آن مدرسه ریخته شد، همیشه جوشان است و راه و هدف امام خمینی قدس سره را تقویت خواهد نمود. مدرسه دارالشفاء مدرسه دارالشفاء که در دوران قحط علمی، همه حجرات آن از پیکرش جدا گردید -

ابتدا به نام مدرسه فتحعلی شاه خوانده می شد؛ تا آن که در سال ۱۳۰۷ قمری شاهزاده کامران میرزای قاجار (بانی تذهیب گلدسته های صحن عتیق)، این مدرسه مستمندنشین تهی از طلبه را از دست غاصبین بیرون آورده و سرردر آن را تجدید و حجراتش را تعمیر نمود و آن را دارالشفاء گردانید و در هر یک از حجرات غریبش دو تختخواب برای بستری ساختن بیماران نهاد و فضای آن را باغچه بندی و گلکاری کرد؛ ولی حجرات شرقی مدرسه را برای سکونت طیب و پرستارانی که می بایست در تمام ساعات روز و شب مراقب بیماران می بودند، اختصاص داد؛ یعنی هر دو الی سه حجره را برای یک نفر در نظر گرفته، جلو درهای آن ها را از طرف مدرسه دیوار کشید و برای هر خانه دری به مدرسه باز گذاشت و از اراضی پشت مدرسه برای هر خانه محوطه ای منظور نموده، دیوار کشی کرد و برای هر یک دری هم به جانب قطعه زمین مزبور بنا نهاد. این زمین که در پشت دو مدرسه از جلو لایروبی برکه (مخزن آب انبار) و حفر چاه های آب و فاضلاب جهت حمام و انبار ساختن بوته و تیغ و سوخت زمستانی در نظر گرفته بودند که از دالان زاویه شمال شرقی فیضیه هم دری به همین محوطه باز بود تا کسبه و حمامی بتوانند به داخل مدرسه ایاب و ذهاب کنند. در این دالان، حجره بزرگ و تاریکی وجود داشت که شخصی به نام حسین بلبللی پز با هیكلی رشید در آن جا زندگی می کرد؛ به علاوه آن جا کارگاه طباحی و انبار سوخت او شده بود. پس از مدتی حجرات شرقی از مدرسه یا بیمارستان جدا گردید و به چند خانه برای سکونت متصدیان دارالشفاء تبدیل و تخصیص یافت. هنگامی که شاهزاده کامران میرزا از دنیا رفت و آن زمان هم مصادف با دوران قحط علمی قم بود، این خانه باز هم در تصرف بعضی از خدام مستمند و نیرومند درآمد و به مرور مورد تملک آنان قرار گرفت. خلاصه آن که در قسمت شرقی دارالشفاء به جای حجرات چند خانه ایجاد شد و از سوی دیگر، محل رفت و آمد زوار، از خیابان حضرتی به جانب روضه شریفه شده بود و مدرسه با ناامنی و عدم استقلال مواجه گردید به طوری که حتی شب ها هم نمی توانستند در آن را ببندند؛ زیرا با اعتراض ساکنان خانه ها مواجه می گردیدند. به تدریج حجرات شمالی هم به تصرف مسافرخانه های خیابان حضرتی و کسبه آن درآمد و انبار کالاهای پیشه وران گشت؛ چنان که کلیه حجرات مدرسه فیضیه نیز انبار بقالان و احیاناً محل کسب یکی دو صحاف شده بود و عمارت مدرسه دارالشفاء در جانب غربی و اتاق برجی شکل مقابل آن در جانب شرقی و غرفه روی آن که مخزن کتابخانه گردیده بود، در تصرف چندتن قهوه چی درآمد؛ محوطه مدارس هم مشتری نشین این قهوه خانه عمومی شده بود. وضع این دو مدرسه تا سال ۱۳۳۶ قمری به این منوال بود؛ تا آن گاه که مرحوم آیه الله فیض به تدریج حجرات آن ها را طلبه نشین ساخته و از تصرف غاصبین بیرون آورد و می توان گفت که از آن تاریخ به بعد دوره رضاع (۷۵) حوزه علمیه قم آغاز گردید. پس از تاسیس حوزه علمیه قم، مرحوم آیه الله العظمی حائری به مرمت آن پرداخت و بعد از رحلت آن مرحوم، مرد خیری به نام حاج میرزا محمد علی توتون فروش در سال ۱۳۲۰ شمسی روی حجرات غربی آن را غرفه سازی کرد. در سال ۱۳۳۵ مرحوم آیه الله العظمی بروجردی نیمی از خانه های شرقی مدرسه را از متصرفین خریداری کرده و به احداث حجرات و غرفانی در جنوب و شرق آن پرداخت و بیست و شش حجره بر حجرات مدرسه اضافه کرد. البته در این مدرسه تغییرات دیگری نیز در سال های متمادی از نظر سبک بنا و ساختمان رخ داده است؛ به گونه ای که هم اکنون این ساختمان، تغییر اساسی نموده و به هیچ وجه قابل مقایسه با ساختمان قبلی نیست و اکنون این مدرسه مرکز مدیریت حوزه علمیه قم گردیده است.

قسمت سوم: مدیریت حوزه علمیه قم:

همان گونه که بیان شد مرکز مدیریت مرکز حوزه در این مدرسه قرار دارد و برخی از قسمت های آن بدین شرح است: ۱ - مدیریت حوزه ۲ - قائم مقام ۳ - معاون آموزش ۴ - تبلیغات ۵ - روابط عمومی ۶ - گزینش و آمار ۷ - امور مالی ۸ - امور شهرستان ها ۹ - امور اداری ۱۰ - طرح و برنامه ۱۱ - امور مدارس ۱۲ - تدارکات ۱۳ - دبیرخانه ۱۴ - مدارج علمی ۱۵ - دفتر

بررسی رساله‌ها ۱۶ - امور شهریه ۱۷ - معاونت تهذیب ۱۸ - واحد کامپیوتر ۱۹ - مرکز مشاوره ۲۰ - جذب اساتید و مدیران ۲۱ - انتقالات شهرستان‌ها ۲۲ - دفتر نظارت و... در حوزه علمیه، شورایی به نام شورای عالی سیاست‌گذاری حوزه علمیه وجود دارد. افراد این شورا قبلاً از طرف حضرت امام خمینی و آیه الله العظمی گلپایگانی و جامعه مدرسین معرفی می‌شدند، اما پس از رحلت امام، از طرف جامعه مدرسین انتخاب می‌شوند که اعضای این شورا شامل شش نفر بوده و بک نفر آن‌ها به عنوان مدیر این شورا انتخاب می‌شود که البته ممکن است فرد دیگری را خارج از اعضا به عنوان مدیر انتخاب نمایند. اهم وظایف این شورا عبارتند از: تصمیم‌گیری در مورد نحوه اداره حوزه و نحوه پذیرش، ارتباطات بین حوزه‌ها، مسائل آموزشی و نحوه تدریس کتاب‌های حوزوی و... در ضمن یادآور می‌شویم که شورای مدیریت در بخشی از مدرسه دارالشفاء مستقر است و بخش‌های دیگر، در اختیار مرکز تربیت مدرس و حجره‌هایی برای سکونت طلاب وجود دارد. به غیر از قسمت‌های یاد شده در این مدرسه، اتاق خبر برای مطالعه مجموع روزنامه‌ها و مجلات و دایره امتحانات و بانک اطلاعات کامپیوتری نیز وجود دارد.

قسمت چهارم: برنامه تحصیلی طلاب

هر طلبه باید سه دوره را طی کند تا در راه نیل به درجه اجتهاد قرار گیرد: ۱ - دوره مقدماتی: این دوره از مبادی صرف عربی و صیغه‌سازی شروع می‌شود؛ سپس مبتدی مقداری نحو و منطق فرا می‌گیرد. کتابی که هر طلبه در ابتدای کار باید بخواند کتابی است به نام جامع المقدمات که مجموعه‌ای است از چهارده کتاب کوچک به فارسی و عربی، در صرف و نحو و منطق و روش درس خواندن و تمرین‌های دشوار صرفی. کتبی که در زمان قدیم در حوزه تدریس می‌شدند عبارتند از: کتاب‌های شرح الفیه ابن مالک از جلال الدین سیوطی و شرح ابن عقیل و شرح جامی و کافیه ابن حاجب و شرح نظام و شرح رضی بر شافیه ابن حاجب. این کتاب‌ها از جمله کتبی است که طلبه بعد از جامع المقدمات باید فرا می‌گرفت و اشعار الفیه ابن مالک را حفظ می‌کرد. سپس برای آشنایی بیشتر با ادبیات عرب، مغنی اللیب از ابن هشام و مطول از سعد تفتازانی را یاد می‌گرفتند و در ضمن، کتبی از قبیل؛ حاشیه مولی عبدالله یزدی و شرح شمسیه و گاهی مطالعه با توضیح بیشتری در منطق فرا گرفته می‌شد و نیز مختصری در علم اصول فقه، در پایان دوره مقدماتی تدریس می‌شد و کتابی که مآخذ علم اصول در این دوره می‌باشد، کتاب معالم الاصول، تالیف عالم جلیل القدر شیخ حسن، فرزند شهید ثانی، مؤلف کتاب نفیس شرح لمعه است. در دوره مقدماتی و گاهی در دوره سطح، کتاب شرایع محقق هم، جزء برنامه بوده و اصول این برنامه از دوره صفویه به بعد معمول بوده است. اما در حال حاضر مقداری از کتاب‌های مذکور از برنامه حذف شده و برنامه درسی مختصرتر گردیده است. برخی کتاب‌های مورد تدریس در حال حاضر عبارتند از: ۱ - شرح الفیه ابن مالک جلال الدین سیوطی ۲ - حاشیه مولی عبدالله یزدی ۳ - اصول فقه مرحوم مظفر ۴ - ملحقات شهید صدر ۵ - مغنی البیب ۶ - مختصر المعانی و... ۲ - دوره سطح: مقصود از سطح، خواندن و فراگرفتن از روی کتاب است. پس از آن که طلبه، دوره مقدماتی را به ترتیبی که ذکر شد یاد گرفت، به دوره سطح می‌پردازد. در این دوره که او تقریباً فقه و اصول از روی کتاب‌های مربوط است. کتاب‌های فقه و اصولی که سال‌های متمادی، جزء برنامه‌های دوره سطح بوده و هست عبارتند از: شرح لمعه شهید ثانی در فقه؛ شرح ریاض در فقه؛ (در قدیم) قوانین میرزای قمی در اصول (در قدیم)؛ رسائل مرحوم علامه محقق استاد الفقها شیخ مرتضی انصاری در اصول، مکاسب شیخ انصاری در فقه استدلالی، و کفایه الاصول مرحوم آخوند ملا محمد کاظم خراسانی. ۳ - دوره خارج: مقصود از این دوره، بحث کردن درباره مسائل مربوط به فقه و اصول از خارج است؛ با این توضیح که وقتی طلبه‌ای در دوره قبلی تبحر پیدا کرد و توانست از روی کتاب‌های فقه و متون اخبار و احادیث، مسائل مربوط به فقه را به خوبی درک کند، در محضر درس استاد حاضر می‌شود، اگر جلسه درس مربوط به فقه باشد، مسأله‌ای فقهی و اگر مربوط به اصول باشد بحثی اصولی مطرح می‌گردد. استاد شروع به بحث می‌کند و شاگردان در بحث مداخله و

اظهار نظر می‌کنند، گاهی یک بحث فقهی یا اصولی، هفته‌ها و یا شاید ماه‌ها به طول می‌انجامد تا حق مطلب به دست آید. مقصود نهایی از این مباحث، استنباط حکم به طرز صحیح از روی ادله اربعه (۷۶) می‌باشد. از این به بعد، طلبه به تدریج، طبق استعداد خود، در راه اجتهاد قرار می‌گیرد.

قسمت پنجم: مرکز جهانی علوم اسلامی

امروزه با گسترش و پیشرفت علوم و معارف اسلامی، لزوم افزایش و ازدیاد مراکز علوم دینی و مذهبی بیشتر نمایان می‌گردد. اگر روزی پیامبر اسلام - صلی الله علیه و آله - مأمور بود مخفیانه به تبلیغ دین اسلام بپردازد، به شکرانه خداوند، پس از حدود چهارده قرن، امروزه تعداد مسلمین جهان، افزون بر یک میلیارد می‌باشد و هر روز که می‌گذرد بر تعداد مسلمین افزوده می‌گردد. در میان این مسلمانان، عده زیادی از آنان، علاقه شدیدی دارند که به اسلام ناب محمدی دست یابند و با تحصیل علوم معارف اسلامی به خواسته خود دست یابند. حوزه‌های علمیه نجف، قم و سایر شهرهای ایران و خارج از ایران، گویای این حقیقت است؛ زیرا به طور مرتب بر تعداد طلاب و جویندگان علوم افزوده می‌گردد و بنابراین لزوم تشکیل و یا ازدیاد مراکز دینی افزایش می‌یابد. شوق و علاقه فراگیری مسائل و علوم دینی تا بدانجا گسترش یافته که عده‌ای از مسلمانان و حتی غیر مسلمانان، کشور و شهر و دیار خود را ترک کرده و به سوی مرکز دینی ایران و به ویژه به سوی حوزه علمیه قم روانه گشته‌اند. بدیهی است که لزوم تفکیک طلاب ایرانی یا غیر ایرانی بیشتر آشکار می‌شود، زیرا طلاب غیر ایرانی، دارای زبان‌های مختلف هستند و از آن‌جا که دروس حوزه معمولاً عربی و یا فارسی است، لازم است ابتدا آنان آشنایی بیشتری با این دو زبان داشته باشند و سپس به دیگر علوم دینی بپردازند. مرکز جهانی علوم اسلامی، این وظیفه خطیر را به عهده گرفته و با تربیت طلاب علوم دینی، در واقع شاخه‌ای از صدور اسلام و انقلاب را به کشورهای دیگر ممکن ساخته است. در این مرکز طلاب غیر ایرانی، پس از گزینش وارد حوزه شده و ابتدا تقریباً به مدت یک سال مشغول فراگیری زبان فارسی می‌شوند و سپس همانند دیگر طلاب محترم، مشغول فراگیری دروس حوزه از دوره مقدماتی تا خارج فقه می‌شوند. هم‌اکنون تعداد این طلاب عزیز، نزدیک به ۲۰۰۰ (دوهزار) نفر می‌باشد که از حدود ۸۰ کشور جهان مشغول تحصیل هستند. در قسمت خواهران نیز جامعه الزهرا، هم برای طلاب ایرانی و هم طلاب غیر ایرانی، برنامه‌هایی در نظر دارد و این خواهران محترم، با فراگیری علوم و معارف اسلامی، خدمتی ارزنده را به جامعه بشریت نموده و خواهند نمود. لازم به ذکر است از آن‌جا که بسیاری از اطلاعات مرکز جهانی علوم اسلامی به لحاظ مسائل امنیتی برای طلاب و خانواده‌های آنان، ممکن است مشکلاتی را در پی داشته باشد، مسئولین ذی‌ربط، اطلاعات بیشتری را در این زمینه در اختیار حقیر قرار ندادند؛ بدین لحاظ نتوانستیم به طور کامل حق مطلب را ادا نماییم از این رو ما به همین مختصر جهت آشنایی خوانندگان اکتفا می‌نماییم. در آخر این مبحث، لازم به ذکر است به یکی از رهنمودهای امام خمینی قدس سره درباره روحانیت که در تاریخ ۲/۴/۵۸ ایراد شده، توجه نماییم: اگر شما ان شاء الله روحانی شدید هر کدامتان در یک بعدی یا در مملکتی ان شاء الله سرشناس شدید و مروج دین اسلام، اگر خدای نخواستہ انحرافی در شما پیدا شود، این انحراف، انحرافی نیست که مثل سایر مردم باشد.

قسمت ششم: علل عمده پیشرفت تحصیلی طلاب

در روش تحصیلی طلاب، چند عامل و دلیل وجود دارد که در دریافت درس و پیشرفت در زمینه درسی بسیار مؤثر و مفید است که شامل موارد ذیل می‌باشد: ۱ - مطالعه دقیق و عمیق قبلی و به اصطلاح پیش مطالعه: طلبه هنگامی که وارد جلسه درس می‌شود،

کاملاً به درس مربوطه تسلط دارد و همه جزئیات آن را از نظر گذرانیده است، و فقط استاد باید اشکالات او را برطرف نماید. ۲ - آزادی و اختیار در زمینه درسی: دومین علت پیشرفت آنان، آزادی کامل آنان است در اظهار نظر کردن درباره درس، اشکال وارد نمودن به درس و ایراد گرفتن به استاد؛ و این موضوع، مخصوصاً در درس خارج، مصداق صحیح و کامل دارد و گاهی در جلسه درس، شاگردان با یکدیگر به بحث می‌پردازند و این مباحثات و مناظرات معمولاً با صدای بلند انجام می‌شود. ۳ - مباحثه و تبادل فکر: مباحثه درس و تبادل فکر در بین طلاب بسیار رایج است. معمولاً طلاب پس از اتمام درس، دو نفری یا چند نفری همان درس را با یکدیگر مورد بحث قرار می‌دهند و با یکدیگر اشکالاتشان را برطرف می‌نمایند. (۷۷) ۴ - ذوق و علاقه نسبت به درس: معمولاً طلاب، رنج‌های سفر و غربت را به جان می‌خرند، اکثر طلاب از شهرها و روستاهای دور و نزدیک به حوزه‌های علمیه، به خصوص حوزه علمیه قم آمده و با ذوق و اشتیاق کامل به مطالعه و درس مشغول می‌شوند و از این که آنان به عنوان سربازان حضرت ولی عصر - عجل الله تعالی فرجه الشریف - می‌باشند به خود می‌بالند و ذوق و علاقه آنان صدچندان می‌شود. ۵ - داشتن هدفی معین: عده‌ای از محصلین و دانشجویان، درس را برای اخذ مدرک و سپس یافتن کار می‌خوانند نه برای یادگیری و رشد خود؛ اما معمولاً در بین طلاب هدف از درس و بحث معین است و کسب علم و فضیلت و تقوا مهمترین هدف یک طلبه است که برای رسیدن به آن‌ها تلاش و کوشش بسیاری می‌کند.

فصل دوم: نقش عده‌ای از علمای اسلام در احیای حوزه علمیه قم

مقدمه

توضیح

علمای اسلام، در طول تاریخ اسلام، منشاء خدمات ارزنده و فراوانی بوده‌اند و رشد و بالندگی اسلام و مسلمین تا حد زیادی وابسته به آنان بوده است. از میان علمای اسلام، عده‌ای همواره با تلاش و جدیت بیشتری نسبت به سایر علما توانسته‌اند نقش مفید خود را در جامعه، بهتر ایفا نمایند و مردم نیز از آنان بیشتر بهره‌مند گردند. بنابراین آنان همواره به عنوان بانیان و متولیان امور خیریه شهرت یافته‌اند؛ چرا که از دوران طلبگی تا پایان عمر با بذل عمر و حتی جان خویش، و ایثار و فداکاری که از خود نشان داده‌اند، توانسته‌اند به جامعه بشریت خدمات مفید و ارزنده و پابرجایی را ارائه دهند. یکی از بهترین خدماتی که عده‌ای از علمای سلف (۷۸) انجام داده و هنوز قم پابرجاست و روز به روز گسترش می‌یابد، تاسیس و احبای حوزه علمیه قم است. برای این که با خدمات عده‌ای از این علمای عزیز و گرامی بیشتر آشنا شویم، شرحی بسیار مختصر از زندگی و یا عملکرد هر یک را تقدیم شما عزیزان می‌نمایم تا یاد و خاطره آن‌ها علاوه بر روح و جان بشریت در اذهان و افکار نیز پایدارتر باقی بماند. ناگفته نماند جاهایی که به وجود روحانیت نیاز بود، آن چنان در صحنه حاضر می‌شدند و آن چنان قوی و نیرومند بودند که بزرگ‌ترین حرکت‌ها و جنبش‌ها را ایجاد می‌کردند. هر وقت در ایران موج استعماری شدید و ملموس می‌شد و روحانیت این موضوع را می‌فهمید و درک می‌کرد که این جریان با اسلام مخالف است، چنان حرکتی به وجود می‌آورد که موج شکسته می‌شد. (۷۹) به عنوان مثال، فتوای مرحوم میرزای شیرازی بود که با یک سطر توانست جریان تنباکو و فروش آن را لغو نماید؛ بنابراین همان طور که بیان شد، علمای اسلام عموماً نقش بسیار برجسته‌ای را در جهان اسلام ایفا کرده‌اند که ما در این جا به ذکر نام چند تن از این علما اکتفا کرده و مطالعه بیشتر در مورد آن‌ها و دیگر علما را به شما عزیزان واگذار می‌نمایم.

الف - حضرت آیه الله محمد فیض

ایشان در سال ۱۲۹۳ در قم متولد گردید؛ مقدمات و ادبیات را نزد استاد آقا شیخ محمد حسین علامه فراگرفت؛ سپس در تهران نزد آیه الله حاج میرزا حسن آشتیانی اصول را فرا گرفت و حکمت را نزد حکیم آقا میرزا محمود شاطر آقا بزرگ و کلام را نزد آقا شیخ علی رشتی تلمذ نمود. وی در سال ۱۳۱۷ به نجف اشرف مشرف شد، اصول نظری را نزد آیه الله خراسانی (صاحب کفایه) و فقه استدلالی را نزد آیه الله سید محمد کاظم طباطبایی یزدی (صاحب عروه الوثقی) و حدیث را نزد محدث جلیل حاج میرزا حسین نوری (صاحب مستدرک) تلمذ کرد. پس از اخذ مدارک اجتهاد و اجازه روایت از اساتید به سامراء رفت و در صف مدرسین قرار گرفت و به تدریس فقه و اصول اشتغال ورزید و در شمار فضلاء اصحاب سامراء در آمد و مورد عنایت خاص آیه الله محمد تقی شیرازی واقع گشت؛ با این که ده ها مجتهد جامع در آن حوزه وجود داشتند، احتیاطات مطلقه خویش را به او ارجاع می فرمود همین امر پایه و بنیاد مرجعیت ایشان را مستحکم ساخت و چون به قم بازگشت، گروهی از اهالی ساوه و قم و کاشان که از آیه الله شیرازی درباره صلاحیت علما برای ارجاع احتیاطات جويا می شدند، همه را به ایشان ارجاع می داد بنای مرجعیت وی بیش از پیش مستحکم گردید. حضرت آیه الله فیض در سال ۱۳۳۳ از سامراء به قم مراجعت نمود و در سال ۱۳۳۶ دو مدرسه فیضیه و دارالشفاء را تعمیر اساسی نمود. ایشان در سال ۱۳۴۰ هجری، برای گسترش فرهنگ اسلامی رسماً از آیه الله العظمی حائری یزدی دعوت به عمل آورد. (۸۰) و در واقع همین دعوت از ایشان، پایه نوین حوزه علمیه قم بوده است. لازم به ذکر است که پدر آیه الله محمد فیض، آقای میرزا علی اکبر فیض مورخ و شاعر و نویسنده بوده است.

ب - آیه الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی

پس از یک قرن دوره قحط علمی (از رحلت میرزای قمی تا هجرت ایشان به قم)، مؤسس نوین حوزه مبارکه علمیه قم، آیه الله حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی می باشد. آن مرحوم در سال ۱۲۷۶ قمری در قریه مهرجود از توابع میبد اردکان یزد متولد شد. او علوم ادبی را در یزد فراگرفت و سپس به سوی عتبات عالیات رهسپار شد و در کربلا نزد آیه الله آقا میرزا ابراهیم محلاتی و آیه الله آقا سید محمد فشارکی اصفهانی به تلمذ پرداخت. مدتی هم از محضر آیه الله آقا میرزا محمد تقی شیرازی که در سامراء اقامت داشت بهره مند گردید. در سال ۱۳۳۲ به دعوت فرزندان مرحوم حاج آقا محسن عراقی به شهر اراک منتقل گردید و در آنجا اقامت نمود. در سال ۱۳۴۰ قمری، آیه الله محمد فیض برای بسط دایره علوم و فرهنگ اسلامی و توسعه تشکیلات حوزه، خود را به استعانت دیگران نیازمند دید، در نتیجه از آیه الله العظمی حائری یزدی که تا آن زمان در شهر اراک سکونت داشتند برای هجرت به قم کتبا دعوت نمود. سپس حجه الاسلام آقای میرزا سید حسن برقی را به اراک فرستاد و دعوت قبلی خود را با اعزام نام برده مؤکد ساخت و از آیه الله العظمی حائری درخواست کردند به قم بیایند و حوزه علمیه را در آن جا تشکیل دهند؛ چرا که هم مزار مطهر حضرت فاطمه معصومه علیها السلام در آن واقع است، و هم به تهران - که مرکز ایران است - نزدیک می باشد. بالاخره حضرت آیه الله العظمی حائری به فاصله چند روز قبل از پایان سال ۱۲۹۹ شمسی برابر با ۱۳۴۰ قمری از اراک به قم هجرت نمود و در این شهر رحل اقامت افکند. در ابتدای کار، هم تعداد طلاب زیاد نبود و هم از نظر مالی در مضیقه بودند؛ تا این که کم کم آوازه تاسیس حوزه علمیه در قم به گوش همه مردم ایران رسید و طالبان علم از هر شهر و ناحیه ای برای شرکت در دروس حوزه، رهسپار قم شدند و بازرگانان، و ثروتمندان نیز برای کمک به اداره حوزه، وجوه بیشتری به قم فرستادند و ایشان هم برای هر یک از طلاب مقرری تعیین نمودند؛ بنابراین طولی نکشید که در تمام مدارس در هر حجره چند طلبه سکونت داشتند و روز به روز بر

شمار طلاب افزوده گردید. در نتیجه، حوزه به تدریج وسعت یافت و با مشکلات زیادی که برای آن پیش آمد، مقاومت کرد و بعد از گذشت چندین سال آمدن آیه الله العظمی مرحوم حاج آقا حسین بروجردی به قم، روز به روز حوزه توسعه بیشتری پیدا کرد و شکوه بیشتری یافت. لازم به ذکر است بر اثر تبلیغات سوء رژیم رضاخان و جریان های ناسالم فرهنگی و نیز محدودیت ها و سخت گیری های روزافزون رژیم نسبت به روحانیون و حوزه های علمیه، روحانیت به شدت رو به ضعف نهاد. به موجب یک آمار در سال ۱۳۰۴ (زمان به سلطنت رسیدن رضاخان)، تعداد مدارس دینی ایران ۲۸۲ عدد و تعداد طلبه های آن ۵۹۸۴ نفر بود. شانزده سال بعد یعنی در سال ۱۳۲۰ (آخرین سال سلطنت رضاخان) تعداد مدارس به ۲۰۶ عدد و تعداد طلبه های آن به ۷۸۴ نفر کاهش یافت. مدرسین این مدارس نیز ۲۴۹ نفر بودند که در مجموع کمی بیش از ۱۰۰۰ نفر می شدند. بدین ترتیب تعداد آنها کمتر از ۵/۱ برابر شانزده سال پیش از آن بود. حوزه علمیه قم که بزرگ ترین حوزه علمی کشور به شمار می رفت، در پایان حکومت رضاخان کمتر از ۳۰۰ نفر طلبه داشت (۸۱) همان طور که می بینیم و آمار نشان می دهد، ایشان با مشکلات زیادی روبه رو بودند و تا آن جا که توانستند حوزه را از نابودی نجات دادند و در رشد و بالندگی آن نقش به سزایی داشتند. در سال ۱۳۱۵ قمری، آیه الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی از جهان رحلت نمودند و بیم این بود که مشکلات روحانیت قم به کلی از هم متلاشی شود؛ ولی به همت چند نفر از علمای مبرز حوزه علمیه قم، همچون آیه الله العظمی مرعشی نجفی و آیه الله العظمی گلپایگانی، موقعیت حوزه علمیه محکم تر گردید و حقوق ماهیانه طلاب تا ۵ برابر افزایش یافت. پس از رحلت آیه الله حائری در سال ۱۳۱۵ تا ۱۳۲۵، که آیه الله العظمی بروجردی در قم ساکن و تثبیت شدند، سه نفر از مراجع قم به نام های آیه الله خوانساری، آیه الله صدر و آیه الله حجت حوزه علمیه این شهر را اداره می کردند.

ج - حضرت آیه الله العظمی سید حسین بروجردی (۸۲)

ایشان یکی از بزرگ ترین و مشهورترین عالمان روزگار اخیر می باشند که خدمات ارزنده ای را به جهان اسلام ارائه نمودند. همان طور که از نام ایشان مشخص است، اهل بروجرد بودند و برای ادامه تحصیلات، مشکلات غربت و سفر را به جان خریدند، اما عشق به مطالعه، این گونه مشکلات را برایشان سهل و آسان می کرد؛ به طوری که دوستان ایشان می گفتند که ما هیچ وقت ایشان را بی کتاب ندیدیم و نیز می گفتند ایشان جوان بسیار کوشا، جدی، اهل درس و قرآن بود. ایشان پس از ازدواج در سن ۲۲ سالگی، برای ادامه تحصیلات، ابتدا عازم اصفهان شده و در مدرسه صدر مشغول تحصیل شدند. مدت اقامت ایشان در اصفهان نه سال بود، که در این مدت عالمان و استادان بزرگواری را درک نمودند. عده ای از اساتید عبارت بودند از: میرزا جهانگیر خان، ملامحمد کاشانی، شیخ جعفر اردبیلی، سید باقر درچه ای و عده ای دیگر. حضرت آیه الله العظمی بروجردی پس از تحصیل در اصفهان عازم نجف اشرف شده و مدت هشت سال نیز در آن جا اقامت نموده و اساتید بزرگواری را همچون آخوند خراسانی و حاج ملافتح الله درک نمودند. چگونگی عزیمت حضرت آیه الله العظمی بروجردی به قم ایشان به علت بیماری، در آن زمان به بیمارستان فیروز آبادی تهران منتقل شده و در آن جا بستری شدند. پس از مدتی که از بستری شدن ایشان گذشته بود، عده ای از علمای قم و تهران به عیادتشان شتافتند. در این هنگام عده ای از علما از او تقاضای ورود به قم و سکونت در این شهر را نمودند ایشان با مقدماتی این تقاضا را پذیرفته و عازم شهر مقدس قم شدند و با استقبال گسترده مردم قم روبرو گردیدند. (۸۳) فعالیت و خدمات ایشان فعالیت و خدمات ایشان بسیار گسترده و وسیع بوده است که این چند سطر، یارای بیان آن را ندارد؛ اما به طور فهرست وار به برخی از آن ها اشاره می شود. ایشان در عین حالی که به تدریس فقه، اصول و رجال مشغول بودند، روزها صدها نامه را مطالعه نموده و پاسخ می دادند. همچنین دیدار با مردم، دانشمندان، مقامات و رسیدگی به امور مدارس داخل و خارج

کشور، رسیدگی به وضعیت مدارس و مساجد و کتابخانه های نیمه تمام از جمله کارهای ایشان بود. یکی از کارهای مهم ایشان، اعزام روحانیون به خارج از کشور بود. به عنوان مثال، ایشان آقای صدر بلاغی را به انگلستان، آقای شریعت را به پاکستان، آقای فقیهی را به مدینه، آقای صدر را به لبنان و آقای شیخ مهدی حائری را به آمریکا فرستادند. ایجاد اتحاد بین مسلمانان و برقراری دارالتقرب مذاهب، تاسیس مسجد اعظم قم - که یکی از باشکوه ترین و با برکت ترین مساجد دنیا می باشد - از جمله خدمات ایشان می باشد. نمونه دیگری از فعالیت‌های ایشان، مبارزه با بهایی گری است که در این راه زحمات بسیاری را تحمل نمودند تا توانستند از نفوذ و تسلط بهایی گری در ادارات آن زمان جلوگیری به عمل آورند. همچنین از خدمات دیگر ایشان، ساختن مسجد، مدرسه، بیمارستان، کتابخانه، حمام و دبستان در ایران، عراق، لبنان، آفریقا و اروپا بوده است. تالیفات ایشان حضرت آیه الله العظمی بروجردی در زمینه های گوناگون صاحب کتاب ها و آثار ارزنده ای می باشند که برخی از آثار ایشان عبارتند از: حاشیه بر عروه الوثقی، حاشیه بر کفایه الاصول، حاشیه بر نهاییه شیخ طوسی و مستدرکات فهرست شیخ منتخب الدین رازی، کتابی مربوط به خاندان های علمی شیعه، رساله ای راجع به سند صحیفه، اصلاح و مستدرک رجال شیعه، اساتید (استادهای) کتاب های تهذیب، من لایحصر الفقیه، استیصار، خصال، امالی، تجرید، اساتید علل الشرایع، کتابی در فقه از طهارت تا دیات، کتاب جامع احادیث الشیعه و بعضی آثار دیگر. سیاست حوزوی ایشان (۸۴) سید ابوالحسن اصفهانی در آن زمان (زمان محمدرضا شاه) رئیس مقتدر شیعه بود و در حوزه علمیه نجف فعالیت داشت. پس از ایشان حضرت آیه الله العظمی بروجردی به قم آمده و حوزه علمیه قم را توسعه دادند. در آن زمان مرحوم آیه الله کاشانی میدان دار حرکت مذهبی ها در سیاست بودند، و آیه الله العظمی بروجردی علمدار حرکت تحصیلی و نظام روحانیت بودند. مرحوم شهید نواب صفوی رهبر فدائیان اسلام بود و گروه همزمان او قلب جوانان را تسخیر کرده بودند. در آن زمان چون عده ای عقیده داشتند که بایستی با این نظام طاغوتی مبارزه کرد و باید روحانیت در صحنه باشد و لازم است مبارزه بر درس مقدم داشته شود، سیاست آیه الله العظمی بروجردی بر این بود که در ساختن حوزه ها تلاش کند تا روحانیت جایگاه واقعی خود را بیابد و روحانیت سرکوب شده و از میدان کنار رفته، دوباره در جامعه حضور پیدا کند. البته ایشان با این سیاست توانستند در سراسر ایران حوزه های علمیه را برقرار کنند و حتی در خارج ایران نیز پایگاه های تبلیغی بسازند؛ همانند موسسه ای که هم اکنون در هامبورگ است و از بهترین مؤسسه های تبلیغی اروپاست و نظیر این مؤسسه در واشنگتن نیز وجود دارد که یادگار این مرد بزرگ است.

د - حضرت آیه الله العظمی روح الله الموسوی الخمینی قدس سره (۸۵)

حضرت امام خمینی قدس سره یکی از بارزترین چهره های دیانت و سیاست و فقاقت می باشد که عمر شریفش را در راه خدمت به اسلام و مسلمین صرف نمود و انسان هایی را پرورش داد که هر کدام از آنان نیز به نوبه خود پرورش دهنده انسان های عالی مقام دیگر گردیدند. شخصیتی همچون علامه بزرگوار شهید مرتضی مطهری - که یکی از شاگردان حضرت امام بود - بهترین شاهد مثال ما در این مورد می باشد. به برکت وجود امام، جوان هایی پرورش یافتند که برای ایثار جان و مال خود لحظه شماری می کردند و شهادت در راه خدا را فوزی عظیم می دانستند. جوانانی که بهترین معشوق آنان خداوند و بزرگ ترین آرزوی آنها لقاء الله بود. همچنین پیرانی که الگوی خود را حبیب بن مظاهر قرار داده و با خون خود غسل کردند. دختران و زنانی که زینب گونه صبر و مقاومت نموده و حسین ها را تقدیم جامعه اسلامی کردند. اینان و بسیاری از این شواهد گویای خدمات بسیار ارزنده و ماندگار امام خمینی قدس سره می باشد که ما باید از ادامه دهندگان راه ایشان و شهدا باشیم. چون بحث ما در این قسمت، نقش علمائی بود که تاثر مستقیم در حوزه علمیه داشته اند، نمی توانیم به همه موارد شخصیتی ایشان اشاره نماییم و این چند سطر را

برای نسل جوان که آن روزها را به یاد ندارند بیان می‌کنیم و گرنه می‌دانیم که انقلاب ما بی نام خمینی در هیچ جای جهان شناخته شده نیست. ولادت ایشان امام خمینی قدس سره در روز بیستم جمادی الثانی سال ۱۳۲۰ ه. ق برابر با اول مهرماه ۱۲۸۱ ه. ش و هم زمان با روز ولادت حضرت زهرا علیها السلام در شهر خمین دیده به جهان گشودند. موقعیت خانوادگی حضرت امام خمینی قدس سره آقا سید احمد، معروف به سید هندی (جد امام)، حدوداً در اوایل قرن سیزدهم ه. ق از هندوستان به ایران آمد و در خمین مسکن گزید. آقا سید مصطفی (پدر امام) پسر آقا سید احمد، از طلبه‌های همین قصبه بود که مطابق معمول زمان، برای تکمیل تحصیلات دینی خود عازم نجف اشرف و سامراء شد. این ایام مصادف بود با مرجعیت میرزای شیرازی که سامراء را پایگاه خود قرار داده بود. او پس از پایان تحصیلات به زادگاه خود، خمین عزیمت نمود. عده‌ای از دشمنان اسلام، آقا مصطفی (پدر امام) را در ۱۳ ذی‌قعدة سال ۱۳۲۰ قمری در راه خمین به اراک به قتل رساندند و در نجف دفن کردند که در این زمان، آقا روح الله کمتر از پنج ماه داشت. ماجرای مرگ پدر، برای آقا روح الله که پدر را به خاطر نمی‌آورد حماسه‌ای از شهامت و ایستادگی در برابر ظلم و ستم خوانین و حکام وقت و دفاع از محرومین و مستضعفین تا حد ایثار جان بود. همچنین ایشان در سن پانزده سالگی مادر خود را نیز از دست داد که البته یکی از عوامل پیشرفت امام را باید صبر و مقاومت در مقابل چنین حوادثی دانست. تحصیلات ایشان هنگام کودکی، ایشان خواندن و نوشتن و قرائت قرآن و ادعیه و متون ادبی رایج در آن روزگار را در مکتب خانه ملا ابوالقاسم فراگرفت و پس از اتمام آن، دروس ابتدایی را نزد آقا شیخ جعفر و میرزا محمود افتخار العلماء شروع کرد. در خلال آن، مقدمات دروس دینی را نزد حاج میرزا مهدی دایی فراگرفت. منطق را نزد میرزا نجفی خمینی شروع کرد و در ادامه آن سیوطی و شرح باب حادی عشر و مقداری از مطول را نزد برادر بزرگتر خود، آقا سید مرتضی آموخت. ایشان در سال ۱۳۳۹ قمری یعنی در سن نوزده سالگی برای ادامه تحصیل عازم اراک شدند. پس از هجرت آیه الله العظمی حائری به قم، آقا روح الله نیز در حجره‌ای از مدرسه دارالشفاء مسکن گزید و به ادامه تحصیل مشغول شد. تتمه مطول را نزد ادیب تهرانی (موسوم به آقا میرزا محمد علی) و سطوح را نزد حاج سید محمد تقی خوانساری و آقا میرزا تقی خوانساری و آقا میرزا سید علی یثربی کاشانی فراگرفت و سپس به درس خارج آیه الله العظمی حائری وارد شد که عمده تحصیلات خارج را در محضر او گذراند. گذشته از دروس معمول حوزه، فلسفه را نزد حاج سید ابوالحسن قزوینی، عروض و قوافی و فلسفه غرب و فلسفه تکامل را از حاج شیخ محمدرضا اصفهانی مسجد شاهی و ریاضیات را نزد وی و آقا میرزا علی اکبر یزدی آموخت. عرفان را نیز در همین سال‌ها از محضر آقا میرزا محمدعلی شاه آبادی فراگرفت. پس از درگذشت آیه الله حائری، در سال ۱۳۱۵ شمسی تا ۱۳۲۴ که آیه الله بروجردی به قم آمد، با دوستان و همدرسان خود به بحث و مطالعه و تدریس معقول و سطوح عالی اصول و فقه مشغول بودند. از آن پس برای ترویج و تثبیت مقام آیه الله بروجردی، در درس ایشان شرکت کرده و استفاده می‌نمودند. در همین زمان به تقاضای تنی چند از فضیله‌های جوان، از جمله شهید آیه الله مرتضی مطهری به تدریس خارج فقه مشغول شدند. در کنار اشتغال به تعلیم و تعلم، امام از سال ۱۳۰۷ شمسی به تالیف و تصنیف در موضوعات عرفان، اخلاق، فلسفه، فقه و اصول مشغول بود. زندگی خانوادگی در سال ۱۳۰۸ با خانم خدیجه ثقفی (دختر آیه الله حاج میرزا محمد ثقفی) ازدواج نمود که حاصل آن، هشت فرزند بوده است. بزرگ‌ترین فرزند ایشان حاج آقا مصطفی بود که در سال ۱۳۰۹ متولد شد و در سال ۱۳۵۶ به شهادت رسید.

فصل سوم: مبارزات سیاسی و نقش ایشان - امام خمینی - در حوزه علمیه

اشاره

در زمان رضاخان دو سیاست عمده و متعارض در میان روحانیت وجود داشت. جریان اول که جریان غالب حوزه‌ها و روحانیت

بود، اصولاً- تمایل به دخالت در سیاست نشان نمی داد و از درگیری های سیاسی به شدت پرهیز داشت . جریان دوم ، مبارزه و مقابله مدرس با رضاخان بود و امام نیز همانند مدرس ، عملاً مخالفت خود را با رضاخان اعلام می داشت . به عنوان مثال در اواخر سلطنت رضاخان حضرت امام درس اخلاق را به امید آن که زمینه های فکری و تربیتی لازم را برای مبارزه با رژیم به وجود آورند، برپا کردند که البته چون این جلسه مخالف منافع رضاخان بود، وی آن را تعطیل نمود. یکی از مهم ترین کارها و خدمات امام در حوزه این بود که تحجر و جمود فکری را که از گذشته ها تا آن زمان در حوزه های علمیه وجود داشت ، از بین برد و حوزه را از این گونه مسائل رهانید. تدریس فلسفه و عرفان که توسط امام انجام می گرفت خلاف معمول حوزه ها بود تا جایی که خود حضرت امام می فرمایند: یادگرفتن زبان خارجه ، کفر و فلسفه و عرفان ، گناه و شرک به شمار می رفت ، در مدرسه فیضیه فرزند خردسالم ، مرحوم مصطفی از کوزه ای آب نوشید، کوزه را آب کشیدند؛ چرا که من فلسفه می گفتم . (۸۶) یکی دیگر از فعالیت ها و خدمات عظیم امام خمینی قدس سره به حوزه ، تالیف کتاب کشف الاسرار بود؛ زیرا این کتاب در واقع پاسخ مناسب و مستندی بود به شبهات کتاب به نام اسرار هزارساله که نویسنده آن شخصی به نام علی اکبر حکمی زاده (فرزند یکی از علمای بزرگ قم) بود که سابقه طلبگی نیز داشت . کتاب اسرار هزارساله در سال ۱۳۲۲ تالیف گردید و چون نویسنده آن خود طلبه بود و فرزند یکی از علمای بزرگ قم ، بنابراین خطر بدبینی و انحراف فکری در میان طلاب جوان را بیشتر می کرد. نویسنده کتاب اسرار هزارساله ، با الهام از مبانی مسلک وهابیت و اندیشه های انتقادی کسروی ، از برخی اعتقادات شیعیان - که آنها را خرافه می پنداشت - و نیز تشکیلات روحانیت انتقاد کرده بود. حضرت امام خمینی قدس سره که در آن ایام جلسات درس اخلاق داشت ، درس خود را تعطیل کرد و کتاب کشف الاسرار را در مدت یک ماه و نیم الی الی دو ماه تالیف کرده و به این وسیله کتاب اسرار هزارساله را رد نمود. این کتاب که در مدت زمان کوتاهی نوشته شد، خود معرف وسعت و عمق اطلاعات فلسفی ، کلامی و فقهی امام است . در این مطالب ، امام از یک سو با آوردن ادله کلامی ، فقهی ، تاریخی و سیاسی به انتقاد و رد حکومت استبدادی رضاخان و ساختار حکومتی به جا مانده از او می پردازد و از سوی دیگر طرح نوینی از حکومت اسلامی بر مبنای ولایت فقیه را به عنوان تنها حکومت مطلوب ، ارائه می دهد. یکی دیگر از خدمات امام خمینی قدس سره ، دعوت از آیه الله العظمی بروجردی برای اقامت در قم بود هنگامی که ایشان در تهران بستری بودند، امام خمینی ضمن دیدار، از ایشان دعوت نمودند تا در قم سکونت نمایند و از این رو برای تثبیت مرجعیت ایشان سهم به سزایی داشتند. انگیزه امام خمینی قدس سره از انتخاب ایشان ، دلایل متعدد سیاسی و مذهبی بود که برخی از آن ها عبارتند از: ۱- امام معتقد بود که مرجع تقلید شیعیان باید در ایران باشد. ۲- حضور آیه الله العظمی بروجردی در قم ، سبب تحکیم و تقویت حوزه علمیه قم و علمای ایران بود. ۳- تمرکز مرجعیت تقلید در قم می توانست مرجع تقلید را از نزدیک در جریان رویدادهای سیاسی کشور قرار دهد. ۴- آیه الله العظمی بروجردی دارای مکارم اخلاقی و معنوی ویژه ای بودند. امام خمینی قدس سره برای تثبیت موقعیت ایشان در جلسات درس این شخصیت بزرگوار شرکت می کردند و یکی از اعضای مهم و فعال هیئت حاکمه بودند. این هیئت به گروهی از فضلا و اساتید حوزه اطلاق می شد که از طرف آیه الله العظمی بروجردی مأمور اصلاح حوزه بودند. امام خمینی قدس سره برای تداوم مبارزه با بهائیت و بیرون راندن بهایی ها از دستگاه ها و سازمان های دولتی ، چند بار با آیه الله بروجردی ملاقات نمود و ذهن ایشان را برای پیگیری مسأله آماده نمود. در طول دوران پانزده ساله مرجعیت آیه الله العظمی بروجردی ، امام به تدریس خارج فقه و اصول مشغول بودند و به مناسبت دروسی که تدریس می نمودند رساله هایی نیز تالیف و تدوین کردند. ایشان به خوبی دریافته بود که برای وقوع یک انقلاب اسلامی تمام عیار، نخست باید جو جمود و تحجر فکری در حوزه های علمیه شکسته شود و زمینه انقلاب فکری و اعتقادی در حوزه ها و سپس در جامعه فراهم گردد؛ از این رو در این سال ها شاگردان مبرز فراوانی تربیت کردند که هم از مبانی قوی و معلومات علمی خوبی برخوردار بودند و هم از تفکر سیاسی ، اجتماعی و روحیه مبارزاتی اسلامی بهره داشتند. امام ، هم در درس

ها و هم در رساله های خود و در هر فرصت و مناسبتی به طرح مبانی فقهی، سیاسی خود می پرداخت و گوشه هایی از مباحث مربوط به ولایت فقیه جامع الشرایط و ابعاد و کیفیت آن را به طور موجز تشریح می نمود. یکی دیگر از خدمات امام به حوزه و مردم قم این بود که وقتی در قم شایع شده بود که می خواهند سینما، مشروب فروشی و عشرتکده دایر کنند (پس از رحلت آیه الله العظمی بروجردی)، طلاب جوان و مبارز حوزه، طوماری تهیه کرده و در آن نسبت به این نقشه شوم هشدار دادند و این امام بود که بلافاصله رئیس شهربانی قم را احضار کرد و طومار را به وی نشان داد و قاطعانه به او اخطار نمود و طلاب جوان را تشویق کرد که همچنان هوشیارانه مواظب دسیسه های رژیم باشند. حضرت امام نه فقط باعث تحکیم حوزه علمیه قم گردید، بلکه اعمال و رفتار و گفتار او، دیگر حوزه های علمیه داخل و خارج ایران را تقویت کرد؛ چرا که دشمنان می خواستند اساس اسلام را از بین ببرند و امام در مقابل آن ها ایستادگی نمود. به عنوان مثال مخالفت آشکار و کوبنده امام در مقابل تصویب لایحه کاپیتولاسیون که آن را سند بردگی ملت ایران می دانست و از علمای قم و نجف و سایر ملل و رهبران اسلامی استمداد کرد که به داد ملت مظلوم ایران برسند، بهترین نمونه کمک به حوزه ها و اسلام می باشد. همچنین امام بارها و بارها در صحبت ها و سخنرانی های خود آمریکا و اسرائیل را دشمن اصلی اسلام و مسلمین معرفی می کردند. مبارزه امام، مبارزه ای دینی و معنوی بود که انگیزه، اصول و قواعد آن از قرآن و سنت پیامبر - صلی الله علیه و آله - و معصومین علیهم السلام تحصیل شده بود و از این رو هیچ گونه شباهتی با حرکت های سیاستمداران حرفه ای نداشت. او از ابتدای طلبگی تا پایان عمر برای حفظ اسلام و روحانیت و حوزه ها تلاش نمود. مبارزه با اعمال ناپسند رضاخان و سپس پسرش محمدرضا و ایادی آن ها، مبارزه با آمریکا و اسرائیل، مبارزه با قوانین ظالمانه رژیم، مبارزه با عقاید خرافی و روشن کردن افکار عمومی، بیان طرح ولایت فقیه یا حکومت اسلامی، مبارزه با ماجرای انجمن های ایالتی و ولایتی، صحبت ها و سخنرانی های امام - هر جا که احساس خطر می کرد و می دید که اسلام در خطر است - مبارزه با مقدس مآبان - که می توان گفت مهم ترین و خطرناک ترین جریان مخالف حرکت امام بود - مبارزه با بهائیت و نفوذ آن ها در دستگاه های دولتی، مبارزه با لایحه کاپیتولاسیون، مبارزه با خائنین و اهانت کنندگان به ساحت مقدس پیامبر اسلام و ائمه معصومین علیهم السلام که نمونه بارز آن سلمان رشدی بود و امام قتل او را واجب دانست، از نمونه های مبارزاتی و گام های اصلاحاتی ایشان می باشد. همچنین امام در رشد و آگاهی جوانان و مردم ایران و سایر کشورها که در واقع بزرگ ترین خدمت به اسلام و جهان اسلام بود، نقش بسیار عمده ای داشت. مبارزه مقدس اسلامی امام از موضع فقاقت و مرجعیت، تکان سیاسی فرهنگی ژرفی در حوزه های علمیه پدید آورد که بیش از هر حرکت فرهنگی دیگر مؤثر بود و از آن پس اجتهاد سیاسی در حوزه ها به صورت امری متعارف درآمد. تفکر دینی و چپ گرایی که تا آن زمان در دانشگاه ها حاکم بود، پس از آن به تدریج جای خود را به اسلام انقلابی و سازش ناپذیر - بدان گونه که امام معرفی کرده بود - داد تا به آن جا که در سال های پایانی رژیم شاه، اغلب دانشجویان مبارز، دانشجویان مذهبی بودند. نقش علمای دیگر در احیا و شکوفایی حوزه علمیه قم (۸۷) اگر با یک نگاه عمیق به این مسأله بنگریم می توانیم با اطمینان خاطر بگوئیم آن جوان و طلبه ای که برای تحصیل و کسب علم و فضیلت شهر و دیار و روستای خود را رها کرده و مشکلات سفر را به جان می خورد و پس از مدت ها تلاش و کوشش به مدارج علمی و دینی می رسد، در واقع در احیای حوزه علمیه نقش دارد؛ و یا افرادی که با بذل مال خویش و نیز ادای فریضه خمس و زکات و سایر وجوهات، به حوزه های علمیه کمک می نمایند، مسلماً در شکوفایی حوزه های علمیه نقش به سزایی دارند. اما سخن ما در این مجال مربوط به اشخاصی است که بیشترین خدمت را به حوزه نموده و نقش مستقیمی را در این مقوله داشته اند. با توجه به این که در قسمت قبل به شرح مختصر زندگی چهار عالمی که در احیای حوزه علمیه قم نقش فعالی را داشته و در واقع سرآمد دیگر علما هستند اشاره شده است، در این قسمت به ذکر نام چند عالم دیگر که نقش تعیین کننده ای در حوزه علمیه قم و سایر حوزه ها داشته اند می پردازیم تا ان شاء الله بتوانیم آنان را نیز بیشتر به مردم معرفی نماییم.

۱ - حاج شیخ فضل الله نوری

وی یکی از علمای طراز اول تهران بود و در جریان تحریم تنباکو، مشارکت فعال داشت و از ابتدای جنبش مشروطه تا گشایش مجلس و پس از آن هنگام بحث درباره متمم قانون اساسی، با دیگر رهبران روحانی جنبش، همفکر و همراه بود. از آن گذشته وی به عنوان مجتهدی برجسته، حق خود می دانست که بنابر نظر و اجتهاد خویش با جنبه های غیر اسلامی قانون اساسی و متمم آن - که وی آن را بدعت می شمرد - مخالفت کند. ایشان را در هنگامی به ریاست یکی از روحانی نمایان فراماسونر، محاکمه و محکوم به اعدام کردند و در روز ۱۳ رجب سال ۱۳۲۷ وی را در میدان توپخانه تهران به دار آویختند تا در سال های بعد مردم نتوانند سوگواری عمومی برگزار کنند؛ چرا که سالروز شهادت ایشان مصادف با ۱۳ رجب یعنی تولد حضرت علی علیه السلام بود، مرقد مطهر حضرت مطهر فاطمه معصومه علیها السلام در قم می باشد.

۲ - آخوند خراسانی

او از علمای مشهور عراق بود و بدون توجه به تهدید دول انگلستان و روسیه که از او و دیگر علما خواسته بودند به فعالیت های سیاسی خود پایان دهند، تصمیم گرفتند به منظور یاری رساندن به مجاهدان تبریز، دسته جمعی ایران آمده و مشروطه خواهان را از نزدیک رهبری نمایند. بدین ترتیب آنان به همراه ده ها هزار نفر از عشایر مسلح و مردم عادی، نجف را به قصد ایران ترک کردند که البته به عللی تا کربلا آمده و سپس به نجف برگشتند.

۳ - شیخ محمد تقی بافقی

ایشان یکی از روحانیون بیدار، آگاه و دلسوزی که حتی رضاخان را نیز با نوشتن نامه های کوبنده امر به معروف و نهی از منکر می نمود. او از جمله کسانی بود که در مقابل بی عدالتی و ظلم عکس العمل نشان می داد که البته این کارهای او، باعث شکنجه و آزار او از طرف ماءموران رضاخان گردید و سرانجام نیز به خاطر همین آزارها و شکنجه ها به فیض شهادت نایل آمدند. امام خمینی قدس سره درباره بافقی فرموده اند: هرکس بخواهد در این عصر مؤمنی را زیارت و دیدار کند که شیاطین تسلیم او هستند و به دست وی ایمان می آورند، مسافرتی به شهر ری نموده و بعد از زیارت حضرت عبدالعظیم آقای بافقی را زیارت کند. گاهی هم این شعر معروف را می خواند: چه خوش بود که برآید به یک کرشمه دو کار زیارت شه عبدالعظیم و دیدن بار

۴ - سید حسن مدرس

مدرس نیز از جمله علمای مبارزی بود که نظیر او را کم تر می توان یافت. اقدامات و مبارزات او در زمان رضاخان بسیار چشمگیر بوده است. او در هنگام نمایندگی در مجلس آن زمان، به عنوان یک نماینده مسلمان، داد اسلام خواهی را از آن مجلس کذایی بلند کرد. مخالفان که نتوانستند او را تحمل کنند؛ و ابتدا با مکر و حيله او را از نمایندگی مجلس حذف و سپس او را تبعید نمودند و در آخر نیز به شهادت رساندند.

۵ - حاج آقا نورالله اصفهانی

ایشان از علمای سرشناس و مشهور آن دوره اصفهان بود که در سال ۱۳۰۶ به همراه جمعی دیگر از روحانیون اصفهان به محدود

شدن دامنه اختیارات روحانیون و قانون نظام اجباری به قم آمده و به اعتراض برخاستند و به دنبال آن علمای سایر شهرها نیز به آنان پیوستند. در این جا جادارد به این نکته اشاره نماییم که به اصرار امام خمینی قدس سره - که در زمان رضاخان از فضیلت قم به شمار می رفت - حاج شیخ عبدالکریم حائری تلگرافی به رضاشاه فرستاد و او را از اقدام به کشف حجاب برحذر داشت. در تبریز دو نفر از علمای معروف یعنی آقا میرزا صادق آقا و آقا سید ابوالحسن انگجی به دولت اعتراض نمودند که بلافاصله دستور تعقیب و دستگیری آن ها صادر شد و به کردستان تبعید گردیدند. در مشهد نیز علمای بزرگ شهر، مانند حاج آقا حسینی قمی، سید یونس اردبیلی و آقازاده و جمعی دیگر جهت مشورت در مورد خلافتکاری های رضاخان جلساتی تشکیل دادند. (۸۸) همان گونه که قبلا بیان شد در یک نگاه، تمام علما و بلکه تمام طلاب و خدمتگزاران حوزه، از لحاظ مادی و معنوی در شکوفایی حوزه نقش داشتند؛ اما علمایی که در این جا ذکری از آنان به میان آمده، نقش مؤثرتری داشته اند و به یقین بسیاری از علمای دیگر ناشناخته مانده و نامی از آن ها برده نشده است. خداوند همه آن ها برده نشده است. خداوند همه آن ها را با اولیاء الله محشور گرداند.

معرفی کتابخانه بزرگ حضرت آیه الله العظمی مرعشی نجفی

کتابخانه حضرت آیه الله مرعشی نجفی از کتابخانه های کم نظیر و شاید بتوان گفت بی نظیر ایران است (امام خمینی قدس سره ۱۳۶۷/۱۲/۲۴). کتابخانه حضرت آیه الله العظمی مرعشی نجفی، بزرگ ترین کتابخانه استان قم و یکی از بزرگ ترین کتابخانه های ایران و نیز یکی از غنی ترین کتابخانه های جهان اسلام از لحاظ کتاب ها، اسناد خطی و چاپی و منابع معتبر و تجهیزات می باشد. (۸۹) برای این که خوانندگان محترم بتوانند با این کتابخانه - که نقش برجسته ای در توسعه تحقیقات علوم دینی در جهان دارد - آشنا شوند، به طور اجمالی به معرفی این کتابخانه می پردازیم تا این گنجینه نفیس بیشتر ظاهر گردد.

تاریخچه فعالیت

هسته اولیه این کتابخانه هنگامی که مؤسس بزرگوار کتابخانه در نجف اشرف به تحصیل اشتغال داشت شکل گرفت، ایشان نخست فهرستی از کتاب های ارزشمند خطی و چاپی کم یاب را که در کمتر کتابخانه ای یافت می شد، تهیه نمودند و پس از آن با فروش وسایل شخصی و تحمل گرسنگی و حذف یک وعده غذای شبانه روز خود و نماز و روزه استیجاری شروع به خرید آن ها کردند و همچنین کتاب های ارزشمندی که از پدرشان به ارث رسیده بود نیز، در تشکیل این مجموعه بی تاءثیر نبود. ایشان در سال ۱۳۴۲ ه. ق از عراق به ایران مهاجرت نموده و مجموعه های فراهم شده را نیز به ایران انتقال داده و در منزل شخصی خویش به نگهداری از آن ها پرداختند و به جمع آوری دیگر نسخه های دیگر نفیس نیز همچنان همت گماردند. به علت کمبود جا نخست ۲۷۸ نسخه خطی نفیس را، که بیشتر به فارسی بودند، در سال ۱۳۳۸ ش به کتابخانه دانشکده معقول و منقول دانشگاه تهران اهدا نمودند، سپس شمار بسیاری از نسخه های خطی و چاپی دیگر را به کتابخانه های بزرگ هدیه کردند. پس از تاسیس مدرسه مرعشیه در سال ۱۳۸۵ هجری قمری، نخست کتابخانه کوچکی در دو اتاق مدرسه مزبور پی افکنده شد. آن گاه در سوم شعبان همان سال، مطابق با ۱۳۴۴ ه. ش، با انتقال مجموعه ای از کتاب های چاپی و بعضی از نسخه های خطی به طبقه سوم مدرسه، کتابخانه جدید گشایش یافت. با استقبال روز افزون پژوهشگران و محققان، این کتابخانه با کمبود جدی فضا مواجه گشت سرانجام در سال ۱۳۹۰ ه. ق با خرید هزار متر مربع زمین، کلنگ بنای کتابخانه بزرگ به دست حضرت آیه الله العظمی مرعشی نجفی به زمین زده شد، آن گاه در ۱۵ شعبان ۱۳۹۴ مصادف با ۱۲ شهریور ۱۳۵۳ کتابخانه عمومی آیه الله العظمی با بیش از ۱۶۰۰۰

جلد کتاب خطی و چاپی افتتاح گردید و چندی بعد پانصد متر مربع نیز به فضای کتابخانه، ضمیمه گردید. با استقبال بی نظیر علاقه مندان بار دیگر، کتابخانه با کمبود فضا روبه رو شد؛ به همین علت حضرت امام خمینی قدس سره طی حکمی در تاریخ ۲۴ اسفند ۱۳۶۷ دولت وقت را موظف نمودند که سریعا نسبت به گسترش کتابخانه با همکاری و راهنمایی حضرت حجه الاسلام دکتر سید محمود مرعشی نجفی - متولی و رئیس کتابخانه - اقدام نماید. در پی این حکم، ساختمان قدیمی شرکت بیمه ایران از سوی دولت به کتابخانه اهدا شد و تولید نیز با خرید زمین های اطراف، مجموع زمینی بالغ بر ۲۴۰۰ متر تهیه گردید. پس از بررسی نقشه های کتابخانه های جهان، مشاوران و متخصصان داخلی و خارجی طرح نهایی را آماده ساختند و آن گاه در ۲۰ ذی الحجه ۱۴۱۰ / ۲۲ تیر ماه ۱۳۶۹ نخستین کلنگ ساختمان جدید توسط حضرت آیه الله العظمی مرعشی نجفی به زمین زده شد. سرانجام پس از ده سال ساختمان جدید در ۷ طبقه و مجموعا با زیربنای ۱۶۰۰۰ متر مربع با مدرن ترین تجهیزات مربوطه آماده بهره برداری گردیده است. هم اکنون مجموع زیربنای ساختمان قدیم و جدید بالغ بر ۲۱۰۰۰ مترمربع می باشد. در حال حاضر کتابخانه با بیش از چهارصد مرکز فرهنگی و کتابخانه های جهان، ارتباط متقابل دارد.

اهداف

بنیانگذار این کتابخانه، از جمع آوری ذخایر اسلامی و تاسیس مرکزی بزرگ به منظور گردآوری و استفاده پژوهشگران از آن ذخایر، اهدافی داشتند که فهرست وار، برخی از آن ها را برمی شماریم: - ایجاد یک مرکز بزرگ فرهنگی - اسلامی بین المللی که روند توسعه و پیشبرد دستاوردهای عظیم علمی دانشمندان مسلمان را طی چهارده قرن گذشته بنمایاند؛ - گسترش فرهنگ تحقیق و پژوهش در جامعه که ضرورت آن بیش از هر زمان دیگری احساس می شد؛ - آگاهی پژوهشگران از وجود منابع مکتوب گردآوری شده در یک مرکز بزرگ و آشنایی بیشتر آنان با میراث اسلامی که در علوم و فنون مختلف نگارش یافته، و نام بسیاری از آن ها در منابع موجود نیامده، از طریق نگارش و انتشار و فهرست آن ها: - گردآوری نسخه های خطی نفیس اسلامی و تمرکز آن ها در یک مرکز بزرگ به منظور جلوگیری از تاراج این ثروت ملی که پیوسته از سوی سوداگران بین المللی از کشورهای اسلامی خارج می شد؛ - اولویت دادن به گردآوری نسخه های خطی کهن و یا نسخه های اصل به خطوط مؤلفان که از اعتبار و اصالت برخوردارند و تمرکز آن ها در یک مرکز برای استفاده پژوهشگران؛ - تهیه و جمع آوری تصویر و میکروفیلم از نسخه های خطی نفیس اسلامی که در صد سال اخیر از ایران و یا کشورهای اسلامی خارج شده و هم اکنون در کتابخانه های دیگر ملل قرار دارد؛ همچنین تمرکز آن ها به منظور دستیابی پژوهشگران و بایگانی و نگهداری از آن ها: - تحویل این گنجینه عظیم بشری به نسل های بعدی؛ تا از فرهنگ سرشار نیاکان خود آگاهی یابند و بتوانند در تدوین تاریخ علم از این میراث مکتوب، که تنها کلید راهیابی به آن است، استفاده نمایند؛ - حفظ و حراست از ذخایر مکتوب اسلامی که از لایه لایه حوادث روزگار (از جمله: آتش سوزی، بی توجهی زمامداران بی کفایت و علم ستیز به میراث مکتوب، اوج گیری و تشدید اختلافات مذهبی و فرقه ای در طول اعصار، سیل و زمین لرزه) به ما رسیده است. نیز بازسازی و ترمیم و تهیه میکروفیلم از آن ها به منظور پیشگیری از فرسایش بیشتر این میراث بشری.

واحدهای کتابخانه

این کتابخانه، از مراکز، واحدها و بخش های مختلفی تشکیل شده است، که زیر نظر مستقیم تولید و ریاست کتابخانه حضرت حجه الاسلام و المسلمین دکتر سید محمود مرعشی نجفی از آغاز تاسیس تاکنون انجام وظیفه می نماید. این مراکز، واحدها و

بخش‌ها عبارتند از: الف - حوزه متولی و ریاست: متشکل از دفتر کار و اتاق‌های ملاقات متولی، دفتر معاون متولی، دفتر مسئول واحد خواهران و مسئول دفتر متولی. متولی کتابخانه بالاترین مقام و مسئول کلیه امور است. ۱ - امور موقوفات وابسته به کتابخانه: تعدادی ساختمان مسکونی و تجاری در قم، تهران و اصفهان سال‌ها قبل از سوی افراد نیکوکار وقف این کتابخانه گردیده است. ۲ - روابط عمومی و امور بین‌الملل: این بخش دارای مسئولیت‌هایی از قبیل هماهنگی و برنامه‌ریزی میهمانان و بازدیدکنندگان داخلی و خارجی و نیز تهیه و تنظیم اخبار کتابخانه و ارائه آن، ایجاد ارتباط با مراکز فرهنگی، تدارک برگزاری همایش‌ها و نمایشگاه‌ها، برگزاری اردوها و مسابقات معارف، نظرسنجی از مراجعان، تنظیم عملکرد و آمار نامه‌های ماهانه و سالانه و... است. ۳ - تشریفات و استقبال. ۴ - دبیرخانه. ۵ - واحد خواهران. ۶ - مراسلات. ب - مرکز خدمات همگانی: این واحد پاسخگوی مراجعان، اعم از عادی، متخصص و پژوهشگران خواهر و برادر است. بخش‌های این مرکز به ترتیب عبارتند از: ۱ - تالار بزرگ ابن سینا: برای استفاده عموم مطالعه‌کنندگان می‌باشد. ۲ - تالار ویژه کتاب‌ها حوزوی. ۳ - تالار خواجه نصیرالدین طوسی. ۴ - تالار شیخ مفید. ۵ - فروشگاه کتاب. ج - مرکز منابع و خدمات ویژه (کانون پژوهش): این مرکز دارای واحدهایی به شرح زیر است: ۱ - گنجینه نسخه‌های خطی: تا پایان اسفند ۱۳۷۹ تعداد نسخه‌های خطی کتابخانه شصت هزار عنوان، مشتمل بر بیش از ۳۱۰۰۰۰ مجلد است که ۶۵ درصد آن به عربی و بقیه به فارسی و اندکی نیز به دیگر زبان‌ها است. به طور متوسط هر سال در حدود ۵۰۰ تا ۸۰۰ نسخه خطی نفیس‌گزینش شده به صورت خریداری و یا اهدایی به این گنجینه افزوده می‌شود. کهن‌ترین نسخه بدون تاریخ این گنجینه در حال حاضر بخشی از قرآن کریم به خط کوفی کهن از اوایل سده دوم و برخی دیگر از سده‌های سوم و چهارم هجری قمری است و نیز قدیمی‌ترین نسخه‌های تاریخ دار، دو جزء از قرآن کریم به خط کوفی علی بن هلال، مشهور به ابن بواب است که در بغداد به سال ۳۹۲ ق / ۱۰۰۲ م کتابت نموده است. این نسخه‌ها یکی از غنی‌ترین گنجینه‌های ارزشمند جهان اسلام به شمار می‌آید. و به خطوط دانشمندان متقدم و متاخری چون شیخ طوسی، محقق حلّی، علامه حلّی، ملاصدرا، میرداماد، مجلسی و بسیاری دیگر از بزرگان نام‌آور اسلامی مزین است. از فهرست نسخه‌های خطی موجود در این گنجینه تاکنون تعداد سی جلد شامل ۱۲۲۰۰ نسخه خطی چاپ و منتشر گردیده و بقیه نیز که بالغ بر شصت جلد می‌شود، به تدریج چاپ خواهد شد. ۲ - گنجینه نسخه‌های عکسی (تصویری): مشتمل بر بیش از چهار هزار مجلد که از نسخه‌های خطی نفیس موجود در کتابخانه‌های خارج از کشور و اندکی نیز از کتابخانه‌های داخلی تهیه شده است. ۳ - گنجینه میکرو فیلم و میکروفیش: این گنجینه شامل میکرو فیلم‌هایی است که از حدود دوازده هزار و دو یست نسخه خطی نفیس تهیه شده است. ۴ - گنجینه اسناد مکتوب: در این گنجینه بیش از صد هزار سند دست‌نویس از پنج سده قبل تاکنون وجود دارد. ۵ - نمایشگاه دائمی نمونه‌هایی از نسخه‌های نفیس خطی کتابخانه. ۶ - گنجینه آثار علمی مکتوب و غیر مکتوب بنیانگذار کتابخانه. ۷ - گنجینه نسخه‌های چاپی بسیار کهن: که سابقه چاپ برخی از آن‌ها به ۵ سده قبل بالغ می‌گردد. ۸ - گنجینه نسخه‌های چاپ سنگی نادر و کمیاب. ۹ - گنجینه‌های مرکزی کتاب‌های چاپی غیر لاتین (فارسی، عربی، ترکی و اردو): در ۳ طبقه کامل با گنجایش سه میلیون جلد کتاب. ۱۰ - گنجینه روزنامه‌ها و مجلات ادواری غیر لاتین: در این گنجینه تاکنون بیش از ۲۵۰۰ عنوان مجله و روزنامه به زبان‌های فارسی، عربی، ترکی و اردو وجود دارد. ۱۱ - گنجینه کتاب‌های مرجع و قفسه‌باز. ۱۲ - گنجینه فهرس نسخه‌های خطی اسلامی کتابخانه‌های جهان. ۱۳ - گنجینه کتاب‌های چاپی و مجلات و روزنامه‌های لاتین. ۱۴ - آرشیو کتاب‌های ممنوعه. ۱۵ - گنجینه اطلس‌ها و نقشه‌های جغرافیایی. ۱۶ - گنجینه کتاب‌های چاپی مکرر. ۱۷ - تالار بزرگ. ۱۸ - بخش ویژه پژوهشگران نسخه‌های خطی و اسناد مکتوب. ۱۹ - مرکز قم‌شناسی. ۲۰ - بخش تبارشناسی. ۲۱ - بخش فهرست‌نگاری نسخه‌های خطی کتابخانه. ۲۲ - بخش بررسی و تنظیم و انتشار آثار علمی بنیانگذار کتابخانه. ۲۳ - بخش تصحیح و تحقیق و پژوهش نسخه‌های خطی اسلامی. د - مرکز خدمات پشتیبانی اداری: شامل بخش‌های امور مالی، بخش‌گزینش و امور کارکنان، بخش آموزشی،

واحد تعاون و رفاه کارکنان، واحد بهداشت و درمان، واحد ورزش و تفریحات سالم، واحد حمل و نقل و ترابری و بخش ملاقات با کارکنان کتابخانه است. ه - مرکز خدمات پشتیبانی اجرایی: این مرکز از ۱۸ واحد مختلف تشکیل گردیده است. بدین ترتیب: بخش خدمات رایانه‌ای مخابرات و شبکه‌های ارتباط داخلی و پست الکترونیکی اینترنت بخش چاپ و انتشارات، امور نمایشگاه‌ها، امور همایش‌ها، مهمان‌سرا، رستوران، مرکز تأمین و تهیه منابع کتابخانه، بخش لابراتوار، عکس و تصویر، دفتر فنی گروه مشاوران ساختمانی، دفتر فصلنامه میراث شهاب، دفتر تهران، دفتر ترجمه، دفتر طرح و برنامه، امور مربوط به شعبه‌های کتابخانه، واحد فنی تاسیسات و مراکز حفاظت و نگهداری فیزیکی از کتابخانه. و - مرکز پژوهش‌های خدمات فنی کتابداری و اطلاع‌رسانی. ز - مرکز حفاظت ذخایر و منابع کتابخانه شامل: بخش آسیب‌شناسی، قرنطینه، مرمت و بازسازی، مرکز میکروگرافی، مرکز صحافی و جلدسازی و واحد اعلام و اطفای حریق. ح - گنجینه اشیای غیر مکتوب. ط - مرکز دایره المعارف کتابخانه‌های جهان: که وظیفه تهیه و تدوین تاریخچه کتابخانه‌های بزرگ جهان که دارای مخطوطات اسلامی می‌باشند بر عهده دارد و در نظر است در چندین مجلد به زبان‌های فارسی، عربی و انگلیسی چاپ و منتشر گردد. برگزیده‌ای از زندگانی حضرت آیه الله العظمی مرعشی نجفی حال که با مختصری از کتابخانه حضرت آیه الله العظمی مرعشی نجفی قدس سره آشنا شدیم جای آن دارد که با گوشه‌ای از زندگانی پر خیر و برکت این عالم ربانی نیز آشنا شدیم؛ بنابراین به صورت فشرده و مختصر به شرح زندگانی ایشان می‌پردازیم. آیه الله العظمی مرعشی نجفی در روز پنجشنبه ۲۰ صفر ۱۳۱۵ در نجف اشرف، شهر علم و کمال و پایگاه ولایت و امامت، در خانواده تقوا و فضیلت دانش و معنویت، پا بر دایره هستی نهاد. نام پدر ایشان آیه الله سید شمس‌الدین محمود حسینی مرعشی نجفی است، آیه الله العظمی نجفی با ۳۳ واسطه به حضرت امام سجاد علیه السلام می‌رسند. نخستین کلماتی که در خارج از محیط خانوادگی به او تلقین گردید، جمله هو الفتح العظیم بود. سپس پدر بزرگوارش او را به حرم مطهر و روضه منوره حضرت امیر المؤمنین علیه السلام برد و در مقابل ضریح آن حضرت، خمیر مایه تمامی علوم و معارف بشری، یعنی حروف الفبا را به او یاد داد و در همان حرم مطهر او را مفتخر به عمامه و لباس روحانیت ساخت. ایشان را یکی از پرستادترین چهره‌های معاصر دانسته‌اند؛ زیرا ایشان از محضر اساتید بسیاری برخوردار شده‌اند؛ به طوری که در سن ۲۷ سالگی در اثر کوشش‌های خستگی‌ناپذیر و مستمرشان، در شمار علما و فقها قرار گرفتند. ایشان از تلاش‌ها، کوشش‌ها و جدیت‌های تحصیلی خود چنین یاد کرده است: هیچ‌گاه در سنین جوانی به دنبال تمایلات نفسانی نرفتم. همیشه در پی تحصیل علم بودم. به صورتی که شبانه روز بیش از چند ساعت نمی‌خوابیدم و هر کجا نشانی از استاد یا عالمی و یا جلسه درس مفیدی می‌یافتم، لحظه‌ای در رفتن به نزد آن استاد عالم و جلسه درس درنگ نمی‌کردم. آیه الله العظمی مرعشی در طول عمر با برکت خود موفق به دریافت بیش از چهار صد اجازه روایتی و تعدادی اجازه اجتهاد گردید که اجازات کتبی ایشان نزدیک به یکصد و پنجاه و اجازه و فقیه شفاهی است و به همت فرزند ایشان آقای سید محمود مرعشی نجفی این اجازات در دو جلد به نام المسلسلات چاپ و منتشر گردیده است. معظم له در ۲۱ محرم الحرام ۱۳۴۲ از نجف اشرف به قصد زیارت حضرت علی به موسی‌الرضا علیه السلام به مشهد مقدس مشرف شدند و با علمای این شهر دیدار و از کتابخانه آستان قدس رضوی بازدید کردند؛ سپس راهی تهران شدند و در دوازدهم شعبان ۱۳۴۳ به منظور زیارت حضرت فاطمه معصومه - سلام الله علیها - به شهر عالم پرور قم سفر نمودند و به امر و درخواست حضرت آیه الله حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی مؤسس حوزه علمیه قم در این شهر رحل اقامت افکندند و مدتی هم در جلسات درس ایشان و حوزه‌های درس آیه الله حاج شیخ مهدی حکمی قمی، آیه الله میر سید علی یثربی کاشانی و حاج میرزا علی اکبر مدرس یزدی، (معروف به حکیم الهی) و دیگر دانشمندان شرکت کردند. ایشان از زمان ورود به قم، تلاشی پیگیر در راه استحکام پایه‌های حوزه نوپایی که آیه الله حائری تاسیس کرده بود، همگام با ایشان آغاز کرد و در این تلاش تا آخر عمر با برکت ایشان ادامه داشت. پس از رجعت آیه الله حائری نیز در جهت حفظ و بقای حوزه، کوشش فراوانی کردند و با آیات سه‌گانه، آیه الله حجت،

آیه الله صدر و آیه الله خوانساری، همکاری نزدیکی در نگهبانی و حفظ و حراست از این سنگر علم و فضیلت داشته اند. آیه الله العظمی مرعشی، پس از رحلت آیه الله بروجردی در سال ۱۳۸۰ قمری جزء معدود مجتهدانی بود که به عنوان مرجعیت شیعه انتخاب گردید و از آن پس به عنوان یکی از ارکان اصلی حوزه و جهان تشیع درآمد و به سهم خویش در اداره حوزه علمیه قم شرکت نمود. در مدت ۷۰ سال تدریس، شاگردان گران قدری همچون آیه الله شهید مطهری، شهید مفتاح، شهید بهشتی، آقا مصطفی خمینی، محمود مرعشی و بسیاری دیگر تربیت نمودند. بیش از ۱۵۰ کتاب و رساله، حاصل عمر پربرکت ایشان است. کتاب هایی مانند تعلیقات احقاق الحق قاضی نورالله مرعشی شوشتری که تاکنون ۳۶ جلد آن چاپ شده و در سال ۱۳۷۳ شمسی کتاب سال شناخته شد؛ و مشجرات آن رسول الله الاکرم صلی الله علیه و آله که یکی از آثار بزرگ و گران بها در علم انساب به شمار می رود. خدمات فرهنگی و اجتماعی ایشان شامل تاسیس مدارس همچون مهدیه، مؤمنیه، شهابیه و مرعشیه و... می باشد. همچنین ایشان در زمینه تاسیس مساجد، بیمارستان ها و کتابخانه ها تلاش های پیگیری داشته اند. مبارزات سیاسی و سجایای اخلاقی ایشان مانند علاقه خاص به خاندان عصمت و طهارت و خصوصا حضرت امام حسین علیه السلام جای بحث جداگانه ای است که در این مقوله نمی گنجد. ایشان دارای هشت فرزند (چهار پسر و چهار دختر) می باشند که هم اکنون حجه الاسلام والمسلمین دکتر حاج سید محمود مرعشی نجفی متولی کتابخانه می باشند. ایشان در روز چهارشنبه هفتم ماه صفر ۱۴۱۱ ه. ق برابر با هفتم شهریور ۱۳۶۹، در سن ۹۶ سالگی، پس از اقامه آخرین نماز جماعت در صحن مطهر حضرت فاطمه معصومه علیها السلام و بازگشت به منزل، گرفتار حمله قلبی شده و جان پرتیمر خود را تقدیم جانان نمود. پیکر مطهر ایشان پس از مراسم غسل، کفن، در حسینیه ایشان گذاشته شد و طبق وصیت شان مراسم خاصی همچون وداع سالار شهیدان حضرت حسین بن علی علیه السلام با اهل بیت طاهرش خوانده شد و مراسم تدفین نیز طبق وصیت ایشان انجام شد. پیکر مطهر ایشان در کنار کتابخانه عمومی معظم له دفن گردید؛ زیرا ایشان فرموده بودند که: میل دارم در کنار کتابخانه عمومی، زیر پای افرادی دفن شوم که به دنبال مطالعه علوم آل محمد صلی الله علیه و آله به این کتابخانه می آیند. (۹۰)

بخش دوم: حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها

اشاره

بیان نمودن شخصیت و فضایل حضرت فاطمه معصومه علیها السلام کاری است بس دشوار و گاهی اوقات غیر ممکن؛ چرا که از ما تمجید و ستایش از کسی شناخت دقیق او می باشد و این افراد کسانی نیستند جز اولیاء و ائمه اطهار علیهم السلام و به خصوص حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام که ما هم در قسمتی از این بخش با نقل احادیثی به ستایش ایشان - که کاری لازم و ضروری است - می پردازیم. در قسمتی دیگر به چگونگی عزیمت حضرت فاطمه معصومه علیه السلام از مدینه به قم و محل دفن ایشان و اطلاعاتی کوتاه از تاریخچه حرم مطهر بی بی دو عالم و نیز برخی از کرامات ایشان اشاره شده است.

شخصیت و فضایل حضرت فاطمه معصومه علیها السلام

شاهزاده معظمه و بانوی مکرمه، مهین دخت هفتمین خورشید آسمان امامت، حضرت باب الحوائج موسی بن جعفر علیه السلام به ستودگی صفات و روحانیت و عبادت و بزرگی منزلت و تقوی ممتاز بود. به تعبیر مرحوم سپهر (نویسنده ناسخ التواریخ)، حضرت ولیه الله و صفیه، خاتون خلق جهان و ناموس خداوند عالمیان، عابده زاهده متقیه، عارفه کامله مستوره، مخدره معصومه، فاطمه دختر امام موسی کاظم علیه السلام را مقامی عالی و منزلتی متعالی و شائنی رفیع و مکانی منبع است که خداوندش عطا فرموده است

. مزار کثیرالانوارش در مدینه المؤمنین ، قم است و حرمش ملجاء (۹۱) زائرین و تمام مسلمین و مؤمنین و محل اجابت دعوات و بروز کرامات و خوارق عادات ، ثواب زیارتش چون اجر و مزد زیارت ، ائمه هدی علیهم السلام با بهشت برین معادل است . (۹۲) ثقه الاسلام و المحدثین مرحوم حاج شیخ عباس قمی می نویسد: دختران حضرت موسی بن جعفر علیه السلام بر حسب آنچه به ما رسیده است ، افضل آن ها سیده جلیله ، فاطمه بنت امام موسی علیه السلام معروف به حضرت معصومه علیه السلام می باشد که مزار شریفش در قم و دارای قبله عالیه و ضریح و صحن های متعدد و خدمه بسیار و موقوفات و روشنی چشم اهل قم و ملاذ و معاذ (۹۳) عامه خلق است در هر سال جماعت بسیاری از شهرهای دور، تعب و رنج سفر بر خود می خرنند تا زیارت آن معظمه کسب فیض نمایند. در فضیلتش همین بس که چندین سال پیش از آن که از مادر متولد شود حضرت صادق علیه السلام هنگامی که شهر قم را به فضیلت اهمیت یاد نمود، از مقام و منزلت او خبر داد: قال الصادق علیه السلام : ان لله حرما و هو مکه و لرسوله حرما و هو المدینه ، و لامیر المؤمنین حرما و هو الکوفه و لنا حرما و هو قم ، و ستدفن فیها امراه من ولدی تسمى فاطمه ، من زارها وجبت له الجنه (قال علیه السلام ذلک و لم تحمل بموسی امه) (۹۴) امام صادق علیه السلام فرمودند: خدا دارای حرمی است که آن مکه است و پیامبرش هم حرمی دارد که مدینه است و امیرالمؤمنین هم حرمی دارد که کوفه است و ما هم دارای حرمی هستیم که قم است و به زودی بانویی از فرزندان من آن جا دفن می شود که نامش فاطمه است ، هر کس او را زیارت کند بهشت بر او واجب می شود (امام صادق علیه السلام هنگامی این جمله را فرمود که هنوز مادر امام موسی بن جعفر به او حامله نشده بود). و نیز از امام جواد علیه السلام در فضیلت زیارت این بانوی مکرمه نقل شده است که : عن ابن الرضا علیه السلام قال : من زار عمتی بقم فله الجنه . (۹۵) از امام جواد علیه السلام نقل شده که فرمودند: کسی که عمه ام را در قم زیارت کند او اهل بهشت است .

چگونگی عزیمت حضرت فاطمه معصومه علیها السلام از مدینه به قم

در سال دویست هجری ، مأمون حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام را از مدینه به مرو دعوت کرد تا ایشان را ولیعهد خود قرار دهد. آن حضرت به مرو آمد و ضمن جریان های مفصلی که در کتاب های اخبار و تاریخ ذکر شده ، با شرایطی ولیعهدی مأمون را پذیرفت یا ناچار شد بپذیرد. تقریباً یک سال گذشت و ظاهراً در این مدت ، اطلاع زیادی از آن حضرت به خاندانش در مدینه نرسیده بود. فاطمه معصومه علیها السلام خواهر وی برای اطلاع از حال برادر در سال ۲۰۱ از مدینه به خراسان حرکت کرد؛ ولی چون به ساوه رسید از وجود قم در نزدیکی ساوه اطلاع پیدا کرد. به همین جهت پرسید تا قم چند فرسنگ فاصله است ؟ گفتند: ده فرسنگ . به خادم مخصوص خود فرمود تا وی را به قم که می دانست مرکز شیعه است ، ببرد. سخن درست این است که خبر ورود فاطمه به ساوه و حرکت او به سوی قم ، به مردم قم رسید آل سعد اشعری بر این توافق کردند که از او درخواست نمایند که به قم بیاید. از بین آن ها موسی بن خزرج بیرون آمد و به شرف ملازمت سستی فاطمه رسید؛ زمام نافه او را گرفت و به طرف شهر کشید و به سرای خود فرود آمد. (۹۶)

محل فرود آمدن حضرت فاطمه معصومه علیها السلام یا سستی (۹۷) فاطمه در قم

خانه موسی بن خزرج که محل فرود آمدن حضرت فاطمه معصومه علیها السلام است در آن روز در منتهالیه جنوب غربی شهر قم بود و امروز جای آن مشخص است . یکی از محله های قدیمی قم امروز به نام میدان میر است ؛ ولی هنگام ورود حضرت فاطمه معصومه علیه السلام همان طور که گفته شد در منتهالیه جنوب غربی بوده است ؛ زیرا شهر قم از روی آثار و اطلاعی که هنوز باقی است درست در شمال شرقی شهر فعلی قرار داشته و به تدریج به طرف غرب و جنوب کشیده شده است و محله درخت پیر به نام سر بازار و در میان شهر بوده است . امروزه در محله میدان میر، محلی است به نام سستی که مسجد و مدرسه ای در اطراف آن ساخته

اند و از زمان های قدیم ، سینه به سینه رسیده است که این مکان جای فرود آمدن حضرت فاطمه معصومه علیها السلام است و می دانیم که مردم قم به حضرت فاطمه معصومه ، ستی فاطمه می گفته اند و در تاریخ قم ، در چند مورد کلمه ستی فاطمه آمده است . اقامت حضرت فاطمه معصومه علیها السلام در قم هفده روز بود و پس از این مدت ، از دنیا رحلت فرمودند. آن حضرت را غسل دادند و کفن کردند و موسی بن خزرج پیکر مطهر او را در زمینی که در باغی به نام باغ بابلان داشت ، دفن کرد. صاحب تاریخ قم گوید: فاطمه را بعد از غسل و کفن به مقبره بابلان بر کنار سردابی که برای او ترتیب داده بودند حاضر کردند. از کلمه مقبره بابلان معلوم می شود که در آن جا قبرستانی بوده است ؛ اما احتمال دارد که آن جا قبرستان خانوادگی بوده است . (۹۸) برای دفن حضرت فاطمه معصومه علیها السلام آل سعد با هم گفتگو کردند که چه کسی لیاقت دارد داخل سرداب شده و بدن مبارک او را دفن کند، پس از توافق آن ها، بنا شد که خادمشان که مردی سالمند و صالح و شایسته به نام قادر بود حاضر شود تا ایشان را دفن نمایند؛ اما در این هنگام مشاهده کردند که دو سوار نقاب دار با شتاب و عجله از طرف ریگزار نمایان شدند. آن دو سوار پس از نزدیک شدن به آن جنازه معظم ، پیاده شدند و بر بدن مطهر نماز خواندند و سپس داخل سردابی که برای آن بی بی آماده کرده بودند، شدند و بدن شریفش را به خاک سپردند و بیرون آمدند. پس از آن سوار شدند و رفتند تا از نظرها پنهان شدند و کسی آن ها را نشناخت . آیا آن دو سوار، دو سید جوانان بهشت ، امام حسن و امام حسین علیهم السلام بودند یا حضرت موسی بن جعفر و امام هشتم علیهم السلام بودند؟ یا افراد دیگری بودند؟ به هر حال موسی بن خزرج از بویا و حصیر سقفی بر روی قبر مطهر قرار داد تا آن که زینب دختر امام جواد علیه السلام بر روی قبر شریف وی قبه ای بنا نهاد و سپس عده ای از دختران حضرت زهرا علیها السلام و فرزندان امام رضا علیه السلام در بقعه حضرت معصومه علیها السلام مدفون گردیدند.

مخدرات مدفون در داخل حرم

در داخل حرم مطهر و در زیر گنبد علاوه بر حضرت معصومه علیه السلام پنج تن از مخدرات آرمیده اند که عبارتند از: ۱ - میمونه ، دختر موسی مبرقع و نوه حضرت امام جواد علیه السلام . ۲ - ام محمد، دختر موسی مبرقع و نوه حضرت امام جواد علیه السلام . ۳ - ام قاسم ، دختر علی کوکی . ۴ - ام اسحاق ، جاریه محمد فرزند موسی مبرقع . ۵ - ام حبیب ، جاریه ابوعلی ، نوه حضرت امام رضا علیه السلام . طبق گزارش تاریخ قم ، در قرن سوم هجری دو قبه به جای گنبد فعلی بود که قبه اول بر فراز قبر مطهر حضرت معصومه علیها السلام و قبور ام محمد و ام اسحاق قرار داشت و قبه دوم بر فراز قبور ام حبیب ، ام اسحاق و میمونه قرار گرفته بود. (۹۹) البته قبور دیگری نیز در مقبره بابلان بوده است و امروزه اثری از آن ها نیست . این قبور عبارتند از: ۱ - قبر ابوالحسن ، حسین بن الحسین بن جعفر بن محمد بن اسماعیل بن امام جعفر صادق علیه السلام . ۲ - حمزه بن احمد بن اسماعیل بن محمد بن عبدالله بن الباهر بن امام زین العابدین علیه السلام . ۳ - دیگر فرزند ابو جعفر بن حمزه . ۴ - و پسر دیگرش ابوالقاسم علی بن محمد بن حمزه . ۵ - علی بن حمزه برادر محمد بن حمزه . ۶ - ابو علی احمد بن محمد بن علی بن عمر بن امام زین العابدین علیه السلام . ۷ - محمد بن احمد بن علی بن محمد بن علی بن عمر بن امام زین العابدین علیه السلام . ۸ - دیگر، قبر پسر دیگر او ابو محمد حسن بن احمد . ۹ - قبر ابو علی احمد بن حسن بن احمد. به جز علما، شهدا و بزرگان دین و مذهب که در حرم مطهر مدفون هستند، عده ای از پادشاهان نیز دفن گردیده اند؛ زیرا به مناسبت احادیثی که درباره فضیلت خاک قم روایت شده ، از قرن ها قبل ، حمل اموات به این شهر و دفن در خاک آن معمول بوده است . به طور کلی حمل جنازه به مشاهد معتبر از قرن سوم به بعد وجود داشته و تقریباً در هیچ شهری به اندازه قم ، اجساد علما و پادشاهان و رجال دفن نشده است و هیچ شهری مانند قم دارای قبرستان های متعدد و بزرگ نبوده است . از پادشاهان صفویه چهار تن در قم مدفون هستند: - شاه عباس دوم که بقعه او در طرف جنوب غربی حرم حضرت معصومه علیها السلام و وصل به آن می باشد. - شاه صفی که قبر او در رواق جنوبی حرم واقع است . - شاه سلیمان . - شاه

سلطان حسین که بقعه این دو در وسط بنای جدید مسجد بالا سر می باشد. از پادشاهان قاجاریه فتحعلی شاه در قم مدفون است و بقعه او که آن را در زمان حیاتش تهیه کرده بود در شمال غربی صحن کهنه، پشت مدرسه فیضیه می باشد. از شاهزادگان صفویه، نزدیک هفتاد نفر که به دست افغان ها کشته شدند در سردابه بزرگی که مقبره خانوادگی صفویه بود، در زیر صحن موزه (سابق) مدفون شده اند. دیگر محمد شاه پدر ناصر ادین شاه است و بقعه او در همین صحن در طرف جنوب غربی و در حد فاصل میان صحن و مسجد اعظم می باشد. از شاهزادگان و رجال زمان قاجار، عده زیادی در قم مدفون هستند و بسیاری از خاندان های معروف آن زمان در صحن های قم بقعه مخصوص به خود دارند که به نام خود صاحب بقعه است؛ مانند بقعه اتابک، بقعه مستوفی، بقعه قوام السلطنه و وثوق الدوله، بقعه قائم مقام (میرزا عبدالرحیم ترک)، بقعه حاج الدوله، بقعه حاج معین بوشهری، بقعه نظام الدوله و بقعه سعدالسلطنه. (۱۰۰) لازم به ذکر است، هدف از نام بردن پادشاهان و مکان دفن آن ها، صرفاً جهت اطلاعات عمومی و تاریخی است و هیچ نشانی از تائید آن ها، به علت تدفین آن ها در حرم مطهر وجود ندارد.

اطلاعات کوتاه از تاریخچه حرم مطهر حضرت فاطمه معصومه علیها السلام (۱۰۱)

۱- پس از دفن کریمه اهل بیت، موسی بن خزرج ساییانی از بوریا بر قبر شریفش قرار داد. ۲- آن گاه زینب دختر امام جواد علیه السلام قبه ای از آجر بر فراز آن بنا کرد. ۳- در سال ۴۱۳ هجری حرم مطهر با کاشی های نفیس مزین شد. ۴- در سال ۵۲۹ گنبد جدیدی توسط یکی از زنان بلند همت به نام شاه بیگم بنا گردید. ۵- در سال ۹۲۵ شاه اسماعیل صفوی ایوان شمالی را ساخت. شاه طهماسب برای تولیت آستانه میر سید حبیب الله، پسر میر سید حسین خاتم المجتهدین را که اصل و نژاد او از جبل عامل بود، از اصفهان دعوت کرد. ۶- در سال ۱۰۷۷ شاه صفی اول، صحن زنانه را ساخت. ۷- در سال ۱۲۱۸ فتحعلی شاه، گنبد را طلا نمود و در آن سال روی گنبد با ۱۲۰۰۰ خشت طلا مزین گردید. ۸- در سال ۱۲۳۶ مسجد بالا سر بنا شد. ۹- ضریح نقره ای به سال ۱۲۷۵ ساخته شد. ۱۰- مآذنه های ایوان طلا به سال ۱۲۸۵ بنا گردید. ۱۱- این مآذنه ها به سال ۱۳۰۱ تذهیب شد. ۱۲- در خاتم روضه مطهره به سال ۱۲۹۲ ساخته شد. ۱۳- در اواخر قرن سیزدهم هجری شالوده و بنیان صحن جدید به وسیله آقا ابراهیم امین السلطان، ریخته شد و ساختمان آن را پسرش میرزا علی اصغر خان اتابک در سال ۱۳۰۳ به پایان رسانید. معمار این ساختمان زیبا، استاد حسن معروف است که بنای تیمچه بزرگ - که به طور یقین از بناهای کم نظیر می باشد - و نیز طاق مسجد سپهسالار در تهران از آثار اوست. ۱۴- در نقره ای حرم مطهر به سال ۱۳۰۶ ساخته شد. اکنون در حرم مطهر تغییرات جزئی و جدیدی صورت می گیرد که البته کافی نیست و گسترش حرم مطهر، باید در اولویت کار قرار گیرد؛ زیرا اکنون، هم جمعیت نسبت به گذشته رشد فراوان داشته و هم شیفتگان و علاقه مندان این خاندان نسبت به گذشته بیشتر شده است، و فضای بهتر و بیشتری را می طلبد.

حضرت فاطمه معصومه علیها السلام قبل از حضرت رضا علیه السلام از دنیا رفته است

وفات حضرت معصومه علیها السلام بنابر نوشته تاریخ قم، در سال ۲۰۱ و سال شهادت حضرت رضا علیه السلام سال ۲۰۳ ه. ق بوده است. (۱۰۲) علامه مجلسی از بعضی از کتب زیارات، از علی بن ابراهیم، از پدرش، از سعد، از علی بن موسی الرضا علیه السلام روایت می کند که فرمودند: ای سعد، ما در شهر قم قبری داریم. سعد پرسید: آیا مقصود قبر فاطمه بنت موسی علیه السلام است؟ حضرت فرمودند: آری، هر کس به شناختن حق او، وی را زیارت کند، بهشت برای آن فرد واجب می شود. سپس زیارت نامه ای از قول آن حضرت برای فاطمه معصومه علیها السلام ذکر کرده است که در کتاب مفاتیح الجنان موجود است. (۱۰۳) عن ابن الرضا علیه السلام قال: من زار عمتی بقم فله الجنة. (۱۰۴) از امام جواد علیه السلام نقل شده که فرمودند: کسی که عمه ام را در قم زیارت کند، او اهل بهشت است. لازم به ذکر است که در میان امامزادگان، تنها حضرت فاطمه معصومه علیها السلام است که

زیارت او از امامی نقل شده و آن امام حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام می باشد. و نیز حضرت فاطمه معصومه علیها السلام دارای همسری نبوده است؛ زیرا مؤلف تاریخ قم می گوید: به من رسیده است که رضائیه، دختران خود را به شوهر نمی دادند؛ زیرا کسی که همسر و کفو ایشان باشد نمی یافتند و موسی بن جعفر علیه السلام را بیست و یک دختر بوده است و از این جهت هیچ یک از ایشان به شوهر نداده است. از مدت عمر حضرت معصومه علیها السلام اطلاعات دقیقی در دست نمی باشد جز این که مسلماً از بیست و سه سال کمتر نبوده است؛ زیرا بنا بر نوشته تاریخ قم و کشف الغمه و دیگر کتب اخبار، حضرت موسی به جعفر علیه السلام پدر حضرت معصومه در سال ۱۷۹ هجری به دستور هارون الرشید گرفتار شد و تا آخر عمر در زندان بود و وفات حضرت فاطمه معصومه علیها السلام هم همان طور که قبلاً بیان گردید در سال دویست و یک هجری اتفاق افتاد و این فاصله که در حدود بیست و سه سال است، حداقل عمر حضرت فاطمه معصومه علیها السلام است.

القاب حضرت فاطمه معصومه علیها السلام

به غیر از معصومه و کریمه اهلبیت دیگر القاب ایشان عبارتند از: ۱- طاهره ۲- حمیده ۳- بره ۴- رشیده ۵- تقیه ۶- نقیه ۷- رضیه ۸- مرضیه ۹- سیده ۱۰- اخت الرضا (۱۰۵) ۱۱- صدیقه ۱۲- سیده النساء العالمین. همچنین باید بدانیم مادر گرامی حضرت فاطمه معصومه علیها السلام نجمه خاتون، مادر بزرگوار امام رضا علیه السلام است. نجمه خاتون از بانوان با فضیلت و از مخدرات کم نظیر تاریخ بوده است. برای او ده نام در کتاب های تاریخ نقل شده است که عبارتند از: ۱- نجمه (ستاره) ۲- ام البنین (مادر پسران) ۳- تکنم (یکی از نام های زمزم) ۴- طاهره ۵- خیزران مرسیه (بسیار لطیف و انعطاف پذیر) ۶- اءروی (آب فراوان و خوشگوار، صاحب اندیشه و تفکر) ۷- سکن (کسی که همه اعضای خانواده به او پناه برند). ۸- سمانه (طالب فزونی در شرف و مال و منال) ۹- شقراء (بانویی سیمین تنی که چهره نورانی، دیدگانی نافذ و گونه های سرخ و گلگون داشته باشد). ۱۰- صقر (تابش خورشید، باز شکاری، شیر عسل، گونه ای که از خرما و انگور فرو ریزد). (۱۰۶) محل ولادت فاطمه معصومه علیها السلام مدینه منوره و تاریخ ولادت ایشان، اول ذیقعد الحرام ۱۷۳ ه. ق بوده است البته در سال وفات آن حضرت اختلافی وجود ندارد و همان طور که بیان شد ۲۰۱ هجری بوده است، اما از ماه و روز وفات آن حضرت اطلاعی در دست نیست. در برخی از کتاب ها دوازدهم ربیع الثانی و در برخی از کتاب ها دهم ربیع الثانی نقل شده است؛ اما چند سالی است که آستانه مقدسه حضرت معصومه علیها السلام از دهم تا دوازدهم ربیع الثانی را مراسم عزاداری بر پا نموده و به عنوان ایام معصومیه نام گذاری کرده است.

جریان مسافرت و ورود حضرت فاطمه معصومه علیها السلام به قم

عصمت حق دخت شاه انس و جان عفت یزدان و خاتون جهان دختر موسی بن جعفر فاطمه حضرت معصومه خاتون همه شد برون از خانه و شهر و دیار سوی ارض اقدس قم بست بار بهر قم طی کرد راه دور را در عقب بگذاشت کوه طور را از مدینه سوی قم پیمود راه تا کند در ارض اقدس جایگاه حضرت معصومه چون بیمار شد شهر ساوج تب به جسمش بار شد بود آن بی بی چو دولت خواه قم جستجو کرد از قم و از راه قم امر کرد آن برج عصمت را قمر بر شتر بندند محمل زودتر ارض قم را واقعا تجلیل کرد بهر رفتن سوی قم تعجیل کرد به به از شهزادگان با وقار به به از آن راه و مرکوب و سوار اهل قم را از صغیر و از کبیر گونیا آمد دو صد عید غدیر پیر و برنا سوی محمل تاختند مقصد و مقصود خود را یافتند گرد محمل از یمین و از یسار جمله را جان بر کف از بهر نثار ز اهل قم همچون کنیزان و غلام بر فلک شد نعره های السلام السلام ای دخت ختم المرسلین! آمدی خوش آمدی صد آفرین! آفرین ای دختر شیر خدا! بقعه زهرا تو را صد مرحبا! موسی خزرچ برای افتخار نافه را بگرفت اندر کف، مهار سوی

منزل گاه خود آن خوش ضمیر نافه را آورد تا میدان میر حضرت معصومه آن بحر کمال شد برون از برج محمل با جلال شام قم از نور رویش روز شد روز قم به از دو صد نوروز شد شانزده روز آن پیمبر را سلیل بود در آن شهر بیمار و علیل روز هفده آن جوان نامراد پای اندر جنت اماءوی نهاد در نمازش اشعریین بالتمام جمع گردیدند با صد احترام نعش بر دوش و پریشان کرد موی سوی باغ بابلان کردند روی وقت دفن جسم پاک فاطمه حمله را بگرفت بیم و واهمه کین بود ناموس خلاق زمن کیست بنهد دست خود بر این کفن؟! بود قادر نام شیخی نیک خو اهل قم گفتند لایق هست او چون که او باشد تقی و مؤتمن بایدی او دفن سازد این بدن ناگهان از دور گردی شد پدید دو سوار از سمت ریگستان رسید آن دو تن معصومه را با عز و ناز دفن بنمودند و برگشتند باز لیک اندر کربلا از ظلم و کین بد سه روز عریان تن سلطان دین (۱۰۷)

حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام در قم

درباره عبور حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام از قم، هنگام رفتن به مرو بنا به دعوت ماءمون، در بیشتر ماءخذ اشاره شده است؛ اما شواهد و مدارکی، آمدن آن حضرت به قم را تاءیید می کند. ۱- اکنون در قم، محله ای به نام شاه خراسان واقع در خیابان آذر، جنب ۴۵ متری عمار یاسر، وجود دارید (البته قبلا کوچه ای بود و هنگام احداث خیابان آذر، جزء خیابان شده؛ ولی هنوز نام این محل باقی است) و نیز مسجدی هم، به همین نام در این محل وجود دارد که در سال های اخیر آن را تجدید بنا نمودند. ۲- در همین محل، مدرسه ای است با برکت، به نام مدرسه رضویه که مردم قم، از زمان های قدیم معتقد بوده اند که در هنگام ورود حضرت امام رضا علیه السلام به این شهر، در همین محل، نزول اجلال فرمودند و از چاهی که هم اکنون در مدرسه رضویه است آب نوشیدند و غسل کردند و وضو ساختند و بعضی نیز معتقدند که این چاه را خود حضرت احداث نمودند. به هر حال این شواهد از طریق مردم، سینه به سینه نقل شده تا به ما رسیده است. ۳- همچنین در کتاب مفاتیح الجنان (در قسمت سفر امام رضا علیه السلام به خراسان) نقل شده: که از طریق کوفه به بغداد و از آن جا به قم آمد، اهل قم به پیشباز آن حضرت آمدند و با هم مخاصمه می کردند در باب ضیافت آن حضرت؛ و هر کسی مایل بود که آن بزرگوار بر او وارد شود. حضرت فرمودند که شتر من ماءمور است؛ یعنی هر کجا فرود آمد، من آنجا وارد می شوم. پس آن شتر آمد تا در یک خانه خوابید و صاحب آن خانه، شب آن روز در خواب دیده بود که حضرت امام رضا علیه السلام فردا میهمان او خواهد بود. پس چندی نگذشت که آن محل، مقام رفیعی یافت و در زمان ما، مدرسه معموره است. در این جا ذکر این نکته مهم به نظر می رسد که بر تمام مسلمانان جهان، به خصوص مردم ایران و بالاخص مردم قم لازم است هرچند مدت یک بار، حضرت امام رضا علیه السلام را در خراسان و خواهر گرامی اش حضرت فاطمه معصومه علیها السلام در قم را زیارت نموده و از آن دو بزرگوار در کارهایشان استمداد بجویند؛ زیرا برکت و عزت ایران و جهان در سایه این بزرگواران است. بعضی از بزرگان، پس از وفات به خواب عده ای از افراد آمده اند و چنین بیان داشته اند که به تعداد زیارتی که ما در زمان حیات از امام رضا علیه السلام به جا آوردیم، به همان تعداد به دیدار ما آمده اند و همچنین در احادیثی پاداش زیارت حضرت فاطمه معصومه علیها السلام را که با معرفت انجام گیرد، بهشت بر شمرده اند.

تاءثیر دفن حضرت فاطمه معصومه علیها السلام در وضع قم

به دلیل موقعیت ممتاز حضرت فاطمه معصومه علیها السلام در میان دیگر امامزادگان، مدفون شدن وی در قم وضع این شهر را به کلی تغییر داد. برخی از این تغییرات عبارتند از: ۱- شهر قم به تدریج از شمال شرقی، به جنوب غربی که محل دفن آن حضرت بود کشیده شد؛ به طوری که حرم حضرت فاطمه معصومه علیها السلام که در فاصله ای از شهر قرار داشت، امروزه در مرکز شهر

قرار گرفته است . ۲- توجه پادشاهان و امرا و نیز گروه های مختلف مردم به این شهر بیشتر شد و عده بسیاری از مردم به قم مهاجرت کردند؛ به طوری که هم اکنون شهر قم یکی از مهاجر پذیرترین شهرهایی می باشد که از اقصی نقاط کشور و حتی از دیگر کشورها، به این شهر روی می آورند. ۳- قم ، موقعیت مذهبی خاصی به خود گرفت و در واقع مرکز روحانیت شیعه شد؛ به طوری که عده ای از بزرگترین علمای شیعه در آن اقامت داشته و یا از آن برخاسته اند. ۴- در هر سال هزاران نفر از مردم داخل و یا خارج کشور جهت زیارت به این شهر مقدس سفر می کنند و حتی عده ای از توریست ها نیز جهت بازدید از شهر و حرم حضرت معصومه علیها السلام و مناظر زیبای آن (ایوان های طلا، آینه کاری و کاشی کاری) به این شهر روی می آورند. (۱۰۸)

کرامات (۱۰۹) حضرت فاطمه معصومه علیها السلام

حضرت فاطمه معصومه علیها السلام تاکنون دارای کرامت های بسیار زیادی بوده است که اگر بخواهیم آن ها را جمع آوری نماییم چندین کتاب خواهد شد. بسیاری از کرامت های این بانوی دو عالم ثبت و ضبط نگردیده است ؛ زیرا ممکن است بعضی از افراد متوجه آن کرامت بی بی شده باشند؛ مثلاً مشکل روحی و روانی داشته اند؛ آن مشکل حل شده است و با برخی از افراد مایل نیستند که مردم از وضعیت آنان و یا از جریان شفا گرفتنشان آگاهی یابند. اما برخی از کرامت های این بانوی دو جهان با تاریخ و سند معتبر ثبت و سپس انتشار یافته است . در کتاب کریمه اهل بیت علیهم السلام نوشته آقای علی اکبر مهدی پور یکصد کرامت از حضرت معصومه علیها السلام به چاپ رسیده است که کتابی بسیار زیبا و پند آموز است و ما تنها به دو کرامت از این کتاب عینا اشاره می نمایم و به خوانندگان توصیه می کنیم تا کتاب مورد نظر را مطالعه بفرمایند. کرامت اول پس از فرو پاشی نظام منحط کمونیستی و گشوده شدن راه آذربایجان شوروی به ایرانیان و بالعکس ، گروهی از مسئولین حوزه علمیه قم به آذربایجان می روند تا عده ای از جوانان مستعد را انتخاب کنند و به حوزه علمیه قم آورده ، با متد (۱۱۰) مناسبی آنان را آموزش دهند تا به آذربایجان برگشته ، خلاء فرهنگی شیعیان آن سامان را که در مدت سیطره ظالمانه کمونیست ها پدید آمده ، در حد توان پر کنند. در نخجوان نوجوانی به نام حمزه داوطلب اعزام به قم می شود؛ ولی مسئولین از پذیرش او پوزش می طلبند؛ زیرا یکی از شرایط گزینش ، نداشتن نقص عضو بود و یکی از دیدگان حمزه معیوب بود و به چشم می خورد و طبعاً در رغبت مردم نسبت به یک سخنگوی مذهبی ، داشتن چنین عضوی اثر منفی دارد. حمزه گریه فراوان می کند که چرا من با داشتن استعداد و علاقه سرشار از این سعادت محروم شوم ، پدرش نیز اصرار می کند که او را بپذیرند تا اثر روحی نامطلوبی بر افکار او نگذارد. مسؤولان بر خلاف شرط پذیرش ، تحت تاءثیر عواطف انسانی او را می پذیرند و همراه بیش از یکصد نفر از جوانان داوطلب او را به ایران می آورند. در تهران از این جوانان پر شور آذربایجان مراسم استقبال با شکوهی به عمل می آید. از طرف صداوسیما و دیگر نهادها و ارگان ها عکس و فیلم فراوان برداشته می شود. یکی از فیلمبرداران طبق شیوه نکوهیده برخی به اصطلاح هنرمندان ، همه اش دوربین را متوجه چشم برآمده حمزه می کند و ده ها بار در ضمن مراسم استقبال ، چشم معیوب حمزه را آگراندیسمان (۱۱۱) می کند. هنگامی که این جوانان داوطلب به حوزه علمیه قم می آیند و در یکی از مدارس قم اسکان می یابند یک حلقه از آن فیلم به سرپرست مدرسه داده می شود تا در آرشیو مدرسه نگهداری شود. سرپرست مدرسه یک روز برای تنوع و سرگرمی این جوانان به دور از وطن ، این فیلم را در سالن مدرسه به نمایش می گذارد. هر بار که دوربین به طرف چشم حمزه نشانه می رود شلیک خنده از هم شاگردی های حمزه که نوعاً کم سن و سالند، بلند می شود. در این جلسه ، حمزه بسیار احساس حقارت می کند و دیگر زندگی در نظرش بی ارزش می شود. حمزه تصمیم می گیرد که رخت سفر بربندد و به وطن خود برگردد، زیرا پس از این جلسه او همه جا تحقیر خواهد شد و هر یک از بچه ها با دیدن او لبخند تلخی خواهد زد. بنابراین حمزه به حرم مطهر حضرت معصومه علیها السلام مشرف می شود و با دلی شکسته ، اشک فراوان می ریزد و عرضه می دارد: ای دختر باب الحوائج ، من صدها فرسنگ راه

آمدم که در زیر سایه شما درس بخوانم و مبلغ مذهبی شوم؛ ولی نمی توانم این همه تحقیر را تحمل کنم و ناگزیرم به شهر و وطن خود بازگردم و از نعمت مجاورت حرم شما محروم شوم حمزه عقده دلش را در پیشگاه کریمه اهل بیت باز می کند و برای همیشه از حضرت معصومه علیها السلام خداحافظی می کند. چون از حرم بیرون می آید با یکی از هم کلاسیهایش روبرو می شود، به او سلام می کند، او به عنوان ناشناس سلام او را علیک می گوید. حمزه او را با نامش صدا می کند، او بر می گردد و به سیمای حمزه خیره می شود و می گوید: حمزه تویی؟ حمزه می گوید: بلی، مگر چطور؟ او می گوید: پس چشم تو چه شد؟ تازه حمزه متوجه می شود که از عنایات حضرت معصومه علیها السلام چشم معیوبش شفا یافته، او دیگر نه تنها تحقیر نخواهد شد؛ بلکه به عنوان فرد سعادت‌مندی که مورد عنایت حضرت معصومه علیها السلام قرار گرفته، پیش چشم همگان عزیز خواهد بود و هنگامی که به آذربایجان سفر کند. یکی از معجزات خاندان عصمت و طهارت در آن دیار خواهد بود؛ به ویژه در میان خویشان و آشنایان خود که او را به چشم معیوب دیده بودند. حمزه فعلا یکی از محصلین حوزه علمیه قم است، در مجالس و محافل شرکت می کند، با یک دنیا شور و شعف سرگذشت خودش را بیان می کند، از کریمه اهل بیت شکر بی پایان ابراز می دارد و درود بی کرانش را بر آستانش نثار می کند. (۱۱۲) کرامت دوم (۱۱۳) همچنین از کتاب کریمه اهل بیت نقل شده است که مؤلف کتاب داستان های شگفت، از شخصی به نام آقای ابوالقاسم عبدالحسینی که در آن ایام پلیس موزه حضرت معصومه علیها السلام بود، نقل می کند که گفت: در زمانی که متفقین در ایران بودند و محموله های خود را از راه جنوب به شوروی می بردند، من در راه آهن خدمت می کردم. در اثر تصادف با کامیون حامل سنگ، یک پای من زیر چرخ کامیون رفت. مرا به بیمارستان فاطمی شهرستان قم بردند و زیر نظر دکتر مدرسی بستری شدم. مدت پنجاه روز در آن جا بستری بودم و پایم ورم کرده بود و در تمام مدت شبانه روز یک لحظه از شدت درد آرام نداشتم و به طور مداوم از شدت درد ناله می کردم و فریاد می کشیدم و همه اتاق ها و سالن های بیمارستان از ناله و فریاد من در اذیت بودند. در این مدت من همواره به حضرت زهرا، حضرت زینب و حضرت معصومه - سلام الله علیهن - متوسل بودم و مادرم مرتب به حرم مطهر حضرت معصومه علیها السلام می رفت و توسل پیدا می کرد. یک کودک سیزده چهارده ساله ای نیز در کنار من بستری بود که به پایش گلوله اصابت کرده بود و پدرش کارگر بود. حال او از من بدتر بود، زیرا محل جراحی او تبدیل به خوره و جذام شده بود و آقایان اطبا از او قطع امید کرده بودند، چند روزی در حال احتضار بود، فقط گاهی صدای ضعیفی از او شنیده می شد. هر وقت پرستارها می آمدند، می پرسیدند: تمام نکرده است؟ من هم رفته رفته از بهبودی خود، ناامید شدم دیگر طاقت تحمل درد را نداشتم و لذا شب پنجاهم مقداری سم تهیه کرده، زیر بالش خود نهادم و با خود گفتم: اگر امشب هم خوب نشدم، خودم را راحت می کنم. هنگامی که مادرم به دیدنم آمد به او گفتم: اگر امشب شفای مرا از حضرت معصومه علیها السلام گرفتی فبها، والا صبح جنازه مرا روی تختواب خواهی دید. مادرم با وضع پریشان بیمارستان را به قصد حرم مطهر حضرت معصومه علیها السلام ترک کرد. شب لحظاتی مرا خواب گرفت، در عالم رؤ یا دیدم سه بانوی مجلله از پنجره ای که به فضای بیمارستان باز می شد، وارد اتاق من شدند. از کیفیت ورود و تواضع آنان در حق یکدیگر، این طور فهمیدم که اولی حضرت زهرا، دومی حضرت زینب کبری و سومی حضرت معصومه - سلام الله علیهن - می باشند. این سه بانوی بزرگوار مستقیم به طرف تخت آن کودک رفتند و به ردیف کنار تخت او ایستادند. حضرت زهرا علیها السلام به او فرمودند: بلند شو گفت: نمی توانم فرمودند: بلند شو گفت: نمی توانم فرمودند: بلند شو، تو خوب شدی. در همان عالم رؤ یا دیدم که آن بچه بلند شد و نشست. من انتظار داشتم که پس از آن همه توسل این بزرگواران به من هم عنایتی فرمایند، ولی اصلا به طرف من توجه نفرمودند. در همان اثنا بیدار شدم و بسیار ناراحت شدم دست بردم زیر بالش که آن سم را بردارم و خود را راحت کنم. یک لحظه با خود اندیشیدم که نباید عجله کنم؛ زیرا این سه بانوی بزرگوار در این اتاق قدم نهاده اند، امکان ندارد که تشریف فرمایی آنان در حال من بی تأثیر باشد؛ لذا دست نگه داشتم و آرام دست خود را روی پایم نهادم دیدم درد نمی کند آهسته پایم را حرکت دادم،

دیدم به راحتی حرکت می کند فهمیدم که من نیز از برکت قدوم آن مخدرات شفا یافتم . صبح ، هنگامی که پرستارها آمدند بچه خوابیده بود، خیال کردند که تمام کرده است ، پرسیدند: از بچه چه خبر؟ گفتم : خوب شده است ، گفتند: یعنی چه ؟ گفتم : مطمئن باشید. بچه خوب شده ، ولی بیدارش نکنید. هنگامی که بچه بیدار شد، دکترها آمدند و با کمال تعجب دیدند که زخمش التیام یافته ، حتی از جای زخم هم هیچ نشانی نمانده است . پرستارها آمدند که طبق معمول پای مرا پانسمان کنند، چون باند را برداشتند با کمال تعجب دیدند که هیچ زخم و جراحی در پای من نیست ، پایم به کلی خوب شده ، ورم پایم فروکش کرده و فاصله زیادی بین پا و پنبه ها ایجاد شده است . مادرم از حرم آمد، چشمانش از زیادی گریه ورم کرده بود، پرسید: چگونه هستی ؟ خواستم بگویم شفا یافته ام ، زیرا ممکن بود از شدت خوشحالی قالب تهی کند و لذا گفتم : بهتر هستم ، برو عصابی بیاور که برویم منزل ، البته نیازی به عصا نداشتم به طرف منزل رفتیم و بعدها جریان را برای مادرم نقل کردم ؛ اما در بیمارستان هنگامی که دکترها و پرستارها وضع من و بچه را مشاهده کردند غوغا به پا کردند، صدای گریه و صلوات بیمارستان را پر کرده بود.

بخش سوم : مساجد تاریخی قم

توضیح

شهر مقدس قم ، به دلیل سابقه تاریخی آن دارای آثار و امکنه باستانی و تاریخی فراوانی است که می توان به آسانی قدمت این شهر را با توجه به آن ها تشخیص داد. نمونه بارز آن ، مساجد تاریخی با سوابق کهن می باشد. که هم اکنون در این شهر مقدس ، پس از سالیان طولانی ، همچنان محکم و پایرجا باقی مانده اند و شگفتی و تعجب انسان را بر می انگیزند. از جمله این مساجد (که در این کتاب به آن ها اشاره شده است) مسجد امام حسن عسکری علیه السلام مسجد جامع ، مسجد مقدس جمکران و برخی مساجد، دیگر است که سعی شده تمام مطالب کتاب به خصوص این بخش ، همراه با اسناد و شواهد، معتبر ارائه گردد تا جامع و متقن باشد. بنابراین با توجه به توضیحات فوق ، از مطالعه کنندگان محترم تقاضا می نمایم ، تا این قسمت را به دقت مطالعه نموده تا ابهامات موجود (درباره تاریخچه این مساجد) برطرف شود. شایان ذکر است که در این قسمت سعی شده ، قبل از پرداختن به تاریخچه این مساجد مطالبی در مورد جایگاه و اهمیت مساجد، آداب و احکام آن ها اهمیت نماز و ویژگی های امام جماعت و نیز خادمین مساجد و پاره ای مطالب دیگر، بیان شود.

مساجد

مقدمه

انما یعمر مساجد الله من امن بالله و الیوم الاخر و اقام الصلوه و اتی الزکوه و لم یخس الا الله فعسی اولئک ان یکونوا من المهدتین (۱۱۴) جز این نیست که آباد می کند مساجد خدا را آن که ایمان آورده ...^۱ به خدا و روز بازپسین و به پا داشته است نماز را و پرداخته زکات را و به جز خدا از کس دیگر نترسیده است ، پس امید است که آنان از هدایت شدگان باشند. مسجد النبی مرکز سیاست اسلام بوده است و ثقل قدرت اسلامی . (۱۱۵) در صدر اسلام ، هر وقت مسلمین می خواستند به جنگ عزیمت کنند، از مساجد تجهیز می شدند و هر وقت که کار مهمی داشتند در مساجد آن را مطرح ساخته و درباره مسائل سیاسی به بحث و گفتگو می نشستند. (۱۱۶) در این موقع حساس که بیش از هر وقت دیگر احتیاج به اجتماعات اسلامی داریم . لازم است ملت مسلمان ما در تمام بلاد به مساجد روی آورند و نهضت را از مساجد که دژهای محکم اسلامند زنده نگه دارند و با شعارهای اسلامی نهضت را پیش برند. (۱۱۷) یکی از علل پیروزی انقلاب اسلامی ایران و سهولت این پیروزی لااقل این بود که مردم به مساجد اقبال پیدا

کردند، جوان‌ها مساجد را پر کردند، علمای اعلام، مساجد را به عنوان یک مرکزی برای تعلیم، حرکت، آگاهی، نهضت، افشای اسرار زمامداران فاسد و خود فروخته رژیم طاغوت در دوره مشروطیت هم همین‌جور بوده است. دوره ملی شدن صنعت نفت هم تا حدودی همین‌جور بود. زمان انقلاب نیز که این به حد اعلا رسید، مساجد را باید ملت ایران مغتنم بشمارند، پایگاه معرفت و روشن بینی و روشنگری و استقامت ملی به حساب بیاورند. (۱۱۸) مقدمه مساجد را با آیه ای از قرآن و فرمایشات رهبر کبیر انقلاب اسلامی، امام خمینی قدس سره و مقام معظم رهبری آغاز نمودیم و مطالب خود را متبرک نمودیم و چندان شایسته نیست که سخنی بالا-تر از آن‌ها گفته شود، زیرا اگر با دقت به آن‌ها نگرسته شود حق مطلب به خوبی ادا شده است؛ بنابراین موضوعات دیگری که از این پس بیان خواهد شد، درباره مسائل مربوط به نماز، تاریخچه بعضی از مساجد تاریخی و معروف قم خواهد بود که به صورت جداگانه، بحث خواهد شد.

ویژگی های مسجد نمونه

هر گه نامی از مسجد به میان می آید، اذهان اغلب مردم، متوجه نماز و قرآن و امثال این گونه عبادات می شود و غالباً چنین تصور می شود که مسجد منحصر به همین اعمال عبادی است، در صورتی که مسجد مکانی برای عبادات و اطاعت خالصانه خداوند است که البته این عبادت و اطاعت می تواند شامل موارد ذیل باشد و اگر مسجدی دارای چنین خصوصیتی بود از آن می توان به عنوان مسجد نمونه یاد کرد: ۱- ایجاد زمینه مناسب جهت حضور مردم و به خصوص جوانان در مسجد: زیرا مساجد مخصوص افراد سالخورده و ناتوانی که دستشان از همه جا کوتاه شده و مکان دیگری را جز مسجد نمی شناسند نیست بلکه باید مساجد به گونه ای باشد که جوانان جهت حضور در آن لحظه شماری کنند. برای این کار می توان وضعیت نظافت و پاکیزگی مساجد را به نحو احسن تغییر داد و برنامه های متنوع مشروعی در مسجد پیاده نمود تا زمینه حضور آنان را هموار سازیم. ۲- انجام جلسات رسمی سخنرانی و نیز جلسات پرسش و پاسخ با مسئولین در مسجد: زیرا در مسجد پیامبر نیز این گونه جلسات تشکیل می شد. ۳- تشکیل جلسات دینی و معارف اسلامی مانند: آموزش قرآن، احکام، اعتقادات و اخلاقیات. ۴- تشکیل کلاس های آموزشی و درسی مانند: کلاس های آموزش خانواده و کلاس های نهضت سواد آموزی. ۵- تشکیل جلسات هنری مانند: خطاطی، طراحی، سرود و... ۶- ایجاد کتابخانه و یا سالن مطالعه در هر مسجد: زیرا مسجد تنها مکان قرائت قرآن و مفاتیح الجنان نیست؛ بلکه مطالعه و قرائت سایر کتاب های مذهبی مانند: نهج البلاغه و کتاب های علمی و تاریخی امری بسیار اساسی و مهم است؛ بنابراین لازم است هنگام تاسیس ساختمان مسجد، مکان مناسبی برای کتابخانه و سالن مطالعه اختصاص یابد. ۷- انجام امور تعاونی در مساجد مانند: جمع آوری کمک برای نیازمندان، پرداخت وام، اعطای خدمات درمانی، اقدامات برای تسهیل ازدواج جوانان، برنامه ریزی برای عیادت از بیماران و... ۸- پرورش نیروهای متعهد برای اداره امور جامعه اسلامی: با برنامه ریزی دقیق ائمه جماعات مساجد و رعایت حال جوانان از طرف مردم و مشارکت جوانان در برنامه های مساجد می توان به این امر مهم دست یافت. بنابراین می توان گفت این مسجد است که در فضای قدس و طهارت و شکوفایی علمی، فرهنگی و تربیتی خود، بذریع آگاهی و روشن بینی را در جان و دل جوانان حق جو می پرورد. ۹- مسجد مکانی جهت اعزام رزمندگان به جبهه های حق علیه باطل و پشتیبانی از آنان: در صدر اسلام نیز هنگامی که مسلمین قصد عزیمت به جنگ داشتند از مساجد تجهیز می شدند. ۱۰- مکانی جهت حمایت از خانواده های عزیز ایثارگران و شهدا و جانبازان و آزادگان: با تشکیل ستادهایی از این خانواده های عزیز در مساجد می توان به مشکلات آنان رسیدگی بهتری انجام داد. (۱۱۹) بنابراین مسجد مکانی برای اجرای امور عبادی، تربیتی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و نظامی و نیز مکانی جهت انسجام و پیوستگی نیروهای انقلابی و متعهد است.

الف - مسجد نخستین پایگاه عبادی - سیاسی در جامعه اسلامی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پس از هجرت به منظور تشکیل جامعه اسلامی و استقرار نظام اعتقادی و اجتماعی اسلام، رسماً دولت اسلامی را در این شهر بنیان نهاد. طبیعی است که ایجاد چنین دولتی، پرداختن به امور نوین، بنیاد مؤسسات و طرح مسائل جدید را ضروری می نمود که از جمله آن ها تاسیس نهادی اجتماعی جهت تجمع نیروها، و مرکزی برای رسیدگی به مسائل مردمی و تبیین سیاست اسلام بود. بر این اساس، پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله مسجد را به عنوان نخستین پایگاه و مجتمع مسلمانان برای پرداختن به چنین امری برگزید. پس آن حضرت، زمینی خریداری نموده و بنای مسجد آغاز شد. رسول خدا همراه با مهاجرین و انصار به عنوان یک حرکت بنیادین اجتماعی به ساختن مسجد پرداختند و در اثر کوشش و اهتمام ایشان، ساختن مسجد در مدت کوتاهی به انجام رسید. مسجدی بسیار ساده و بی پیرایه بود، زمینش از ریگ، دیوارهایش از خشت، منبرش درخت بنی و سقفش از شاخ و برگ درختان؛ اما چون جایگاه عبادت و نیایش رسول خدا صلی الله علیه و آله و مؤمنان راستینش بود، فضایش آکنده از معنویت، خلوص، صفا، صمیمیت، ایمان و عشق به پروردگار بود. مسجد نه تنها به عنوان جایگاه اصلی اجتماع مؤمنان برای برگزاری مراسم عبادی مورد استفاده بود، بلکه کانون معارف و احکام اسلامی، مرکز جهاد تبلیغی و ارشادی، قرارگاه سیاسی و اداره دولت نیز به شمار می رفت. بدین ترتیب، مسجد در آن روزگار از نظر عملکرد یک نهاد با چندین نقش بوده است. ب - مسجد به عنوان نخستین کانون عبادی اهتمام خاص رسول خدا به برگزاری نماز جماعت در مسجد، سبب می شد که همه مسلمانان در شبانه روز پنج بار برای شرکت در این آیین عبادی - سیاسی در مسجد حضور یابند و با برپایی صفوفی منظم همه با هم به عبادت خدا پردازند. بدیهی است، چنین اجتماع و گردهمایی که در آن کوچک و بزرگ، ضعیف و نیرومند، فقیر و غنی در کنار یکدیگر به نماز می ایستادند، تا چه حد نفاق ها، کینه ها، بدبینی ها و بدخواهی ها و همچنین اختلافات طبقاتی را از میان می برد و جای خود را به مهر و صفا و برادری و برابری و می داد و تا چه اندازه این صفوف به هم فشرده مؤمنان سبب ایجاد وحشت و هراس در دل های منافقان و دیگر مخالفان آیین نوین می شد.

ج - مسجد نخستین جایگاه دانش زمانی اسلام در جزیره العرب ظهور کرد که جهل و بی خبری، بخش گسترده ای از جهان آن روز را فرا گرفته بود و امواج ظلمت حتی محیطهای نیمه درخشان را سخت می کوبید، حجاز که به مهبط وحی مفتخر شد، چنان در شرک، خرقه پرستی و سنت های زشت جاهلی غوطه ور بود که چیزی به نام دانش و آگاهی در آن محیط مفهومی نداشت. اما با پیدایش زمینه ای که اسلام در آن روزگار جاهلی به وجود آورد، دانش و تحصیل و آگاهی در میان پیروان این آیین، رواج یافت و همچون فریضه ای دینی و واجبی عینی شد. در پرتو این مکتب، مساجد که جایگاه های اصلی عبادت بودند به عنوان نخستین کانون های دانش مورد استفاده قرار گرفتند و قرآن نیز به صورت اول کتاب و متن آموزشی مسلمانان درآمد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مسجد بزرگ مدینه را پایگاه اصلی علوم و معارف اسلامی قرار داد و خود به عنوان نخستین معلم، در این دانشگاه اسلامی، عرب آن روزگار را برای کسب دانش در یک حلقه به گرد وجود خود فرا خواندند و در پرتو آیات قرآن کریم و افاضات آموزنده خویش به تعلیم و تربیت ایشان پرداختند. به این ترتیب، مسجد به عنوان نخستین پایگاه علمی در جامعه نواخته اسلامی رسالت خود را در انتشار علم و دانش و گسترش فرهنگ اسلامی آغاز و رد این زمینه نقش بسیار مؤثری را ایفا کرد. با گذشت زمان به تدریج موجبات علمی آن فراهم شد و همواره مسیر رشد و ترقی را پیمود، بدین سان که تا صده چهارم هجری به عنوان مهم ترین جایگاه دانش در جهان اسلامی همچنان فعال بود. د - مسجد به عنوان نخستین نهاد سیاسی در جامعه اسلامی از آن جا که در حکومت اسلامی، میان مقامات مسؤول و توده های مردم جدایی نیست و مسلمانان می توانند بر مسیر و جهت گیری های حکومت و بر روند امور جامعه نظارت کنند و موضع خود را در مسائل سیاسی به طور آشکار اعلام نمایند و با ارائه برنامه ها، طرح ها و پیشنهادات سازنده حکومت را یاری دهند، بر این اساس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، پس از بنیان گذاری نظام نوین

اسلامی در مدینه به منظور دخالت مسلمانان در شیوه حکومت و آگاه ساختن آنان با اهداف سیاسی اسلام، مسجد را که مرکز عمومی و محل تجمع مسلمانان برای ادای فرایض دینی بود، به عنوان پایگه حکومت و نهاد سیاسی اسلام برگزیدند. در این جا به چند نمونه از فعالیت هایی که در زمان رسول اکرم صلی الله علیه و آله و بعد از ایشان در مسجد صورت می گرفت اشاره می نمایم. فعالیت‌های قضایی، فصل خصومات، اجرای حدود بر بزهکاران، حبس و تاءدیب ایشان، معرفی خلیفه، مراسم بیعت با وی، عزل و نصب استانداران و دیگر کار گزاران و مسؤلان مملکتی، نشست های مشورتی، تحریر و ترغیب مسلمانان برای جهاد با کفار، اعزام نیرو به جبهه های نبرد، همگی در مسجد صورت می گرفت. به این ترتیب، مسجد از آغاز حیات سیاسی اش در زمان رسول اکرم صلی الله علیه و آله تا اوایل عصر عباسی، مرکز همه فعالیت های سیاسی نهضت جهانی اسلام به شمار می رفت. همچنین می توان از مسجد به عنوان نخستین پایگاه تبلیغاتی و مرکز خدمات اجتماعی نام برد. (۱۲۰)

آداب مسجد

امام صادق علیه السلام فرمودند: چون به مسجد رسی، باید بدانی که بارگاه پادشاه عظیمی را قصد کرده ای، پادشاهی که بر بساطش به جز پاکان و پاکیزگان قدم نمی گذارند و به جز صدیقان به کسی اجازه همنشینی با او داده نمی شود، پس در قدم نهادن بر بساط خدمتش باید هیتی تو را فرا گیرد همچون هیبت پادشاه؛ زیرا خطر بزرگی تو را تهدید می کند و اگر غفلت ورزیدی، پس بدان که او بر هر چه مشیتش تعلق بگیرد، تواناست که با تو عدل رفتار کند و یا فضیلتش شامل حال تو شود؛ پس اگر عطف توجهی به تو فرماید، اطاعت اندک تو را با فضل و رحمتش می پذیرد و پاداش فراوان بر آن اطاعت تو عنایت می فرماید و اگر از راه عدل، آن صدق و اخلاصی را که مستحق است از تو خواستار شود، تو را محجوب ساخته و اطاعت را هر چند فراوان باشد، رد خواهد کرد. پس او هر چه را که بخواهد، می کند. تو باید به ناتوانی و تقصیر و شکستگی و نیازمندیت در پیشگاه او اعتراف کنی زیرا تو برای عبادت و انس گرفتن با او روی آورده ای؛ پس اسرار خود را با او در میان بگذار و باید بدانی که رازهای پنهان و آشکار همه خلق، بر او پنهان هیچ نیست و همچون فقیرترین بندگان در پیشگاهش باش و دلت را از هر آنچه تو را مشغول کرده و از پروردگارت محجوب ساخته، تهی کن؛ زیرا او ز پاک تر و خالص تر تو را نمی پذیرد. (۱۲۱)

بهداشت مساجد

مساجد، به شکل شایسته ای غبار رویی شود و خدمت به مسجد کاری مردمی و همگانی شمرده شود. (۱۲۲) دهه آخر ماه معظم شعبان به عنوان دهه بهداشت مساجد یکی از برنامه های مفید و ارزنده پس از پیروزی انقلاب اسلامی، اهمیت دادن به مساجد و مسأله بهداشت آن است. اکنون چند سالی است که مسؤلین ذیربط، اقدام به غبار رویی مساجد در زمانی معین و تشویق مردم به این امر خیر و خداپسندانه نموده اند. برای استمرار و تحقق این عمل ارزنده، تذکر چند نکته لازم به نظر می آید: ۱ - هدف از بهداشت مساجد تنها نظافت ظواهر آن، مانند: تمیز کردن فرش ها و شیشه ها و... نمی باشد؛ بلکه اگر مسجد نیاز به بازسازی و تعمیر داشت، مسؤلین ذی ربط، امکانات رفاهی و مالی آن را فراهم نمایند تا مسجد از جلوه ای تمیز و مرتب برخوردار گردد. ۲ - مسجد باید یکی از زیباترین مکان ها گردد، چه اشکالی دارد که در مساجد چندین گلدان گل، فرش های تمیز، مفاتیح و قرآن های سالم و... وجود داشته باشد و همیشه بوی عطر و گلاب از آن برخیزد تا نسل جوان ما، با رغبت بیشتری به مساجد روی آورند؛ بنابراین کارهایی از این قبیل نیز باید جزء بهداشت مساجد قرار گیرند. ۳ - لازم است این نکته مهم به مردم تفهیم گردد که تنها دهه آخر ماه شعبان، مخصوص نظافت مساجد نیست؛ بلکه باید در تمام ایام سال کار نظافت و پاکیزگی مساجد انجام پذیرد و اگر این دهه را به این امر اختصاص داده اند، یک اعلام عمومی و همگانی برای بسیج توده های مردم در زمانی معین به انجام این کار و

ادامه در روزها و ماه‌های دیگر سال بوده است. ۴- اگر مسجد دارای ظاهری تمیز و زیبا باشد، اما طرز برخورد مردم با جوانان مناسب نباشد و با امام جماعت سرحال و شادابی نداشته باشد و یا خادمین مناسبی نداشته باشد، یقیناً جوانان به حضور در این گونه مساجد تمایل کمتری نشان خواهند داد. بهر حال جای آن دارد که از مسئولین، به خصوص سازمان تبلیغات اسلامی و اداره اوقاف تقدیر و تشکر و موفقیت آنان را در انجام وظایف دیگر از خداوند درخواست نماییم و نیز باید از مردم همیشه در صحنه و فعال و انقلابی ایران اسلامی که همیشه در امور خیر سهم مهمی داشته اند تشکر شود و ان شاء الله در آینده ای نه چندان دور شاهد همکاری بیشتر مردم و مسئولین در رونق بخشیدن به مساجد و بازسازی و آبادانی آن‌ها باشیم. چون بهداشت مساجد در این جا مطرح گردید به یک مسأله شرعی نیز در این مورد اشاره می‌شود. نجس کردن زمین و سقف و بام و طرف داخل مسجد حرام است و هر کس بفهمد که نجس شده است باید فوراً نجاست آن را برطرف کند و احتیاط واجب آن است که طرف بیرون دیوار مسجد را هم نجس نکنند و اگر نجس شود نجاستش را برطرف نمایند، مگر آن که واقف آن را جزء مسجد قرار نداده باشد. (۱۲۳)

خادمین مساجد چگونه باید باشند؟

مسجد نخستین پایگاه عبادی است که مردم شبانه روز پنج نوبت، با حضور در آن در آیین عبادی - سیاسی (نماز جماعت) شرکت می‌نمایند؛ علاوه بر این، مراسم عزاداری نیز در مساجد برگزار می‌شود؛ بنابراین می‌توان گفت که مسجد یکی از پرجمع‌ترین اماکن عبادی است که مردم همیشه در آن حضوری دائم دارند. بدیهی است در چنین مکان عبادی - سیاسی، نظافت و پاکیزگی، اهمیت به سزایی دارد. برای امر نظافت مسجد، فرد یا افرادی محترم و زحمت کش، به نام خادم یا خادمین مسجد وجود دارند که به نوبه خود کارشان ارزنده و دارای اهمیت است. در این جا در مورد نحوه گزینش خادمین تذکر چند نکته لازم است.

۱- در حال حاضر رسم مساجد ما چنین است که خادمین آن معمولاً افرادی پیر و سالخورده و غالباً ناتوان که دستشان از همه جا کوتاه شده و یا از اداره یا سازمانی بازنشست شده اند به عنوان خادم مسجد معین و استخدام می‌شوند (البته استثنا نیز وجود دارد). مسلماً آنچه در امر نظافت مسجد نقش عمده ای دارد، وجود خادمانی نیرومند می‌باشد که متأسفانه این امر مهم در مساجد کمتر به چشم می‌خورد. شاید یکی از دلایل این موضوع، کم بودن حقوق خادمین است که معمولاً افراد جوان کمتر رغبت می‌کنند با این حقوق کم در مسجد کار کنند و یا تصور می‌کنند که خادم مسجد حتماً باید فردی پیر و مسن باشد؛ بنابراین بر مردم و مسئولین محترم لازم است که در این باره برنامه ریزی اصولی و مدونی نمایند و همانند ادارات و سازمان‌ها، افراد جوان و پر تحرک را با حقوق مکفی استخدام نمایند و شرح وظایفشان را نیز بیان دارند؛ زیرا کار خادم مسجد فقط نظافت مسجد و روشن و خاموش کردن چراغ‌های آن نیست؛ بلکه خادم بایستی علاوه بر این‌ها، از نظر تمیزی، نظافت و برخورد با مردم باشد. الگو و راهنمای آنان این امر در جذب جوانان بسیار مؤثر است. ۲- در انتخاب خادم یا خادمین، اخلاق و طرز برخورد او با مردم و خوشرویی و خوش خلقی باید اولین و مهم‌ترین ملاک گزینش او باشد. معمولاً دیده می‌شود که خادمین به علت سالخوردگی کم حوصله شده و آن چنان که شایسته است با اخلاقیان نمی‌توانند مردم و جوانان را جذب نمایند. (البته بیان این مسأله به معنای توهین به ساحت مقدس این عزیزان زحمت کش نیست؛ بلکه راه حلی برای حضور بیشتر مردم در مساجد می‌باشد؛ و گرنه بسیاری از خادمین ما دارای خلق و خویی خدایسندانه هستند.) ۳- همان گونه که بیان شد حقوق خادمین باید طوری باشد که بتوانند با آن امرار معاش نموده و شغل دیگری نداشته باشند. بنابراین از آن جا که مساجد زیر نظر اداره اوقاف و امور خیریه است حقوق این عزیزان نیز از آن جا تاءمین شود تا بتوانند با ذوق و شور بیشتری فعالیت نمایند. (زیرا دیده شده که برخی از خادمین نمازها تقاضای حقوق و وجهی از مردم می‌نمایند که این کار پسندیده ای نیست و شاید لطمه ای به شخصیت آنان وارد شود.) ۴- باید سعی شود که مرتب‌ترین و تمیزترین شخص به عنوان خادم مسجد انتخاب شود؛ زیرا این مسأله معمولاً در بین مردم جا افتاده است

که تا نامی از خادم برده می شود تصورشان این است که او فردی سالخورده و ناتوان و دارای لباس های مندرس و فرسوده است که ان شاء الله در آینده ای نزدیک اذهان و تصورات مردم از خادم به عنوان یکی از تمیزترین و مرتب ترین فرد تغییر خواهد نمود و مسلما این کار با نحوه گزینش خادم و برخوردار بودن او از حقوقی مکفی رابطه نزدیکی دارد. ۵ - خصوصیات دیگری که می توان برای یک خادم برشمرد راستگویی و تدین اوست ؛ زیرا آنان در اماکنی فعالیت می نمایند که کانون عبادت است و لازم است افرادی که مشغول کار در این اماکن مقدس هستند متقی و متدین باشند. ۶ - در مساجد بزرگ ، خادمان بیشتری لازم است ؛ بنابراین مسجد باید با استخدام چند خادم در شیفت های مختلف ، اداره شود تا خادمین محترم دچار خستگی نشوند. ۷ - از آن جا که مسجد برای عبادت است و عبادت تنها در نماز خلاصه نمی شود، بلکه کل زندگی یک مؤمن عبادت است ، بنابراین لازم است که مساجد از حدود یک ساعت قبل از اذان صبح تا ساعاتی بعد از نماز مغرب و عشا باز باشد تا مردم بتوانند از این مکان مقدس برای برگزاری کلاس های احکام ، قرآن ، اعتقادات و... انجام فعالیت های فرهنگی و نظامی و نیز برای انجام امور خیریه به خوبی استفاده نمایند؛ بنابراین وجود خادمانی فعال ضروری به نظر می رسد. البته نکات دیگری نیز در نحوه گزینش خادمین محترم وجود دارد؛ اما جهت اختصار، از آن پرهیز نموده و نکات اساسی را یادآور شدیم . در این جا مجددا تذکر این نکته ضروری و لازم به نظر می آید که اعمال این گونه فعالیت ها و اجرای روش های مذکور میسر نیست مگر با همکاری متقابل مردم و مسؤولین تا ان شاء الله در آینده ای نزدیک شاهد مساجدی آباد و زیبا و مملو از جمعیت باشیم .

معماری مساجد

آغاز هنر اسلامی ، در مساجد بود که با حمایت و نظارت مسلمانان بالنده شد. مساجد نخستین ، ساختمان های معمولی بودند که فقط برای نماز و وعظ برپا می شدند و تمایلی به استحکام در معماری آن ها نبود. در آغاز مساجد بسیار ساده بود؛ زیرا هر نوگرایی که در مساجد پدید می آمد در معرض انتقاد شدید قرار می گرفت . هنگامی که اسلام منتشر شد و قدرتش به بسیاری از شهرها امتداد یافت ، عرب با نژادهای غیر عربی در آمیخت . این امر موجب گسترش افق هنر در دیدگان مسلمانان شد و به فضل این آمیختگی توانستند با درنگ در مرزهای ترسیمی از جانب دین نمودارهای جدیدی از نمونه برتر هنر خود را پدیدار سازند. ساختمان هایی که عرب در سال های نخستین بنا کرد غالبا مسجد بود؛ اما پس از آن ، ساختمان های دینی و مذهبی دیگری مانند: مدرسه ، تکیه و... بنا نمودند. (۱۲۴) در معماری اغلب مساجد قدیم نقاط مشترکی وجود دارند که برخی از آن ها عبارتند از: ۱ - مصالح ساختمانی : معمولا در مساجد از آجر معمولی (چهار گوش)، آجر کوچک ، آجر تراشدار، خشت گچ ، چوب و... استفاده می شده است . ۲ - اسامی یا عبارات مقدس : متداول ترین طرح ، عبارت بود از طرح های حروف عربی که نام مقدسین اسلامی یا عبارات دینی با آن نوشته می شد، معمولا سطح به شکل افقی آجرچینی می شد و حروف از محل بندهای پهن تر تشکیل می شد و این بندها یا فرو رفته اند و یا با واحدهای سفالینه لعابدار پر شده اند. گاهی اسامی مقدس در قالب طرح لوزی ساخته می شد. در ساختمان های متاخر اسامی مقدس ، اغلب با آجر لعابدار به رنگ آبی ، آبی سیر و سفید در زمینه آجر زرد رنگ ساخته شده است . ۳ - مناره : در اواخر قرن اول ، ماءذنه و مناره ها پدید آمدند، از آن جا که در زمان های قدیم رسانه های اطلاعاتی کم بوده و وسایلی همچون بلندگو وجود نداشته تا بتوان محدوده بیشتری را تحت پوشش قرار داد، بنابراین ماءذنه و مناره وسیله ای جهت ابلاغ بهترین پیام بود، یعنی اذان بود که مؤذن ها هنگام نمازهای پنجگانه بر فراز ماءذن ها رفته و مردم را جهت انجام فریضه نماز با خبر نموده و دعوت می کردند. ۴ - محراب : در صدر اسلام استفاده از محراب ، برای مشخص کردن سمت مسجد الحرام شناخته شده نبود. معنای لغوی آن ، با توجه به کتاب های فرهنگ لغت ، چنین است : محراب یعنی صدر خانه و شریف ترین جای آن ، محل ایستادن امام در مسجد، جای نشستن شاهان ، که از مردمان ممتاز باشند، شاه نشین ، محل جنگ و جمع آن محارِب است .

نزد عامه، محراب مکانی در مسجد است که امروزه آن را برای امام جماعت برپا می‌کنند. محراب‌ها صدر مجالسند و نام گذاری محراب مسجد نیز از آن جهت است. از طرفی محراب به معنای مکان جنگ است؛ یعنی مکان جنگ با شیطان، بنابراین بجاست که این مکان مقدس بر خلاف رسم متداول امروزه، بسیار ساده باشد. باستان‌شناسان در تعیین تاریخ آغازین بهره‌گیری از محراب‌ها اتفاق نظر ندارند؛ لکن اکثراً برآنند که در زمان حکومت ولید بن عبدالملک بوده است. ۵ - مقصوره (۱۲۵): یکی از بناهای دیگری که در معماری مساجد راه یافت، مقصوره بود تا میان امام و دیگر نمازگزاران، حایل شود. پس از کشته شدن عمر، عثمان بن عفان نخستین کسی بود که در مسجد مدینه مقصوره را برگزید تا به وسیله آن از اشرار در امان ماند. وی گرداگرد مصلاش مقصوره‌ای آجری ساخت و مردم‌زا پنجره‌ای که در آن تعبیه شده بود، امام جماعت را می‌نگریستند. ۶ - گنبد: گنبد سقفی است نیم‌کروی یا مقعر که معمولاً در بالای پلان‌های مدور، مربع و کثیرالاضلاع که با کمک گوشوار مدور می‌شود، تعبیه می‌گردد. گنبد دارای سوابق طولانی است که قدمت و سیر تحول آن به خوبی روشن نیست؛ ولی با توجه به گفته‌های ویل دورانت مورخ هنر، چنین خانه‌هایی را در جایی که روزی سرزمین سومر بوده است هم اکنون به آسانی می‌توان دید. گاه گاهی در میان ویرانه‌ها، آثار قوس یا سقف گنبدی دیده می‌شود که از سومریان به بابل رسیده و غیر ماهرانه و بی‌آن که بدانند سرنوشت طاق‌ها و قوس‌ها چه خواهد شد از آن بناهای خود استفاده می‌کردند. با این وصف می‌توان استعمال گنبد را لاقلاً به هزاره چهارم قبل از میلاد، نسبت داد. گنبد اصولاً جنبه، حفاظی دارد؛ ولی این عنصر حفاظتی نیز مانند سایر عناصر ارتفاعی، عملاً دارای جنبه‌های هنری است. به عبارت دیگر، ذوق و سلیقه زیبایی‌خواهی در آن وجود دارد و انواع ساده، به خصوص نوع دوپوشی آن را می‌توان در زمره هنرهای تزئینی محسوب داشت. گنبدهای دوپوش دارای دوپوش جداگانه می‌باشد. یکی از علل قراردادن دوپوش در بناها احتمالاً - برای جلوگیری از نفوذ رطوبت، برف و باران به قشر داخلی بنا، پوش دیگر با فاصله مناسب در بالای پوش اول ایجاد و منافذی در آن پیش‌بینی کرده‌اند تا هوا در فضای بین دوپوش جریان یابد و پوش داخلی خشک و در امان باقی بماند. این ملاحظه در نقاط مرطوب، مانند شمال ایران منطقی به نظر می‌رسد؛ ولی اجرای این رویه در نقاط نسبتاً خشکی چون مرو و اصفهان، جای تامل دارد و می‌باید منظور دیگری نیز در بین باشد، به خصوص که در این نقاط و نقاط مجاور آن مثلاً گنبدهای یک‌پوش، مانند گنبدهای جنوبی و شمالی مسجد جامع اصفهان و گنبد مقبره امیر سلطان سامانی در بخارا ساخته شده و هنوز پابرجاست. همان‌گونه که بیان شد گنبدهای دوپوش دارای دوپوش جداگانه می‌باشد و پوش داخلی غالباً مدور و پوش خارجی مدور، مخروطی، هرمی و بیضوی است. می‌توان گفت در ایجاد گنبدهای دوپوشی منظورهای تزئینی و زیبایی‌خواهی نیز مؤثر بوده است؛ زیرا اولاً: ایجاد پوش دوم، عظمت بیشتری به بنا می‌دهد و عظمت از عوامل مهم زیبایی است. ثانیاً: خطوط منحنی گنبد نرم و مطبوع است و از یک طرف مانند خطوط عمودی نظر را به بالا می‌کشاند و از طرف دیگر مانند خطوط افقی، آرامش می‌بخشد. ثالثاً: پوش خارجی گنبد سطح مناسبی برای هنرنمایی استادان آجرتراش، کاشی‌کار، مقرنس‌ساز و نویسندگان خطوط بنایی، نسخ و... می‌باشد (۱۲۶)

اهمیت نماز (جمعه و جماعات)

اولین عملی که در قیامت، مورد توجه قرار می‌گیرد، نماز است. اگر نماز انسان پذیرفته شود اعمال دیگر او مورد ارزیابی قرار می‌گیرد و اگر قبول نشود به دیگر اعمال توجهی نخواهد شد (۱۲۷) ضمیر بن حبیب گوید: در مورد نماز از پیغمبر صلی الله علیه و آله سؤال کردند، فرمودند: نماز از واجبات دین است، موجب خشنودی خداست، طریقه پیغمبران است، محبت ملائکه را جلب می‌کند، هدایت و ایمان است، نور و معرفت و برکت رزق و راحت بدن است، برای شیطان ناخوشایند است، حربه‌ای در مقابل کفار، سبب مستجاب شدن دعا و قبول اعمال است، توشه آخرت مؤمن است، شفیع نزد ملک الموت، مونس قبر و فرش زیر پهلوی

است، جواب نکیر و منکر است، نماز بنده در محشر ناجی است بر سرش، و نوری در صورتش و لباسی بر تنش، پرده ای است بین او و آتش، حاجتی است بین او و آتش، موجب نجات از جهنم و عبور از پل صراط است، کلید بهشت و مهر حورالعین و بهای بهشت است، نماز است که بندگان را به بالاترین درجات می‌رساند، چون مشتمل بر (انواع عبادات) تسبیح و تهلیل و تکبیر و تمجید و تقدیس خداوند و گفتار و دعا است. (۱۲۸) ملت ما گمان نکنند که نماز جمعه یک نماز عادی است، نماز جمعه با شکوه مندی که دارد برای نهضت کوتاه عمر ما یک پشتوانه محکم، و در پیشبرد انقلاب اسلامی ما عامل مؤثر و بزرگی است. (۱۲۹) بنابراین با توجه به این بیانات گوهربار، بر ما است که نمازهایمان را هر چه با شکوه تر و با جماعت برگزار نماییم؛ زیرا نماز بالاترین ذکر است و این نماز است که انسان را از فحشا و منکر باز می‌دارد و ارتباط او را با خالق هستی برقرار می‌سازد. همچنین بر تمام مسلمانان لازم است که روزهای جمعه، در نماز عبادی - سیاسی جمعه شرکت کنند، زیرا این فریضه به فرموده قرآن از هر عمل بهتر است: ای کسانی که ایمان آورده اید هرگاه بانگ داده شود برای نماز جمعه، پس بشتابید به سوی یاد خدا و رها کنید سوداگری و معامله را، این برای شما بهتر است، اگر بدانید (۱۳۰)

آداب و احکام نماز

نماز مهم ترین عمل دینی است که اگر مورد قبول درگاه خداوند عالم واقع شود، عبادات دیگر نیز قبول می‌شود و اگر پذیرفته نشود، اعمال دیگر هم قبول نمی‌شود و همان گونه که اگر انسان شبانه روز پنج نوبت در نهر آبی شستشو کند، چرک در بدنش نمی‌ماند، نمازهای پنج گانه هم انسان را از گناهان پاک می‌کند و سزاوار است که انسان، نماز را اول وقت بخواند و کسی که نماز را پست و سبک شمارد، مانند کسی است که نماز نمی‌خواند. پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: کسی که به نماز اهمیت ندهد و آن را سبک شمارد، سزاوار عذاب آخرت است. روزی حضرت در مسجد حضور داشتند مردی وارد منزل و مشغول نماز شد و رکوع و سجودش را کاملاً بجا نیاورد. حضرت فرمودند: اگر این مرد با این حال از دنیا برود به دین من از دنیا نرفته است. پس انسان باید مواظب باشد که به عجله و شتاب زدگی نماز نخواند و در حال نماز به یاد خدا، و با خضوع و خشوع و وقار باشد و متوجه باشد که با چه کسی سخن می‌گوید و خود را در مقابل عظمت و بزرگی خداوند عالم بسیار پست و ناچیز ببیند و اگر انسان هنگام نماز کاملاً به این مطلب توجه کند، از خود بیخود می‌شود، چنان که در حال نماز تیر را از پای مبارک امیر المؤمنین علیه السلام بیرون کشیدند و آن حضرت متوجه نشدند. و نیز باید نمازگزار توبه و استغفار نماید و گناهانی که مانع قبول شدن نماز است، مانند: حسد، کبر، غیبت، خوردن حرام، آشامیدن مسکرات و ندادن خمس و زکات، بلکه هر معصیتی را ترک کند و همچنین سزاوار است کارهایی که ثواب نماز را کم می‌کند، بجا نیاورد. مثلاً در حال خواب آلودگی و خودداری از بول به نماز نایستد و موقع نماز به آسمان نگاه نکند و نیز کارهایی که ثواب نماز را زیاد می‌کند، بجا آورد مثلاً انگشتر عقیق به دست کند و لباس پاکیزه بپوشد و شانه و مسواک کند و خود را خوشبو نماید. (۱۳۱) (مسائل مربوط به نماز در رساله های عملیه وجود دارد که به دلیل اختصار به آن اشاره نمی‌شود). یکی از آداب نماز، اهمیت و مراقبت وقت نماز است. در این مورد حضرت امام خمینی قدس سره چنین می‌فرماید: بدان که مراقبت اوقات صلوه ها که میقات حضور رب و میعاد جناب ربوبیت است، از مهمات نزد اهل مراقبه است که اهل مناجات و سلوک انتظار آن را می‌کشیدند و قلوب خود را مستعد برای دخول آن می‌کردند و با طهارت ظاهر و باطن از آن استقبال می‌نمودند و از اشتغالات دیگر یکسر کناره می‌گرفتند و قلب را به کلی منقطع از غیر و متوجه به میعادگاه حق می‌کردند. و از بعضی زوجات رسول اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده که آن بزرگوار با ما مشغول صحبت بود، ما هم با او مکالمه می‌کردیم، همین که وقت نماز داخل می‌شد، گویی ما را نمی‌شناخت و ما او را نمی‌شناختیم و از هر چیزی اشتغال خود را صرف می‌کرد و به حق مشغول می‌شد. (۱۳۲) یکی دیگر از آداب نماز، این است که ما آن را سبک و بی‌اهمیت

نشماریم؛ زیرا ترک کردن و سبک شمردن نماز عواقبی را در دنیا و آخرت در پی خواهد داشت. رسول خدا فرمودند: کسی که نماز را ترک کند یا آن را سبک شمارد، ۱- خداوند برکت را از عمر و روزیش برمی دارد. ۲- چهره خوبان از او گرفته می شود. ۳- کار نیک وی نتیجه واقعی را نخواهد داشت. ۴- دعایش به اجابت نمی رسد. ۵- از دعای خوبان بهره ای نخواهد برد. ۶- با ذلت و خواری خواهد مرد. ۷- گرسنه از دنیا می رود. ۸- تشنه می میرد. ۹- دو ملک در قبر، پیوسته او را عذاب می دهند. ۱۰- قبر برای او تنگ خواهد شد. ۱۱- قبر او تاریک خواهد بود. ۱۲- او را به صورت روی زمین می کشند تا مردم متوجه شوند که نماز را خوار کرده است. ۱۳- در مرحله حساب رسی بر او سخت خواهند گرفت. ۱۴- خدای متعال هرگز نظر رحمت بر او نخواهد کرد. ۱۵- عذاب سخت و دردناکی برای او خواهد بود. ۱۶- نماز نیز موجب دوری او از خدا خواهد بود. ۱۷- نمازش سیاه می شود و با این چهره به آسمان برده می شود، بعد نمازش به او نفرین می کند و می گوید: خدا تو را نابود کند که حق مرا رعایت نکردی. (۱۳۳) همچنین اگر بخواهیم نشانه های بی توجهی به نماز را بفهمیم، می توانیم این موارد را در نظر بگیریم. نشانه های بی توجهی به نماز این است که شخص نماز را: ۱- با عجله به جای آورد. ۲- در حال خستگی به جای آورد. ۳- بدون عذر در آخرت وقت به جای آورد. ۴- آگاهی به احکام نماز نداشته باشد. ۵- مفاهیم نماز را درک نکند. ۶- در حال خواب آلودگی نماز بخواند. ۷- در جایی که تشتت حواس باشد، نماز بخواند. ۸- آداب نماز را رعایت نکند. ۹- آرامش جسمی نداشته باشد. ۱۰- آرامش روحی نداشته باشد. ۱۱- تمرکز حواس نداشته باشد. ۱۲- با معده و مثانه پر نماز بخواند. ۱۳- در نماز آرامش نداشته باشد. (۱۳۴) در این جا لازم است به یک حدیث جالب، توجه نماییم. امام باقر علیه السلام فرمودند: اسلام روی پنج پایه نهاده شده نماز، زکات، روزه، حج و ولایت و به چیزی مانند ولایت فریاد زده نشد، مردم آن چهار را گرفتند و این یعنی - ولایت - را رها کردند. (۱۳۵)

ویژگی های امام جماعت

ائمه محترم جماعات مساجد که در واقع رهبران نماز گزاران مساجد هستند، لازم است دارای ویژگی های شایسته ای باشند که اهم آن ها عبارتند از: عدالت، مروت، برخورداری از مراتب علمی، برخورداری از تقوا و فضایل برنامه های آن، استفاده از افراد دارای صلاحیت به عنوان معین و یاور امام جماعت، سعه صدر، سالم بودن وضع مزاجی و ظاهری مانند عدم ابتلا به بیماری جذام و پیسی، حضور منظم در مسجد به ویژه برای اقامه نماز، خودداری از طولانی شدن نماز و سایر برنامه ها. در این جا لازم است به یکی از رهنمودهای امام خمینی قدس سره در مورد وظایف و صفات ائمه جماعت اشاره نماییم، ایشان در این باره می فرمایند: مردم را متحول کنید. علاج این است که مردم را آگاه کنید و متحول کنید به تقوا دعوت کنید به ارزش های انسانی. ارزش های انسانی در طاغوت عبارت از این است که چند تا سنگ دارد و چند تا اتومبیل دارد و چند تا پارک دارد و چند تا نوکر دارد. تمام ارزش های انسانی را زیر پا گذاشتند و شما مردم را آگاه کنید، در این سمینارها راه پیدا کنید و مردم کشورهای خودتان را از مسائل، از مسائل سیاسی بالخصوص، نترسید از این چهار تا درباری که می گویند آخوند نباید در سیاست دخالت کند. ایران بحمدالله الان، اکثریت قاطع اهل علمش در سیاست دخالت می کنند، در امور اجتماعی دخالت می کنند و آن چند تایی که آن ته مانده، از دربار ماندند آن ها هم دیگر از شان کاری نمی آید شما باید ملت را این طور کنید. (۱۳۶) بنابراین ائمه جمعه و جماعات با بهره گیری از فرامین الهی و رهنمودهای حضرت امام خمینی و مقام معظم رهبری حضرت ایه الله خامنه ای می توانند نقش بسیار ارزشمندی در رشد و بالندگی جامعه و جذب مردم به نماز جماعت ایفا نمایند. یکی از برنامه های بسیار جالب که در جمهوری اسلامی ایران به اجرا گذاشته شده است گردهمایی ائمه جمعه و گاهی ائمه جماعات است که هر چند وقت یک بار تشکیل می شود، تا تبادل نظرهایی در مورد چگونگی بهتر اجرا شدن این فریضه الهی و دیگر مسائل سیاسی و مذهبی صورت گیرد و این از

برکات نظام جمهوری اسلامی ایران است .

مسجد امام حسن عسکری علیه السلام

مقدمه

شهر مقدس قم ، مرکز روحانیت و مملو از مساجد کوچک و بزرگی است که بسیار با برکت و با معنویت و نوعا دارای سوابق و قدمتی تاریخی هستند که این خود بر عظمت آن ها می افزاید. از جمله مساجدی که دو خصوصیت بالا را دارا می باشد. مسجد مبارک حضرت امام حسن عسکری علیه السلام می باشد که از جمله مساجد کم نظیر می باشد. چرا که این مسجد، علما و شخصیت ها و ائمه جماعاتی را به خود دیده که دارای روح عرفانی و خداجویی بوده اند که در رشد و بالندگی خود و دیگران مفید و مؤثر بوده اند. این مسجد، مردم خوب و شریفی را به خود دیده که علامت عبودیت و بندگی خداوند از چهره هایشان مشهود و آشکار بوده است . مردمی که با شور و اشتیاق ، فریضه نماز جماعت را معمولا در اوقات فضیلت آن به جماعت ، برگزار نموده و صحنه ای را وحدت همراه با خلوص آفریده و می آفرینند. مسجد امام حسن عسکری علیه السلام همچون گلستانی است در این شهر مقدس که بوی عطر دل آرای آن فضا را پر کرده است . این مسجد با عظمت ، به عللی دارای ویژگی های خاص و منحصر به فردی است که آن را از سایر مساجد متمایز می سازد: ۱- از آن جا که این مسجد با برکت در نقطه ای از شهر قرار گرفته که اولاً- به حرم مطهر حضرت معصومه علیها السلام نزدیک است و از طرفی دیگر جند خیابان اصلی شهر در اطراف آن وجود دارد، در واقع در مرکز قم قرار گرفته و مسجد مرکزی شهر و به عبارت دیگر در حال حاضر در نظر مردم ، مسجد جامع قم تلقی می گردد. ۲- مردم همواره برای این مسجد، ارزش و احترام خاصی قائل بوده اند؛ چرا که معتقدند این مسجد به امر مقدس یازدهمین اختر تابناک آسمان امامت و ولایت حضرت امام حسن عسکری علیه السلام ساخته شده و نیز علمای بزرگی در آن اقامه جماعت داشته و دارند. البته این مسجد دارای خصوصیات فیزیکی نیز می باشد که لازم است به تفصیل و جداگانه در مورد آن ها بحث شود تا مردم بیشتر و بهتر با این مسجد با عظمت و تاریخی آشنا شوند. آنچه در رشد و بالندگی معنوی و مادی این مسجد نقش اساسی داشته و خواهد داشت عبارتند از: ائمه قبلی و کنونی این مسجد، هیئت رزمندگان اسلام لشکر ۱۷ علی بن ابیطالب علیه السلام با برنامه های خاصی که ارائه می دهند، افراد و بانیان خیر، خادمین پر تلاش آن ، مسؤولین برگزاری اعتکاف و نمازگزاران خوب و متعهد این مسجد، که بجاست از آنان تقدیر و تشکر به عمل آوریم .

برگزاری نمازهای جماعت در این مسجد

نماز یکی از بهترین اعمال و فرایضی است که خداوند به بندگانش لطف نموده و به آن ها اجازه داده که با او صحبت و رازونیز نمایند و روح خود را به وسیله انس با خداوند آرامش بخشند. اهمیت نماز تا به حدی است که در صورت قبولی این عبادت و فریضه الهی دیگر عبادات هم پذیرفته می شود و اگر پذیرفته نشود، دیگر اعمال و عبادات مورد قبول خداوند قرار نمی گیرد. بنابراین اصل و اساس تمام عبادات ، نماز می باشد. حال چه زیباست که این فریضه عظیم الهی در بهترین شرایط زمانی یعنی اول وقت و در بهترین مکان ها و به بهترین وجه و شکل یعنی با جماعت برگزار شود تا بهتر و بیشتر مورد رضایت خداوند قرار گیرد. اسلام برای نماز جماعت اهمیت زیادی قائل شده تا جایی که اگر تعداد نمازگزاران به تعداد انگشتان دست رسیده و با بیشتر شوند اجر و ثواب آن را کسی جز خداوند نمی تواند محاسبه نماید. نماز جماعت روح وحدت و یکپارچگی مردمی است که طالب فضیلت و نیکوکاری هستند و چه فضیلتی بالاتر از نماز جماعت و انس همیشگی با خداوند متعال . به شکرانه خداوند این فریضه با

شکوه الهی در کشور عزیزمان ایران عموماً، در مساجد و یا جماعت برگزار می‌گردد، به خصوص در شهر مقدس قم که آشیانه آل محمد صلی الله علیه و آله است بیشتر از سایر نقاط ایران است. یکی از جلوه‌های نماز جماعت را می‌توان در مسجد امام حسن عسکری علیه السلام یافت. در این مسجد باشکوه نه فقط یک نماز جماعت بلکه چندین نماز جماعت به علل مختلف برگزار می‌گردد. سالیان متمادی است که در این مسجد عظیم، نمازهای جماعت جداگانه‌ای برگزار می‌گردد. یکی از علل پراکندگی نماز جماعت، وضع فیزیکی این مسجد است که به لحاظ جمعیت زیاد نمی‌توان در یک نقطه معین و در یک زمان نماز جماعت را برگزار نمود. ائمه محترم جماعت این مسجد دارای مقام علمی و معنوی و از شخصیت‌های معروف قم و بلکه ایران می‌باشند. در این جا بر خود لازم می‌بینیم که نامی از ائمه جماعت محترم سابق و کنونی ذکر نماییم تا توانسته باشیم ذره ناچیزی از خدمات آنان را با یادآوری اسامی شریفشان در اذهان زنده نماییم.

نام برخی از ائمه جماعات پیشین مسجد امام حسن عسکری علیه السلام

در این مسجد بابرکت تاکنون ائمه جماعات زیادی اقامه نماز جماعت داشته‌اند؛ بنابراین جهت بزرگداشت نام و خاطره آنان و نیز جهت اطلاع، نام برخی از آنان را یادآور می‌شویم: ۱- مرحوم حضرت آیه الله العظمی حاج میرزا محمد تقی فیض ۲- مرحوم حضرت آیه الله حاج میرزا ابوالفضل زاهدی ۳- مرحوم حاج آقا آخوند ملاعلی ۴- مرحوم حضرت آیه الله حاج سید ابوالقاسم روحانی ۵- مرحوم حضرت آیه الله حاج آقا محمد کبیر ۶- مرحوم حضرت آیه الله حاج شیخ ابوالقاسم قمی ۷- مرحوم حضرت آیه الله حاج شیخ عباس مستقیم ۸- مرحوم حضرت آیه الله حاج سید علی اکبر برقی ۹- مرحوم حضرت آیه الله حاج آقا حسین کبیر فرزند آیه الله محمد کبیر ۱۰- مرحوم آیه الله حاج آقا مرتضی حائری ۱۱- مرحوم آیه الله حاج ملا محمود واعظ ۱۲- مرحوم آیه الله سید صدرالدین صدر ۱۳- مرحوم حاج شیخ محمد موحدی ۱۴- مرحوم آقای حاج میرزا سید حسام الدین

نام برخی از ائمه جماعات فعلی مسجد امام حسن عسکری علیه السلام

ائمه جماعات این مسجد عظیم که هم اکنون این امر خطیر را به عهده دارند، (البته در زمان تالیف این کتاب) عبارتند از: ۱- حضرت آیه الله حاج آقا مهدی فیض ۲- حضرت آیه الله حاج سید محمد علی روحانی ۳- حضرت آیه الله حاج آقا محمود زاهدی ۴- حضرت آیه الله حاج سید حسین بدلا ۵- حضرت آیه الله جزایری ۶- حجه الاسلام و المسلمین شاهرودی

برنامه های مذهبی و ملی این مسجد

در این مسجد باشکوه سالیان طولانی است که برنامه‌های جالب مذهبی و ملی به خصوص، پس از انقلاب اسلامی ایران برگزار شده و می‌شود که اینک به برخی از این برنامه‌ها اشاره می‌شود. ۱- برگزاری نمازهای جماعت: یکی از اماکن مذهبی که خواندن نماز در آن فضیلت بیشتری دارد، همین مسجد باشکوه می‌باشد. ۲- برگزاری ادعیه: ۳- برگزاری مراسم اعتکاف: حدود ۸۰ سال است که در این مسجد مجلل برنامه معنوی اعتکاف دایر است، ولی در سال‌های اخیر، گسترش این برنامه تا بدانجا بوده که این مسجد کفاف معتکفین را نداده و به سایر مساجد مهم (مسجد جامع، مسجد مقدس جمکران و مسجد اعظم) کشیده شده و عده زیادی از مشتاقان خالص و با معنویت به این اماکن شریف روی می‌آورند. ۴- برگزاری مرثیه و جشن در ایام وفات و یا ولایت چهارده معصوم علیهم السلام ۵- برگزاری برنامه‌های ملی: همانند جشن پیروزی انقلاب و سایر مراسم مشابه، در زمان انقلاب و پیش از آن نیز این مسجد همواره مرکز تجمع مبارزین و تظاهرکنندگان بوده است.

موقعیت و تاریخچه مسجد امام حسن عسکری (ع) با توجه به نظریات محققان و نویسندگان

بیان نمودن تاریخچه اماکن عتیق (۱۳۷) و قدیمی که سالیان طولانی از عمر آن‌ها می‌گذرد نیاز به مطالعات و بررسی‌های فراوان و تخصص کافی دارد. اما استفاده از نظریات صاحب نظران و مورخین یکی از بهترین و مؤثرترین شیوه‌های کار خواهد بود. بر این اساس، درباره تاریخچه مسجد امام حسن عسکری علیه السلام به چند مورد از نظرات نویسندگان محترم اشاره می‌نمایم. ۱- در کتاب گنجینه آثار قم، تالیف عباس فیض در مورد تاریخچه این مسجد چنین می‌خوانیم: (۱۳۸) مسجد امام قم که جامع کنونی این شهر شده است، نزدیک پل علیخانی و کنار بلوار (خیابان حضرتی سابق) و در حاشیه خیابان آذر واقع و دارای سه در ورودی از بلوار، خیابان آذر و خیابان آستانه است. در بیان علت نام گذاری این مسجد، به نام مسجد امام، بحث و گفتگوی متفاوتی است که در ذیل به چند مورد از آن‌ها اشاره می‌شود. محدث نوری در کتاب نجم الثاقب چنین بیان نموده است که احمد به اسحق اشعری، وکیل امام حسن عسکری علیه السلام با کسب اجازه از امام، به بنای آن اقدام نمود و به این دلیل، ساختمان آن در اواسط قرن سوم بنا شده است. ولی علامه مجلسی در کتاب تذکره الائمة چنین آورده است که: این مسجد مصلاهی امام حسن مجتبی علیه السلام بوده است. در سفری که آن امام به همراه برادر خود، امام حسین علیه السلام برای جهاد با کفار همراه لشکر اسلام به ایران آمد هنگام مراجعت از طبرستان (۱۳۹) در زمان خلافت عثمان در سال ۳۲ هجری، هنگامی که به قم رسید، در این مکان نماز خواند. البته در اردستان هم مسجدی به نام آن امام وجود دارد که مصلاهی آن حضرت بوده است که شیخ نراقی در کتاب خزائن، به نقل آن پرداخته است. (آقای عباس فیض در ادامه چنین بیان کرده است): معلوم نیست که این دو مؤلف نام برده (علامه مجلسی و شیخ نراقی) برای اثبات سخنان خود چه سندی را ارائه داده‌اند، همچنین باید اضافه نمود که در سال ۳۲، نه شهری به نام قم وجود داشته و نه در راه اصلی بوده است و نه عرب اشعری در آن بوده‌اند تا امام به این سرزمین آمده باشند؛ بنابراین نمی‌توان برای نزول مرکب مسعود مجتبی به قم دلیلی ارائه نمود. برخی از نویسندگان چنین اظهار می‌کنند که مراد امام در انتساب این مسجد، به امام حسن عسکری علیه السلام آن است که امام احمد بن اسحق عسکری جد شاهزاده حمزه موسوی، به بنای آن پرداخته است. این نظریه تخیلی ماءخود از احتمالی است که محدث قمی درباره شخص مدفون در بقعه احمد بن اسحق واقع در برابر مدخل مسجد امام داده است و چنین بیان نموده است که احتمال دارد احمد بن اسحق موسوی در این بقعه مدفون باشد و به این مناسبت به عنوان بقعه احمد بن اسحق خوانده شده باشد، سپس به دایره این تخیل توسعه داده، مسجد را هم از آثار او شمرده، چنین ادعا کرده‌اند که مقصود از امام عسکری که مسجد را به او منتسب می‌سازند، همین احمد بن اسحق عسکری است. همچنین آقای علی اکبر فیض در تاریخ قم چنین بیان نموده است که مسجد امام نزدیک دروازه خاکفرج واقع است و اصل آن از بناهای احمد بن اسحق قمی است که وکیل حضرت امام حسن عسکری علیه السلام بوده است. ایشان به امام حسن عسکری علیه السلام نامه‌ای نوشتند و گفتند که از وجوه بریه (۱۴۰)، مقداری به عنوان تنخواهی جمع شده است، آن حضرت نوشتند، از آن وجوه، مسجدی بنا کن. سپس این مسجد را بنا نمود و آن مسجد مشتمل بر یک صفا (۱۴۱) مانند طنابی بزرگ بود. در زمان سلطنت شاه سلیمان صفوی، مهد اولیاء والده آن پادشاه، ایوان بزرگی که اکنون برپاست متصل به همان مسجد بنا نمود و صحن وسیعی را هم بر آن افزود و در اطراف آن هم مرافقی بنا کرد که البته مرافق به مرور زمان رو به انهدام و تخریب رفت. در زمان سلطنت خاقان فتحعلی شاه، حاج حسین کدخدا جد طایفه حاج حسینی، آن جا را مرمت، و مبلغ ۱۲۹۵ تومان (با توجه به آن زمان) برای تعمیر آن هزینه نمود تا در سال ۱۲۸۶ حاج ابراهیم تاجر قمی، در طرف غربی این مسجد سرداب بزرگی که طولش به اندازه عرض مسجد است، از نو بازسازی نمود و در سال ۱۲۹۵ حاج علی نقی تاجر، کاشی مرافق اطراف مسجد را خراب نمود و بنای محکمی بازسازی نمود و صفا احمد بن اسحق را هم خراب کرده، از نو بنا نهاد. همچنین پشت بام و دیوارهای اطراف مسجد را نیز تعمیر نمود و دستشویی‌ها و درهای مسجد را هم بازسازی نمود. ناگفته نماند که صفا احمد بن اسحق، چشمه پوش (۱۴۲) شرقی ایوان

بزرگ به وسعت ۱۲*۱۶ متر است که قسمتی از طول آن جزء راهرو شرقی مسجد شده است و اکنون مشتمل بر سیزده چشمه بر فراز هفت ستون آجری مصلح دارای ازاره (۱۴۳) مرمرهای سیمانی و محراب آراسته و مزین به کاشی‌های گرهی (۱۴۴) است که به شبستان کبیر مشهور شده است؛ زیرا محل امامت حضرت آیه الله حاج آقا محمد کبیر بوده و از طرف ایشان هم تعمیر و تزئین شده است، همچنان که شبستان بزرگ شرقی منتسب به حضرت آیه الله فیض می باشد. (۱۴۵) سرداب مذکور که قبلاً عرض آن هفت متر بیشتر نبود و جلو شبستان غربی قرار داشت، اکنون با توجه به این که زیر شبستان را هم بر آن اضافه نموده اند، عرضش چند برابر شده است. شبستان‌های طرفین کرباس (۱۴۶) شمالی مسجد به عرض ده متر بوده که البته در مسیر خیابان افتاده است. ۲ - اکنون درباره مسجد امام و تاریخچه آن مطالبی را به نقل از کتاب‌های معتبر دیگر بیان می نمایم. (۱۴۷) مسجد جامع عتیق قم منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام از کهن ترین مساجد این شهر است. بعید نیست مسجد امام نخستین مسجد بنا شده در این منطقه باشد که پیش تر آتشکده بود. و احوص بن سعد اشعری آن را ویران ساخته، بر جای آن مسجد مزبور را در، ذیل ساخت و اطراف آن را مرافقی ساخت. (۱۴۸) همچنین می تواند مسجد جامع ابوالصدیم حسین بن علی آدم اشعری باشد که آن را در سال ۲۶۵ میان قم و کمیدان بنا نمود و در زمان یحیی بن اسحاق در سال ۲۹۱ (۱۴۹) برای آن مناره ای نیز ساختند (۱۵۰) این مسجد در یک سوی رودخانه کنار پل بکجه قرار داشته (۱۵۱) منطقه کمیدان در آن سوی رود برابر آن واقع بوده است (۱۵۲) راه آن همان راه ساوه و آوه بوده است (۱۵۳) و می دانیم که مسجد امام تا دوره صفوی بیرون دروازه ساوه قم قرار داشته است. این مسجد به خاطر انتساب به امام یازدهم، از دیر زمان مورد توجه بسیار بوده است. در وجه این نسبت مردم قم معتقدند که آن را احمد بن اسحاق اشعری وکیل امام حسن عسکری علیه السلام در قم (۱۵۴) به دستور آن حضرت از محل وجوه شرعی و درآمد موقوفات امامان اهل بیت علیهم السلام در این شهر بنا نهاد؛ (۱۵۵) لیکن بنای احمد بن اسحاق را یک صفة می دانند. (۱۵۶) صفی الدین حسین قمی در بیان خود پس از نقل فرمان امام در مورد بنای مزبور - آن چنان که مردم قم از دیر زمان معتقد بوده اند - به دستور امام حسن عسکری علیه السلام از خراج قم، صفة ای در مسجد جامع، بیرون قم، نزدیک روضه مقدسه فاطمیه کنار رودخانه که مشهور و معروف است، به مسجد حضرت امام حسن عسکری علیه السلام به فرموده آن حضرت از وجوه خراج قم ساختند که هم اکنون آن مسجد کثیر الفیض، باقی و مکان اقامه نماز شیعیان است (۱۵۷) و او در ذیل سخن از جامعی که ابوالصدیم در بیرون شهر بنا کرد، می نویسد و مخفی نماند، که مسجد جامع بیرون، همان مسجد است که الحال (هم اکنون) به مسجد امام حسن عسکری علیه السلام معروف است و در آن مسجد صفة ای از سرکار آن حضرت ساخته شده و بدان جهت آن را مسجد امام حسن عسکری علیه السلام می خوانند. (۱۵۸) از سوی دیگر نگارنده انوار المشعشین این شهرت را بی اساس می داند (۱۵۹) و در برخی نوشته های دیگر نیز وجه انتساب مزبور را به گونه ها و صورت های دیگر آورده اند. (۱۶۰) تولیت و امامت و خطابت این مسجد که مقامی بزرگ بود از دیر زمان با بزرگان شهر قم بود و از قرن نهم به بعد متولیان قدیمی آستانه مقدسه و پیشوایی تقویسی آن را عهده داری می نموده اند. امیر ابوالفضل عراقی از امرای دوره طغرل اول سلجوقی (۴۶۵-۴۲۹) بود و مسجد جامع عتیق قم و مناره ها را او فرمان داده است. (۱۶۱) لازم به ذکر است که در دوره فتحعلی شاه به دستور او از این مسجد که در آن زمان به علت سیل رودخانه آسیب دیده بود، مرمتی به عمل آمد و در دوره ناصری و پس از آن تاکنون چندین بار قسمت های مختلف مسجد تجدید بنا و تعمیر گردیده است. ۳ - مسجد امام حسن عسکری علیه السلام یا به زبان مردم، مسجد امام، امروزه مسجد جامع قم است. ظاهر بنای این مسجد مانند مسجد جمعه زیاد قدیمی نیست؛ اما مردم قم آن را مسجدی می دانند که در زمان امام حسن عسکری علیه السلام و به دستور حضرت و بنا بر مشهور به وسیله احمد بن اسحاق اشعری وکیل وی در قم بنا شده است و تداول چیزی در میان مردم که از نسلی به نسل دیگر رسیده است جزء معتبرترین اسناد محسوب می شود. مطلب قابل توجه در مورد مسجد مزبور این است که در زمان امام حسن عسکری علیه السلام در اواسط قرن سوم هجری، محل مسجد امام در فاصله

زیادی در حدود دو کیلومتری از شهر قم قرار داشته است و در چنین محلی بنای مسجدی بزرگ چه مناسبت دارد؟ در این مورد به چند نکته باید توجه کرد: نخست این که در آن وقت، مساجد بزرگ را بیرون شهر می ساختند، تا در موقع لزوم و هنگامی که اختطاری می بایست از طرف والیان و فرمانروایان به عامه مردم شهر شود اجتماع آنان آسان باشد. دوم این که به نقل از کتاب قم، آل سعد در کنار رودخانه قم سراها و کوشک‌هایی ساخته بودند و برای تفریح و تفرج در آن‌ها می نشستند و مشرف به رودخانه و باغ‌های اطراف آن جا می شدند، تا این که در سال ۲۹۲ بر اثر سیل آن سراها و کوشک‌ها خراب شده، بنابراین معلوم می شود که در اطراف این مسجد که در کنار رودخانه واقع بود و اکنون نیز جنب رودخانه است سراها و بناهای باشکوهی بود که افرادی در آن‌ها سکونت داشته‌اند. سوم این که مسجد امام، نزدیک حرم فاطمه معصومه علیها السلام و در کنار قبرستان اطراف آن (که قبلاً در مقابل حرم بود و نیز قبرستان شیخان) بنا شد و مردم معمولاً در اطراف آن در رفت و آمد هستند. (۱۶۲) چهارم این که مسجد امام حسن عسکری علیه السلام از ابنیه قدیمی است که احمد بن اسحق اشعری به امر حضرت امام حسن عسکری علیه السلام آن را ساخته سپس تعمیرات و اضافاتی در آن صورت گرفته است. چنان که در محراب ایوان آن، این عبارت نوشته شده است: عمل کلب علی بن استاد سلطان القمی ۱۱۲۹، ولی ابنیه فعلی به جز زیرزمین طرف غربی که بنای مرحوم حاج محمد ابراهیم تاجر قمی است از مرحوم حاج علی نقی تاجر کاشانی است در زمان سلطنت ناصرالدین شاه ابنیه قبلی را خراب و مسجد به صورت کنونی درآوردند که البته در هنگام احداث خیابان قسمت شمالی آن با یک کرباس و سردر که طرف بقعه احمد بن اسحق (شاهزاده ناصر) بود خراب شد و جزء خیابان آذر شد. (۱۶۳) هدف ما از نوشتن نظرات نویسندگان این است که از نظرات آنان آگاه شویم و هم از آن نتیجه‌گیری کنیم: لازم است قبل از نتیجه‌گیری به توصیف مختصری از امامزاده‌ای که روبروی مسجد امام قرار دارد و ما چندین بار نام ایشان را بردیم، پردازیم.

در توصیف از بقعه شاهزاده ناصر

بقعه شاهزاده ناصر در خیابان آذر برابر مدخل مسجد امام است که سابقاً به نام بقعه احمد بن اسحق نامیده می شد و به استناد همین تسمیه است؟ محدث قمی در منتهی الامال چنین نظر داده است که احتمال دارد احمد بن اسحاق موسوی در این بقعه مدفون باشد؛ زیرا احمد بن اسحق اشعری در سر پل ذهاب مدفون است. اما رمز انتساب این بقعه به احمد بن اسحق اشعری در بین مردم آن بود که بر مبنای این که نام برده، این مسجد را به امر حضرت امام حسن عسکری علیه السلام بنا نموده است، چنین شهرت یافته بود و احمد بن اسحق پس از احداث مسجد مزبور، این بقعه را هم جهت مدفن خویش بنا نهاد؛ اما هنگام مراجعت از سامراء در سر پل ذهاب وفات یافت؛ بنابراین او را همان جا دفن نمودند و چون این بقعه بدون استفاده بوده و در حال مخروب شدن بود، لذا در عصر و زمان سلطان برکیارق، امیر ایبک، مدرسه‌ای بنا نمود و این بقعه را جزء حجرات آن مدرسه درآورد و هنگامی که ناصرالدین علی بن مهدی بطحایی در سال ۸۲۸ در قم رحلت یافت جسد او را در این بقعه به خاک سپردند. نام و نسب کامل شاهزاده ناصر چنین است: سید جلیل ناصرالدین بن مهدی بن محمد بن حسین بن زید بن محمد بن احمد بن جعفر بن محمد بن عبدالرحمن بن محمد البطحایی بن قاسم بن حسن بن زید بن امام حسن مجتبی که در اواخر قرن هشتم و اوایل قرن نهم زندگی می کرده است. بقعه مورد نظر که قسمتی از آن در مسیر خیابان افتاده است اکنون بنایی چهار ضلعی است از آثار قرن دوازدهم یا اواخر صفویه که هم زمان با ایوان مسجد امام بنا شده است. (۱۶۴) و اکنون نیز تعمیراتی در آن انجام گرفته است.

بررسی نتیجه‌گیری از نظرات نویسندگان در مورد مسجد امام حسن عسکری (ع)

در این قسمت، ما نتیجه‌گیری و بررسی مطالب بیان شده را به عهده شما عزیزان واگذار می نماییم؛ اما جهت یادآوری و نتیجه

گیری، چند نکته را بیان می‌نماییم: ۱- در این که نام این مسجد، مسجد امام حسن عسکری علیه السلام است هیچ شک و شبهه‌ای وجود ندارد؛ زیرا برخی از مساجد و یا اماکن قدیمی، دارای چندین نام مختلف می‌باشند که با یقین کامل نمی‌توان یکی از آن‌ها را انتخاب نمود. ۲- همان گونه که در اکثر نوشته‌ها و مطالب بیان گردید و مردم نیز چنین معتقد هستند این مسجد به دستور امام حسن عسکری علیه السلام توسط احمد بن اسحاق اشعری که وکیل ایشان در قم بوده‌اند، احداث گردیده است. ۳- همان طور که مشخص است ساختمان این مسجد زیاد قدیمی نیست؛ به عبارت دیگر چنین تصور نشود که چون این مسجد در زمان حضرت امام حسن عسکری علیه السلام ساخته شده، ساختمان این مسجد هم برای همان زمان است، چنین تصویری کاملاً اشتباه می‌باشد؛ زیرا ساختمان این مسجد قبلاً چنین نبوده و کوچکتر از بنای فعلی بوده است که به مرور زمان بناهای دیگری را بر آن افزوده‌اند (که قبلاً به آن بناها اشاره شده و در مطالب آینده هم بیان خواهد شد) و همچنین به علل مختلف ساختمان‌های آن جا را تعمیر و یا به کلی ویران نموده و تجدید بنا نموده‌اند؛ اما مکان اصلی مسجد امام همین منطقه بوده است. ۴- حال که معتقد هستیم این مسجد به امر مقدس حضرت امام حسن عسکری علیه السلام ساخته شده، نتیجه می‌گیریم که در اواسط قرن سوم هجری احداث گردیده است. ۵- عظمت و در عین حال برکات وافر این مسجد بر کسی پوشیده نیست؛ بنابراین می‌توانیم بگوییم فرمان امام حسن عسکری علیه السلام درباره احداث این مساجد، اخلاص بانیان خیر و ائمه جماعات و مردم خوب و متدین، شکوه و عظمت آن را صد چندان نموده است؛ لذا یکی از بهترین مساجد قم و بلکه مساجد ایران می‌باشد. ۶- علاوه بر نتیجه گیری فوق لازم است نظرات نویسندگان دیگر به خصوص استاد گران قدر آقای علی اصغر فقیهی را مد نظر داده تا بررسی و نتیجه گیری شما در مورد این مسجد مقدس کامل تر گردد.

توصیف فیزیکی مسجد امام حسن عسکری علیه السلام

همان طور که قبلاً بیان شد این مسجد تاکنون چندین بار مورد تعمیر و مرمت قرار گرفته است؛ بنابراین ساختمان آن چنان که مردم فکر می‌کنند قدیمی نیست؛ بلکه نسبت به این زمان قدیمی به نظر می‌رسد؛ و گرنه همانند ساختمان مسجد جامع اصل آن قدیمی است که هر بار تعمیر و بازسازی شده است؛ اما به هر حال ساختمان این مسجد جذاب و دیدنی و مملو از هنرهای معماری و تزیینی است و ما در این قسمت سعی می‌نماییم با توجه به مطالب کتاب گنجینه آثار قم (۱۶۵) شما عزیزان را بیشتر با این مسجد با برکت آشنا نماییم؛ البته ما آن مسجدی را توصیف نموده ایم که در کتاب مذکور بیان گردیده است و اکنون تغییرات جزئی در این مسجد صورت گرفته است که چندان در ساختمان آن تغییری حاصل نشده است؛ لذا توصیف مختصری از لحاظ فیزیکی و ساختمان و معماری آن خدمتتان تقدیم می‌گردد. این مسجد دارای چهار شبستان و یک ایوان و یک سرداب زیباست که جداگانه به توصیف آن‌ها می‌پردازیم. الف- ایوان مهد علیا صفوی: این ایوان از آثار مهد علیا همسر یا مادر سلیمان صفوی است که در سال ۱۱۲۹ بنا گردیده است، این ایوان به دهانه ۱۱ و طول ۱۲ و ارتفاع ۱۴ متر با جدار (۱۶۶) و جرزهای (۱۶۷) آجری و محرابی زیبا آراسته به گچ‌پزی و کتیبه‌ای کمربندی (۱۶۸) و پوشش رسمی بندی در سه قسمت با غرفه یا صفه‌های فوقانی است که با چند درگاه از طرفین به دو شبستان شرقی و غربی مرتبط می‌باشد. جرزهای طرفین ایوان به قطر ۴ متر و روی هم جرز سه صفه محرابی ساخته شده است که صفه اولی و دومی دارای پوشش مقرنس (۱۶۹) گچی هستند و از صفه دوم دری به غرفه‌های ایوان باز می‌شد که البته جلوی آن را مسدود نموده‌اند. غرفه‌های چهارگانه طرفین ایوان با صفه‌های زیبای جلو آن‌ها در قطر پایه ساخته شده‌اند که پوشش آن‌ها مانند پوشش سه صفه جنوبی، مقرنس گچی است و بغله (۱۷۰) و اسپرشان (۱۷۱) با نقشه ملات سازی طلائی آراسته و در سینه اسپر صفه‌های مقابل قسمتی کاشی کاری ورودی آن به خط بنایی از کاشی‌های دوالی (۱۷۲) و در صفه وسطی چهار نام محمد به طور معکوس و در صفه طرفین، چهار نام علی نیز به صورت معکوس، خوانده می‌شود و غرفه‌های

دو طرف ایوان به صفت های مقابل ، راه داده شده است و این غرفه ها در ایام اعتکاف (۱۳ و ۱۴ و ۱۵ رجب) جایگاه معتکفین و انجام عمل ام داوود می باشد. در کمر بند ایوان ، زیر صفت ها کتیبه ای گچ بری به خط برجسته ثلث است که روی آن تمام سوره مبارکه جمعه و دنباله آن تاریخ بنا، به عبارت (فی سنه تسع و عشر بن و مائه بعد الالف ۱۱۲۹) و سپس هفت آیه از سوره مبارکه (تبارک الذی بیده الملک) منتهی به جمله (تکاد تمیز بن الغیظ) (۱۷۳) خوانده می شود. یکی دیگر از آثار ارزنده هنری این ایوان ، محراب زیباییست به شکل مضلع هفت ترکی که مزین به گچ بری های اصیل و مستندی است که تاریخ ساخت خود را هم حفظ کرده است . دهانه محراب ۲ متر و ارتفاعش ۳ متر به ازاره ای به ارتفاع ۱ متر و ۲۰ سانتیمتر، مزین به کاشی های منقش هفت رنگ قدیمی و بالای آن گچ بری با نقشه ملات سازی به صورت آجری است که در کمرگاه آن مقرنس ریزی ، است کمربندی به عرض ۳۰ سانتیمتر و روی آن در سینه هر یک از اضلاع هفتگانه ترنجی اعم از فلکه ای و بیضی متضمن کتیبه ای به خط برجسته ثلثی ریحانی گچ بری توأم با کنده کاری شده است که در میان هر ترنجی عباراتی به شرح زیر خوانده می شود: در ترنج نخست عمل کلب علی بن سلطان القمی و در ترنج آخری در کنار آن فی سنه تسع و عشرین و مائه بعد الالف ۱۱۲۹ و در ترنج های دومی و ششمی قرینه یکدیگر روی یکی یا قاضی الحاجات یا رفیع الدرجات یا مستعان یا سبحان و روی دیگری هفت نام از اسامی جلاله بدین ترتیب یا غفران یا مستعان یا برهان یا سبحان یا رضوان یا حنان یا منان به شکل دوری به طوری که از تداخل الف ها نقوش بدیعی تجلی می کند. روی ترنج های سومی و پنجمی در هر یک جنات عدن مفتحه لهم الاثواب (۱۷۴) و در ترنج وسطی به صورت معکوس چهار نام حضرت علی علیه السلام گچ بری شده است . ب - شبستان ها: دو طرف ایوان دو گوشوار یا شبستان است که از هر یک دو درگاه به ایوان و سه درگاه به صحن گشوده می شود و جلو آن ها درهای سراسری یا شبکه آجری نصب گردیده است و گوشوار غربی به مساحت ۱۱*۱۲ متر مشتمل بر نه چشمه پوش بر فراز چهار ستون آجری با محرابی آراسته به کاشی های گرهی دوال کشی است که این دو شبستان با ایوان بزرگ در ضلع جنوبی مسجد واقع هستند. اما شبستان بزرگ با چهل ستون شرقی که شش چشمه آن در مسیر خیابان افتاده است اکنون دارای بیست و هشت چشمه است که بر فراز شانزده ستون آجری مضلع بیست و چهار نیم ستون حمل شده اند و دارای ۱۲ متر عرض و ۳۲ متر طول می باشد که در ردیف نه درگاه به جانب صحن مسجد دارد که جلو آن ها درهای چهار لنگه شیشه پوش نصب شده است و دارای محرابی آراسته به کاشی کاری گرهی که معروف به شبستان آیه الله فیض است ، می باشد؛ زیرا که مصلاهی ایشان بوده و در سال ۱۳۶۰ هجری از طرف ایشان تعمیر و تزیین گردید. بانی این شبستان مرحوم حاج علی نقی کاشانی است . ج - مقابر الشیوخ : سردر ورودی مسجد از جلو خان ، دارای ایوانی است به دهانه ۵ و عرض ۳ و ارتفاع ۶ متر با ازاره سنگی و جرزهای آجری و پوشش رسمی بندی آراسته به کاشی های دوالی و کاشی کاری های معقلی و در کمرگاه آن کتیبه ایست از کاشی های خشتی ، زمینه لاجوردی که روی آن به خط سفید ثلثی آیه شریفه انما یعمر مساجد الله من امن بالله ... (۱۷۵) نوشته شده است . در انتهای در ورودی مسجد، کرباس مجلی است به صورت هشت ضلعی مختلف الاضلاع که در طرف جنوبی و شمالی آن شاه نشینی ساخته شده است و از شاه نشین جنوبی چند در به مقبره بانی مرحوم حاج علی نقی باز می شود و از این مقبره مانند مقابر الشیوخ به محوطه قبرستان باز می شده است که چون در اراضی قبرستان مستقلاتی بنا شد، هر چند مرحوم آیه الله فیض یک قطعه زمین به نام برف انداز مسجد، به عرض ۳ متر پشت دیوار مسجد تهیه نمود، با این حال درهایی متعلق به برف انداز هم مسدود گردید و در گوشه دیگر، کرباسی در مجاورت مقبره بانی بقعه دیگری است که در سابق چهار طاقی مستقل و باستانی در کنار مقبره بابلان بود، مدفن دوازده تن از سادات شریف و محدثین قم می باشد و چون سطح آن را بالا آورده اند الواح قبور (۱۷۶) زیر آوار دفن گردیده است . د - سرداب و شبستان غربی مسجد: طرف غربی صحن مسجد به جای سرداب محدود سابق ، زیرزمینی وسیع از طرف مرحوم آیه الله حاج میرزا ابوالفضل زاهدی که یکی از ائمه جماعات مسجد بوده است در سال ۱۲۸۵ هجری ساخته شد. این سرداب به طول ۳۲ و عرض ۲۴ متر با ارتفاع های

مختلف که قسمت مقدمش ۴ متر و قسمت مؤخرش ۵ متر است دارای آبدارخانه و انبار و جایگه اعتکاف می باشد. این سرداب متشکل از قسمت اول همان زیرزمین سابق بود که تجدید و تزئین گشت و قسمت دوم که زیر شبستان بود بعدا به آن اضافه شد. ازاره این زیرزمین از بهترین سنگ های مرمر شفاف و صیقلی بوده است و بالای آن جرزها و جدار از آجر تراش و پوشش آن تیر آهنی با نقشه خفته رستی (۱۷۷) و آراسته به کاشی های معقلی است که بر فراز سی و دو ستون لوله آهنی قرار گرفته است. در این زیرزمین دو محراب زیبا، هر کدام در یک قسمت آن ساخته شده است که جرزها و جبهه و بدنه آن ها با کاشی کاری معرق خوش نقش و لعابی تزئین یافته است. این کاشی کاری سه طرف محراب را فرا گرفته و لبه محراب به طره (۱۷۸) پیچ فیروزه فام ظریفی آراسته است و در سینه آن ترنجی از کاشی و درون آن کلمه الله جل جلاله با خط ثلث طلایی رنگی از کاشی های خشتی به طول ۹ متر که سراسر ضلع جنوبی قسمت مؤخر سرداب را زینت بخشیده است و روی آن به خط ثلث سفید سوره مبارکه والشمس نوشته شده است. در ضلع جنوبی سرداب نیز آبدارخانه و مخزن جامعی است که راهرو و مسجد که طرف بلوار قرار دارد، از بالای آن می گذرد. در ضلع شرقی سرداب (زیرزمین) محوطه ای به عرض ۳ و ارتفاع ۵/۲ متر است که زیر صحن مسجد قرار دارد و به وسیله در و پنجره ای از محوطه سرداب متمایز می شود؛ همچنین جایگاهی برای اعتکاف است و احيانا راهروی از جلو راه پله تا آبدارخانه است که جهت رفت و آمد خدمت گزاران مجلس هنگام تشکیل صفوف جماعت و یا لحظات اجتماع مردم در سرداب، استفاده می شود. (البته همان گونه که قبلا بیان شد. تغییراتی در ساختمان این مسجد روی داده است؛ اما برای آن که مطالعه کنندگان محترم با ساختمان های قدیمی تر این مسجد آشنایی بیشتری پیدا نمایند، مطلب نوشته شده مربوط به آن زمان می باشد).

ه - شبستان نو بنیان غربی: روی قسمت مقدم سرداب مهتابی است و بر بالای قسمت مؤخر آن شبستانی است که کف آن از سطح مهتابی حدود یک متر ارتفاع دارد. این بنای مجلل به عرض ۱۲، طول ۳۲ و ارتفاع ۸ متر با همکاری نیکوکاران زیر نظر حضرت آیه الله زاهدی ساخته شده که دارای هشت درگاه نیم تنه به طرف بلوار، سه درگاه به خیابان آذر و هشت درگاه تمام به سوی مهتابی است که جلو آن ها درهای آهنی شیشه پوش نصب شده است. از این شبستان یک در مورب در جهت زاویه شمالی غربی، محل تلاقی بلوار با خیابان وجود دارد و در طرفین این درگاه و دریچه، نیم تنه و در جبهه آن کتیبه ای از کاشی معرق است که روی آن ، آیه شریفه لمسجد اسس علی التقوی مین اول یوم حق ان تقوم فیه رجال یحبون ان یتطهروا والله یحب المطهرین (۱۷۹) خوانده می شود و در دو طرف آن در پیشانی دریچه ها درون ترنجی کشیده اللهم صل علی محمد و آل محمد نوشته شده است. اما تزیینات داخل که جالب و دیدنی است عبارت است از ازاره نفیسی از مرمر خوش نقش شفاف صیقلی به ارتفاع یک متر و جرزهای فاصل میان درگاه ها که آراسته به سنگ های مرمر ماشینی است و لچک های (۱۸۰) طرفین قوسی های پوشش درگاه ها مزین به کاشی های معرق و متضمن (۱۸۱) ترنجی مشتمل بر اساس جلاله است. در سقف آن ۲۴ قاب بزرگ به دهانه هر چشمه تعبیه شده است که قاب بندی آن آجری و متن آن مزین (۱۸۲) به کاشی کاری های معرق زمینه فیروزه ای یا لاجوردی متضمن (۱۸۳) گل و بوته های رنگارنگ همانند سبدهی مملو از گل می باشد. در این شبستان محرابی است پنج ترکی با ازاره مرمر و جدار کاشی کاری معرق و پوشش رسمی بندی نیز آراسته به کاشی های معرق الوان که در سه طرف آن کتیبه ای به عرض چهل سانتیمتر با دو حاشیه فیروزه فام ده سانتیمتری از کاشی های معرق که روی آن به خط ثلث سفید، سوره مبارکه قد افلح المؤمنون (۱۸۴) و در پایان سوره عبارت صدق الله العظیم ۱۳۸۸ معرق گردیده است، به چشم می خورد. (۱۸۵)

در گوشه ای از شهر مقدس قم، در لابه لای کوچه های تنگ و باریک جنوب قم، که قبلا مرکز این شهر بوده است، از دور گنبد آجری عظیمی توجه انسان را به خود جلب می کند، در همان لحظات نخست آنچه از مقابل دیدگان انسان خواهد گذشت و آنچه در ذهن تصور خواهد شد. این است که این گنبد عظیم که از دور خودنمایی می کند. نمایان گر مسجدی با عظمت و قدیمی است. باز در همان نگاه و فکر اول تصور انسان این است که این مسجد حتما باید دارای نماز جماعت باشکوه و مفصلی باشد. برای این که پاسخ جامع و کاملی برای این گونه سؤال هایمان بیایم. باید کوچه های پیچ در پیچ و تنگ و باریک آن منطقه و محله را پشت سر بگذاریم تا از نزدیک آنچه را تصور می کرده ایم، مشاهده نماییم. هنگامی که از یکی از درهای ورودی آن داخل می شویم اولین چیزی که توجه انسان را به خود جلب می نماید مسجد با عظمت و باشکوهی است که حتی در تصور و فکر هم گنجانده نمی شود، مسجدی وسیع و مملو از هنرنمایی های معماران ایرانی و اسلامی که حکایت از قدمت آن دارد در لحظات اولیه برای چند دقیقه هم که شده، انسان مات و مبهوت، توقف نموده و به اطراف خود، نگاهی جستجوگرانه می اندازد، اما فکر جستجوگر انسان اقتضا می کند که برای تفحص بیشتر و بهتر، بازدیدی از قسمت های مختلف مسجد داشته باشد و اگر دوربینی همراه داشته باشد به رسم یادبود و برای تفرج خاطر، چند عکس از قسمت های مختلف مسجد بگیرد. با این حال آنچه در ذهن و نگاه یک انسان محقق جلوه گر خواهد شد، حکایت از غربت این مسجد دارد؛ زیرا این جا جزء اولین مساجدی بوده که در قم بنا شده و ائمه جماعات بسیاری همچون حضرت آیه الله العظمی بروجردی در آن اقامه نماز جماعت داشته اند. اما اکنون این مسجد در لابه لای کوچه های تنگ و باریک و مستضعف نشین محله مسجد جامع، مخفی گشته و از توجه و عنایت بسیاری از مسئولین ذی ربط مخفی و دور مانده است. در این مکان، با وجود عظمت بنا و معماری بسیار جالب، آن طور که باید و شاید نماز جماعت باشکوه و با عظمتی را نخواهیم دید، در صورتی که این مکان مقدس می تواند پذیرای هزاران نمازگزار باشد. لکن، گذشته از این ها مسجد جامع، مسجدی است که سراسر نورانیت و صفاست، زیرا گذشته از نوع معماری خاصی که در آن به کار رفته و موجبات شادابی روح و روان انسان را میسر می گرداند، مسجدی است که علما و فضیلات بزرگی در آن اقامه جماعت نموده اند که در مباحث آینده به آن اشاره خواهد شد. اما از آن جا که ابهامات و سؤال های زیادی این مسجد وجود داشته بر آن شدیم تا تاریخچه کوتاه و مختصری از بنای و نیز علمایی که در این مسجد اقامه جماعت داشته اند و نیز پاره ای مسائل دیگر در مورد این مسجد را تقدیم شما عزیزان هم شده باشیم.

ابیاتی راجع به عظمت بنا و فضیلت مسجد جامع قم

به دل بخشد ضیا نور و صفای مسجد جامع بود حیرت فزا، مجد و علای مسجد جامع مقرنس کاریش، تحسین برانگیز است بر عارف شگفت آور بود، صحن و سرای مسجد جامع بود بیت خدا مسجد زند موج از دعا مسجد رضا از قائمین باشد، خدای مسجد جامع معطر مکتب و منبر بود چون سد اسکندر بنای استوار عرش سای، مسجد جامع بقایش در کنار قم، رجال حق بر او انجم خدا دارد نظر، بر اتقیای مسجد جامع ز تبلیغ و سخنرانی، هم از آیات قرآنی طنین افکن بود، بانگ رسای مسجد جامع خدا خواهی بیا این جا، دوا خواهی بیا این جا مسیحا دم بود، حال و هوای مسجد جامع مرتب از جوانان رشید و لایق و صالح مقدس پایگاه (۱۸۶) بی ریای مسجد جامع بر این یاران پیغمبر بهشت و طوبی و کوثر عطا سازد خدای ذوالعطای مسجد جامع به بر اهل دعا دارد مرید با خدا دارد نداند جز خدای قدر و بهای مسجد جامع به دل ها نور می بخشد به سرها شور می بخشد صلوه خاضع و ایزد نمای مسجد جامع به محرابش تذلل کن، به ذات حق توسل کن شفاعت جو ز اخلاق جزای مسجد جامع ز یزدان مساءلت دارم نیاز معرفت دارم که باشم وافی عهد و وفای مسجد جامع به سعی و کوشش فرهنگیان مکتب مهدی (عج) (۱۸۷) منور گشته آثار و بنای مسجد جامع تمام سال اعیاد مقدس می شود برپا به یمن همت اهل ولای مسجد جامع درود حق، به روح آیت عظمی بروجردی قدس سره

که می خوانندی جماعت در فضای مسجد جامع ز معماری بها دارد، سرای جان فزا دارد چو (مهدی) (۱۸۸) پیشوا دارد، کسای مسجد جامع کلاس مکتبش گلشن، قلوب عاشقان روشن صفا دارد حضور پیشوای مسجد جامع ز نسل احمد و زهرا، صلوه حق شود برپا به محراب دعا صبح و مسای مسجد جامع کند برپا نماز حق، شود غرق نیاز حق فدا بنموده عمرش را به پای مسجد جامع چنان گنجی به ویرانه شده احیا و افسانه که هر بیگانه باشد آشنای مسجد جامع الا تا جان به تن دارم ولای پنج تن دارم زحی ذوالمتن دارم به بقای مسجد جامع دوام عزت و عمر عزیز حاج سید مهدی تقاضا دارم از فیض دعای مسجد جامع حیاتم را مصفا کن، بیانم را تو شیوا کن که باشد الکن از مدح و ثنای مسجد جامع (۱۸۹)

توصیف فیزیکی مسجد جامع قم

اشاره

مسجد جامع عتیق و تاریخی قم مجموعه ای از بناهای چند عصر و دوره بوده و دارای مقصوره و گنبدی باستانی و ایوانی قدیمی با دو گوشواره و سه شبستان و زیرزمین و ایوان و صحن و سردر ورودی است که اکنون به طور جداگانه به توصیف هر یک می پردازیم.

الف - ایوان مجلل و باشکوه

یکی از زیباترین و باشکوه ترین بناهای این مجموعه، ایوان بسیار مجلل آن است که هر انسان هنر دوستی از دیدن آن متعجب و متحیر خواهد شد. این ایوان به دهانه ۱۴، عرض ۷ و ارتفاع ۱۸ متر در تناسب اندام و حسن منظر و زیبایی پیکر، ممتاز و بی نظیر است. در این ایوان، آنچه موجب تعجب معماران هنرمند می شود، مقرنس گچی پوشش آن و نیز نقشه کاشی کاری دیوار آن می باشد که در میانه قاب هایی (۱۹۰) از آجر کلوکی (۱۹۱) و تراش تواءم با نمابندی کتاب (کتیبه ها) متعدد موضعی و کمربندی جلب توجه می کند. در توصیف این ایوان باید گفت که مظهر جمال و زیبایی و اعتدال و یکنواختی است؛ زیرا تمام اجزای آن در جای خود قرار گرفته و متناسب است و برای عدل هم به جز جمال مفهومی نیست؛ اما مقرنس پوشش آن با نقشه بسیار جالبی طراحی شده که دربرگیرنده دو کوه مطبق و معلق (۱۹۲) در دو طرف آن است و اگر بخواهیم آن را توصیف نماییم، باید گفت که همانند دو گنبد پنج طبقه ای است که هر طبقه دارای پنج قطار با پنج حوضچه بزرگ و کوچک می باشد. در میان دو گنبد آویزان هم سه حوض بزرگ وارونه با سطح قوسی آراسته و مزین به ترنج هایی از کاشی معرق (۱۹۳) است که در میان قابی از کاشی های سفالی با جدار مثنی (۸ تایی) صفا دار نمودار می باشد. بین حوض ها نیز جداری شبیه با دو گنبد کوچک و معلق با حوضچه های متنوع و منظم در سه ردیف با قطارهای مشابه است که مشخص نیست این مصالح ساختمانی سنگین را با چه طناب یا وسیله ای به سقف آویخته اند که پس از قرن ها هنوز هم بدون هیچ خدشه و شکستی پابرجا و سالم مانده است، آن چنان که گویی، جدیداً ساخته و پرداخته شده است. این مقرنس بی نظیر و ممتاز، که از نقاشی ملات سازی، تواءم با رنگ آمیزی طلاایی برخوردار گردیده از دور به صورت مقرنسی از آجر نمایان است. تزئینات کاشی آن، از زمان فتحعلی شاه و در سال ۱۲۴۸ قمری بوده که به مرور شکسته و ریخته بود و ابتدا از طرف مرحوم حضرت آیه الله فیض در سال ۱۳۶۵ قمری تمام مسجد تعمیر و به ازاره سنگی آراسته و مزین گشت. (زیرا در ماه مبارک رمضان مدت بیست سال بزرگترین جماعات دینی نماز ظهر و عصر در این جامع به امامت یکی از این دو بزرگوار تشکیل می شد که تمام قسمت های محوطه ای پایین و بالای پشت بام را صفوف جماعت فرا می گرفت) این کاشی کاری بر فراز ازاره ای از سنگ تراش سفید به ارتفاع ۲۰/۱ متر است و تمام بدنه ایوان را از بغله ها و اسپر تا به

کتیبه کمربندی زینت بخشیده است. کاشی های آن خشتی منقش هفت رنگ (۱۹۴) و از آثار زمان فتحعلی شاه در سال ۱۲۲۸ قمری است که با نقشه بند اسلیمی (۱۹۵) و اژدربندی (۱۹۶) می باشد و در میانه کاشی کاری آن، چند خط عمودی و افقی از آجر کلوکی و تراش دیده می شود که مانند قابی کاشی ها را در میان گرفته اند و وسط هر قابی، نمایی ساخته شده و درون هر نما ترنجی دیده می شود که روی آن آیه شریفه و ما خلقت الجن والانس الایعبدون (۱۹۷) نوشته شده است که این آیه در کتیبه های معابد و مشاهد از آثار مخصوص فتحعلی شاه است و در سینه اسپر بالای پوشش دو قوسی سه درگاه ورودی به مقصوره سه قاب آجری مربع مستطیل گرفته شده که درون آن ها با کاشی های خوش نقش و زیبا و شفافی مزین شده است و در قاب وسطی در ترنجی کشیده به خط ریز ثلث آیه الکرسی و در پایان فالله خیر حافظا و هو ارحم الراحمین (۱۹۸) نوشته شده است. در ترنج کشیده دیگری لاله الا الله، محمد رسول الله، علی ولی الله - تعمیر ۱۳۶۵ هجری خوانده می شود و در سومی انا مدینه العلم و علی بابها جلب توجه می کند و در کمرگاه ایوان کتیبه ای است کمربندی از کاشی خشتی، زمینه لاجوردی به خط ثلث سفید که روی آن سوره مبارکه جمعه و در پایان سبحان ربک رب العزه عما یصفون و سلام علی المرسلین والحمد لله رب العالمین (۱۹۹) فی تاریخ شهر ربیع الثانی سنه ست و اربعین و ماتین بعد الف من هجره النبویه خوانده می شود و لبه ایوان از دو قوس بالا و نیز طرفین به صورت گیلویی و روی آن طره برجی پیچی از کاشی فیروزه فام (۲۰۰) هر یک به اندازه ۴۰ در ۴۰ به کار برده شده است که همانند آثار قرن هشتم است و منظره ایوان را بسیار زیبا کرده است. نظیر آن در جلو ایوان صفا در مشهد اردهال (۲۰۱) دیده می شود این طره مانند ستون برجی است و ته ستون آن از دو طرف به گلدانی بدیع نمودار است که البته ته ستون دو طرف شرقی و غربی آن شکسته و به جای آن ته ستون دیگری از نو ساخته شده و آن را به کار برده اند که رنگ نامناسب آن (نسبت به رنگ آن طره) نشان از نو بودن آن می دهد. در دو طرف ایوان جرزهای است به عرض ۲ متر و ۵۰ سانتی متر و ارتفاع ۱۸ متر و متصل به آن ها صفا محرابی است که بر فراز هر یک ایوانی با پوشش مقرنس بدیع می باشد و در کنار آن نیز جرز دیگری قرار دارد که جمعا چهار جرز می شود و سراپا به کاشی های خوش نقش و زیبا آراسته شده اند. لچکی ها و پیشانی ایوان نیز آراسته به کاشی گره سازی است. در پیشانی ایوان و دو ایوانچه دو طرف آن کتیبه ای به طول ۲۸ و عرض ۱ متر از کاشی های خشتی قرار دارد. روی این کاشی خشتی که با خط خاصی که برگرفته از خطوط ثلث و نسخ و ریحانی است به طور مداخل آیه ای از سوره مبارکه نور الله نور السموات و الارض مثل نوره کمشکوه فیها مصباح المصباح فی زجاجه الزجاجه کانه کوب دری یوقد من شجره مبارکه زیتونه لاشرقیه ولاغریبه یکاد زینها یضی ء و لولم تمسسه نار نور علی نور (۲۰۲) که البته این خط با خط رقاع (۲۰۳) (که بر خط شکسته و ویژه رقعه نویس اطلاق می شود) تفاوت دارد.

ب - مقصوره

در طرف جنوبی ایران مذکور، مقصوره مجلل و باشکوهی است به ارتفاع ۳۰ و دهانه ۲۳/۱۳ متر که در ضلع جنوبی آن محراب بزرگی قرار دارد. در ضلع شمالی آن سه درگاه بزرگ و کوچک به ایوان و از طرف شرقی و غربی آن هم دو درگاه به دو گوشواری که در دو طرف قرار دارد، گشوده شده است. محراب شاه نشین آن به عرض ۱ متر و دهانه ۴ متر با پوشش پخ (۲۰۴) و بغله ها و اسیر که به کاشی های خشتی منقش هفت رنگ زمان فتحعلی شاهی مزین گشته و دارای پوشش رسمی بندی و معقلی (۲۰۵) است بقیه دیوار از جرز و اسپر، دارای ازاره ۳۰/۱ متر سنگی و بالای آن آراسته به گچ بری با نقشه ملات سازی طلائی است و سه درگاه ورودی آن یکی در وسط به دهانه ۵ متر و دو درگاه دیگر هر کدام با دهانه ۲ متر در طرفین قرار دارد. در کمر آن کتیبه ای کمربندی از گچ بری به خط ثلث ممتاز شیخ محمد حسن قمی که روی آن تبارک نوشته شده وجود دارد و در پایان عباراتی که نشان از تعمیر مقصوره و احداث شبستان ها از طرف فتحعلی شاه در سال ۱۲۴۶ گچ بری شده است به چشم می خورد

که البته اکثر آن ساییده و محکوک شده و غیر قابل خواندن است و فقط در ضلع غربی آن، نام فتحعلی شاه قابل رؤیت است. در چهار طرف مقصوره، نیم طاقی بالا-آمده که صورت مربع را به شکل هشت ضلعی مبدل ساخته است و تمام بدنه آن ها که به صورت قوسی مقعرند، آراسته به کنده کاری توأم با نقاشی های رنگین است که پوشش آن ها با پوشش درگاه ها در یک سطح قرار گرفته اند. در این قسمت هشت نما با بدنه گچ بری شده تجلی دارد و بالای آن صورت ساختمان به شکل شانزده ضلعی درآمده، شانزده نما ساخته شده که یکی در میان، نورگیر و میان تهی دیده می شود و بقیه توپیر بوده و به وسیله کنده کاری توأم با رنگ آمیزی مزین شده است. بر فراز آن ها، صورت مقصوره از مصلع به مدور تبدیل شده و پطاق (۲۰۶) گنبد به صورت عرقچینی (۲۰۷) بالا رفته است و بدنه پوشش که همانند قدحی (کاسه ای) گلدار که آن را واژگون قرار داده باشند، آراسته به مقرنس آجری است که بدنه آن ها حوضچه ها و دیوار با نقشه ظریفی گچ بری و رنگ آمیزی شده که نقشه هر یک با نقشه دیگر متفاوت است. در اضلاع شرقی و غربی مقصوره، در وسط یک نما و در دو طرف آن دو درگاه با دیوار آجری زیبا و پوشش دو قوسی است که به طرف گوشوارها باز هستند.

ج - گوشوارها

در دو طرف مقصوره، دو گوشوار چشمه پوش با ستون های مصلع آجری وجود دارد که هر چشمه به دهانه ۵ متر که با دو درگاه بزرگ به مقصوره مرتبط بوده و باعث می شوند که صفوف جماعت به یکدیگر متصل شوند. گوشوار شرقی مشتمل بر نه چشمه در سه ردیف به وسعت ۲۱*۲۱ متر است که در آن دو محراب آجری وجود دارد؛ ولی گوشوار غربی مشتمل بر شش چشمه در دو ردیف به وسعتی که از شمال به جنوب ۲۱ متر و از شرق به غرب ۲۳/۱۲ متر می باشد که وسعت دو شبستان با مقصوره از شرق به غرب جمعا ۴۹ متر می گردد.

د - شبستان ها

مقابل ایوان صحنی وسیع است که از سه طرف محصور به شبستان های زیبایی چشمه پوشی است که از آثار دوران فتحعلی شاه می باشد. قدمت شبستان شرقی بیشتر است، این شبستان دارای نه ردیف سه چشمه ای یعنی بر فراز هیجده ستون مسدس و نه ستون مربع، یعنی جرزهای جلو صحن می باشد که با درهای آهنی شیشه پوش محصور گردیده است. شبستان غربی نیز دارای نه درگاه در سه ردیف است؛ ولی انتهای آن سردابی سراسری است که از طرف محمد حسین خان نظام الدوله شاهسونند شهاب الملک (که بانی گلدسته های طلایی صحن عتیق در سال ۱۳۰۵ بوده، احداث شده است. در نتیجه کف شبستان را یک متر بالا آورده اند که این کار از زیبایی و جذابیت آن کاسته شده است، اما شبستان شمالی به علت وجود ایوان شمالی از جلو به دو قسمت تقسیم شده است که از هر طرف دارای دو چشمه است؛ ولی از قسمت آخر که متصل به هم می باشند؛ پنج چشمه به عرض ۱۱ و طول هر قسمت ۴۹ متر بنا شده است.

ه - ایوان شمالی

در بین شبستان های شمالی، ایوانی وجود دارد به دهانه ۷ عرض ۷ و ارتفاع ۱۴ متر که از آثار زمان فتحعلی شاه یعنی سال ۱۲۴۸ ه. ق. می باشد که دیوار آن مزین به کاشی خشتی که روی آن به خط ثلث سفید سوره مبارکه منافقون و در پایان عبارت کتبه به خط محمدرضا الشریف القمی فی ۱۲۴۸ نوشته شده است. در دو طرف آن دو چشمه و در قسمت بالا- و دو طرف ایوان، دو ایوان

فوقانی با پوشش مقرنس گچی با جرزهای آجری و لچکی های کاشی کاری معقلی وجود دارد.

و - سر در ورودی

در قسمت ورودی صحن مسجد از طرف غربی ایوان ، سردری به دهانه ۶، عرض ۲، ارتفاع ۸ متر که با جدار سفیدکاری و پوشش مقرنس گچی وجود دارد که از آثار زمان فتحعلی شاه می باشد. در قسمت کمر آن کتیبه ای کمربندی از کاشی خشتی زمینه لاجوردی قرار دارد و روی آن به خط ثلث ، آیات یا ایها الذین امنوا اذا نودی للصلوه ... و الله خیر الرازقین (۲۰۸) و در پایان کتیبه جمله اقل الحاج شیخ عباس مصباح زاده ۱۳۸۱ قمری خوانده می شود. در دو طرف ایوان ، جزی آجری وجود داشته و در کنار آن از دو طرف صغه ای محرابی با پوشش مقرنس قرار دارد که مشتمل بر دو طبقه فوقانی (پایینی و بالایی) می باشد. (۲۰۹)

ز - محراب ها

معمولاً در هر مسجدی محراب یا محراب هایی وجود دارد که هر کدام با معماری خاصی ساخته شده اند. وجود محراب در هر مسجد، نمایانگر حداقل دو مسأله اساسی است: الف - مشخص نمودن قبله: انسان در هر مسجدی که وارد می شود اگر بخواهد به اقامه نماز مشغول شود مهم ترین رکن که برایش حائز اهمیت است، قبله شناسی است و بهترین وسیله، محراب مساجد می باشد. ب - محراب به عنوان جایگاه مخصوص امام جماعت: معمولاً ائمه جماعات مساجد برای برقراری نظم، در جایگاه مخصوصی که محراب نام دارد، قرار می گیرند و مأمورین نیز در صفوفی منظم در پشت سر امام جماعت به اقامه نماز می پردازند. نکته مهمی را که باید در نظر بگیریم، این است که کلمه محراب از حرب به معنی جنگ گرفته شده است و محراب نیز به معنای مکان جنگ با شیطان است؛ بنابراین محراب با رنگ و روغن های گران قیمت و آینه کاری و... آن را از مکان جنگ با شیطان دور می کند و در اسلام نیز سفارش شده است که از عواملی که در هنگام نماز باعث حواس پرتی انسان می شود دوری گزینید، لذا ساختن چنین محراب های آراسته و گران قیمت جای بحث دارد. در مسجد جامع قم نیز همانند دیگر مساجد محراب وجود دارد؛ اما نه یک محراب، بلکه محراب های متعددی که هر کدام برای منظور خاصی ساخته شده است، و نه از نوع محراب هایی که در این زمان ها ساخته می شود؛ بلکه در عین سادگی و بی آلاچی دارای معماری جالبی است که ما در این جا به شرح یکی از این محراب ها می پردازیم: در یکی از شبستان های شرقی مسجد محرابی وجود دارد که بسیار جالب و دیدنی است که تنها به عنوان محراب نشده است؛ بلکه این محراب، اولاً در مکانی پایین تر از جایگاه نماز گزاران قرار داده تا هم نشانه خشوع امام جماعت باشد و مهم تر از آن کسانی که در حیاط مسجد قرار دارند، هم سطح با امام جماعت قرار گیرند؛ زیرا امام جماعت نمی تواند بالاتر از مأمورین قرار گیرد. ثانیاً: در داخل این محراب و روبروی امام جماعت مشبک هایی وجود دارد که در فصول گرم سال همانند دستگاه تهویه هوا و کولر، هوای سرد و مطبوع را به داخل محراب هدایت می نماید تا هم امام جماعت و هم مأمومین از هوای دلپذیر آن استفاده نمایند (متأسفانه هم اکنون این مشبک ها به دلایلی مسدود گردیده است که ان شاء الله دوباره به حالت اول برگردد). ثالثاً: در دو طرف این محراب پله هایی وجود دارد و به جایگاهی که مانند منبر است، منتهی می شود و ائمه جماعات پس از اقامه نماز و یا قبل از آن بالای آن مکان مستقر می شدند و به ایراد وعظ و خطابه می پرداختند.

ح - صحن مسجد

صحن مسجد زمینی مستطیل شکل است که چهار طرف آن محصور به بناهای مسجد (گنبد، شبستان ها، گوشوارها، زیرزمین،

سردر ورودی و ایوان شمالی و جنوبی) گردیده است. در وسط صحن، حوضی وجود دارد که بر زیبایی آن افزوده است و در وسط حوض آب انباری وجود داشته که البته اکنون مسدود گردیده است. در فصل تابستان و در مواقع گرم سال، مخصوصاً شب‌ها نماز جماعت در صحن مسجد اقامه می‌شود؛ زیرا دارای هوای مطبوع و لطیفی است.

ط - زیرزمین مسجد

گذشته از بناهایی که تاکنون یادآور شدیم، زیرزمین این مسجد به نوبه خود دارای اهمیت و ارزش خاصی است و جلوه‌ای دیگر از هنرنمایی‌های معماران ایرانی و اسلامی است. هوای مطبوع و بسیار دلپذیر آن از دهها دستگاه تهویه هوا مؤثرتر و بهتر است، این زیرزمین در طرف غربی مسجد قرار گرفته که روی آن شبستان بزرگی وجود دارد. این زیرزمین، به غیر از ستون‌های دیوار شبستان دارای هیجده ستون می‌باشد که اخیراً توسط سازمان میراث فرهنگی قسمتی از آن تعمیر و مرمت گردیده است.

ی - نمونه‌های دیگر

در مورد شکوه و عظمت مسجد جامع هر آنچه نوشته و گفته شود، کم است و مطالبی وجود دارد که بیان و قلم از گفتن و نوشتن آن عاجز است. به عنوان مثال اخلاصی که در مورد بنای این مسجد وجود داشته، غیرقابل توصیف است؛ زیرا آن زمان به دلیل عدم وجود مساجد متعدد دغدغه‌های خاطری که گاهی اوقات امروزه دیده می‌شود مانند: ریا و خودنمایی وجود نداشته، و بدین دلیل مساجد را طوری می‌ساخته‌اند که سالیان سال محکم و پابرجا باقی بماند. وظیفه ما این است که یاد و خاطره آنان را گرامی داشته و با احیای مساجد روح آنان را از خود راضی نگه داریم. در این قسمت به برخی نمونه‌های دیگری که هنوز اشاره نکرده ایم، می‌پردازیم و از مطالعه کنندگان محترم تقاضا داریم پس از مطالعه این قسمت‌ها بازدیدی از این اماکن و به خصوص مسجد جامع داشته باشند تا از نزدیک بتوانند بهتر و بیشتر به مقوله هنر و اخلاص پی ببرند. شاخص تعیین وقت نماز: یکی از قسمت‌های بسیار ساده، اما جالب این مسجد شاخصی است که به وسیله آن می‌توان هنگام نماز ظهر را مشخص نمود، ساختمان این شاخص تشکیل شده از سنگی که روی آن خطی به صورت مورب حکاکی شده است، به طوری که اگر آفتاب به وسط این شاخص نزدیک شود نشان دهنده ظهر شرعی است. این شاخص در قسمت شمال مسجد بر روی تخته سنگی حکاکی شده است. گنبد باشکوه و کم نظیر مسجد: گنبد رفیع این مسجد یکی از باشکوه‌ترین، شگفت‌آورترین و نیز رفیع‌ترین گنبد‌های مساجد ایران است و حتماً برای هر بیننده‌ای این سؤال‌ها مطرح خواهد شد که این گنبد با عظمت را چه کسانی، چگونه و با چه وسایلی ساخته و این طور دقیق و حساب شده اندازه‌گیری نموده و منظم کرده‌اند که هنوز پس از سالیان سال یکی از عجایب معماری اسلامی است. ساختمان بدون آهن: در این مسجد باشکوه که حدود ۶۰۰۰ متر مربع مساحت دارد حتی یک شاخه آهن هم به کار نرفته و این در حالی است که پس از گذشت سالیان سال همچنان پابرجا و استوار باقی مانده است. زنجیر در ورودی مسجد: یکی از سؤال‌ها و ابهاماتی که برای بسیاری از افراد (حتی افراد محل) همیشه مطرح بوده این است که زنجیری که در مقابل در اصلی مسجد وجود دارد به چه علت تعبیه شده که البته هر کس بر اساس حدس و گمان به این سؤال پاسخ داده است، اما پاسخ اصلی این سؤال با توجه به تحقیقی که اینجانب نموده‌ام و با توجه به مطلبی که دانشمند محترم جناب آقای علی اصغر فقیهی در کتاب تاریخ مذهبی قم نقل از ناسخ التواریخ جلد مربوط به قاجاریه بیان داشته‌اند چنین است: در ایام قدیم که قانون و مقرراتی برای رسیدگی به اتهامات و اختلافات وجود نداشت و اغلب اراده افراد، حاکم بر سرنوشت مردم بود هر کس مورد تهمت یا اعمال غرض قرار می‌گرفت، به درون م  یا امامزاده یا مکان محترمی پناه می‌برد تا خشم‌ها فرو نشیند و از شدت و حدت طرف کاسته شود و بی

گناهی او معلوم گردد. مقررات اجتماعی این رسم را پذیرفته بود. حتی اگر متهم یا فرد مورد تعقیب به مسجد یا مقبره امامزاده ای دسترسی نداشت، مکان‌های دیگری بود که می‌توانست در آن‌ها بست نشینی اختیار کند. به تدریج از بست نشینی سوءاستفاده شد و مجرمین و جنایتکاران هم برای رهایی از مجازات بست می‌نشستند تا مورد عفو قرار گیرند. از این جهت مردان اصلاح طلب همواره با بست نشینی مخالف بودند و آن را لغو می‌کردند. نخستین کسی که در ایران بست نشینی را از میان برد میرزا تقی خان امیر کبیر بود. زنجیر در ورودی مسجد جامع بدین معنی بود که هر کس آن حلقه‌های زنجیر را در دست می‌گرفت در امنیت به سر می‌برد و شاید معنای باطنی این مطلب چنین باشد. که هر کس حلقه‌های زنجیر را در دست گیرد از شر شیطان به خداوند پناه برده و در امنیت خواهد بود. کتاب (کتیبه‌ها) مسجد: مسجد جامع همانند بسیاری از مساجد و مدارس دارای کتیبه‌های زیادی است. یکی از این کتیبه‌ها، کتیبه بالای ایوان جنوبی است که نویسنده آن محمد حسین الشیرازی بوده و آن را در سال ۵۲۹ هجری نوشته است. متن این کتیبه، قسمتی از سوره مبارکه نور می‌باشد که با خطی زیبا و جالب با کاشی معرق، منقوش گردیده است؛ البته این کتیبه به دستور مرحوم حضرت آیه الله العظمی بروجردی بنا گردید؛ زیرا به مرور زمان از این اثر نفیس جز بقایایی باقی نمانده بود. نکته جالب توجه این که: این کتیبه با خطی درشت نوشته شده، به طوری که می‌توان از فاصله دور آن را به راحتی خواند، به صورتی که حرف الف آن تقریباً یک متر ارتفاع دارد. (۲۱۰) مشبک‌های بناهای مسجد: قسمت‌های زیادی از بناها و ساختمان‌های مسجد را مشبک‌های آن تشکیل می‌دهند. این مشبک‌ها حداقل دارای دو فایده اساسی هستند، اولاً: به وسیله آن‌ها نور کافی و مطلوب به درون ساختمان‌ها رسانده می‌شود، ثانیاً: جهت تهویه هوا و خنک شدن قسمت‌های مختلف بنا، طراحی و معماری بسیار جالبی، شده‌اند به طوری که در فصول گرم سال بدون به کاربردن دستگاه‌های خنک‌کننده، می‌توان به اقامه نماز جماعت پرداخت و از هوای مطبوع آن استفاده کرد.

تاریخچه بنای مسجد جامع قم

در قرن سوم هجری یکی از علما و محدثین قم به نام ابوالصدیم حسین بن علی بن آدم اشعری که در زمره صحابه حضرت امام علی النقی علیه السلام و حضرت امام حسن عسکری علیه السلام به شمار می‌رفت، مسجدی را در قم بنا می‌کند. طبق نوشته کتاب تاریخ قم که در قرن چهارم هجری نوشته شده است، ابوالصدیم، مسجد جامعی در قم بنا کرده که اکنون معلوم نیست محل آن مسجد در کدام یک از این سه مکان زیر بوده است: اول: مسجدی که در یکی از محله‌های قدیمی قم، به نام مسجد جامع در نزدیکی‌های دروازه ری واقع شده است. دوم: مسجدی که اکنون به نام مسجد امام حسن عسکری علیه السلام معروف و مشهور است. سوم: مسجدی که در حدود خاکفرج و اراضی کمیدان واقع بوده است و اکنون اثری از آن نیست که به موجب قرائن تاریخی و به احتمال قوی همین مسجد بوده است؛ اما مسجدی که هم اکنون پابرجاست و به نام مسجد جامع قم معروف است، همان است که در محله مسجد جامع در خیابان آذر و در نزدیکی‌های دروازه ری واقع شده است. در این جا از مسجد جامعی، صحبت خواهد شد که وجود عینی داشته و بین مردم به همین عنوان مشهور شده است، زیرا این مسجد؛ اگر هم مسجد جامع اصلی قم نباشد، مسأله‌ای نیست، اما مسجدی بسیار قدیمی است که در کتاب‌های تاریخ قم، به عنوان مسجد جامع ثبت شده است. به هر حال، برای معرفی بیشتر این مسجد، به پاره‌ای نظرات نویسندگان کتاب‌های تاریخی اشاره می‌نماییم و نظرات آنان را به صورت موضوعی خدمت شما عزیزان ارائه می‌نماییم.

نظر عده‌ای از نویسندگان در مورد مسجد جامع قم

در این که بنیان‌گذار مسجد جامع کیست و تاریخ بنای آن چه زمانی بوده است، اختلافاتی وجود دارد که در این قسمت سعی در

این است ابتدا به بیان این نظرات و اختلافات پرداخته و پس از به دست آوردن نظرات مشترک آنان، نتیجه‌ای نسبی حاصل گردد.

الف - تاریخ بنا و بانی آن ۱ - مرحوم صنیع الدوله اعتماد السلطنه در کتاب مرآت البلدان (۲۱۱) بنای مسجد جامع قم را به ابوالصدیم حسین بن علی بن آدم اشعری در نیمه دوم قرن سوم، نسبت می‌دهد. ۲ - این بنا به اواسط قرن هفتم هجری، نسبت داده شده است. (۲۱۲) ۳ - در بخشی از کتاب تاریخ قم که ویژه مساجد قم است چنین نوشته شده است: (۲۱۳) مسجد جامع در آخر شهر واقع شده است و از بناهای قدیم این شهر است که بانی او بر این بنده معلوم نشده است. محمد حسن خان صنیع الدوله اعتماد السلطنه در یکی از کتاب‌های خود نوشته است مسجد جامع عالیه قم از بناهای ابوالصدیم اشعری است. (۲۱۴) ۴ - در سال ۲۶۵ ابوالصدیم حسین بن علی بن آدم اشعری نخستین مسجد جامع قم را بیرون شهر بنا کرد. (۲۱۵) ۵ - بنای مقصوره رفیع مسجد جامع مربوط به نیمه قرن هشتم هجری (۲۱۶) است. ۶ - در کتاب عباس نامه (۲۱۷) به نقل از کتاب گلستان هنر چاپ بنیاد فرهنگ ایران ذیل سرگذشت حافظ قبر شرفی می‌نویسد: خط ثلث را خوش می‌نوشته و کتابه در گاه مسجد جامع دارالمؤمنین قم و محراب مسجد به خط اوست. از این سخن برمی‌آید که در نیمه نخستین قرن دهم از این مسجد مرمتی به عمل آمده است، شاه عباس دوم در سفری به قم در همین مسجد پشت سر ملامحسن فیض دانشمند نامی آن دوره نماز گزارد. ۷ - در کتاب تاریخ دارالایمان قم (۲۱۸) و از آن جا در مرآت البلدان اصل بنای مقصوره را از ابوالصدیم حسین بن علی بن آدم اشعری در سال ۲۶۵ دانسته و چنین نوشته شده است. آنچه از سیاحان شنیده می‌شود، در هیچ شهری مقصوره‌ای به این ارتفاع و وسعت نیست، در کمال استحکام دیوار آن را با ساروج کشیده‌اند که از سنگ سه سخت تراست، بانی آن ابوالصدیم حسین بن علی بن آدم اشعری است. ۸ - همین مؤلف در کتابچه تفصیل احوالات دارالایمان قم می‌نویسد: اصل بنای آن را ابوالصدیم که از رؤسای اشعری و جمکران این بلد بود، بنیان کرد مقصوره و ایوان رفیعی دارد مثل گنبد هرمان (۲۱۹) از سنگ سخت تراست حتی مسجد جامع ساوه و سمان که مشهور است به این اعتبار نیست. ۹ - تاریخ ۵۲۹ در پایان کتیبه‌ای دیگر تا پیش از تعمیرات فتحعلی شاه به وضوح بوده است. (۲۲۰) ۱۰ - در کتاب النقص (۲۲۱) از جامعی که کمال ثابت قمی، وزیر بزرگ قمی سلطان مسعود سلجوقی و کشته شده به سال ۵۳۳ در درون شهر قم، بنا نهاد، یاد می‌شود و آن بدون تردید همین مسجد است. ۱۱ - اما در کتاب گنجینه آثار قم (۲۲۲) چنین آمده است: بانی این مسجد و نیز مدرسه روبروی آن به مدرسه جانی خان، سلطان جانی خان پادشاه تاتار ترکستان است و تاریخ بنای آن هم به سال ۷۵۵ بوده است. ب - موقعیت جغرافیایی مسجد جامع همچنین درباره موقعیت جغرافیایی این مسجد هم اختلافاتی مشاهده می‌گردد. ۱ - در کتاب قم را بشناسید ص ۴۹ (قلم گروهی از نویسندگان، همچون فقیهی، شهابلو، وفایی، کریمان و رهنما) چنین آمده است که مسجد جامع در یکی از محلات شمال شهر به همین نام واقع شده است. ۲ - در کتاب زندگانی حضرت معصومه علیها السلام و تاریخ قم (۲۲۳) تألیف حجه الاسلام والمسلمین آقای سید مهدی صفحی چنین می‌خوانیم: مسجد جامع از بناهای دیدنی و تاریخی و نفیسی است که در طرف شرقی قم نزدیک دروازه ری که پیش تر مرکز شهر واقع شده است. البته درباره این موضوع و موضوعات دیگر در آینده بحث و بررسی خواهد شد. ج - مسجد جامع اصلی قم همچنین در مورد این که آیا این مسجد، در واقع مسجد جامع اصلی قم می‌باشد یا خیر، مطالبی بیان می‌شود. ۱ - در کتاب قم را بشناسید چنین نقل شده است: (۲۲۴) ظاهر بنای این مسجد، قسمتی مربوط به زمان فتحعلی شاه و قسمتی دیگر مربوط به زمان ناصرالدین شاه می‌باشد و چند کتیبه‌ای که در ایوان‌ها و مقصوره مشاهده می‌شود متعلق به زمان فتحعلی شاه است؛ ولی از وضع استیل بنا و نوشته پاره‌ای از نویسندگان معلوم می‌شود که اصل بنای این مسجد از هزار سال هم متجاوز است. نویسندگان کتاب مرآت البلدان در حرف جیم از کتاب مزبور گوید که: جامع قم از بناهای ابوالصدیم حسین بن علی بن آدم اشعری می‌باشد، سپس به توصیف مقصوره آن پرداخته، می‌گوید نظیر آن در هیچ جا نیست. از مراجعه به کتاب‌های رجال و به دست آوردن شرح حال ابوالصدیم که از محدثان بنام می‌باشد، معلوم می‌شود که او در قرن سوم هجری می‌زیسته و نمی‌توان گفت که مقصود از جامع

قم، مسجد جامع دیگری غیر از جامع فعلی است؛ زیرا با توصیفی که از مقصوره آن کرده، مسلم است که در قم مسجد دیگری نیست که دارای چنین مقصوره‌ای باشد. نتیجه این که از تاریخ بنای مسجد جامع بیش از یازده قرن می‌گذرد. ۲- در کتاب تاریخ مذهبی قم (۲۲۵) از آن به عنوان مسجد جامع یاد شده و چنین آمده است: به طور مسلم، محله مسجد جامع، امروز در حدود دروازه ری در آن وقت (قرن سوم) بیرون شهر بوده و مسجد ابوالصدیم در همین محل بنا شده است و به مناسبت این که شهر رفته رفته از شمال شرقی به جنوب غربی کشیده می‌شد تا به مرقد مطهر حضرت فاطمه معصومه علیها السلام نزدیک شود، مسجد جامع ابوالصدیم در داخل شهر قرار گرفت و نام محله مسجد جامع بر آن نهادند که تا به امروز هم به همین نام است. هم اکنون در محل مسجد جامع یا مسجد جمعه، مسجد با عظمتی است که از قدیم به آن مسجد جامع یا مسجد جمعه می‌گفته‌اند و مردم همواره اعتقاد داشته‌اند که مسجد جامع قدیمی قم همین مسجد است. اما آنچه امروز در مسجد مزبور دیده می‌شود از زمان فتحعلی شاه به بعد است. ۳- اما در کتاب گنجینه آثار قم، (۲۲۶) مسجد جامع قم به عنوان مسجد جامع اصلی قم، یاد نشده است و با دلایلی آن را رد کرده و چنین نوشته است: مسجد ابوالصدیم جدای از مسجد جامع است؛ زیرا اولاً: سبک بنای مسجد جامع با آثار قرن سوم سازگار نیست، ثانیاً: مسجد هم جدای از مناره منفردی که یحیی بن اسحق اشعری در جوار آن به سال ۲۹۲ هجری بنا نهاد (در نزدیکی های میدان کهنه) یعنی از همین مناره موجود میدان قابل تصور نیست. در صورتی که جامع مورد نظر از این مناره دور است. ثالثاً هدف ابوالصدیم از احداث مسجد جامعی در خارج حصار قم، آن بود که مردم کمیدان هم بتوانند بدون رنج راهپیمایی، در سرما و گرما در مراسم عبادی نماز جمعه شرکت کنند و جز با احداث مسجد در وسط این دو حصار نمی‌توان به این هدف رسید؛ زیرا هرگاه مکان آن در نزدیکی حصار کمیدان باشد، قهراً مردم حصار قم دچار رنج راهپیمایی شده‌اند. د- چگونگی بنای اولین مسجد جامع قم ۱- در کتاب تاریخ مذهبی قم، (۲۲۷) در مورد بنای جوامع و مسجد مطالب زیر را می‌خوانیم: پس از این که اشعریان در اواخر قرن اول هجری به قم آمدند، آتشکده قم را خراب کردند و به جای آن مسجد بنا نهادند و این نخستین مسجدی بود که در شهر قم بنا شد. (۲۲۸) سال‌ها قبل یک عرب به نام خطاب بن اسدی در قم، در روستای جمکران مسجدی ساخته بود خود تنها در آن نماز می‌گذاشت. (۲۲۹) محل مسجدی که اشعریان بنا کردند در نزدیکی های خاکفرج و وادی السلام امروزی بوده است؛ زیرا طبق نوشته تاریخ قم، مسجد مزبور در کنار راهی قرار داشته است که به ساوه منتهی می‌شود و نیز به موجب مزبور در کنار راهی قرار داشته است که به ساوه منتهی می‌شود و نیز به موجب گفته یعقوبی چند پل روی رودخانه بود که دو قسمت شهر را به یکدیگر متصل می‌کرده است که این پل‌ها در حدود خاکفرج و وادی السلام واقع بود و برای رفتن به ساوه از روی این پل‌ها عبور می‌کردند. ۲- در مورد اولین مسجدی که در قم بنا نهادند؛ مطالبی آمده که خلاصه آن چنین است. (۲۳۰) هنگامی که عبدالله بن سعد اشعری که مرد زاهد و عابدی بود وارد قم شد بیشتر راغب و مایل بود که به قزوین رود؛ زیرا نمی‌خواست نمازش را در سراهای مجوس (زرتشتیان) بخواند. به این علت هر روز می‌گفت که من از این جا خواهم رفت. پس برادرش احوص به او می‌گفت که این مکان هم ثغری (۲۳۱) است که دیلم به آن متوجه می‌شوند و زحمت می‌دهند (یعنی این جا سرزمین و مرز دشمن است که دیلم به آن توجه دارند و ممکن است به آن حمله کنند). اگر هدف تو آن است که به ثغر قزوین روی، تا کفار و مخالفان را دفع نمایی و اجر و ثواب حاصل کنی، در این جا نیز دیلم می‌آیند. پس در این مکان بمان تا من برای تو مسجدی بنا کنم تا تو در آن نماز بگذاری. سپس احوص برای برادرش عبدالله مسجد عتیق (۲۳۲) را در دزپل (دریل) بنا کرد که آن مکان آتشکده‌ای بود و او آن را خراب نمود و به جای آن مسجد بنا کرد و عبدالله در تمام مدت حیات خود در آن مسجد نماز می‌گزارد که آن سرا مشهور و معروف به مردی بود که او را ثبختین لقب نهاده بودند. بعد از آن چون حمزه بن یسع اشعری در سال ۱۸۹ را که تا آن زمان از لحاظ خراج تابع اصفهان بود و خود استقلال نداشت به صورت شهرستان درآورد. در مسجد مزبور منیر قرار دادند؛ زیرا منبر به مسجد جامع اختصاص داشت و شهری می‌توانست مسجد جامع

داشته باشد که از لحاظ خراج تابع شهر دیگری نباشد. همچنین در کتاب تاریخ مذهبی قم (۲۳۳) در این موارد چنین بیان شده است که: در سال ۱۹۵ در مسجد دزپل یا در پل، منبر قرار داده شد و از این رو قم از لحاظ شهری استقلال یافت. پس از مدفون شدن حضرت فاطمه معصومه علیها السلام در قم این شهر وضع دیگری پیدا کرد و رو به آبادانی نهاد و لازم آمد که مسجد جامعی متناسب با وسعت شهر در آن بنا شود. از این رو در سال ۲۶۵ ابوالصدیم حسین بن علی بن آدم اشعری بن عبدالله اشعری، نخستین مسجد جامع قم را در بیرون شهر بنا کرد و منبر را از مسجد عتیق (دز پل) به آن جا منتقل نمود و همان طور که قبلا بیان شد، مسجد عتیق یا مسجد دزپل در حدود خاکفرج فعلی یا مقابل آن در سمت راست رودخانه (حوالی چهار امام زاده) بوده است، بنابراین مسجد جامع ابوالصدیم در نقطه دیگری خارج از شهر قرار داشته است. همچنین در کتاب تاریخ قم تالیف حسن بن محمد بن حسن قمی از مسجد دیگری به نام سعد آبادی نام برده که در بازار قم واقع بوده و در آن، نماز جمعه می گزاردند. بازار قم در آن روزگار، معلوم نیست در کدام نقطه بوده، بر این اساس باید در بیرون دروازه ری و در محلی که قبلا کوره پزی ها بوده، وجود داشته باشد؛ زیرا به تدریج که شهر به طرف غربی آمد بازار هم به همین سمت امتداد یافت، ابتدا در محل فعلی درخت پیر بازار به وجود آمد، سپس در قرون بعد، کم کم به طرف حرم حضرت معصومه علیها السلام کشیده می شد و با به وجود آمدن بازارهای جدید، بازار قدیم از میان می رفت. مجددا در تاریخ مذهبی قم، (۲۳۴) مطلب دیگری درباره مسجد جامع (دیگری) بیان شده است و آن مطلب چنین است: شیخ عبدالجلیل رازی از مسجد جامع عتیق دیگری در قم نام می برد که بانی آن ابوالفضل عراقی در عهد طغرل سلجوقی است. این مسجد مناره هایی هم داشته است، بعید به نظر می رسد که مسجد جامع امروزی، مسجد ابوالفضل عراقی باشد؛ زیرا هیچ گونه از مناره در آن دیده نمی شود؛ بلکه همان طور که احتمال داده شد مسجد جامع فعلی به جای مسجد جامع ابوالصدیم است. درباره محل و مسجد ابوالفضل عراقی، احتمال قوی این است که در حدود میدان کهنه امروزی قرار داشته و دو مناره و سردری که در اواخر خیابان آذر و در مشرق میدان کهنه دیده می شود، مربوط به همان مسجد است. اگر این احتمال صحیح باشد، باید گفت که مسجد مزبور، بسیار وسیع بوده است؛ زیرا در فاصله ای حدود یک صد متر از این سردر و مناره ها در سمت غربی آن، مناره ای است که از جهت کهنگی و طرز بنا مانند آن دو مناره است؛ اما بالای این مناره ریزش کرده و در سال های اخیر از نو آن را به سبک بالای مناره های قرون بعدی، به صورت گلدسته ساخته اند. مناره مزبور بر این اساس در کنار سردر غربی مسجد قرار داشته است. شیخ عبدالجلیل (۲۳۵) درباره مسجد ابوالفضل عراقی گوید که: آن مسجد در خارج شهر بوده است.

بررسی و نتیجه گیری از نظرات نویسندگان درباره مسجد جامع

همان طور که در ابتدای این مبحث بیان شد، از نظر مجموع نظرات نویسندگان که درباره مسجد جامع قم مطالبی را بیان داشته اند (در مورد تاریخ بنا و بانی آن، موقعیت جغرافیایی، مسجد جامع اصلی قم، چگونگی بنای اولین مسجد قم) نتیجه گیری نسبی خواهد شد تا نظرات آنان بیشتر به اذهان نزدیک گردد و اگر اختلاف نظر مشاهده می گردد؛ با برخی از ادله و شواهد رفع گردد. اینک به صورت فهرست وار این نظرات را بررسی می نمایم: ۱- در سال ۲۶۵ هجری مسجد جامعی در قم بنا گردید که بانی آن ابوالصدیم حسین بن علی بن آدم اشعری بوده است؛ اما تاکنون، برای کسی به طور یقین مشخص نگردیده این مسجد جامع در کجا واقع بوده است؛ زیرا ما در ابتدای این مبحث به این نکته اشاره نمودیم که مسجد جامع ممکن است در یکی از سه محل زیر باشد: الف - مسجدی که هم اکنون به نام مسجد جامع خوانده می شود و آن در محله مسجد جامع است. ب - مسجد امام حسن عسکری علیه السلام در نزدیکی چهارراه بازار ح - مسجدی که قبلا در حدود خاکفرج واقع بوده و اکنون اثری از آن نیست. اگر ما می توانستیم مکان اصلی این مسجد را با توجه به سه مکانی که اشاره شد بیابیم، به یقین می توانستیم مسجد جامع اصلی

کجاست و سپس تاریخ بنا و بانی آن را نیز مشخص می‌گردید؛ اما متأسفانه تاکنون، کسی نمی‌تواند به یقین بگوید مسجد جامع اصلی قم کجا بوده است؛ بلکه تمام مطالبی که تاکنون بیان گردیده حاصل حدس و گمان و احتمال بوده است؛ اما در نظر اکثر مردم، بلکه اکثر نویسندگان، مکان اصلی مسجد جامع با توجه به قراین و شواهد، همین مکان فعلی که در مجله مسجد جامع واقع است، می‌باشد؛ ولی همان طور که قبلاً بیان گردید این ساختمان و بنا، آن ساختمان هزار سال پیش نیست؛ بلکه در زیر این ساختمان؛ مسجدی بوده که به مرور زمان رو به فرسایش گذاشته و سپس در دوره‌های مختلف تعمیر و بازسازی گردیده است. ۲ - اگر نتوانیم به راحتی باور نماییم این جا مسجد جامع اصلی قم است، اما می‌توانیم قبول نماییم که یکی از اولین مساجد ایران بوده است که معماران زبردست با هنرمایی‌های خود در آن مشغول فعالیت گردیده و توانسته‌اند چنین بنای با عظمت و حیرت‌انگیزی را بیافرینند. اکنون که هنر معماری و ساختمان سازی بسیار پیشرفت نموده است باز هم برای بسیاری از معماران و مهندسان معماری، این مسجد بسیار عجیب می‌نماید؛ زیرا در آن زمان که وسایل ساختمان سازی محدود بوده است، چگونه توانسته‌اند گنبد و مقصوره‌ای با این عظمت و زیبایی خلق نمایند که حتی یک شاخه آهن نیز در آن به کار نرفته است. این موارد نشان دهنده مهارت معماران اسلامی و وجدان کاری آن‌ها و نیز اخلاص در رفتار و عملشان به خصوص در مورد بناهای مقدس، همچون مساجد بوده است. ۳ - همان طور که قبلاً اشاره شد، نظرات مختلفی در مورد تاریخ بنا وجود دارد یکی از دلایل دیگر این اختلاف، این بوده که مسجد جامع در یک زمان خاص ساخته نشده است، بلکه در زمان‌های مختلفی بنا گردیده است. به عنوان مثال قدمت گنبد و مقصوره مسجد، بیش از حیاط و صحن و شبستان‌های آن است. افزایش جمعیت و نیاز به مکانی جهت اقامه جماعت باعث شد که قسمت‌های فوق به فضای گنبد و گوشوارها اضافه گردد؛ بنابراین اختلاف در این گونه نظرات، چندان دور از انتظار نیست. ۴ - در این نکته که طرز ساختمان سازی و معماری و مصالحی که در این مسجد به کار رفته و باعث استقامت آن گردیده هیچ شک و شبهه‌ای وجود ندارد؛ زیرا این کار باعث گردیده قدمت و استقامت این مسجد نسبت به برخی مساجد دیگر همان دوره بیشتر گردد و یا حداقل فرسودگی آن کمتر از مساجد دیگر گردد. ۵ - یکی از دلایلی که نویسندگان، به عنوان سند موجودیت و اصالت مسجد جامع می‌دانند. مقصوره زیبای آن است که از نظر ارتفاع و زیبایی در هیچ جای ایران نیست و با توجه به کتاب مرآت البلدان و برخی کتاب‌های دیگر، این شاهی بر مسجد جامع اصلی قم است. ۶ - در این مورد که برخی نویسندگان، موقعیت جغرافیایی مسجد جامع را در شمال شهر و برخی دیگر در طرف شرقی قم و یا جهات دیگر نوشته‌اند به این دلیل بود که پس از مدفون شدن حضرت فاطمه معصومه علیها السلام اکثر مردم مایل بودند که منازل خود را در نزدیکی حرم مطهر بنا کنند؛ بنابراین رفته رفته شهر از شمال شرقی به جنوب غربی کشیده شد و مسجد جامع که تقریباً بیرون از شهر و در نقطه شمالی شهر بود داخل شهر قرار گرفت و در طرف شرقی شهر واقع گردید. ۷ - در مورد چگونگی بنای اولین مسجد قم مطالبی که از کتاب تاریخ مذهبی قم (۲۳۶) و تاریخ قم (۲۳۷) بیان گردید، کاملاً صحیح است؛ زیرا رسم اشعریان چنین بوده که هر کجا آتشکده‌ای را می‌یافتند آن را تبدیل به مسجد می‌کردند و نیز در مورد بنای مسجد جامع هم مطلب این چنین است، اما همان طور که بیان شد ابتدا باید در مورد اصالت مسجد جامع تحقیق کرد و پس از رسیدن به یقین مطالبی که در مورد چگونگی بنای اولین مسجد قم بیان گردیده، در مورد مسجد جامع صدق می‌کند. ۸ - ممکن است در یک شهر چند مسجد جامع وجود داشته باشد؛ زیرا در برخی از شهرهای بزرگ مانند تهران، هر منطقه دارای مسجد جامعی باشد. گاهی اوقات مساجد را با توجه به علل دیگری همچون موقعیت مرکزی و یا جمعیت پذیری، مسجد جامع می‌نامند؛ به عنوان مثال در شهر مقدس قم، عده‌ای از مردم به مسجد امام حسن عسکری علیه السلام مسجد جامع می‌گویند زیرا از لحاظ جمعیت و موقعیت مرکزی در بین سایر مساجد ممتاز است و گاهی اوقات به مسجد اعظم قم به دلیل جمعیت پذیری و آشنایی با بسیاری از مردم با این مسجد، جامع اطلاق می‌شود. اما گاهی اوقات مساجد را از لحاظ معماری و قدمت، مسجد جامع می‌گویند؛ بنابراین از نظر معماری و طرز ساخت به مسجدی که

در نزدیکی دروازه ری می باشد و بیشتر از آن صحبت شد مسجد جامع گفته می شود. شاید علت این که برای ما کاملا روشن نشده که مسجد جامع اصلی کجاست با توجه به دلایل و نظریان فوق باشد، یعنی اطلاق مسجد جامع به جمعیت و یا موقعیت جغرافیایی و با معماری، یا این دیدگاه هنگامی که از مسجد جامع نامی برده می شود هر کس تصور جداگانه ای از مسجد جامع خواهد داشت و اگر همین تصورات به صورت مکتوب در آید، پس از گذشت زمان های طولانی برای نویسندگان و محققان یافتن مسجد جامع اصلی مشکل خواهد بود. به هر حال از نظر ما و بسیاری از نویسندگان مشهور، مسجد جامع قم همین مسجد است؛ زیرا با توجه به دلایلی که قبلا اشاره گردید مسجد جامع دیگری متصور نیست، چرا که مسجدی که در خاکفرج بوده اکنون به طور کلی ویران گشته و مسجد امام حسن عسکری علیه السلام نیز دارای مقصوره و ایوان رفیعی نمی باشد که در برگیرنده نظرات نویسندگان باشد. ۹- هنگامی که به بررسی تاریخ بنای مسجد جامع می پردازیم و اختلاف نظرها را درباره آن مشاهده می نمایم حداقل سال تاسیس مسجد جامع ۲۶۵ هجری و حداکثر ۷۵۵ قید گردیده است. اگر سال تاسیس را ۲۶۵ بدانیم، اکنون (۲۳۸) در حدود ۱۱۵۲ سال از تاسیس آن گذشته و اگر سال تاسیس آن را ۷۵۵ هجری بدانیم اکنون در حدود ۶۶۲ سال از تاسیس و ساخت آن می گذرد. به هر حال این جا مسجدی است که قدمت چند صد ساله دارد. ۱۰- اما در کتاب گنجینه آثار قم، تالیف عباس فیض، تفاوت فاحشی در مورد تاریخ بنا و اصالت این مسجد نسبت به سایر نویسندگان به چشم می خورد. او بانی مسجد جامع کنونی را سلطان جانی خان پادشاه تاتار ترکستان و تاریخ بنای آن را هم به سال ۷۵۵ نقل می کند. همچنین او مسجد ابوالصدیم را جدای از مسجد جامع دانسته و با دلایلی آن را در کرده است. از جمله دلایل این است که او سبک بنای مسجد جامع را با آثار قرن سوم سازگار نمی داند. مطالبی را که ما در این جا بیان خواهیم کرد مبنی بر تائید یا رد نظریه آقای عباس فیض نیست بلکه جهت رفع شک و شبهه احتمالی بین مردم و مطالعه کنندگان گرامی، به آن اشاره می نمایم. اکثر نویسندگان، این مسجد را با توجه به شواهد فراوان به عنوان مسجد جامع در نظر گرفته و بانی مسجد جمعه (جامع) را ابوالصدیم و سال تاسیس آن را ۲۶۵ هجری دانسته اند. یکی از مواردی که یقین انسان را در هر مسأله ای بیشتر می نماید، اجماع و تمرکز نظرات نویسندگان و صاحب نظران است. بنابراین ما هم به پیروی از دانشمندان و نویسندگان این مکان را با احتمالی قوی مسجد جامع می نامیم. اما این مطلب را که بیان شده سبک بنا با آثار قرن سوم مطابقت ندارد، در نمی کنیم؛ ولی همان طور که قبلا بیان شد این مسجد بارها تعمیر و بازسازی و حتی مورد نوسازی قرار گرفته و ناگفته پیداست که حتما قسمت هایی از این مسجد طوری ساخته شده که با همان تاریخ و عصری که تجدید بنا شده سازگاری دارد؛ اما مکان مسجد جامع به احتمال قوی همین قسمت بوده و قسمت هایی بر آن افزوده گردیده است.

نتیجه گیری کلی

اگر باز هم بخواهیم از مطالب بیان شده نتیجه گیری بسیار مختصری داشته باشیم نکات ذیل را یادآور می شویم: الف - مسجد جامع، گذشته از سوابق تاریخی، یکی از اماکن مقدس و ویژه است؛ زیرا علما و صلحای بزرگی در آن اقامه نماز جماعت داشته و مردم همواره با حضور در این مسجد باعث نزول رحمت خداوند گردیده اند. ب - تا به حال کسی نتوانسته با یقین کامل، مکان اصلی مسجد جامع را بیان کند، بلکه تمام این نظریان بنا به شواهد و مدارک تقریبا مستدل و قوی بوده است و احتمال آن را افزایش داده است. اگر ما بتوانیم مکان مسجد جامع را با توجه به موقعیت جغرافیایی شهر در آن موقع مشخص کنیم، به راحتی و با یقین می توانیم تاریخ بنای آن را که ۲۶۵ هجری و بانی آن را که ابوالصدیم حسین بن علی بن آدم اشعری بوده، بیان نمایم. ج - این مسجد بارها در زمان های مختلف و نیز در همین قرن اخیر مورد بازسازی و مرمت قرار گرفته است و ما نباید چنین تصور نمایم که این مکان همان مسجد اولیه قرن سوم است، بلکه می توانیم این مطلب را بگوییم که در زیر این مسجد بنایی بسیار محکم و استوار

بوده است و بعداً آن بنا تجدید گردیده و تعمیر شده است؛ اما باز هم جای شگفتی است که این بناهای تجدید شده هم که سالیان سال از قدمت آن می‌گذرد هنوز پابرجا و محکم همچون کوه، مقاوم مانده است.

مطالبی دیگر در ارتباط با مسجد جامع

در این قسمت سعی شده تا مطالبی که با تاریخچه این مسجد با عظمت در ارتباط هستند نیز بیان گردد؛ زیرا مطالعه تاریخچه مکانی، صرف نظر از مسائل جانبی و فرعی آن، کاری ناقص و کم‌اهمیت است. بنابراین ما در این قسمت با آوردن داستان دعبل و بیان نمودن تاریخچه مدرسه غیاثیه و نیز مناره نزدیک آن سعی نموده ایم تا تاریخچه این مسجد شفاف‌تر جلوه‌گر شود؛ بنابراین توصیه می‌شود، مطالب این قسمت را مطالعه نمایید البته این مطلب پراتتر مبحث ما محسوب می‌شود و مجدداً به مطالب اصلی مسجد جامع بازمی‌گردیم.

داستان دعبل و ارتباط آن با قم و مسجد جامع

دعبل بن خزاعی در زمره شاعران شیعه است که با مأمون عباسی معاصر بوده است. وی در هجو (۲۳۹) خلفای عباسی و وزیرانشان اشعاری دارد که مشهور است و در کتاب‌های ادب ثبت شده است. ابوالفرج اصفهانی در کتاب اغانی شرح حال دعبل را به تفصیل نوشته است. علت عمده شهرت دعبل در نزد شیعه، قصیده معروف او که همان قصیده مدارس آیات بوده می‌باشد؛ زیرا ظاهراً از لحاظ این که بهترین ابیات آن این بیت است: مدارس آیات خلت عن تلاوه و منزل وحی مقفر العراضات دعبل پس از سرودن قصیده مدارس آیات به خراسان رفت و خدمت علی ابن موسی الرضا علیه السلام رسید و قصیده را برای آن حضرت بیان نمود و همان‌طور که معروف است، حضرت بیتی به آن افزود. این موقعی بود که حضرت رضا علیه السلام عنوان ولایت عهدی مأمون را داشت و به نام ایشان سکه زده بودند. حضرت به رسم جایزه و صله ده هزار درهم از همان درهم‌هایی که نام مبارکشان بر روی آن نقش بسته بود به دعبل عطا فرمود. او در مراجعت از خراسان عبورش به شهر قم افتاد و مردم قم از او هر درهم را به ده درهم خریدند. (۲۴۰) به نقلی دیگر، حضرت علاوه بر ده هزار درهم یکی از جامه‌های برد خود را نیز به دعبل عطا فرمودند، چون دعبل به قم رسید، قمی‌ها از او خواستند که سی هزار درهم بگیرد و جامه را بدهد ولی او نپذیرفت و به راه خود ادامه داد. هنگامی که از حدود قم خارج شد، جمعی از جوانان قم که در راه او کمین کرده بودند جلوی راهش را گرفتند تا جامه را بگیرند و سی هزار درهم بدهند، دعبل قسم یاد کرد که جامه را نمی‌فروشد، مگر این که قطعه‌ای از آن را به وی دهند تا در کفن خود قرار دهد. آن جوانان یک آستین لباس را به او دادند. (۲۴۱) و به روایت دیگر، خبر قصیده و جبه مخصوص حضرت قبلاً به مردم قم رسیده بود. هنگام آمدن دعبل به قم مردم از او خواستند که قصیده را برایشان بخواند. دعبل در مسجد جامع حضور یافت و قصیده را خواند. مردم قم مال و خلعت بسیار به او بذل کردند و خواهش کردند جبه را به هزار دینار به ایشان بفروشد و او حاضر نشد. (۲۴۲)

مدرسه غیاثیه

سردر و مناره‌های مدرسه غیاثیه در نزدیک میدان کهنه شهر که نام آن به همین صورت در کتاب‌ها و اسناد دوره صفوی و قاجار مکرراً دیده می‌شود، از آثار نیمه قرن نهم، یعنی سال ۸۳۰ است. سردر مدرسه به بلندی ۱۲ و دهانه و پهنای ۷ در ۴ متر به سوی شرق بنا شده و دو طرف آن برپایه‌های خارجی ایوان هر طرف دو طاق نما - یکی پایین و دیگری بالای آن - برافراشته‌اند. در کمر بند ایوان کتیبه‌ای سراسری بوده که فرو ریخته و هیچ اثری از آن بر جای نمانده است. دو مناره بالای سردر به قطر ۲۰/۲ متر و

بلندی ۱۳ متر از بالای بام (۲۵ متر از سطح زمین) با پوشش آجری است که از پایین تا گلوگاه به نقشه شطرنجی لوزی در ۱۹ ردیف با طرحی از کاشی فیروزه ای میان لوزی ها در کمرگاه و گلوگاه هر دو مناره و در بالا با کتیبه ای از کاشی خشتی آراسته شده و در بالای کتیبه نقشه آجرچینی دگرگون گردیده و پس از چند ردیف، سه ردیف مقرنس آجری به شکل کنگره در بالای مناره ها نمودار است. (۲۴۳) البته چند سال پیش بر اثر زمین لرزه قسمتی از این مناره تخریب گردید که سازمان میراث فرهنگی استان قم آن را تعمیر نمود. در مقابل این مدرسه حمامی بوده که شخصی به نام غیاث الدین رضوی آن را وقف آستانه نمود، پس از آن بعضی از سادات قم آن محوطه را به نام آن واقف یعنی غیاث الدین رضوی که در زمان شاه اسماعیل صفوی سرکشیک آستانه مقدس رضوی بوده است، مدرسه غیاثیه نامیدند. این شخص در سال ۹۳۴ در مشهد رحلت نمود. به هر حال از مجموع ابنیه این مدرسه وسیع جز همین ایوان و سردر و دو مناره چیزی باقی نمانده است. همچنین این مدرسه را مدرسه شرفیه نیز نامیده اند؛ زیرا گویند این مدرسه را به دستور شرف الدین ابوطاهر بن علی قمی وزیر سلطان سنجر سلجوقی در سال ۵۴۷ که برای امور عراق به قم آمده بودند بنا نهادند. این مدرسه - که البته دارای مسجدی هم بوده است - یکی از بزرگترین مدرسه شهر محسوب می شده است که برای رفاه حال طلاب و اهل علم در فصل تابستان زیر صحن آن را هم سردابی مجلل و موسع ساخته بودند. سپس در اطراف مدرسه مذکور قیصریه و چهار سوق نو بنیان قم ساخته شد. چنان که مداخل مدرسه از شرق یعنی سردر آن با دو مناره در بازار شرقی افتاد و از مقصوره مسجد شمالی آن هم دری به طرف قیصریه باز می شد و در طرف غربی آن هم سردری بود که به سرای تجارته باز می گردید که قسمتی از محوطه جنوبی مدرسه جزء خیابان آذر گردید و قسمتی هم زیر ساختمان مغازه های حاشیه خیابان و همچنین حجرات میدان بارفروشی و قسمتی در زیر گاراژ قرار گرفت. این مدرسه در اثر سیل در سال ۱۰۴۵ ویران گردید و همان طور که قبلا بیان گردید. از مجموع آثار آن به غیر از ایوان و سردر و دو مناره آثاری باقی نمانده است. در توصیف از مناره نزدیک آن به غیر از مناره های زوجی که سردر مدرسه غیاثیه (یا به عبارت دیگر شرفیه) در میدان کهنه قم قرار دارد که می توان آن ها را در شمار نخستین مناره های زوجی ایران دانست. در نزدیکی این مدرسه مناره انفرادی دیگری وجود دارد که به شرح مختصری از آن می پردازیم. از مجموع تواریخ و اخبار چنین برمی آید که نخستین مناره ای که در عالم اسلام ساخته شده مناره ای بود که ابودلف قاسم بن عیسی بن ادريس بن معقل بن عمیر در خلافت معتصم عباسی در کنار مسجد مجلی که در شهر نو بنیان سامراء احداث کرد، بنا نهاد. این ماءذنه به ارتفاع ۱۲ متر با راه پله خارجی حلزونی بود. دومین مناره ای که ساخته شد، در سال ۲۴۰ هجری از طرف متوکل، خلیفه عباسی، در کنار مسجد جامع احدائی وی در سامراء بود که هم ماءذنه مسجد و هم محل افراشتن لوای خلافت بود که به نام ملویه شهرت یافته است. ارتفاع این مناره ۵۲ متر است و در تارک (۲۴۴) آن غرفه ای قرار داشت که اکنون خراب شده است و قطر قسمت پایین آن نیز به ۵۰ متر می رسد. به فاصله نیم قرن، سومین مناره را مردم قم بنا کردند؛ اما این مناره در کنار مسجد ابوالصدیم اشعری با نقشه استوانه ای و راه پله پیچ درونی ساخته شد. ارتفاع این مناره که در کنار محوطه میدان کهنه قرار دارد، ۲۵ متر و قطر آن ۵/۳ متر می باشد. این مناره در سال ۲۹۱ هجری در دوره حکومت یحیی بن اسحق به خودیاری عرب اشعری میان شهر جدید اسلامی و شهر قدیم کمیدان بنا نهاده شد تا صدای مؤذن به هر دو شهر برسد و همان طور که مشخص است جدار این مناره آجری ساده و فاقد هر نوع تزیینات می باشد. آنچه از ملاحظه اسناد و مدارک مربوط و سبک بنای مناره مورد سخن برمی آید اساس مناره کهن و مربوط دوره سلجوقی است که باگذشت زمان فرسوده شده و قسمت هایی از آن نیز فروریخته بود تا در سال ۱۱۹۱ به وسیله یکی از امرای زند مرمت گردیده و نمای آجری کنونی از همین مرمت برجای مانده است. پس از آن ماءذنه جدیدی را بالای آن ساختند. (۲۴۵) همان طور که بیان شد این مناره سومین مناره در جهان اسلام و اولین مناره احدائی در قم و در ایران بوده است که به مرور زمان تجدید بنا شده و اکنون نیز از طرف میراث فرهنگی استان قم تعمیر و مرمت شده است. لازم به ذکر است راهرو این مناره در مسجد میدان کهنه قرار دارد، همان مکانی که در سال ۱۳۱۰

شمسی از طرف حضرت آیه الله حاج میرزا محمد فیض در محوطه ای به طول ۲۱ متر و عرض ۱۲ متر به ارتفاع ۶ متر مرکب از ده چشمه بر فراز چهار ستون سنگی مضع با نقشه چشمه پوش ساخته شد و به این دلیل به آن مسجد فیض می گویند، این مسجد، هم اکنون در گوشه ای از شمال شرقی میدان کهنه قرار دارد که در آن نماز جماعت و مجالس روضه خوانی منعقد می گردد؛ البته قبل از احداث مسجد، مدخل این مناره روی پشت بام مغازه ای قرار داشت که حضرت آیه الله فیض آن مغازه را خریداری و سپس خراب نمود و در جای آن مسجد کنونی میدان را بنا کرد که راه پله این مناره در این مسجد قرار گرفته است. برگزاری نماز جماعت در مسجد جامع (جمعه) مسجد جامع یکی از اماکن مقدسی است که همواره نماز جماعت های باشکوه به خصوص در زمان های گذشته در آن برگزار می شده است که در این جا به چند نمونه از آن اشاره می شود: از نماز جماعت های باشکوه قم، نماز جماعت مرحوم حضرت آیه الله العظمی بروجردی در ماه مبارک رمضان ابتدا در مسجد جمعه و بعدا در مسجد اعظم بود در مسجد جمعه مخصوصا روزهای جمعه زیر گنبد و طرفین گنبد و تمام حیاط وسیع مسجد و قسمت های مسقف (۲۴۶) اطراف مسجد و پشت بام ها و کوچه های اطراف مستور و پوشیده از جمعیت بود. دیگری نماز جماعت مرحوم آقا شیخ مهدی حکمی در ماه مبارک رمضان در مسجد جمعه، همچنین در حدود یک قرن قبل نماز جماعت حاج سید جواد عالم بزرگ قم در زمان ناصر الدین شاه در مسجد جمعه از نمازهای باشکوه و با عظمت و پر جمعیت و معروف زمان خود بوده است. در زمان فتحعلی شاه نماز جماعت مرحوم میرزای قمی و در زمان صفویه نماز جماعت مولا محسن فیض هر دو در مسجد جمعه شهرت فراوان دارد. (۲۴۷) در چند دهه اخیر نیز مرحوم حضرت آیه الله العظمی مرعشی نجفی در ماه های مبارک رمضان اقامه نماز جماعت داشته اند. همچنین در سال های اخیر حضرت حجه الاسلام والمسلمین آقای شیخ محمد صادق تهرانی در حدود ۴۰ سال اقامه جماعت داشته اند و اکنون حضرت حجه الاسلام والمسلمین آقای سید مهدی صفی امام جماعت محترم مسجد جامع می باشند. البته بسیاری از علما و فضلا بزرگوار دیگری اقامه جماعت داشته اند که در این جا فقط به چند نمونه اشاره شد. اما متأسفانه چند سالی است که نماز جماعت مسجد جامع بسیار کم جمعیت و خلوت شده است، در صورتی که جمعیت آن محله و مناطق دیگر نسبت به گذشته چندین برابر شده است. این امر دلایل زیادی دارد که یکی از این دلایل ساخت و ساز مساجد متعدد در اطراف مسجد جامع و در نتیجه باعث پراکندگی جمعیت شده است که در مبحث بعد به آن اشاره خواهد شد. مشکلات عمده و اساسی مسجد جامع بیان کردن مشکلات همیشه به معنای انتقاد و شکایت نیست، بلکه در پاره ای مواقع به معنای بررسی و حل آن اس. بنابراین جهت بررسی و رفع این مشکلات به چند مورد مهم آن اشاره می کنیم. ۱- موقعیت نامناسب مسجد از لحاظ جغرافیایی و دوری آن به مرکز شهر ۲- عدم توجه کافی مسئولین (شهری و استانی) به مسجد ۳- فقدان و یا کمبود بودجه کافی جهت مرمت و بازسازی مسجد ۴- تخریب قسمتهایی از مسجد توسط عوامل طبیعی و نیز افراد ناآگاه ۵- عدم آشنایی مردم با مسجد جامع ۶- عدم حضور مستمر علما در این مسجد با عظمت با توجه به مشکلاتی که بیان شد، توصیه های زیر ارائه می گردد. ۱- احداث خیابان اصلی از مقابل مسجد ۲- تعیین متولی برای مسجد جامع ۳- تخصیص بودجه کافی ۴- بازسازی قسمتهای تخریب شده و کنترل بیشتر مسجد ۵- معرفی بیشتر این مسجد به همگان از طریق نشریات و صداوسیما از موقعیت های مختلف فرهنگی، مذهبی و معماری و... ۶- حضور هفتگی شخصیت های علمی، مذهبی (علما، مراجع و...) در نماز جماعت این مسجد. ضمنا در این مسجد به جز انجام اموری که در مساجد رایج است مانند نماز جماعت و نماز عیدین و مراسم جشن و شهادت ائمه و ادعیه، مراسم اعتکاف نیز برگزار می گردد.

مسجد مقدس جمکران

توصیف مسجد مقدس جمکران

مسجد مقدس جمکران نامی آشنا و باصفا برای کسانی است که روز و شب، عاشقانه و عارفانه، حضرت بقیه الله لا عظم - عجل الله تعالی فرجه الشریف - را می خوانند. آنان که هر جمعه در دعای ندبه، این معز الاولیاء و این مذل الاعضاء، این الطالب بدم المقتول بکربلا- و این و بنفسی انت من عقید عز لا- یسامی و..... را با تمام وجود زمزمه می کنند. و هر صبح و شام در دعای فرج و دعای عهد و... فرج منجی عالم بشریت را از خداوند متعال خواستارند. مسجد جمکران، همان مکانی است که قدوم مقدس و منور و پاک حضرت حجت - روحی و ارواح العالمین لثراب مقدمه الفداء - بر زمین آن فرود آمد و به امر این خورشید عالم تاب، مسجدی با این عظمت و شکوه برپا گردید. مسجد جمکران قرارگاه شیفتگان و دلسوختگان جمال و دل سوخته اش می باشد. مسجدی که در آن اگر نتوان به راحتی یار را دید (البته برای افراد عادی) اما می توان بوی دلنشینی را استشمام کرد. بدین جهت است که این مسجد پربرکت، نه فقط پذیرای مشتاقان و شیفتگان حضرت مهدی علیه السلام از شهر مقدس قم و دیگر نقاط ایران است، بلکه از دیگر کشورهای جهان به خصوص کشورهای اسلامی نیز جهت زیارت بانوی دو جهان حضرت فاطمه معصومه علیها السلام و نیز به جای آوردن نماز حضرت ولی عصر علیه السلام در مسجد جمکران، راهی این مسجد با عظمت می شوند و این مسجد مقدس شب های چهارشنبه و شب های جمعه و روزهای دوشنبه و حتی تمام روزها پذیرای عاشقان و دلباختگان مهدی زهرا علیه السلام می باشد. لازم به ذکر است که از حضرت مهدی علیه السلام تاکنون در این مسجد کراماتی مشاهده شده که بسیاری از آن ها ثبت و ضبط شده است (۲۴۸) و شاید بسیاری از کرامات آن حضرت به چشم نیاید و یا در کتاب ها نیز نوشته نشود، به عنوان مثال همین که انسان توفیق تشرف به مسجد مقدس جمکران را می یابد و سپس در آن جا به انسان حال و هوایی دلنشین و ملکوتی دست می دهد (هر چند کوتاه باشد) و باعث می شود انسان لحظه ای از کالبد مادی خارج شده و عاشقانه بودن را بچشد، این خود نوعی کرامت آقا و مولا امام زمان علیه السلام می باشد. از آن جا که بسیاری از مشتاقان و شیفتگان حضرتش بسیار مایل بوده و هستند که با چگونگی بنای این مسجد مقدس آشنا شوند، بنابراین تاریخچه ای مختصر از بنای این مرکز باعظمت خدمت خوانندگان محترم و گرامی تقدیم می گردد. شاید که این کار وسیله ای جهت تقرب معنوی ما و شما عزیزان باشد.

تاریخچه مسجد مقدس جمکران

در خارج از شهر مقدس قم، در حدود شش کیلومتری جاده قم - کاشان، نزدیک روستای جمکران، مسجد باصفایی به نام مسجد جمکران وجود دارد. اصل بنای این مسجد حکایتی دارد که مرحوم حاج میرزا حسین نوری در کتاب نجم الثاقب (۲۴۹) و در کتاب کلمه طیبه (۲۵۰) به نقل از تاریخ قم، تالیف حسن بن محمد بن حسن قمی که او نیز از کتاب مونس الحزین فی معرقة الحق و الیقین شیخ صدوق نقل نموده است (۲۵۱) و ما در این جا این حکایت مشهور را نقل می کنیم: شیخ عقیف صالح حسن بن محمد جمکرانی می گوید: شب سه شنبه، هفدهم ماه مبارک رمضان سال ۳۹۳ ه. ق در سرای خود خوابیده بودم (البته سال ۳۹۳ نمی تواند سال کامل - درستی برای تاسیس مسجد جمکران باشد؛ زیرا تاریخ قم که این داستان را نقل نموده در سال ۳۷۸ تالیف گردیده و حال آن که چگونه می توان حادثه ای را که ۱۵ سال بعد رخ خواهد داد، در کتابی درج نمود. پاسخ این ابهام در کتاب نجم الثاقب (۲۵۲) چنین آمده که: مؤلف گوید: در نسخه فارسی تاریخ قم و در نسخه عربی آن که عالم جلیل آقا محمد علی کرمانشاهی مختصر این قصه را از آن نقل کرده در حواشی رجال میر مصطفی در باب حسن، تاریخ قصه را در ثلث و تسعین یعنی نود و سه نقل کرده و ظاهراً بر ناسخ مشتبه شد و اصل سبعین بوده که به معنی هفتاد است؛ زیرا که وفات شیخ صدوق پیش از سال نود بوده است؛ بنابراین سال درست و صحیح تاسیس مسجد ۳۷۳ ه. ق می باشد) که ناگهان جماعتی به در سرای من آمدند. نصفی از شب گذشته بود، مرا بیدار کردند و گفتند: برخیز و فرمان امام مهدی صاحب الزمان علیه السلام را اجابت کن که تو را می خواند. حسن بن مثله می گوید: من برخاستم و آماده شدم، گفتم بگذارید تا پیراهن بپوشم، از در سرای ندا آمد که هو ماکان

قمیصک: پیراهن نپوش که از تو نیست. دست دراز کردم و سراویل خود را برداشتم، آوازی آمد که: لیس ذلک منک فخذ سراویلک: آن سراویل را که برداشتی برای تو نیست، آن را از خود رها کن. آن را انداختم و از خود دور کردم و... (سپس) در سرای خود به دنبال کلید گشتم، (به جستجوی کلید رفتم) ندا آمد که الباب مفتوح: در باز است. هنگامی که به در سرای آمدم، جماعتی از بزرگان را دیدم، سلام کردم، جواب دادند و مرحبا گفتند و مرا به آن جایگاه که اکنون مسجد (جمکران) است، آوردند. چون خوب نگاه کردم تختی را دیدم که نهاده شده و فرش‌های نیکو بر آن تخت گسترده شده و بالش‌های نیکو نهاده (قرار داده شده) و جوانی دیدم سی ساله بر روی تخت که بر چهاربالش تکیه کرده است و پیری در مقابل او نشسته و کتابی در دست گرفته و بر آن جوان می‌خواند. و بیش از شصت مرد که عده‌ای از آن‌ها جامه‌های سفید و عده‌ای دیگر جامه‌های سبز بر تن داشتند برگرد او روی زمین نماز می‌خواندند. آن پیرمرد که حضرت خضر علیه السلام بود، مرا نشانده و حضرت امام علیه السلام مرا به نام خود خواند و فرمود: (برو به حسن به مسلم بگو: تا چند سال است که این زمین را عمارت می‌کنی و می‌کاری و ما خراب می‌کنیم و پنج سال است که زراعت می‌کنی و امسال بار دیگر (زراعت را) از سر گرفتی و عمارتش می‌کنی، رخصت نیست که تو دیگر (در این زمین) زراعت کنی، باید هرچه از این زمین منفعت برده‌ای، برگردانی تا در این موضع مسجد بنا کنند. به حسن بن مسلم بگو: این زمین شریفی است و خدای تعالی این زمین را از زمین‌های دیگر برگزیده و شریف کرده است. تو آن (زمین) را گرفته و به زمین خود ملحق کرده‌ای، خدای تعالی دو پسر جوان از تو گرفت و تو هنوز متنبه (بیدار و آگاه) نشده‌ای و اگر از این کار دست برداری، آزار خداوند از جایی که گمان نمی‌بری به تو خواهد رسید. حسن به مثله گفت: یا سیدی و مولای، برای من در این کار نشانی لازم است؛ زیرا مردم سخن مرا بدون نشانه و دلیل نمی‌پذیرند و سخن مرا تصدیق نمی‌کنند. امام علیه السلام فرمودند: انا مسنعم هناک علامه: برو و رسالت خود را انجام بده ما در آن جا علامتی می‌گذاریم تا تقدیق گفتار تو باشد. به نزد ابوالحسن برو و بگو تا برخیزد و بیاید و آن مرد را بیاورد و منفعت چند ساله را که برده از او بگیرد و به دیگران بدهد تا بنای مسجد را انجام دهند و مابقی وجوه را از رهق به ناحیه اردهان که ملک ماست بیاورد و مسجد را تمام کند و نصف رهق را بر این مسجد وقف کردیم که هر ساله وجه آن را بیاورند و صرف عمارت مسجد کنند. به مردم بگو تا به این موضع رغبت کنند و عزیز دارند و چهار رکعت نماز این جا بگذارند: دو رکعت نماز تحیت مسجد، در هر رکعت یک حمد و هفت مرتبه قل هو الله احد و تسبیح رکوع و سجود را هفت بار بگویند و دو رکعت نماز صاحب الزمان بگذارند، به این صورت که در فاتحه (سوره حمد) هنگامی که به ایاک نعبد و ایاک نستعین برسند صدبار بگویند و بعد از آن سوره فاتحه را تا آخر بخوانند و در رکعت دوم نیز به همین صورت انجام دهند؛ تسبیح رکوع و سجود را هفت بار بگویند و هنگامی که نماز تمام شد، تهلیل (لا اله الا الله) بگویند و تسبیح حضرت فاطمه الزهرا علیها السلام بخوانند و هنگامی که تسبیح گفتند، سر بر سجده گذارند و صدبار صلوات بر پیغمبر و آلش فرستند. و این نقل از لفظ مبارک امام علیه السلام است که فرمود: فمن صلاهما، فکانما صلی فی البیت العیق. هر کس این دو رکعت نماز را بخواند مانند آن است که دو رکعت نماز در کعبه گزارده باشد. حسن به مثله جمکرانی می‌گوید: هنگامی که من این سخن را شنیدم، در دل خود گفتم که تو این موضعی را که می‌پنداری (زمین عادی باشد)، این جا مسجد حضرت صاحب الزمان علیه السلام است. انما هذا المسجد للامام صاحب الزمان علیه السلام پس آن جوان (صاحب الزمان) به من اشاره کردند که برو. هنگامی که مقداری راه پیمودم، دوباره مرا صدا کردند و فرمودند: در گله جعفر کاشانی (چوپان) بزی است که باید آن بز را بخری، اگر مردم پول آن را بدهند، بخر، و گرنه پول آن را خودت بده. فردا شب آن بز را بیاور و در این موضع بکش (آن را ضبح کن)، آن گاه روز چهارشنبه، هجدهم ماه مبارک رمضان، گوشت آن بز را بر بیماران و کسانی که مرض سخت دارند انفاق کن که حق تعالی همه را شفا می‌دهد. آن بز ابلق (۲۵۳) است و موهای زیادی دارد، هفت نشان سیاه و سفید، هر یک به اندازه یک درهم در دو طرف آن است که سه نشان در یک طرف و چهار نشان در طرف دیگر آن است. سپس به راه افتادم یک

بار دیگر مرا فرا خواند و گفت: هفت روز یا هفتاد روز ما اینجاییم (۲۵۴). همان طور که بیان شد این ملاقات در شب هفدهم رمضان رخ داده است، اگر آن را بر هفت حمل کنی، مطابق با شب بیست و سوم خواهد شد و اگر بر هفتاد حمل کنی مطابق شب بیست و پنجم ذیقعد الحرام می شود که نیز روز مبارکی است. حسن بن مثله می گوید: من به خانه رفتم و تمام شب را تا صبح در فکر بودم. نماز خواندم و به نزد علی منذر رفتم و آن داستان را با وی در میان گذاردم. علی منذر با من به جایگاهی که دیشب در آن جا بودم، پس او گفت: به خدا قسم نشان و علامتی که امام علیه السلام به من گفته بود یکی این است که این زنجیرها و میخ ها این جا (در حدود مسجد) نمایان می باشد. سپس به نزد سید شریف ابوالحسن الرضا رفتم. هنگامی که به در سرای او رسیدم، خادمان او را دیدم که به من گفتند از هنگام سحر سید ابوالحسن منتظر تو است. تو از جمکران هستی؟ گفتم آری، پس وارد شدم و سلام کردم و جواب نیکو داد و احترام نمود و مرا در جای نیکو و خوبی نشانید. پیش از آن که من وارد سخن شو، او شروع به سخن کرد و گفت: ای حسن به مثله! من خوابیده بودم، شخصی در عالم رؤیا به من گفت: شخصی با نام حسن بن مثله هنگام بامداد از جمکران به نزد تو خواهد آمد باید هر چه می گوید. سخنش را تصدیق کنی و به او اعتماد کنی که سخن او سخن ماست، هرگز سخن او را رد نکنی. از خواب بیدار شدم و تا این ساعت منتظر بودم. حسن بن مثله داستان را برای او توضیح داد. سید ابوالحسن در همان حال دستور داد تا بر اسب ها زین قرار دادند و سوار بر اسب ها شدند تا به نزدیک ده جمکران رسیدند در آن جا جعفر چوپان را دیدند که گله اش را در کنار راه به چرا آورده است. حسن بن مثله به میان گله رفت و آن بز که از پشت سر گله می آمد به سوی او (حسن به مثله) دوید. حسین به مثله بز را گرفت و خواست که پولش را پرداخت کند. جعفر چوپان قسم خورد که من هرگز این بز را تا به امروز ندیده بودم و در گله من نبوده است، جز امروز که آن را می بینم و هر چه می خواستم این بز را بگیرم، میسر نمی شد. سپس بز را همان طور که سید فرموده بود به آن جایگاه آوردند و آن را سر بردند. سید ابوالحسن الرضا علیه السلام به آن محل آمد و حسن بن مسلم را احضار کرد و منافع زمین را از او گرفت. سپس وجوه ده رهق را نیز (از اهالی ده رهق) گرفتند، (و پس از ساختن مسجد) سقف آن را با چوب پوشانیدند. سید ابوالحسن الرضا علیه السلام زنجیرها و میخ ها را به قم آورده و در سرای خود گذاشت، هر بیمار صعب العلاجی که خود را به این زنجیرها می مالید، خداوند تعالی او را شفای عاجل عنایت می فرمود. ابوالحسن محمد حیدر می گوید: به طور مستفیض (۲۵۵) شنیدم، پس از آن که سید ابوالحسن الرضا وفات یافت، او را در محله موسویان قم (آذر فعلی) مدفون نمودند. یکی از فرزندان او که بیمار شده بود داخل خانه و اطاق شد و در صندوق را باز کرد، اما زنجیرها و میخ ها را نیافت.

حکایت بنای مسجد جمکران قم (۲۵۶)

قسمت اول

بعد حمد خدای جز و ملک آفریننده سما و سمک بشنو این حکایت مشهور که به تاریخ قم بود مسطور بود مردی بزرگ و دانایی زاهدی صالحی نکورایی قدس و تقوای بیکران بودش مسقط الرءس (۲۵۷) جمکران بودش همچو افعال خود به نام حسن عاقل و زیرک و فهیم و فطن (۲۵۸) این چنین گوید آن که بی تشویش خفته بودم شبی به کلبه خویش نیمی از شب گذشته یا کمتر که گروهی زدند حلقه به در تا از آن خفتگی به پای شدم همچنان، تا در سرای شدم دیدم آن جا گروهی از مردم مرمر بانک می زدند که قم (۲۵۹) خود تو را خوانده حجت معبود هادی دهر، مهدی موعود این سخن چون مرا رسید به سمع به سماع آمدم میانه جمع شدم از بس که خوش دل و خرم تنگ شد بر نشاط من عالم گفتم این قوم مهلتی بر من تا بیوشم قمیص (۲۶۰) خویش به تن رفتم آن سان که سوی سیم حریص دست بردم چنین به سوی قمیص خود رسیدم به گوش این سخنان که به برکن قمیص خویشتنا

زان سبب کان قمیص آن تونیست چشم بر مال دیگریت زچیست پس قمیصی زخویش بگرفتم راه طاعت به پیش بگرفتم خواستم تا ازار (۲۶۱) در پوشم کامد این بانگ نغز بر گوشم کای تو اندر طریق ما سالک لیس ذامنک خذ سرا ویلک (۲۶۲) پس نمودم ازار خویش به پای چابک و چست خاستم از جای بستم از بهر طاعتش چه کمر آمدم تا همی گشایم در که سرش دگر به استعجاب گفت ماییم فاتح الابواب خود نهان بود صاحب آواز لیک در را به روی دیدم باز زین عجب صبر و تاب توشم رفت الله الله که عقل و هوشم رفت چشم شد خیره ، عقل شد گمراه عجا لا الله الا الله گفتم این خواب یا بیداری است عین مستی است با به هوشیاری است الغرض تا برون خانه شدم با رسولان شه ، روانه شدم تا رسیدم به جایگاه نشان که بود مسجد امام زمان دیدم اندر مکان دلجویی که به پایست تخت نیکویی گستریده به تخت از اطلس پرنیان ها و دیبه املس (۲۶۳) نوجوانی نشسته بر کرسی که زعمرش فزون نرفته زسی پیری آن جا نشسته همچون شمع همچو پروانه گرد او یک جمع بد کتابی به دست پیر کهن خواند بر آن جوان به صورت حسن آن جوان بد امام جن و بشر نیز آن پیر خضر پیغمبر بیش از شصت تن در آن مسکن اقتدا کرده بر امام زمان همه با جامه های سبز و سفید همه بر ذکر حق بگفت و شنید پیر بنشانند چون مرا زقیام بعد از آنم به نام خواند امام که برو این سخن نمای بیان بر حسن پور مسلم بن فلان که تو تاکی در این شریف مکان هی عمارت کنی و ما ویران چند سالست تا به کشت و به زرع می بری نفع وی زاصل و زفرع باز، داری سر عبارت او رخصت نیست زین طریق مپو بلکه هر سود برده از این جا صرف مسجد نماز روی رضا کاین زمین را خدای جن و بشر برگزیده از اراضی دیگر هم بگو از چه می نمایی کشت نه پشیمان شوی زکرده زشت بهر تنبیه تو دو پور جوان از تو بگرفت قادر سبحان گرنه تنبیه کردی از رفتار می رسد بیش از این به تو آزار پس بگو آن کسان که دیندارند این زمین را شریف می شمارند جمله آهنگ صدق و ساز کنند چار رکعت در او نماز کنند گویی آن کس به نزد رب ودود در بیت الحرام برده سجود گفت از بعد طی این سخنا رو بگو به سید ابوالحسن تا که برخیزد او قوی خاطر مرد مذکور را کند حاضر سودهایی که زین زمین برده آنچه را باقی است و ناخورده زو ستاند دهد به دیگر کس صرف مسجد کند تمامت و بس ما بیاشیم اندر این جا شاد مدت هفت روز یا هفتاد نیمه ای از رهق نمودم وقف تا وجوهش شود به مسجد صرف گفتش سیدی و مولایی گرچه ناگفته خویش دانایی به که در صدق قولم از این سر می نمودی علامتی ظاهر گفت از بهر صدق قول تو من می گذارم علامتی روشن تا دل و خاطر تو شاد کنند همه بر قولت اعتماد کنند سخن شاه چون به پایان شد رخصت او مرا نمایان شد

قسمت دوم

چون که رجعت نمودم از بر شاه باز خواندند مر مرا از راه که برو صبح تا بر جعفر جعفر کاشی آن نکو اختر که بزی هست در فصیله او همچنان نغز و دلکش و نیکو رنگ مویش سفید و هم سیه است این چه لؤلؤ و آن دگر شبه است هفت او را علامت است به بر سه به یک سوی و چار سوی دگر چون که بز را خریدیش به بها خون وی را بریز در این جا گوشتش را بده به هر بیمار که شفا اندر او بود ناچار شاه با من چه کرد طی سخن رخصتم داد بهر باز شدن از بر شه شدم به خانه خویش تا سحرگاه جمله در تشویش طارم نیلگون چه بار دگر چادر قیرگون کشید از سر مهر رخشان چو سر زد از افلاک جستم از جای و آمدم چالاک تا به نزد علی بن منذر شرح احوال گفتمش یکسر چو سراسر زمن شنید سخن گفت باید شدن در آن مسکن هردو تن باتفاق یکدیگر آن مکان را شدند راه سپر تا رسیدیم اندر آن ماءوا که شبش دیدم آن چنان زیبا خورد آنکه علی به سوی سوگند به کسی کافرید پست و بلند کان علائم که گفته بود امام اندر این جای ظاهر است تمام غل و مسمار (۲۶۴)ها که هست عیان خود نشان است از امام زمان پس شدم زان مکان چه باد زمان در بر سید ابوالحسن پویان می دویدم به چابکی چون باد تا رسیدم به خانه اش دلشاد آنچه بودش عیان زخیل و خدم خواستندی مرا زپیش قدم کز سحرگاه دیده آقا هست در راه انتظار شما تا شدم در درون خانه چه باد دیدم آن جا نشسته خرم و شاد گفت او چون زمن شنید سلام که علیک السلام والا کرام دیده بگشود مر مرا بشناخت آنگهم در جوار خود

بنشانند من نکرده هنوز عنوانی گفت برگو، هر آنچه می دانی زانکه من نیز خفته بودم دوش کاین سروش آمدم همی بر گوش که رسولی ز مات آید پیش سخن او زماست بی کم و بیش سخنش زنگ غم زد زود عجبم بر عجب همی افزود مختصر جمله ز اول و آخر شرح احوال گفتمش یک سر پس بفرمود تا به سور و سرور بر نهادند زین ، به کوهه بور همه در خدمتش سوار شدیم رو بدانجای رهسپار شدیم چون که قدری ز راه پیمودیم پس به امید دیده بگشودیم بود جعفر فسیله اش در پیش اندر او خیل بره و بز و میش بود آن بز قفای جمله عیان چون مرا دید شد به پیش دوان گفتم این را، بها چه مقدار است که بجای قیمتش سزاوار است گفت بالله که در فسیله ما تا به امروز نبد پیدا چون ز کیفیتش نه آگاهم نیز از تو بها نمی خواهم الغرض زان مکان شدیم چه باد تا رسیدیم به خانه اش دلشاد پس بفرمود میر با تمکین تا گرفتند انتفاع زمین از وجود رهق هم آوردند مسجد عالی بنا کردند کشته شد بز در آن شریف مکان شد بهر درد گوشتش درمان سید آن گاه برد بی تشویش غل و مسمارها به خانه خویش هر که بیمار بود و زار و نحیف از الم لاغر و نزار و ضعیف خویش را چون به آن سلاسل برد زان سلاسل شفای عاجل برد بود تا سید ابوالحسن زجهان رفت و زنجیر و میخ شد پنهان زان غل و میخ بعد از آن دیگر گفتمی از وی کسی نیافت اثر رای شاهان بلی چون باشد این چنین است و به از این باشد خاصه شاهی که از مکان و جاه زده بر اوج لامکان خرگاه هم رموز دقایق عرفان هم کنوز حقایق ایقان (۲۶۵) ای شهنشاہ دین ، امام زمان برزخ بین واجب و امکان ای وجود تو فانی فی الحق فانی حق و باقی مطلق بهر دیدار حق تو مرآت علم الله که آینه ذاتی آسمان نقطه ای زیر کارت مهر و مه پر تویی ز رخسارت تا که مداحی تو حاصل ماست مهر رخشان چراغ محفل ماست این که نطقش به مدحت گویاست غرقه در قلزم (۲۶۶) گنه ، شیوا است نیست آن دم که هیچ کس باکس چشم امید بر تو دارد و بس وه که از یمن آن مکان شریف شد چه کوه ثقیل بحر خفیف (۲۶۷)

کرامتی از حضرت بقیه الله الاعظم (عج) در مسجد مقدس جمکران

همان طور که می دانیم ائمه اطهار علیهم السلام دارای معجزات و کرامات زیادی بودند، اکنون که حضرت بقیه الله الاعظم علیه السلام زنده هستند و بر عالم هستی فرمانروایی می نمایند، دور از انتظار نیست که دارای معجزات و کراماتی باشند. در این قسمت یکی از این کرامات را که در شب دوازدهم جمادی الاولی سال ۱۴۱۴ هجری قمری در مسجد مقدس جمکران در مورد یک کودک ۱۳ ساله زاهدانی انجام یافته ، عینا و به نقل از کتاب ارزشمند کریمه اهل (۲۶۸) بیت برای آشنایی و معرفت بیشتر خوانندگان نسبت به ائمه اطهار علیهم السلام بازگو می نمایم : این کودک سعید چندانی دانش آموز کلاس پنجم ابتدایی است که در دبستان محمد علی فائق ، در زاهدان مشغول تحصیل است . سعید، در یک خانواده مذهبی در زاهدان متولد شده و بر شیوه عقاید اهل تسنن تربیت یافته است . مادر سعید اگر چه از لحاظ نسب به خاندان عصمت و طهارت منسوب است ، ولی او نیز سنی حنفی است . سعید یک سال و هشت ماه پیش (با توجه به تاریخ آن کرامت) در یک تعمیرگاه ماشین پایش می لغزد و به چاهی که روغن و فاضلاب تعمیرگاه در آن می ریخته ، می افتد و جراحات مختلفی بر بدنش وارد می شود، این جراحات بهبود می یابد؛ ولی غده ای در ناحیه شکم پدید می آید، نخست خیال می کنند که فتق است ، ولی با گذشت چند ماه پزشکان معالج اظهار می کنند که غده سرطانی است و باید او را برای معالجه به تهران ببرند. او را به تهران می آورند و در بیمارستان هزار تختخوابی بستری می کنند، پس از نمونه برداری و احراز غده بدخیم سرطانی ، او را به بیمارستان الوند منتقل می کنند و غده ای به وزن یک کیلوگرم از شکم او بیرون می آورند ولی در مدت کوتاهی جای غده پر می شود؛ پزشکان اظهار می کنند که با این رشد سریع غده ، دیگر کاری از ما ساخته نیست . مادر سعید شبی در خواب می بیند که به او می گویند: سعید را ببرید به مسجد جمکران . طبعاً به زن سنی نمی داند که مسجد جمکران یعنی چه ؟ ولی هنگامی که خوابش را برای دیگران نقل می کند، او را به مسجد جمکران قم راهنمایی می کنند. وی سعید را با دیگر فرزندش محمدنعیم به قم می آورد و بلافاصله به مسجد مقدس جمکران

مشرف می شوند. سعید روز سه شنبه، یازدهم جمادی الاولی سال ۱۴۱۴ هجری قمری یک ساعت ونیم بعد از ظهر وارد مسجد جمکران می شود. خدام مسجد وضع او را که به این منوال می بینند او را در اتاق شماره هشت زائر سرای مسجد اسکان می دهند. مادر سعید اعمال مسجد را فرا می گیرد، با پسرش، محمدنعیم، اعمال مسجد را انجام می دهد، آن گاه عریضه ای تهیه می کند و آن را در چاه می اندازد و بادلی سرشار از امید به ذیل عنایت حضرت بقیه الله - ارواحنفا - متوسل می شود. شب فرا می رسد و عاشقان حضرت بقیه الله - ارواحنفا - طبق رسم سنواتی (که شب های چهارشنبه از راه های دور و نزدیک به مسجد مقدس صاحب الزمان در جمکران مشرف می شوند) دسته دسته می آیند و در مسجد به عبادت و نیایش می پردازند. مشاهده این شور و هیجان مردم در دل مادر سعید طوفانی ایجاد می کند، او نیز همراه ده ها هزار زائر به عبادت و دعا و تضرع می پردازد و شفای فرزندش را از حضرت بقیه الله الاعظم با اصرار و الحاح (۲۶۹) مسألت می کند. هنگامی که به اتاق مسکونی اش در زائر سرای مسجد می آید، دو نفر از خادمان با اخلاص به اطاق او می آیند و در آن جا عزاداری می کنند و برای شفای سعید به طور دسته جمعی دست به دعا برمی دارند. سعید می گوید: درست ساعت ۳ بعد از نیمه شب بود که در عالم رؤ یا دیدم نوری از پشت دیواری ساطع شد و به طرف من به راه افتاد. او یک انسان بود، ولی من از او فقط نور خیره کننده ای می دیدم که آهسته آهسته به من نزدیک می شد. من اول مضطرب شدم، ولی سعی کردم که بر خودم مسلط شوم. هنگامی که نور به من رسید به ناحیه سینه و شکم من اصابت کرد و برگشت. من از خواب بیدار شدم و چیزی متوجه نشدم و باز هم خوابیدم. صبح که از خواب برخاستم، سعی کردم که خودم را به عصایم نزدیک کنم و عصا را بردارم. ناگاه متوجه شدم که بدنم سبک شده و آن حالت درد شدید به کلی از من رفع شده است. در آن وقت فهمیدم که شفا یافته ام و آن نور، وجود مقدس حضرت صاحب الزمان علیه السلام بوده است. این معجزه باهره (۲۷۰) و کرامت ظاهره، در شب چهارشنبه ۱۲ جمادی الاولی سال ۱۴۱۴ هجری قمری برابر با ۵ آبان ۱۳۷۲ شمسی صادر گردید. سعید با مادر و برادر خود سه شب در زائر سرای مسجد اقامت کردند، شب سوم که شب جمعه بود عنایت دیگری شد، که این بار در بیداری انجام پذیرفت، و اینک متن آن واقعه از زیان سعید: شب جمعه در اتاق شماره هشت نشسته بودم، مادرم مشغول تلاوت قرآن بود، احساس کردم که شخصی در کنار من نشست، و برای من رهنمودها و دستوراتی را بیان فرمود: چون سخنانش تمام شد، برگشتم و کسی را ندیدم، از مادر پرسیدم که: مادر با من بودی؟ گفت: من قرآن می خواندم، با تو نیستم. پرسیدم: پس این چه کسی بود که با من سخن می گفت؟ مادرم گفت: کسی این جا نیست. آن موقع پتو را بر سرم کشیدم و هرچه به مغزم فشار آوردم که مطالب آن شخص را به خاطر بیاورم چیزی به یادم نیامد. روز جمعه سعید و مادرش به تهران باز می گردند و به بیمارستان الوند مراجعه می کنند، پس از عکس برداری معلوم می شود که سعید صحیح و سالم است و از غده بدخیم سرطانی هیچ خبری نیست. بدین گونه این کودک سعادت مند که به جق سعید نام گذاری شده، از معجزات باهره حضرت ولی عصر بهبودی - عجل الله تعالی فرجه الشریف - کامل خود را در می یابد. نویسنده کتاب کریمه اهل بیت علیهم السلام می نویسد: دو هفته ای بعد (شب چهارشنبه ۲۵ جمادی الاولی، برابر با ۱۹/۸/۷۲ سعید با مادر و برادرش محمدنعیم به جمکران آمده بود تا پیشانی ادب بر آستان مسجد حضرت صاحب الزمان بسایند و از محضر مولا - و مقتدایش تشکر نمایند. خوشبختانه حقیر هم در مسجد بودم از داستان شفا یافتن او آگاه بودم، با او به دفتر مسجد رفتم و در حضور ده ها نفر از دوستان، مطالب بالا را از زبان سعید بدون واسطه شنیدم. ان شاء الله که بیان این معجزات و کرامات اعتقاد و یقین ما را نسبت به ائمه اطهار علیهم السلام بیشتر کند، تا در پرتو عنایات ایشان نورانیتهای خاص در قلوبمان ایجاد گردد.

نقش حاج شیخ محمدتقی باقی در احیای مسجد مقدس جمکران

هنگامی که صفحات تاریخ را ورق می زنیم به شخصیت هایی برمی خوریم که هیچ قلم و بیانی، یارای توصیف آن ها نمی باشد و

تنها کاری که از ما برمی آید این است که زندگی و شرح حال آنان را مطالعه نموده و آن‌ها را الگو و اسوه خود قرار دهیم. یکی از این شخصیت‌های استثنایی، مرحوم حاج شیخ محمد تقی بافقی قدس سره می باشد که نمونه بارزی از پرهیزکاری، شجاعت و توکل به خدا است. برخی از فضایل و خصوصیات وی چنین بوده است؛ دائم الذکر، دائم الحضور و دائم الحال بود. او از تشرف یافتگان به دیدار حضرت ولی عصر علیه السلام بود و همانند مقدس اردبیلی، و علامه بحر العلوم، به کسب این افتخار نائل آمده بود. او یکی از بارزترین مجاهدین قرن چهاردهم بود که از هیچ کس جز خدا ترس و هراسی نداشت، از طرفی دیگر، علاقه‌ای وافر نسبت به فرزندان پیغمبر صلی الله علیه و آله و سادات داشت و همواره در اطرافش افرادی روشن بین از فضلا و سادات بودند و در اهداف مقدس او همگام بودند، بنابر نوشته کتاب مجاهد شهید آیه الله حاج شیخ محمد تقی بافقی، تالیف محمد رازی، عده‌ای از علما و فضلا که با او همراه و همگام بودند، عبارتند از: ۱- حضرت آیه الله العظمی امام خمینی قدس سره. ۲- حضرت آیه الله مرحوم حاج سید محمود طالقانی. ۳- حضرت آیه الله مرحوم سید شمس الدین ابهری. ۴- حضرت آیه الله مرحوم سید محی الدین طالقانی. ۵- حضرت آیه الله حاج سید حسن مدرسی یزدی. ۶- حجه الاسلام سید محمدباقر مرعشی. ۷- حجه الاسلام سید عبدالرسول رضایی تهرانی. ۸- حجه الاسلام حاج سید محمود یزدی مدرسی. ۹- حجه الاسلام حاج سید مرتضی سجادی. ۱۰- حجه الاسلام حاج سید علی نقی جلالی تهرانی. حاج شیخ محمد تقی بافقی، فرزند صالح و صادق مرحوم حاج محمدباقر، تاجر بافقی بود که در سال ۱۲۹۲ هجری در قریه بافق یزد به دنیا آمد و تا حدود چهارده سالگی، تحت تربیت پدر پرهیزکار خود، تربیت و تزکیه گردید. او پس از سن چهارده سالگی از بافق یزد حرکت کرد و تا مدت چهارده سال نزد اساتید بزرگ آن زمان مانند مرحوم میرزا سید علی مقدس یزدی قدس سره که پیکره زهد و تقوا بود، شاگردی نمود. همچنین نزد اساتید دیگر، علوم فقه و... را آموخت و از آن جا به قصد زیارت حضرت رضا علیه السلام با پای پیاده به قم، و از قم نیز پیاده به مسجد عبدالعظیم حسنی مشرف شده و از آن جا به مشهد مقدس و بارگاه حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام مشرف گردید و بعد به یزد مراجعت نمود. او در سن ۲۸ سالگی در سال ۱۳۲۰ جهت ادامه تحصیلات و کمالات خود راهی نجف اشرف شده و در مدت هفده سالی که در آن جا بود در تمام شب‌های پنجشنبه که دروس تعطیل می شد، به طرف مسجد سهله حرکت نموده و شب را در آن بیتوته می نمود و هنگام صبح از همان جا حرکت نموده و به طرف کربلای معلی عزیمت می نمود و پس از به جای آوردن آداب زیارت صبح، مشرف به روضه منوره حضرت عباس علیه السلام گردیده و از آن جا مراجعت به نجف می نمود. ایشان پس از هفده سال توقف در نجف و تکمیل علم و اخلاق در سال ۱۳۳۷ هجری به طرف ایران حرکت نموده و به سرزمین شریف قم وارد شدند و این در حالی بود که ایشان در آن هنگام دارای مراتب کمالیه در علم و عمل بود. مسجد جمکران تا قبل از ورود بافقی، متروک و مخروب بود و مردم چندان توجهی به آن نداشتند تا آن بزرگوار با آن روح دنی و همت مردانه و اتصال و قریش به حضرت ولی عصر علیه السلام توانست با رفتن به آن مسجد و دعوت کردن مردم و تشویق آنان به این مکان شریف، آن جا را از غربت بیرون آورد. گویا، گوش او گوش حسن مثله جمکرانی بود که از آن حضرت استماع کرده و فرمان دعوت مردم را بدان جا اخذ نمود، که در هر هفته یک مرتبه یا بیشتر، مخصوصا در شب‌های پنجشنبه و جمعه که مزاحمتی برای تحصیل طلاب هم نباشد، بدان جا مشرف شده با جمعی از طلاب متدین و محصلین پرهیزکار شب را در آن جا اقامت می نمودند. اولین اقدام ایشان برای تعمیر آن جا، ساختن آب انبار بود که ایشان حتی با نفس نفیس خود، خشت و گل را آماده نموده و با دلی پر از شوق کار می کرد، به طوری که به یقین می توان گفت: احیای مسجد جمکران، مرهون اقدامات این مرد بزرگ بوده و هست. آری، باید چنین باشد؛ زیرا کسی که همتش تا این حد بلند باشد که زمستان و تابستان، شب‌های سرد و روزهای گرم ایام سال، آن هم مواقعی که باد و باران و برف معمولا تلاش انسان را محدود می نماید، او را سست ننموده، از احیای آن مسجد به هیچ وجه دریغ نکند و در آن شب‌های سرد با نبودن وسایل استراحت در آن مکان شریف شب را تا صبح بیدار بماند، می باید تا قیامت سهیم و شریک در این

فضیلت باشد. آخر بافقی یگانه کسی بود که در قرون اخیر سرتاپا محو جمال مولای خود حضرت صاحب الزمان - عجل الله تعالی فرجه الشریف - و پیوسته در انتظار آن مرآت جلال و جمال الهی بود و پیوسته زبان حالش بدین ابیات مترنم بود. ای شاهد شاهدان کجایی وای آب رخ مهان کجایی ای چشم و چراغ عالم دل وی جان جهان جان کجایی بی روی تو طاقتی ندارم وی صاحب انس و جان کجایی آخوند بافقی مسجد جمکران را برای قم به منزله مسجد سهله کوفه می دانست؛ زیرا هر دو برای یک شخصند. اشخاصی که معاصر با آن مرد شریف بودند، می گویند وقتی به مسجد جمکران وارد می شویم ناله جان گداز و عالم سوز آن بزرگوار را از در و دیوار مسجد می شنویم که با دلی، پر از آتش و قلبی مملو از حرارت شوق، آقا امام زمان علیه السلام را می خواند. آخوند بافقی در روز دوازدهم جمادی الاولی سال ۱۳۶۵ هجری، پس از سال ها توکل به خدا و مبارزه با استعمار و دستگیری و شکنجه کردن او و نیز به دلیل مبتلا شدن به بیماری جان به جان آفرین تسلیم نمود (لذا جا دارد که او را مجاهد شهید بنامیم). جنازه او را با تجلیل، به طرف باغ شیخ بزرگوار، صدوق، حمل نموده و در آن جا مراسم غسل را به عمل آوردند و سید جلیل سید حسین اثنی عشری، صاحب تفسیر اثنی عشر، متکفل غسل ایشان گردید و سپس از آن جا به طرف صحن عبدالعظیم حسنی حرکت داده و پس از طواف با جمع زیادی از علمای تهران و شهرری و اصناف و تجار و... به طرف قم حرکت نمودند و در جوار حضرت فاطمه معصومه علیها السلام، جنب سید بزرگوار، محمدباقر قزوینی، دفن گردید. (۲۷۱) روحش شاد و راهش پر رهرو باد. همان طور که شما عزیزان توجه نمودید در سه مسجد مذکور (مساجد امام حسن عسکری، جامع و جمکران) برنامه های مشترکی وجود دارد که یکی از این برنامه، مراسم پرفیض اعتکاف می باشد که ما سعی کردیم در پایان تاریخچه این سه مسجد ذکر نماییم تا علاقه مندان محترم، با این مراسم عبادی، آشنایی بیشتری پیدا نمایند. البته در مسجد اعظم نیز این برنامه، تا به حال انجام شده است.

اعتکاف

اعتکاف عبادتی پرفضیلت است که یکی از سنت های حسنه رسول اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام به شمار می رود. اعتکاف به معنی توقف و باقی ماندن در مکانی خاص، جهت عبادت و بندگی خداوند متعال و خودسازی و تزکیه روح است. این مکان مقدس عبارت است از مسجد جامع و مسجد اصلی هر شهر. مساجد به عنوان خانه های خداوند متعال، بهترین مکان جهت اقامت در آن و خلوت با معبود یگانه و تربیت و پرورش روح می باشند. رسول اکرم صلی الله علیه و آله همه ساله ده روز آخر ماه مبارک رمضان را در مسجد الحرام یا مسجد مدینه به اعتکاف می پرداختند، در حال حاضر نیز تعداد زیادی از مؤمنین همه ساله در مسجد جامع شهرهای خود چند روزی را به اعتکاف می پردازند. اگر چه اعتکاف عمل دشواری نیست اما دارای احکام و شرایط خاصی است که در کتاب ها فقهی یا در کتبی که در خصوص اعتکاف نوشته شده، به تفصیل بیان شده است؛ اما به طور اجمال می توان اموری را به عنوان احکام و شرایط اعتکاف برشمرد. باقی ماندن حداقل سه روز در مسجد جامع در حال روزه، و خارج نشدن از آن مگر برای کارهای ضروری، نبویدن بوی خوش و پرهیز از بحث و جدال و نیز پرهیز از امور جنسی و خرید و فروش، از اساسی ترین احکام و شرایط اعتکاف می باشند. شرایط صحت اعتکاف برای آن که اعمال انسان مورد قبول و رضایت خداوند قرار گیرد لازم است شرایط صحت آن رعایت شود. همچنین عمل پرفضیلت اعتکاف دارای شرایطی است که به طور اجمال به آن اشاره می شود: ۱- اسلام و ایمان: بنابراین اعتکاف غیر مسلمان صحیح نیست، گذشته از این که وقوف او در مسجد اشکال دارد. ۲- عقل: اعتکاف اشخاص دیوانه و مست صحیح نیست. ۳- نیت قربه الی الله: یعنی سه روز ماندن معتکف، در مسجد، به قصد تعبد و تقرب و اخلاص باشد. ابتدای زمان نیت مقارن با شروع اعتکاف در اول فجر روز اول است. اگر چه بهتر است از اول شب باشد و شب اول هم در اعتکاف داخل گردد. ۴- روزه گرفتن: اعتکاف بدون روزه منعقد نمی شود، بنابراین در

عید فطر و قربان که روزه حرام است و در ایام مسافرت، نمی‌توان معتکف شد. مگر در مواردی که روزه مسافر صحیح است. (۲۷۲) ۵- زمان آن از سه روز کمتر نباشد. به طوری که حداقل از طلوع فجر روز اول شروع شده و به غروب شرعی روز سوم خاتمه یابد. البته می‌توان بیش از سه روز نیز در مسجد ماند، ولی باید توجه داشت که در قبال هر دو روز، اعتکاف روز سوم آن واجب می‌شود، بنابراین اگر کسی پنج روز معتکف شود، ششمین روز بر او واجب خواهد شد. ۶- مکان آن مسجد جامع هر شهر باشد. البته در این باره امام راحل قدس سره اعتکاف در غیر مسجدالحرام و مسجد النبی و مسجد کوفه و مسجد بصره را محل اشکال دانسته و نیت رجاء را در آن‌ها احتیاط واجب می‌شمارند. ۷- اجازه شوهر برای زنی که قصد اعتکاف دارد و نیز اجازه پدر و مادر برای فرزند، اگر اعتکاف موجب اذیت آنان می‌گردد، لازم است. ۸- عدم خروج از مسجد در طی مدت اعتکاف؛ مگر به خاطر انجام امور ضروری مانند غسل، تشییع جنازه و برخی از موارد دیگر که در کتاب‌های فقهی و کتاب‌های اعتکاف به آن اشاره شده است. (۲۷۳) آثار اعتکاف اگر عمل پرفیض اعتکاف خالص و با نیتی پاک صورت گیرد، چنان‌تأثیری در روح و جان و اخلاق فردی و اجتماعی و... خواهد گذاشت که انسان حلاوت و شیرینی آن را علاوه بر جهان آخرت، در همین دنیا نیز درک خواهد کرد. به عنوان مثال یکی از محرمات اعتکاف پرهیز از بحث و جدل می‌باشد، اگر این کار، بعد از اعتکاف هم ادامه یابد، دنیایی گلستان خواهیم داشت. در این قسمت به چند اثر ارزشمند اعتکاف در روح و روان انسان به طور خلاصه اشاره می‌شود: ۱- آموزش گناهان: من اعتکاف ایمانا و احتسابا غفر له ما تقدم من ذنبه (۲۷۴) رسول اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرمایند: چون معتکف بیرون آید، او را گویند: بیرون آی از گناه خویش چون روزی که از مادر زاییده شدی. (۲۷۵) ۲- میهمان شدن بر خداوند: زیرا معتکف لازم است حداقل سه روز در مسجد جامع یعنی خانه خداوند توقف داشته باشد. ۳- بهره‌مندی از برکات مناجات با خداوند: از آن جا که مسجد، محل راز و نیاز با خداوند سبحان می‌باشد فرد معتکف این احساس را در خود می‌یابد که در این مکان مقدس بیشتر به یاد خداوند رحمان و رحیم باشد و با او مناجاتی عاشقانه و عارفانه داشته باشد. ۴- مداومت بیشتر به تلاوت قرآن کریم: از آن جا که انسان، معتکف بهترین پناه را قرآن کریم می‌داند در کنار راز و نیازها و مناجات خود، قرآن تلاوت می‌کند و یا آن را حفظ می‌کند و یا در مورد سوره یا آیه‌ای به تفکر می‌پردازد و یا با دیگران در این زمینه به مباحثه می‌پردازد. ۵- دوری از آتش جهنم: فردی که حداقل سه روز با اخلاص میهمان خداوند رحمان و رحیم شده است و از گناهان خود توبه نموده است در واقع خود را از آتش جهنم دور کرده است (۲۷۶) ۶- آثار اعتکاف در زندگی خانوادگی: انسانی که با خلوص حداقل سه روز میهمان خداوند متعال بوده است و تصمیم بر ترک گناه گرفته است، یقیناً از اعمال و کارهایی که منجر به برهم خوردن ثبات خانواده می‌شود، پرهیز می‌نماید و با همسر و فرزندان خویش آن‌طور که شایسته است، برخورد می‌نماید. ۷- آثار اعتکاف در زندگی اجتماعی: اگر عمل اعتکاف قربه‌الی الله و با نیتی پاک صورت گرفته باشد چنان‌اثرات مثبتی در جامعه خواهد داشت که فرد معتکف را مسؤولیت پذیرتر، و دیگران نیز به تبع او، عادت به مسؤولیت پذیری را خواهند پذیرفت. به عنوان مثال کمک به هم‌نوعان که خود یک مسؤولیت اجتماعی و دینی و اخلاقی است، عمل لازمی است که معتکف یقیناً انجام خواهد داد و او با این کار، به دیگران نیز درس ایثار و از خودگذشتگی می‌آموزد. آیا اعتکاف به معنای دوری از مسؤولیت اجتماعی است؟ اسلام دین مسؤولیت است و تعهدات اجتماعی در آن جایگاهی ویژه دارد، اسلام گوشه‌گیری و عبادت محض و رهبانیت را نمی‌پذیرد، اگر برنامه‌هایی همچون اعتکاف را تشویق می‌کند، هم‌زمان با آن و در کنار آن، رسیدگی به امور هم‌نوعان و همدردی با دیگران را مطرح می‌نماید و با تءکید بر اهمیت مسؤولیت‌پذیری اجتماعی، از بی‌تفاوتی و عزلت و صوفی‌منشی به شدت بر حذر می‌دارد. این است که می‌بینیم در متن روایات اعتکاف احادیثی درباره رسیدگی و تلاش در برآوردن حاجات مسلمانان دیگر وارد شده است.

اعتکاف: روزه گرفتن، سکوت داشتن، از غیر و نامحرم دور شدن، از معاشرت با غیر پرهیز کردن، از حرف زدن و کلام غیر ذکر و دستورات خاص آن ایام تبری جستن، با هموعان خویش که همدل اند، انس داشتن، از لذایذ مادی دوری کردن، از زندان نفس فرعونى مسلک آزاد شدن، با غسل و نیت آن جان را تطهیر کردن، با عمل ام داود دستورالعمل از کاملى مکمل گرفتن است، خود را دریافتن، دل بدان کامل و اصل سپردن، با اسمای حسناى حق در دعای عمل ام داود در روز پانزدهم (رجب) بعد از زوال محشور شدن، قرآن را که ان هذا القرآن یهدى للتى هی اقوم است در دل جای دادن و در نهایت، انسانی قرآنى شدن است که لا-یمه الا-المطهرون گردیدن است. (۲۷۷) همان طور که قبلا- نیز اشاره شد، شهر مقدس قم و نیز استان قم، دارای اماکن تاریخی فراوانی می باشد که یک نمونه از آن مساجد می باشند که تا به حال به سه مسجد معروف و مشهور آن اشاره گردیده است؛ اما مساجد تاریخی به این چند مسجد ختم نمی گردد، بلکه مساجد تاریخی دیگری نیز وجود دارند که آن ها نیز دارای اهمیت ویژه ای هستند و ما اکنون به چند نمونه از آن ها اشاره می نمایم.

برخی مساجد مهم دیگر قم

مسجد عشقعلی: درباره بانی و تاریخ دقیق آن، اسناد درستی، در دست نیست، جز آن که در کتابچه ثبت موقوفات نسخه کتابخانه عمومی حضرت آیه الله العظمی مرعشی نجفی برگ ۱۰۵ بر اساس دفاتر قدیم از موقوفات سرکار سید عشقعلی یاد می شود و بنای قدیم آن ظاهراً در دوره صفویه یا قبل از آن بوده است. لازم به ذکر است این مسجد را اخیراً به کلی تجدید بنا نموده اند و از آثار قدیم چیزی باقی نمانده است. مسجد صینی: مشهور به پنجه علی است که در محله ای به همین نام قرار دارد. بالای محراب مسجد جای پنجه ای است که گویند جای پنجه حضرت علی علیه السلام واضح است این حرف سند صحیحی ندارد، ایوان جلو مسجد کتیبه ای دارد که تاریخ آن سال ۸۸۶ هجری است. مسجد بالاسر: در طرف غربی روضه مطهره حضرت معصومه علیها السلام واقع شده است، ابتدا دو مرافق و مکان از بیوتات روضه مطهره بود و از بناهای شاه اسماعیل صفوی شاهزاده محمدتقی میرزای حسام السلطنه پسر خاقان فتحعلی شاه در سال ۱۲۳۴ آن دو مکان را یکی کرده و مسجد نمودند، پس از آن عده ای از بازرگانان تهران معروف به جبرئیل را خریده و ضمیمه مسجد نموده و مسجد را بزرگ نمودند، هم اکنون در این مسجد با برکت عده زیادی از علما و فضیلاى بزرگ مدفون شده اند. مسجد اعظم: مسجد بابرکت اعم که متصل به حرم حضرت معصومه علیها السلام می باشد، از اقدامات مهم و شاهکارهای حضرت آیه الله العظمی بروجردی قدس سره می باشد که به اراده آن بزرگ مرد روحانی و همت مسلمانان باتقوی، در روز یازدهم ذیقعده سال ۱۳۷۳ هجری قمری که بنا بر مشهور مصادف با روز میلاد حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام است، به دست توانای آن عالم ربانی کلنگ اول آن زده شد و مسجدی بزرگ و آبرومند که از هر جهت نیاز زائرین محترم را تاءمین کند، بنا فرمودند، ارزش این مسجد خصوصاً در ایام اعیاد اسلامی و ملی و روزهای سوگواری و ایام عاشورا و ماه مبارک رمضان بر همه روشن است و به طور مسلم این مسجد یکی از افتخارات کشور و ملت مسلمان ایران می باشد. کتابخانه مسجد اعظم نیز از کتابخانه های مهم و پرارزش است که با داشتن کتاب های فراوان و مورد نیاز و تشکیلات و مجهز، مورد استفاده سربازان رشید آقا امام زمان - عجل الله تعالی فرجه الشریف - و طلاب محترم علوم دینی و سایر مردم می باشد. (۲۷۸) توصیف گنبد مسجد اعظم: این مسجد عظیم، مشتمل بر یک مقصوره موسع و گنبد مرتفع و ایوان معظم و دو گوشوار چهل ستون و کتابخانه جامع و سایر مرافق و بیوتات می باشد. در بنای این مسجد تلفیقی از سبک قدیم با اسلوب ساختمانی جدید به کار رفته است زیرا مقصوره و گنبد و گلدسته هایش با استیل باستانی و سبک کنونی بنا شده، ولی چهل ستون هایش با نقشه روز ساخته شده است. مقصوره این مسجد که در وسعت و رفعت و زینت در عالم اسلام کم نظیر و بلکه

بی نظیر است، تماما آراسته به کاشی کاری معرق بالای ازاره مرمری می باشد. معمار مسجد ابتکاری به خرج دادند، بدین گونه که ایشان دستور دادند تا استخوان بندی و اسکلت آن را با مقتول به پا داشتند و در سربند مفاصل آن با اکسیژن جوشکاری به عمل آوردند و سپس از هر طرف، این اسکلت فلزی را با آجر پوشاندند، یعنی در طرفین آن از داخل و خارج جداری به قطر چهارده آجر، هر طرف هفت ردیف با ملات که متشکل از سیمان و آهک و ماسه بود، بالا بردند، به طوری که طول عمر آن هزار سال قابل پیش بینی است. قاعده گنبد از خارج و داخل چهار ضلعی متساوی به دهانه ۱۹ و ارتفاع ۲۴ متر با تزئینات متنوع مرمری و کاشی کاری است که در چهار گوشه آن نیم طاقی بالا آورده شده و صورت مربع را با نقشه یزدی سازی به شکل فلکه ای در آورده اند و نیز پا طاق پوشش عرقچینی آن را بالا برده اند. در ضلع جنوبی این مقصوره محرابی است مجلل و مصلح پنج ترکی به دهانه ۳ و ارتفاع ۵ متر با ازاره مرمری و بدنه و جرزهای کاشی کاری معرق و پوشش مقرنس خوش قطاری در سه ردیف از کاشی های شفاف خوش رنگ و لعابی است که در سینه آن ترنجی نمودار و در میانه آن به خط ثلث طلایی کلمه مبارک الله خوانده می شود. البته گنبد و بقیه قسمت های مسجد، مملو از هنر معماری و تزئینات فراوان است که جهت اختصار، به همین چند سطر بسنده نموده ایم. جا دارد شما مطالعه کنندگان گرامی اماکن نامبرده را از نزدیک مشاهده نمایید تا بهره بیشتری از آن ها ببرید.

مسجد امام حسن مجتبی علیه السلام

مسجد امام حسن مجتبی علیه السلام گرچه مسجدی تاریخی با آن شکل که ما تعریف نمودیم، نیست اما این مسجد از نمونه مساجد مقدسی است که مطالعه تاریخچه آن بسیار جالب و شنیدنی است که حضرت ولی عصر - عجل الله تعالی فرجه الشریف - به آن نظری خاص داشته اند و ما هم جهت حسن ختام این کتاب آن را تقدیم شما عزیزان می نمایم. مسجد امام حسن مجتبی به اراده و نقشه حضرت امام زمان علیه السلام ساخته شده است که سرگذشت آن به نقل از کتاب دیدنی های قم، صفحه ۲۸، که او از کتاب پاسخ ده پرسش صفحه ۳۱ حضرت آیه الله آقای حاج شیخ لطف الله صافی نقل نموده است چنین است: اکثر مسافرینی که از قم به تهران و از تهران به قم می آیند و اهالی قم اطلاع دارند اخیرا در محلی که سابقا بیابان و خارج از شهر قم بود - جاده قدیم تهران - جناب مرحوم حاج یدالله رجیبان که از اخیار قم بودند مسجد مجلل و باشکوهی به نام مسجد امام حسن مجتبی علیه السلام بنا کرده است که هم اکنون دایر است و نماز جماعت در آن منعقد می گردد. در شب چهارشنبه بیست و دوم ماه مبارک رجب ۱۳۹۸ مطابق با تیر ماه ۱۳۵۷ حکایت زیر را راجع به این مسجد شخصا از صاحب حکایت آقای احمد عسگری که از اخیار است و سال ها است در تهران موطن است در منزل جناب آقای رجیبان با حضور ایشان و بعضی دیگر از محترمین شنیدم. آقای عسگری نقل کرد: حدود ۱۷ سال پیش روز پنجشنبه ای بود، مشغول تعقیب نماز صبح بودم که در زدند، رفتم بیرون دیدم، سه نفر جوان که هر سه مکانیک بودند با ماشین آمده اند، گفتند: تقاضا داریم امروز پنجشنبه است ما را همراهی نمایید تا به مسجد جمکران مشرف شویم، دعا کنیم، حاجت شرعی داریم. این جانب جلسه ای داشتم که جوانان را در آن جمع می کردم و نماز و قرآن به آن ها تعلیم می دادم، این سه نفر جوان از همان جوانان بودند، من از این پیشنهاد خجالت کشیدم، سرم را پایین انداختم و گفتم: من چه کاره ام بیایم دعا کنم، بالاخره اصرار کردند، من هم دیدم نباید آن ها را رد کنم، موافقت کردم، سوار ماشین شدم و به سوی قم حرکت کردیم. در جاده تهران (نزدیک قم) ساختمان های فعلی نبود، فقط دست چپ یک کاروان سرای خرابه به نام قهوه خانه علی سیاه بود، چند قدم بالاتر از همین جا که فعلا حاج آقا رجیبان مسجد امام حسن مجتبی علیه السلام را بنا کرده است، ماشین خاموش شد. رفقا که هر سه مکانیک بودند، پیاده شدند، سه نفری کاپوت ماشین را بالا زدند و مشغول تعمیر آن شدند، من از یک نفر آن ها به نام علی آقا یک لیوان آب گرفتم که برای قضای حاجت و تطهیر بروم. وقتی داخل زمین های فعلی شدم دیدم سیدی بسیار زیبا و سفید، ابروهایش کشیده، دندان هایش سفید و خالی بر صورت مبارکش بود، با لباس سفید و عبای نازک و نعلین زرد

و عمامه سبز مثل عمامه خراسانی‌ها ایستاده و با نیزه ای که به قد هشت متر بلند است زمین را خط کشی می‌نماید، با خود گفتم: اول صبح آمده است، این جا جلوی جاده دوست و دشمن می‌آیند، رد می‌شوند نیزه دستش گرفته است! آقای عسگری (در حالی که از این سخنان خود پشیمان بود و عذرخواهی می‌کرد) گفت: در دل با خود خطاب به او گفتم: عمو، زمان تانک و توپ و اتم است، نیزه را آورده ای چه کنی! برو درست را بخوان، رفتم برای قضای حاجت نشستم، صدا زد: آقای عسگری آن جا نشین، این جا را من خط کشیده‌ام، مسجد است. من متوجه نشدم که از کجا مرا می‌شناسد، مانند بچه ای که از بزرگ‌تر اطاعت می‌کند گفتم: چشم! پاشدم، فرمود، برو پشت آن بلندی، رفتم آن جا؛ به خود گفتم: سر سؤال را با او باز کنم، بگویم آقا جان، سید، فرزند پیغمبر، برو درست را بخوان. سه سؤال پیش خود طرح کردم. ۱- این مسجد را برای اجنه می‌سازی یا ملائکه که دو فرسخ از قم آمده ای بیرون زیر آفتاب نقشه می‌کشی و درس نخوانده معمار شده ای؟ ۲- هنوز مسجد نشده چرا در آن قضای حاجت نکنم؟ ۳- در این مسجد که می‌سازی جن نماز می‌خواند یا ملائکه؟ این پرسش‌ها را پیش خود طرح کردم، آمدم جلو آمدم سلام کردم بار اول او ابتدا به من سلام کرد نیزه را به زمین فرو برد و مرا به سینه گرفت، دست هایش سفید و نرم بود، چون این فکر کرده بودم که با او مزاح کنم، چنان در تهران هر وقت سیدی شلوغ می‌کرد می‌گفتم: مگر روز چهارشنبه است، هنوز عرض نکرده بودم، تبسم کرد و فرمود: پنجشنبه است، چهارشنبه نیست و فرمود: سه سؤال را که داری بگو، من متوجه نشدم که قبل از این که سؤال کنم از مافی الضمیر به من اطلاع داد، گفتم: سید فرزند پیغمبر درس اول کرده ای، صبح آمده ای کنار جاده نمی‌گویی این زمان تانک و توپ، نیزه به درد نمی‌خورد و دوست و دشمن می‌آیند رد می‌شوند برو درست را بخوان! خندید چشمش را انداخت به زمین، فرمود: دارم نقشه مسجد می‌کشم، گفتم: برای جن یا ملائکه فرمود: برای آدمی زاد این جا آبادی می‌شود. گفتم: بفرمایید بینم این جا که می‌خواستم قضای حاجت کنم، هنوز مسجد نشده است، فرمود، یکی از عزیزان فاطمه زهرا علیها السلام در این جا بر زمین افتاده و شهید شده است، من مربع مستطیل خط کشیده‌ام این جا می‌شود محراب، این جا می‌بینی قطرات خون است که مؤمنین می‌ایستند. این جا که می‌بینی توالی می‌شود این جا دشمنان خدا و رسول به خاک افتاده‌اند، همین طور که ایستاده بود، برگشت و مرا هم برگرداند، فرمود: این جا می‌شود حسینیه و اشک از چشمانش جاری شد، من هم بی‌اختیار گریه کردم. فرمود، پشت این جا می‌شود کتابخانه، تو کتاب هایش را می‌دهی؟ گفتم: پسر پیغمبر به سه شرط: اول: این که من زنده باشم، فرمود: ان شاء الله. شرط دوم: این است که این جا مسجد شود، فرمود: ان شاء الله. شرط سوم: این است که به قدر استطاعت ولو یک کتاب شده، برای اجرای امر تو پسر پیغمبر بیاورم؛ ولی خواهش می‌کنم برو درست را بخوان، آقا جان این هوا را از سرت دور کن. خندید، دو مرتبه مرا به سینه خود گرفت. گفتم: آخر نفرمودید این جا را کی می‌سازد؟ فرمود: یدالله فوق ایدیهم گفتم: آقا جان من این قدر درس خوانده‌ام یعنی دست خدا بالای همه دست هاست، فرمود: آخر کار می‌بینی وقتی ساخته شد به سازنده اش از قول من سلام برسان. در مرتبه دیگر هم مرا به سینه گرفت، فرمود: خدا خیرت بدهد. من آمدم، رسیدم سر جاده دیدم ماشین راه افتاده است. گفتم: چه شده بود؟ گفتند: یک چوب کبریت گذاشتیم زیر این وقتی آمدی درست شد. گفتند: با کی حرف می‌زدی؟ گفتم: مگر سید به این بزرگی را با نیزه ده متری دستش بود ندیدید! من با او حرف می‌زدم. گفتند: کدام سید؟ خود برگشتم دیدم سید نیست، زمین مثل کف دست پستی و بلندی نداشت، ولی هیچ کس نبود. من یک تکانی خوردم آمدم داخل ماشین نشستم، دیگر با آن‌ها حرف نزدیم به حرم حضرت معصومه علیها السلام مشرف شدیم. نمی‌دانم چه طوری نماز ظهر و عصر را خواندم، بالاخره آمدم جمکران ناهار خوردیم، نماز خواندیم گنج بودم، رفقا با من حرف می‌زدند من نمی‌توانستم جوابشان را بدهم. در مسجد جمکران یک پیرمرد یک طرف من نشسته و یک جوان طرف دیگر، من هم وسط ناله می‌کردم، گریه می‌کردم، نماز مسجد جمکران را خواندم می‌خواستم بعد از نماز به سجده بروم، صلوات را بخوانم، دیدم آقایی که بوی عطر می‌داد، فرمود: آقای عسگری سلام علیکم، نشست پهلوی من. تن صدایش

همان تن صدای سید صبحی بود به من نصیحتی فرمود، رفتیم به سجده ذکر صلوات را گفتم، دلم پیش آن آقا بود، سرم به سجده گفتم سر بلند کنم، پرسیم شما اهل کجا هستید؟ مرا از کجا می شناسید؟ وقتی سر بلند کردم دیدم آقا نیست. به پیرمرد گفتم: این آقا که با من حرف می زد کجا رفت او را ندیدی؟ گفت: نه. از جوان پرسیدم، او هم گفت: ندیدم. یک دفعه مثل این که زمین لرزه شد، تکان خوردم، فهمیدم که حضرت مهدی علیه السلام بوده است. به سرعت به سوی تهران برگشتم. یکی علمای تهران را در اولین فرصت ملاقات کردم و ماجرا را برای ایشان تعریف کردم و خصوصیات را از من پرسید. گفت: خود حضرت بوده اند، حالا صبر کن اگر آن جا مسجد شد درست است. مدتی بعد روزی یکی از دوستان، پدرش فوت کرده بود به اتفاق رفقا که در مسجد با من بودند او را آوردیم قم، به همان محل که رسیدیم دیدم دو پایه خیلی بلند بالا رفته است، پرسیدم: این جا چیست؟ گفتند: این مسجدی است به نام امام حسن مجتبی علیه السلام گفتم: این مسجد را کی می سازد؟ گفتند: حاج یدالله رجبیان. تا گفتند: یدالله قلبم به طیش افتاد با خود گفتم: یدالله فوق ایدیهم (۲۷۹) فهمیدم: حاج یدالله است، ایشان را هم تا آن موقع ندیده و نمی شناختم، برگشتم به تهران به آن عالم که قبلا- جریان را به او گفته بودم، این قصه را هم گفتم. فرمود: برو سراغش، درست است. من بعد از آن که چهارصد جلد کتاب خریداری نموده، به محل کار حاج یدالله در قم رفتم. ایشان گفت، من این طور کتاب ها را قبول نمی کنم، جریان را بگو. بالاخره جریان را گفتم و کتاب ها را تقدیم کردم، رفتم در مسجد هم دو رکعت نماز حضرت خواندم و گریه کردم. مسجد و حسینیه را طبق نقشه ای که حضرت کشیده بودند حاج یدالله به من نشان داد و گفت، خدا خیرت بدهد، تو به عهدت وفا کردی.

پی نوشتها

۹۹ تا ۱

۱- شواهد و مدارک آن در مباحث آتی ارائه خواهد شد. ۲- روستا ۳- علی اکبر مهدی پور، کریمه اهل بیت، ص ۱۸ - ۱۶ (با اندکی تلخیص). ۴- دائره المعارف شیعه، ج ۳، ص ۲۳۱. ۵- لغت نامه دهخدا، ص ۴۶۳. ۶- فتوح البلدان، ص ۳۸۴ و ۳۸۵. ۷- تاریخ اعثم کوفی، ص ۳۴. ۸- ص ۲۵ و ۲۶. ۹- تاریخ یعقوبی، ج ۱، ص ۱۴۴. ۱۰- شاهنامه فردوسی، ج ۴، ص ۱۲۸. ۱۱- تاریخ قم، ص ۸۹. ۱۲- تاریخ اعثم کوفی، ص ۴۳ و ۹۴ و ۱۰۵. ۱۳- ابن الفقیه، ص ۲۰۹. ۱۴- همان، ص ۲۱۱. ۱۵- اخبار الطوال، ص ۶۷ و غرر ملوک الفرس، ص ۶۰۹. ۱۶- اخبار الطوال، ص ۱۲۸. ۱۷- منظومه: ویس و رامین، ص ۳۳۳. ۱۸- همان، ص ۵۲۲ و ۱۹- سید مهدی صفی، زندگانی حضرت معصومه علیها السلام و تاریخ قم، ص ۲۲ و ۲۳. ۲۰- بحار الانوار، ۶۰/۲۱۶. ۲۱- همان، ۶۰/۲۱۵. ۲۲- سفینه النجاه ۲/۴۴۶. ۲۳- بحار الانوار، ۶۰/۲۱۵. ۲۴- همان، ۶۰/۲۱۴. ۲۵- تفلیس شهری در اتحاد جماهیر شوروی سابق و پایتخت گرجستان بوده و مدت ها متعلق به ایران بوده است. ۲۶- بحار الانوار، ۶۰/۲۱۵. ۲۷- رودخانه ۲۸- از حجه الاسلام و المسلمین جواد محدثی. ۲۹- مقصود لقب هایی است که در عصر اسلامی بر آن اطلاق شده است. ۳۰- تاریخ مذهبی قم، ص ۱۳. ۳۱- تاریخ مذهبی قم، ص ۳۱. ۳۲- سید مهدی صفی، زندگانی حضرت معصومه علیها السلام و تاریخ قم، ص ۲۳. ۳۳- بحار الانوار، ج ۶، ص ۲۱۲. ۳۴- کمیاب ۳۵- ده ۳۶- وسط ۳۷- جمع صحرا ۳۸- اشعر در زبان عربی به معنی کسی است که پرمو باشد. ۳۹- تاریخ قم، ص ۲۷۸. ۴۰- همان، ص ۲۷. ۴۱- علی اصغر فقیهی، تاریخ مذهبی قم، ص ۴۰ - ۳۵. ۴۲- پل ۴۳- کسانی که خدمت پیامبر نرسیدند؛ اما صحابه حضرت را دیده اند. ۴۴- بحار الانوار، ۶۰/۲۱۳. ۴۵- علی اصغر فقیهی، تاریخ قم، ص ۴۶ تا ۴۹ (با تلخیص). ۴۶- مانند کتاب انجم فروزان و تاریخ مذهبی قم. ۴۷- دیلم، قسمتی از گیلان فعلی و گاهی شامل همه گیلان می شود. ۴۸- حسین آوردی، دیدنی های قم، ص ۲۲. ۴۹- لغت نامه دهخدا، ص ۴۶۵. ۵۰- مقصود کوفه و یصره و توابع آن ها.

۵۱- بی توان ، پریشان . ۵۲- در هفت فرسخی کوفه در کشور عراق قرار دارد. ۵۳- فقیهی ، شهابلو، وفایی ، کریمان و رهنما (گروهی از نویسندگان)، قم را بشناسیم ؛ ص ۳۷ تا ۳۹. ۵۴- قلعه ۵۵- سید حسین مدرسی طباطبایی ، قم در قرن نهم هجری ، ص ۹۴ تا ۹۸. ۵۶- سوگند، قسم . ۵۷- بی حس کردن ، بی هوش کردن . ۵۸- این مطالب اقتباسی است از کتاب تاریخ معاصر ایران ، سال سوم نظام قدیم متوسطه . ۵۹- بزرگوارترین یاران ۶۰- با قدر و منزلت ۶۱- بزرگان ۶۲- جمع راوی ، به معنای حکایت کننده ، روایت کننده ۶۳- کوشا ۶۴- معتمدان ، اشخاص مورد اطمینان ۶۵- بزرگان ۶۶- زیرک ، باهوش ۶۷- داناترین ۶۸- بااعتمادترین ۶۹- مختصر، کوتاه از هر چیزی و از هر سخنی . ۷۰- به نقل از کتاب جغرافیای سال دوم متوسطه نظام قدیم آموزشی . ۷۱- عباس فیض ، گنجینه آثار قم ، ج ۱، ص ۸۸ و ۸۹. ۷۲- علی اصغر فقیهی ، تاریخ مذهبی قم ، ص ۱۶۶؛ عبدالجلیل رازی ، النقض ، ص ۱۶۴. ۷۳- تاریخ مذهبی قم ، ص ۱۶۶. ۷۴- دلگشا ۷۵- در لغت به معنای شیرخوارگی و در این جا به معنای آغازین یا شروع به کار رفته است . ۷۶- دلایل چهارگانه یعنی : قرآن ، سنت ، اجتماع ، و عقل . ۷۷- علی اصغر فقیهی ؛ تاریخ مذهبی قم ، ص ۱۷۵. ۷۸- گذشته ، قدیم . ۷۹- به نقل از حجه الاسلام والمسلمین علی اکبر هاشمی رفسنجانی ، نقش روحانیت در انقلاب ، ص ۶۰ و ۶۱. ۸۰- عباس فیض ، گنجینه آثار قم ، ج ۱، ص ۳۳۲ تا ۳۳۹. ۸۱- آمار به نقل از: محمدحسن رجبی ، زندگینامه سیاسی امام خمینی از آغاز تا تبعید، ج ۱، ص ۷۷. ۸۲- مطالب این قسمت به نقل از کتاب آیه الله بروجردی ، زعیم بزرگ ، تالیف عباس عبیری (با تلخیص) . ۸۳- جهت کسب اطلاعات بیشتر در این زمینه ، به کتاب آیه الله بروجردی زعیم بزرگ ، تالیف عباس عبیری ، ص ۹۱ رجوع کنید. ۸۴- به نقل از کتاب نقش روحانیت در انقلاب ؛ برگرفته از سخنرانی آقای اکبر هاشمی رفسنجانی . ۸۵- اکثر مطالب این قسمت ، به نقل از کتاب زندگینامه سیاسی امام خمینی از آغاز تا تبعید ، ج ۱؛ تالیف حسن رجبی می باشد. ۸۶- محمد حسن رجبی ؛ زندگینامه سیاسی امام خمینی از آغاز تا تبعید، ج ۱، ص ۱۳۳. ۸۷- محمدحسن رجبی ، زندگینامه سیاسی امام خمینی از آغاز تا تبعید، ج ۱، (با تلخیص) . ۸۸- محمدحسن رجبی ، زندگینامه امام خمینی از آغاز تا تبعید، ج ۱. (با تلخیص) ۸۹- مهمترین کتابخانه های ایران عبارتند از: ۱- کتابخانه مجلس شورای اسلامی ۲- کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران ۳- کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران ۴- کتابخانه حضرت آیه الله العظمی مرعشی نجفی ۵- کتابخانه بزرگ آستان قدس رضوی . ۹۰- این مطالب به طور خلاصه ، از کتاب کتابخانه بزرگ حضرت آیه الله العظمی مرعشی نجفی (ره) در یک نگاه (چاپ ۱۳۸۰ ش) و کتاب برستیغ نور) و فصل نامه های خبری شهاب نقل شده است . ۹۱- پناهگاه ۹۲- سید مهدی صفحی ؛ زندگانی حضرت معصومه علیها السلام و تاریخ قم ، ص ۳۷. ۹۳- پناهگاه ۹۴- بحارالانوار، ج ۶۰، ص ۲۱۶. ۹۵- شیخ عباس قمی ، سفینه البحار، ج ۲، ص ۳۷۶. ۹۶- علی اصغر فقیهی ، تاریخ مذهبی قم ، ص ۸۴. ۹۷- سنی ، گویا مخفف سیدتی است ، این طور که معلوم می شود مردم قم و به تبعیت از آنان ، بعضی از نویسندگان زمان صفویه به حضرت فاطمه ، سنی فاطمه می گفته اند و امروز هم به محل عبادت آن حضرت ستیه می گویند. ۹۸- علی اصغر فقیهی ، تاریخ مذهبی قم ، ص ۸۶. ۹۹- علی اکبر مهدی پور، کریمه اهل بیت ، ص ۱۸۳.

۱۰۰ تا ۱۸۷

۱۰۰- علی اصغر فقیهی ، تاریخ مذهبی قم ، ص ۱۶۰ - ۱۵۷. ۱۰۱- به نقل از: قم را بشناسید، ص ۵۰ و ۵۱؛ لغت نامه دهخدا، ص ۴۶۴؛ کریمه اهل بیت (علی اکبر مهدی پور)، ص ۱۸۱. ۱۰۲- حسن بن محمد بن قمی ، تاریخ قم ، ص ۵۹، ۱۹۹، ۲۱۳. ۱۰۳- تاریخ مذهبی قم ، ص ۹۳. ۱۰۴- سفینه البحار، ج ۲، ص ۳۷۶. ۱۰۵- شیخ محمد علی بن کاتوزیانی تهرانی ، انوار المشعشعین ، ج ۱، ص ۲۱۱؛ علی اکبر مهدی پور، کریمه اهل بیت ، ص ۴۶. ۱۰۶- علی اکبر مهدی پور، ص ۸۱ تا ۸۶، با اندکی تلخیص . ۱۰۷- این شعر از مرحوم حجه الاسلام حاج شیخ غلام حسین قمی نقل شده است . ۱۰۸- علی اصغر فقیهی ، تاریخ مذهبی قم ، ص ۹۴.

۱۰۹- کرامت همانند معجزه است؛ با این تفاوت که در معجزه معمولاً دعوت به مبارزه و هدایت خلق، مطرح است، ولی در کرامت تحدی و مبارزه طلبی در کار نیست. ۱۱۰- روش، اسلوب ۱۱۱- بزرگ کردن عکس به وسیله دستگاه مخصوص ۱۱۲- کریمه اهل بیت، ص ۲۱۳. ۱۱۳- همان، ص ۳۱۲. ۱۱۴- سوره توبه (۹)، آیه ۱۸. ۱۱۵- از بیانات امام خمینی در جمع کارکنان اداره مرکزی آستان قدس رضوی در تاریخ ۳/۵/۶۱. ۱۱۶- از بیانات امام خمینی در جمع ائمه جمعه مراکز استان‌های سراسر کشور در تاریخ ۲۳/۱/۶۱. ۱۱۷- قسمتی از پیام امام خمینی به مناسبت حلول ماه مبارک رمضان در تاریخ ۳/۵/۵۸. ۱۱۸- قسمتی از بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی، حضرت آیه الله خامنه ای، در دیدار جمعی از مردم قم در تاریخ ۱۹/۱۰/۷۵. ۱۱۹- رحیم نو بهار، مسجد نمونه. ۱۲۰- تلخیص از عباس علی فراهتی از دو ماهنامه، مجله مسجد، شماره ۱۸. ۱۲۱- حضرت امام خمینی (ره)، سرالصلوه، ص ۹۵ و ۹۶ و به نقل از مصباح الشریعه، ص ۹۵. ۱۲۲- مقام معظم رهبری، حضرت آیه الله خامنه ای. ۱۲۳- امام خمینی، رساله توضیح المسائل، مسأله ۹۰۰، قسمت احکام مسجد، رک: به مسأله ۹۰۰ تا ۹۱۵. ۱۲۴- عبدالوهاب حموده، ره آورد مسجد در فرهنگ اسلامی، ترجمه مهدی اسفندیاری، ج ۱۹. ۱۲۵- در معنای لغوی اتاق کوچک است. ۱۲۶- به نقل از دو ماهنامه مجله مسجد، شماره ۱۸ از عباس زمانی و مطلب یاد شده از ویل دورانت از کتاب تاریخ تمدن مشرق زمین، گاهواره تمدن، ترجمه احمد آرام، ص ۱۸۷ و ۳۸۲. ۱۲۷- بحارالانوار، ج ۲، ص ۲۲۷. ۱۲۸- علی مشکینی، نصایح، ص ۳۶۹. ۱۲۹- از فرمایشات حضرت امام خمینی (ره)، در تاریخ ۲۱/۶/۵۸. ۱۳۰- سوره جمعه (۶۲)، آیه ۹. ۱۳۱- حضرت امام خمینی (ره)، رساله اجکام، (احکام نماز) ص ۸۲. ۱۳۲- سرالصلوه، ص ۱۰۳. ۱۳۳- محمد حسین حق جو، احکام و آداب نماز، ص ۲۷ تا ۳۰. ۱۳۴- محمد حسین حق جو، احکام و آداب نماز، ص ۲۹. ۱۳۵- کلینی، اصول کافی، ج ۳، ص ۲۹. ۱۳۶- بیانات و خاطرات امام خمینی درباره نماز، امام در سنگر نماز، ص ۱۴۵. ۱۳۷- قدیمی ۱۳۸- مطالب با تغییرات جزئی از نظر نگارش، بیان خواهد شد. ۱۳۹- مازندران کنونی. ۱۴۰- پول‌هایی که برای انجام کارهای خیر جمع آوری شده است، مانند خمس و زکات و... ۱۴۱- املا؟ و چیزهایی که منع درآمد باشد. ۱۴۲- طرز مخصوصی از ساختن طاق‌های اتاق، یا مسجد و... که در معماری قدیم استفاده می شده است. ۱۴۳- پایین دیوار و آنچه به پایین دیوار بماند از سیمان یا ساروج و امثال آن برای استجکام دیوار. ۱۴۴- به آجر لعاب دار ساده یا نقاشی شد کاشی می گویند، کاشی گرهی نوعی کاشی است که در تزیینات ساختمان به کار می رود. ۱۴۵- گنجینه آثار قم، ج ۲، ص ۶۷۳ تا ۶۷۵. ۱۴۶- محوطه درون سرای - دربار شاه - جلو در خانه. ۱۴۷- سید حسین مدرسی طباطبایی، تربت پاکان، ج ۲، ص ۱۱۵. ۱۴۸- کتاب قم، ص ۳۷، سطر ۹ و ۱۰، ص ۲۵۱، سطر ۲ تا ۴. ۱۴۹- همان، ص ۱۰۵، سطر ۱۱ و ۱۲. ۱۵۰- همان، ص ۲۶ سطر ۸-۶، ص ۲۷ سطر ۱۸. ۱۵۱- همان ۱۵۲- همان، ص ۳۶، ۸-۶. ۱۵۳- همان، ص ۲۶ سطر ۲۴. ۱۵۴- همان، ص ۲۱۱ سطر ۱۵. ۱۵۵- ریاض الرضا، ص ۲۱۴. ۱۵۶- تاریخ دارالایمان، ص ۵۱ و ۵۲. ۱۵۷- خلاصه البلدان، ص ۴۳. ۱۵۸- همان، فصل پنجم مطلب پنجم. ۱۵۹- جلد سوم، ص ۱۸۸. ۱۶۰- سفرنامه افضل الملک ص ۸۵. ۱۶۱- الثقص، ص ۲۲۰. ۱۶۲- علی اصغر فقیهی؛ تاریخ مذهبی قم، ص ۱۲۳. ۱۶۳- ناصر الشریعه، تاریخ قم، موسوم به مختار البلاد، ص ۱۶۰. ۱۶۴- گنجینه آثار قم، ج ۲، ص ۶۸۴ تا ۶۸۶. ۱۶۵- تاءلف عباس فیض. ۱۶۶- دیوار ۱۶۷- دیوار، پایه ساختمان - پایه که از سنگ یا آجر ساخته شود. ۱۶۸- به متون قرآنی و یا سایر متونی که روی دیوار نوشته شده و همانند کمربندی دور تا دور کمر یا سینه دیوار کتیبه کمربندی گفته می شود. ۱۶۹- پر کردن یک ناحیه یا سطح مقعر با دو یا چند طبقه ربع گنبدی کوچک که در آن رءس ربع گنبدها در طبقه از طبقه زیر پیش آمده تر است. بین هر ربع گنبد مقعر یک هلال محدب وجود دارد، معمولاً دو پایه هر ربع گنبد روی پایه های هلال خود آن‌ها دورتر از رءس گنبدهای طبقه زیر قرار دارند. در شکل مربع گنبدها تنوع قابل ملاحظه مشاهده می شود که عبارتند از: مربع گنبد ساده، حجراتی که در میانشان سوراخ های ریز دارند و این وسیله ای بود که اجازه می داد اشکال فرم نازکتری به خود بگیرند و حجراتی که طاق های کوچک تونلی در رءس دارند. (معماری اسلامی ایران در دوره ایلخانان، ص

۱۷۰- ۱۷۱- کنار دیوار میان دو مجرای از بیرون سر، بدنه دیوار به طور کامل از آجر و غیر آن که زیر طره باشد بر قسمت بیرون ساختمان. ۱۷۲- کاشی باریک، کوتاه، نازک، این کاشی‌ها معمولاً دور محراب به کار می‌رود. دوال: به کمندهایی که در طرح‌های اسلیمی در قالی و پارچه‌ها و شال‌ها اندازند و آن در اصل نقش پیچ و خم ازدها بوده است. ۱۷۳- سوره ملک (۶۷)، آیه ۱ تا ۷. ۱۷۴- سوره ص (۳۸)، آیه ۵۰. ۱۷۵- سوره توبه (۹)، آیه ۱۸. ۱۷۶- سنگ‌های قبر ۱۷۷- سنگ‌های قبر ۱۷۸- کنگره‌ای که بر سر دیوار از آجر یا کاشی سازند؛ کناره جیزی. ۱۷۹- سوره توبه (۹)، آیه ۱۰۸. ۱۸۰- سه گوش، مثلث شکل، پارچه یا نقشی به صورت مثلث متساوی الاضلاع. ۱۸۱- از طرح‌های قراردادی هنرهای تزئینی ایران و آن چهار گوشه پیچ و خم دارا است که در وسط آن برگ‌هایی طراحی شده است. ۱۸۲- تزئین شده، زینت داده شده. ۱۸۳- دربرگیرنده. ۱۸۴- سوره مؤمنون (۱۸)، آیه ۱. ۱۸۵- گنجینه آثار قم، ج ۲، ص ۶۷۲ تا ۶۷۶. ۱۸۶- منظور پایگاه محمد رسول الله است که پس از شروع جنگ تحمیلی در این مسجد مستقر شده و هم اکنون دارای فعالیت‌های مختلفی می‌باشد. ۱۸۷- منظور سالن مطالعه و کتابخانه حضرت بقیه الله الاعظم (عج) می‌باشد که به همت جوانان پرشور و با هدف جذب جوانان و مقابله به استعمار فرهنگی، به فعالیت‌هایی در زمینه‌های درسی و آموزشی و مذهبی اقدام نمود.

۱۸۸ تا ۲۷۹

۱۸۸- منظور حجه الاسلام والمسلمین حاج آقا سید مهدی صفی، امام جماعت کنونی این مسجد است که ایشان از نظر سیادت و بزرگواری و کمک به دیگران شهرت به سزایی دارد. ۱۸۹- از اشعار جناب آقای محمد حیاتبخش. ۱۹۰- چهارچوب ۱۹۱- آجری که کامل نیست، آجر کوچک. ۱۹۲- درهم پیچیده (طبقه طبقه) و آویزان. ۱۹۳- نوعی از کاشی را گویند که از تکه‌های ربریز به اشکال گوناگون ساخته می‌شود. ۱۹۴- رنگ‌هایی مانند: سبز، زرد طلایی، قهوه‌ای بادمجانی، آبی روشن، آبی سیر، و... لازم به ذکر است که مرکز کاشی‌کاری و کاشی‌سازی، اصفهان، یزد و کرمان بوده است. مایه گرفتن از دو رنگ آبی روشن و سیر نه تنها در قرن چهاردهم بلکه در تمام دوره تیموری و اوایل دوره صفوی رواج بیشتر داشت. (معماری اسلامی ایران در دوره ایلخانان، ص ۹۱) ۱۹۵- از طرح‌های اساسی و قراردادی هنرهای تزئینی ایران، مرکب از پیچ و خم‌های متعدد که انواع مختلف آن، با شباهت به عناصر طبیعت مشخص می‌گردد و نیز به معنی نوعی خط در قدیم اطلاق می‌گردد. ۱۹۶- ازدها - در افسانه‌های باستانی نام مار بزرگی بوده است. ۱۹۷- سوره ذاریات (۵۱)، آیه ۵۶. ۱۹۸- سوره یوسف (۱۲)، آیه ۶۴. ۱۹۹- سوره صافات (۳۷)، آیه ۱۸۰ تا ۱۸۲. ۲۰۰- به رنگ فیروزه که آبی آسمانی است. ۲۰۱- روستایی بین کاشان و نراق، امامزاده سلطان علی پسر امام محمد باقر علیه السلام. ۲۰۲- سوره نور (۲۴)، آیه ۳۵. ۲۰۳- نام یک قسم خط از شش خطی که ابن مقله اختراع کرده است. ۲۰۴- پهلو و چیزی که لبه آن گرد باشد و تیزی نداشته باشد. ۲۰۵- کوه مانند. ۲۰۶- پاتاق: مهم‌ترین طرح و شکل معماری قبل از اسلام ایران در دوره ساسانیان و معماری دوره اسلامی، ساختن گنبد روی طاق مربع شکل است. قراردادن پایه مدور گنبد روی چهار ضلع دیوار طاق یک مسأله عمده ساختمانی بود. ایرانی‌ها راه حل ساده‌ای برای این مسأله پیدا کردند و قرن‌ها آن را به کار بردند. این راه حل عبارت بود از پاتاق که به عنوان شکل اصلی ناحیه برزخ بین مکعب و گنبد مورد استفاده قرار گرفت. در داخل طاق گنبد طاق‌های مورب در فاصله بین دو دیوار کنار طاق قرار گرفت. در داخل زاویه گوشه طاق ساخته می‌شده پس از ساختن چهار طاق از این قسم طاق‌ها، وزن گنبد که در بالای آن‌ها ساخته می‌شد بین هشت ناحیه در امتداد دیوارهای طاق تقسیم می‌گردید. هشت ناحیه میانه در امتداد این دیوارها، وزن زیادی تحمل نمی‌کردند و فرصت زیادی برای استفاده تزئینی می‌دادند. این نواحی نقطه وسط هر دیوار و ناحیه بین طاق‌ها بود. در نقاط وسط اغلب پنجره ساخته می‌شد. پاتاق‌ها یا نواحی داخل زاویه طاق‌ها ممکن بود به عنوان پیش‌آمدگی آویزان محسوب شده و با بنای کروی یا مثلث شکل با به

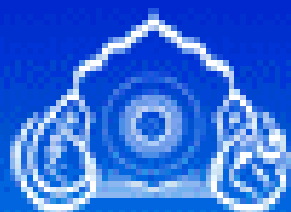
شکل شعبه ساختمانی در آید؛ ولی سازندگان توجه بیشتری به نقش تزئینی آن‌ها داشتند. (معماری اسلامی ایران در دوره ایلخانان، ص ۷۸) ۲۰۷- عرقچین، کلاهی بوده که معمولا در قدیم بر سر می گذاشتند و در این جا منظور این است که طرز ساخته این گونه ساختمان‌ها، مانند عرقچینی بوده است. ۲۰۸- سوره جمعه، آیه ۹ تا ۱۱. ۲۰۹- عباس فیض، گنجینه آثار قم، ج ۲، ص ۴۷۳ تا ۴۸۳، با اندکی ویرایش در متن. ۲۱۰- متن آیه و توضیحات بیشتر در قسمت ایوان مجلل و باشکوه آمده است. ۲۱۱- ناصر الشریعه، ص ۱۶. ۲۱۲- راهنمای قم، نشریه آستانه مقدسه فاطمیه، ص ۱۳۴ و لغت نامه دهخدا، ص ۴۶۵. ۲۱۳- تاءلیف مرحوم مغفور علی اکبر فیض، باب چهارم، فصل اول. ۲۱۴- گنجینه آثار قم، ج ۳، ص ۴۶۱. ۲۱۵- علی اصغر فقیهی، تاریخ مذهبی قم، ص ۱۱۹. ۲۱۶- سید حسین مدرسی طباطبایی، تربت پاکان، ج ۲، ص ۱۰۹. ۲۱۷- ص ۱۸۶. ۲۱۸- تاءلیف محمد تقی بیگ ارباب، ص ۵۱. ۲۱۹- در کشور مصر قرار دارد. ۲۲۰- محمد حسین طباطبایی، تبصره المسافرین، نسخه ۱۴، ص ۲۳، سطر ۱۵. ۲۲۱- تاءلیف قزوینی رازینی، عبدالجلیل؛ ص ۱۶۳. ۲۲۲- تاءلیف عباس فیض. ۲۲۳- ص ۷۲. ۲۲۴- ص ۴۹ و ۵۰. ۲۲۵- ص ۱۱۹. ۲۲۶- ج ۲، ص ۴۶۴. ۲۲۷- ص ۱۱۷. ۲۲۸- تاریخ قم، ص ۳۸. ۲۲۹- تاریخ قم، ص ۲۶. ۲۳۰- حسن بن محمد بن حسن قمی، تاریخ قم، ص ۳۷. ۲۳۱- سر حد زمین دشمن. ۲۳۲- قدیمی ۲۳۳- ص ۱۱۸. ۲۳۴- ص ۱۲۱ و ۱۲۲. ۲۳۵- عبدالجلیل رازی، النقص، ص ۱۶۳. ۲۳۶- تاءلیف علی اصغر فقیهی. ۲۳۷- تاءلیف حسن بن محمد بن حسن قمی. ۲۳۸- هنگام تاءلیف کتاب، سال ۱۴۱۸ هجری قمری. ۲۳۹- بدگویی کردن. ۲۴۰- عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۱۴۲. ۲۴۱- معجم الادبا، ج ۴، ص ۱۴۹. ۲۴۲- علی اصغر فقیهی، تاریخ مذهبی قم، ص ۷۱، روضات الجنات، ج ۳، ص ۳۱۱. ۲۴۳- حسسن مدرسی طباطبایی: تربت پاکان، ج ۲، ص ۱۲۷. ۲۴۴- قسمت اعلاهی هر چیز، راءس. ۲۴۵- حسین مدرسی طباطبایی، تربت پاکان، ج ۲، ص ۱۴۹. ۲۴۶- قسمت‌های پوشیده شده، مانند شبستان‌ها. ۲۴۷- علی اصغر فقیهی، تاریخ مذهبی قم، ص ۲۱۶ و ۲۱۷. ۲۴۸- در مباحث آینده به یک مورد اشاره خواهیم کرد. ۲۴۹- ص ۲۱۹. ۲۵۰- ص ۲۵۱. ۲۵۲- البته این حکایت در کتاب‌های دیگری همچون تاریخ قم، تاءلیف ناصر الشریعه، ص ۱۶۳، نیز بیان گردیده است. تاریخ قم تاءلیف حسن بن محمد بن حسن قمی شامل بیست باب بوده است که اکنون ۱۵ باب آن موجود نیست و تنها ۵ باب از آن کتاب باقی است. بیان داستان جمکران در این ۵ باب موجود نیست و شاید در ۱۵ باب دیگر این کتاب بوده است. ۲۵۲- ص ۲۹۷، انتشارات مسجد جمکران. ۲۵۳- سیاه و سفید. ۲۵۴- البته در کتاب کریمه اهل بیت از جنه‌الماوی نقل کرده که هفت روز یا هفتاد روز در این مکان اقامت کن. ۲۵۵- فیض برنده، طالب فیض. ۲۵۶- شعر از مرحوم محمود خان تندری (شیوا) ملقب به صمصام. ۲۵۷- در اصطلاح به معنای محل تولد است. ۲۵۸- زیرک ۲۵۹- از جا برخیز. ۲۶۰- پیراهن ۲۶۱- شلوار ۲۶۲- این لباس از تو نیست، ازار خود را بپوش. ۲۶۳- صاف ۲۶۴- میخ ۲۶۵- یقین کردن. ۲۶۶- فرومایه ناکس. ۲۶۷- بحر خفیف: نوعی شعر که درک آن برای شنونده آسان باشد. ۲۶۸- علی اکبر مهدی پور ۲۶۹- پافشاری ۲۷۰- آشکار ۲۷۱- تلخیص و به نقل از: محمد رازی؛ مجاهد شهید، آیه الله حاج شیخ محمد تقی بافقی. ۲۷۲- البته احکام آن در کتاب‌ها فقهی آمده است. ۲۷۳- واحد تحقیقا مسجد مقدس جمکران، اعتکاف، ص ۳۵ تا ۳۷. ۲۷۴- کنز العمال، ج ۸، ص ۲۴۰۷. ۲۷۵- کشف الاسرار، ج ۱، ص ۵۰۶. ۲۷۶- برگرفته از کتاب اعتکاف، واحد تحقیقات مسجد مقدس جمکران، ص ۲۶ و ۲۷. ۲۷۷- داوود صمدی آملی، جزوه اعتکاف راهی به سوی ملکوت، ص ۸. ۲۷۸- سید مهدی صحفی، زندگانی حضرت معصومه علیها السلام و تاریخ قم، ص ۷۴. ۲۷۹- سوره فتح (۴۸)، آیه ۱۰.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱) با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که

امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹ بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند. مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است. اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید. از جمله فعالیت های گسترده مرکز: الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ... د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای و راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴) ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ... ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ... ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه و فائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶ وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۱۱) (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵ (۰۳۱۱) نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایند انشاءالله. شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۱۹۷۳-۳۰۴۵ و شماره حساب شبا: ۵۳-۰۶۰۹-۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۱۸۰-۰۱ IR۹۰- به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید ارزش کار فکری و عقیدتی الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام :-

هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبتِ ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریکِ کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید». التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می‌دارد و با حجت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟». [سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد». مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

